

ظہور نور

ترجمہ امی از کتاب:

الشموس المصیبة

تألیف: علی سعادت پرور
مترجم: سید محمد جواد وزیری فرد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تحقیقی نو و مستند پیرامون وقایع
دورۂ غیبت و ایام ظهور و رجعت

ظہور نور

ترجمہ کتاب
الشموس المضيئہ

تألیف
استاد حاج شیخ علی سعادت پرور

مترجم
سید محمد جواد وزیری فرد

سعادت پرور، علی. ۱۳۰۵ -
ظهور نور: ترجمه الشمس المضيئه / تالیف علی
سعادت پرور؛ مترجم جواد وزیری فرد. - تهران:
احیاء کتاب. ۱۳۷۹.
۲۶۳ ص.

ISBN 964-5844-55-x: ۱۳۰۰۰ ریال

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
بالای عنوان: تحقیقی نو و مستند پیرامون
وقایع دوره غیبت و ایام ظهور و رجعت.
عنوان اصلی: الشمس المضيئه فی الغیبه و
الظهور و الرجعه.
کتابنامه به صورت زیر نویس.

۱. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. -
۲. مهدویت -- احادیث، ۳. مهدویت -- انتظار.
۴. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. -
-- غیبت. الف. وزیری فرد. محمد جواد، مترجم.
ب. عنوان. ج. عنوان: ظهور نو: پژوهشی نو و مستند
پیرامون وقایع دوره غیبت و ایام ظهور و رجعت.

۲۹۷/۹۵۹

BP۵۱/ش۶۸۰۴۱
۱۳۷۹

۲۳۴۳۶-۷۹م

کتابخانه ملی ایران
محل نگهداری:



شرکت انتشارات احیاء کتاب

نشانی ناشر: تهران، خیابان بیستون، خیابان بیستم، شماره ۱۱، تلفن: ۸۰۲۲۱۰۲

۸۰۲۲۱۰۵

مرکز پخش: کتاب رسان- تهران، خیابان جمالزاده جنوبی، کوی دانشور، ساختمان ۳۶

طبقه اول، واحد ۴، تلفن: ۹۲۱۹۵۷

ظهور نور

(الشمس المضيئه)

تألیف: علی سعادت پرور

ترجمه: سید محمد جواد وزیری فرد

چاپ سوم: ۳۰۰۰ نسخه، ۱۳۸۱

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: مجتمع چاپ و نشر رویداد،

تلفن: ۰۲۲۹۴۲۲۴۵۴۶

بهاء: ۱۳۰۰۰ ریال

ISBN: 964 - 5844 - 55 - X

شابک: X-۵۵-۵۸۴۴-۹۶۴

© کلیه حقوق جهت ناشر محفوظ است.

فهرست مطالب

مقدمه مترجم	۱۷
یادآوری و هشدار	۲۳
مقدمه مؤلف	۲۷

باب اول

مسائل مربوط به پیش از غیبت صغریٰ

۱ - ۱ : ضرورت وجود حجت خدا در زمین در تمام زمانها	۳۱
آیات قرآن	۳۱
روایات	۳۱
گفتار ما	۳۳
۲ - ۱ : تولّد و بعضی از ویژگیها و اموری که امام زمان علیه السلام بعد از ظهور انجام می دهد	۳۶
روایات	۳۶
گفتار ما	۴۵

- ۳- ۱: خبر ولادت امام زمان علیه السلام پیش از تولدش ۴۷
- روایات ۴۷
- گفتار ما ۴۹
- ۴- ۱: سال، ماه، روز و ساعت ولادت امام زمان علیه السلام ۵۱
- روایات ۵۱
- گفتار ما ۵۳
- ۵- ۱: نام‌های امام زمان علیه السلام ۵۳
- روایات ۵۳
- گفتار ما ۵۴
- ۶- ۱: کسانی که آن حضرت را در خردسالی دیده‌اند ۵۵
- روایات ۵۵
- گفتار ما ۵۶
- ۷- ۱: علت مخفی بودن ولادت صاحب الامر علیه السلام ۵۷
- روایات ۵۷
- گفتار ما ۵۸
- ۸- ۱: امامت آن حضرت ۵۹
- روایات ۵۹
- گفتار ما ۶۱
- ۹- ۱: سن حضرت مهدی علیه السلام در آغاز امامت ۶۲
- روایات ۶۲
- گفتار ما ۶۳
- ۱۰- ۱: گستره علم امام زمان علیه السلام ۶۴
- آیات ۶۴
- روایات ۶۴

گفتار ما	۶۶
۱۱ - ۱: سیما و قامت حضرت مهدی علیه السلام	۶۷
روایات	۶۷
گفتار ما	۶۸
۱۲ - ۱: اسامی، القاب و کنیه‌های آن حضرت علیه السلام	۶۹
روایات	۶۹
گفتار ما	۷۱
۱۳ - ۱: معنی نامها، کنیه‌ها و لقبهای آن حضرت علیه السلام	۷۱
روایات	۷۱
گفتار ما	۷۴
۱۴ - ۱: حال منکران امام زمان علیه السلام و ظهورش	۷۴
روایات	۷۴
گفتار ما	۷۶
۱۵ - ۱: علت انکار منکرین آن حضرت و ظهورش	۷۶
روایات	۷۶
گفتار ما	۷۷
۱۶ - ۱: فضیلت انتظار فرج در دوران غیبت امام مهدی علیه السلام	۷۸
روایات	۷۸
گفتار ما	۸۱

باب دوم

غیبت صغری و کبری تا زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام

۱ - ۲: غیبت صغری، نَوّاب اربعه، غیبت کبری	۸۳
روایات	۸۳

- گفتار ما ۸۵
- ۲ - ۲: علت غیبت و طولانی شدن آن ۸۶
- روایات ۸۶
- گفتار ما ۹۰
- ۳ - ۲: وضع شیعه و دیگران در دوران غیبت ۹۱
- روایات ۹۱
- گفتار ما ۹۹
- ۴ - ۲: وظائف شیعه در دوره غیبت ۱۰۰
- روایات ۱۰۰
- گفتار ما ۱۰۳
- ۵ - ۲: پاداش ثابت قدمات بر اعتقاد به حضرت مهدی علیه السلام ۱۰۵
- روایات ۱۰۵
- گفتار ما ۱۰۷
- ۶ - ۲: حکم تقیه و حدود آن، در دوره غیبت ۱۰۸
- روایات ۱۰۸
- گفتار ما ۱۱۲
- ۷ - ۲: امکان دیدار حضرت مهدی علیه السلام در دوره غیبت کبری ۱۱۴
- روایات ۱۱۴
- گفتار ما ۱۱۵
- ۸ - ۲: جواز نام بردن از حضرت مهدی علیه السلام در دوره غیبت ۱۱۶
- روایات ۱۱۶
- گفتار ما ۱۱۸
- ۹ - ۲: وجود امام غایب علیه السلام نعمتی در دسترس ۱۱۹
- روایات ۱۱۹

گفتار ما.....	۱۲۰
۱۰ - ۲: خانه و خانواده امام مهدی علیه السلام	۱۲۱
روایات.....	۱۲۱
گفتار ما.....	۱۲۲
۱۱ - ۲: حوادث دوره غیبت.....	۱۲۴
الف - حوادث جاری غیر حتمی در مورد قرآن و سنت و اسلام.....	۱۲۴
روایات.....	۱۲۴
گفتار ما.....	۱۲۵
ب - حوادث و گرفتاریهای غیر حتمی مسلمانان در دوره غیبت.....	۱۲۵
روایات.....	۱۲۵
گفتار ما.....	۱۲۷
ج - وقایع غیر حتمی که از ناحیه طرفداران باطل اتفاق می افتد.....	۱۲۷
روایات.....	۱۲۷
گفتار ما.....	۱۲۹
د - حوادث جوّی، زمینی و زمانی غیر حتمی نزدیک زمان ظهور.....	۱۳۰
روایات.....	۱۳۰
گفتار ما.....	۱۳۳
هـ - امور حتمی در روایات.....	۱۳۴
روایات.....	۱۳۴
گفتار ما.....	۱۳۶
۱۲ - ۲: ویژگیهای حسنی، یمانی، سفیانی، و دجال.....	۱۳۶
الف - حسنی.....	۱۳۶
روایات.....	۱۳۶

گفتار ما.....	۱۳۸
ب - یمانی.....	۱۳۸
روایات.....	۱۳۸
ج - سفیانی.....	۱۳۸
روایات.....	۱۳۸
گفتار ما.....	۱۴۲
د - دجال.....	۱۴۲
روایات.....	۱۴۲
گفتار ما.....	۱۴۳

باب سوم

وقایع زمان ظهور تا زمان رجعت

۱ - ۳: آیا وقت ظهور معلوم است؟.....	۱۴۵
روایات.....	۱۴۵
گفتار ما.....	۱۴۸
۲ - ۳: نشانه‌های زمان ظهور امام زمان (عج).....	۱۴۹
روایات.....	۱۴۹
گفتار ما.....	۱۵۲
۳ - ۳: سیرقهای باطل در هنگام ظهور، و مشخصات پرچم حق حضرت مهدی (عج).....	۱۵۲
روایات.....	۱۵۲
گفتار ما.....	۱۵۴
۴ - ۳: ظهور امام زمان (عج) از ایام الله، و نحوه خروج و چگونگی علم آن حضرت به وقت قیام.....	۱۵۴

روایات	۱۵۴
گفتار ما	۱۵۷
۵ - ۳: ویژگی‌های جانشین پیامبر ﷺ به طور عموم، و ویژگی‌های خاص	
حضرت حجت علیّه	۱۵۷
روایات	۱۵۷
گفتار ما	۱۶۰
۶ - ۳: جریان سنت‌های پیامبران علیهم‌السلام به ویژه رسول اکرم ﷺ در باره حضرت	
مهدی علیّه	۱۶۰
روایات	۱۶۰
گفتار ما	۱۶۲
۷ - ۳: حضرت مهدی علیّه، وارث آثار و میراث همه پیامبران علیهم‌السلام	۱۶۳
روایات	۱۶۳
گفتار ما	۱۶۶
۸ - ۳: محلّ ظهور و دعوت امام زمان علیّه	۱۶۶
روایات	۱۶۶
گفتار ما	۱۶۸
۹ - ۳: بیعت کنندگان با امام مهدی علیّه و اصحاب و یاری کنندگان آن حضرت	۱۶۹
روایات	۱۶۹
گفتار ما	۱۷۳
۱۰ - ۳: ویژگی‌های یاران امام قائم علیّه	۱۷۴
روایات	۱۷۴
گفتار ما	۱۷۷
۱۱ - ۳: اجر یاوران امام قائم علیّه	۱۷۸
روایات	۱۷۸
گفتار ما	۱۸۰

۱۲ - ۳: جنگ کنندگان با حضرت مهدی علیه السلام و کثرت کشتارهای آن حضرت ۱۸۰

روایات ۱۸۰

گفتار ما ۱۸۲

۱۳ - ۳: قبیله‌ها و کافرانی که به دست آن حضرت کشته می‌شوند و نحوه رفتار امام علیه السلام با

آنان ۱۸۲

روایات ۱۸۲

گفتار ما ۱۸۵

۱۴ - ۳: سلاح و ادوات جنگی حضرت مهدی علیه السلام ۱۸۵

روایات ۱۸۵

گفتار ما ۱۸۶

۱۵ - ۳: وضع کفر و شرک و شیطان پس از قیام حضرت مهدی علیه السلام ۱۸۷

آیات قرآن ۱۸۷

روایات ۱۸۷

گفتار ما ۱۹۳

۱۶ - ۳: محل حکومت و سکونت حضرت حجت علیه السلام ۱۹۴

روایات ۱۹۴

گفتار ما ۱۹۷

۱۷ - ۳: روش و سیره امام مهدی علیه السلام بعد از ظهور و مقایسه آن با صدر اسلام و

دوره غیبت ۱۹۸

روایات ۱۹۸

گفتار ما ۲۰۳

۱۸ - ۳: حال مؤمنان (زنده و مرده) و فرشتگان و وظایف مؤمن در زمان ظهور

حضرت حجت علیه السلام ۲۰۶

روایات ۲۰۶

گفتار ما ۲۰۸

۱۹ - ۳: وضع زمین و آسمان و جوّ در دوران ظهور مبارک حضرت حجّت علیّه السلام	۲۱۰
روایات	۲۱۰
گفتار ما	۲۱۲
۲۰ - ۳: نزول حضرت عیسیٰ علیّه السلام برای یاری قائم آل محمد علیّه السلام و اقتدا به	
آن حضرت	۲۱۳
روایات	۲۱۳
گفتار ما	۲۱۴
۲۱ - ۳: مدّت عمر و حکومت امام زمان علیّه السلام بعد از ظهور، و تعیین کسی که غسل و کفن و	
دفن آن حضرت را به عهده می‌گیرد	۲۱۵
روایات	۲۱۵
گفتار ما	۲۱۸

باب چهارم

رجعت

۱ - ۴: تخلّف ناپذیر بودن رجعت بعد از ظهور حضرت مهدی علیّه السلام	۲۱۹
روایات	۲۱۹
گفتار ما	۲۲۰
۲ - ۴: رجعت پیامبران و امامان دوازده گانه شیعه علیهم السلام	۲۲۳
روایات	۲۲۳
گفتار ما	۲۲۹
۳ - ۴: اولین امامی که رجعت می‌کند	۲۳۰
روایات	۲۳۰
گفتار ما	۲۳۲

- ۴ - ۴: رجعت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و تعداد دفعات رجعت آن حضرت ۲۳۲
- روایات ۲۳۲
- گفتار ما ۲۳۵
- ۴ - ۵: امیرالمؤمنین (علیه السلام) دآبۀ الارض و دآبۀ الله ۲۳۷
- روایات ۲۳۷
- گفتار ما ۲۴۰
- ۴ - ۶: مدّت عمر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه (علیهم السلام) بعد از رجعتشان ۲۴۰
- روایات ۲۴۰
- گفتار ما ۲۴۲
- ۴ - ۷: رجعت عموم شیعه و خواصّ آنها و بعضی از امتهای پیشین ۲۴۳
- روایات ۲۴۳
- گفتار ما ۲۴۶
- ۴ - ۸: مؤمنان و کافران رجعت کننده ۲۴۶
- روایات ۲۴۶
- گفتار ما ۲۴۹
- ۴ - ۹: علت رجعت پیامبران و اولیاء و اشقیاء و کفار ۲۵۰
- آیات قرآن ۲۵۰
- روایات ۲۵۱
- گفتار ما ۲۵۴
- یک نکته ۲۵۴
- ۱۰ - ۴: چگونگی رجعت، ویژگی‌های رجعت کنندگان، رجعت خانواده رجعت کنندگان، رجعت زنان کافر و مؤمن و پایان رجعت ۲۵۵
- الف - چگونگی رجعت مؤمنان ناب و کافران خالص ۲۵۵
- روایات ۲۵۵

گفتار ما.....	۲۵۵
ب - رجعت خانواده‌های مؤمنان ناب و کافران خالص، و رجعت زنان.....	۲۵۶
کافران و مؤمنان ناب.....	۲۵۶
روایات.....	۲۵۶
گفتار ما.....	۲۵۷
ج - در پایان رجعت چه اتفاق می‌افتد؟.....	۲۵۷

فاتمه کتاب

مدیثی از امیر المؤمنین علیه السلام، پاسخگوی مشکلات غیبت و رجعت

ترجمه متن روایت.....	۲۵۹
گفتار ما.....	۲۶۲

مقدمه مترجم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

متدینین به ادیان الهی، عموماً، به ظهور انسان بلند مرتبه و جلیل القدری که نابسامانیهای بشر را به سامان رساند و عدل و داد را در روی زمین، برقرار نماید و بینی ستمگران را به خاک ذلت بمالد، امیدوار و معتقد هستند، و از فرقه‌های بی‌بته و گروه‌های مضمحل شده که بگذریم، علی‌رغم اختلافی که در نام، خصوصیات و نسب آن مصلح وجود دارد، اصل این امید و اعتقاد، در بین همه مشترک و از عمق و گسترش چشمگیری برخوردار است.

طبیعی است که چنین اعتقاد عمیق، ریشه‌دار و گسترده‌ای که با اساس و پایه‌های زندگی بشر در تماس بوده و در اندیشه و نحوه رفتار دینی، سیاسی و اجتماعی انسان تأثیر جدی دارد، سوالات متنوع و متعددی را با خود همراه داشته باشد و معتقدان به آن، با عشق و علاقه وافر، به دنبال یافتن پاسخها و رفع ابهامات از مسائل مختلف مربوط به این موضوع باشند.

در بین معتقدان به امام زمان علیه السلام، طیف گسترده‌ای از اعتقادات، از اوج افراط گرفته تا غایت تفریط، به چشم می‌خورد؛ به خصوص در باره دیدن چهره مبارک آن حضرت یا ممکن نبودن زیارت ایشان، نحوه رفتار سیاسی مناسب با ظهور حضرت، محل اقامت حضرت، جایی که بتوان دستی به دامنش رساند، و در خصوص

مسائلی از این قبیل، شاید چیزی در حدود تعداد معتقدان به آن حضرت، اعتقادات گوناگون، و نیز انواع مختلفی از امید و آرزو وجود داشته باشد.

کتابهای مختلف و فراوانی، چه در اصل مسأله مهدویت و چه راجع به مسائل مربوط به آن، نوشته شده است که هر کدام با دیدگاهی خاص خود، قضیه را دنبال نموده و در صدد بالا زدن پرده‌ای از پرده‌های روی حقیقت، برآمده است، اما نه تنها کتابهای موجود، بلکه حتی تمام کتابهایی که تا ظهور آن حضرت نوشته شوند نخواهند توانست تمام ابعاد قضیه‌ای را که بخش اصلی آن به اراده خداوند، پنهان است، روشن کنند و فقط نور ظهور، قادر خواهد بود همه ابهامات را از میان بردارد. با این همه، پیگیری صحیح و جدی مسائل اصولی و سؤالات راهگشا، کاری بس ضروری است و برای رسیدن به توضیحات روشنگر و پاسخهای نزدیک به حقیقت، به هیچ نوع تلاشی نباید بسنده کرد و نباید مسأله را تمام شده تلقی نمود. اما آنچه در این مسیر و در این تلاشها، حتی برای لحظه‌ای، نباید مورد غفلت واقع شود این است که چون اصل قضیه، به اراده پروردگار، از دید و دسترس مردم پنهان است و از همین رو قرار بر این نبوده است که همه چیز، به وضوح و بی پرده برای مردم آشکار باشد، بنابراین برای کسب اطلاعات صحیح، باید به سراغ منابعی که از غیب نازل شده‌اند یا با غیب مرتبط هستند، رفت و از ساحت عصمت اولیاء علیهم السلام و علم الهی که نزد آنان به ودیعه گذاشته شده است مدد جست و از خیالبافی، داستانسرایی، قیاسهای بیمورد و خوشامدها و استحسانات، جداً پرهیز نمود.

البته معلوم است که استفاده تحقیقی از این منابع، به نوبه خود، کاری فنی است که علاوه بر آشنایی با آنها، به انس و ممارست با قرآن و سنت و کسب بینش لازم و مناسب برای دریافت مخ مطلب از لابلای آنها، و از همه مهمتر به عنایت خاص الهی نیازمند است.

کتاب شریف «الشُّمُوسُ الْمُضِیَّةُ فِی الْغِیْبَةِ وَالظُّهُورِ وَ الرَّجْعَةِ» - کتاب حاضر

برگردان آن کتاب از عربی به فارسی است - در چهار باب:

الف - مسائل مربوط به قبل از غیبت صغری

ب - مسائل مربوط به غیبت صغری و کبری تا زمان ظهور

ج - اتفاقات زمان ظهور

د - رجعت

تنظیم شده است که هر باب دارای فصلهای متعددی است و به آنچه لازم است که یک انسان معتقد به حضرت مهدی علیه السلام، در باره موضوع بداند، پرداخته است و با استفاده از آیات و روایات، در رفع مشکلات و حل پیچیدگیهای موضوع، تلاش نموده است.

از خصوصیات کتاب، این است که مؤلف محترم، با اعتقاد به نورانیت کلام امامان معصوم علیهم السلام و عین حق و صدق بودن آنها و شارح و بیانگر آیات قرآن بودن آنها، و به دور از اظهار نظرهای بی پایه شخصی، و عاری از کمترین ادعاها، مجموعه‌ای از آیات و روایات را گردآوری و در فصول مربوط به هر باب، دسته‌بندی نموده است و با این کار، مشکل بزرگ مراجعه به انبوه روایات متفرق را آسان کرده است.

برای کسانی که با تفسیر و تأویل آیات قرآن آشنایی ندارند و صحیح و سقیم روایات را نمی‌شناسند و به خاطر اشراف نداشتن بر حقایقی که در طول زمان آشکار می‌شوند از فهم احادیث معصومین عاجزند، یا به علت برخورداری از منش انکار، و نداشتن سر تسلیم به حقیقت، یا دارا بودن روحیه تنسک و تعبد محض و بی‌بهره بودن از دین فهمی، از مجموعه‌ای از آیات و روایات پراکنده طرفی نمی‌بندند، صرف مراجعه به روایات، دردی را دوا نمی‌کند، به ویژه آنکه، گوناگونی در تعبیر و اختلاف در مفهوم، در میان روایات، بسیار زیاد است و برای افراد غیر بصیر یا تازه کار، گیجی و سردرگمی به دنبال دارد.

هنر و ویژگی اصلی کتاب، توجه به این مسأله مهم، و اقدامی بدیع برای استفاده

مناسب از آیات قرآن و روایات امامان معصوم علیهم السلام است.

برخورد ناشیانه - والبتہ بی غرض - با روایات، یا موجب خواهد شد که مجموعه‌ای از اطلاعات مختلف و مغایر با یکدیگر را، فقط به خاطر تعبد به روایت - عیناً بپذیریم و به باقی ماندن ابهامات، رضایت دهیم، یا سبب خواهد شد که برای راحت کردن خیال خودمان، از مجموعه عظیمی از روایات، که اکثریت قریب به اتفاق آنها به نحو صحیح و قابل قبول از امام معصوم نقل شده‌اند، دست بشویم و معلوم است که هیچکدام از این دو راه، منطقی نیست و به رسیدن به حقیقت منجر نمی‌شود.

توجه به خصوصیات دوره‌های مختلف زندگی حضرت مهدی علیه السلام و لوازم آن، فهم معنی ولایت ائمه علیهم السلام، اعتقاد به آن و دخالت دادن آن دربرداشت صحیح از روایات، درک حقیقت ظهور و رجعت و قیامت و مراجعه عالمانه به روایات آنها و استفاده از روایاتی که آیات قرآن کریم را توضیح داده و تأویل آنها را بیان کرده است، زمینه جمع بین روایات را فراهم ساخته است، یعنی کاری که فقط در مباحث فقه و اصول، برای رسیدن به واقع یا فهم تکلیف ظاهری، رایج بوده و در بقیه زمینه‌ها مورد غفلت واقع شده است، در این کتاب انجام شده و با عرضه روایات بر یکدیگر و نیز بر آیات قرآن کریم، تا جایی که ممکن بوده، بین روایات، جمع صورت گرفته است و از این رهگذر، گره‌هایی از روایات گشوده شده و به سؤالات زیادی پاسخ داده شده است.

رجعت، به جای آنکه با زمینه چینی مناسب و استدلال عقلی و بازگشت به مسأله قدرت پروردگار، لا اقل در بوته احتمال و امکان گذاشته شود، معمولاً با تعجب و انکار و استبعاد تلقی شده و بدون هیچ دلیل منطقی، ناممکن شمرده شده، یا علی‌رغم کثرت ذکر آن در متون روایی، از سوی منصف‌ترها، به وادی سکوت سپرده شده است.

گذشته از اصل مسأله رجعت، که هیچ دلیل عقلی بر رد آن وجود ندارد، و

به عکس با همان ادله عقلی باید آن را کاملاً ممکن و محتمل شمرد، در توضیح جزئیات آن هیچ جایی برای میداننداری عقل نیست و کمیت استدلالات عقلی در آن کاملاً لنگ است، و چنین است که در این زمینه فقط باید به روایات تمسک جست و از تفسیر روایی آیاتی که با رجعت رابطه دارند و از تأویلات معصومین علیهم السلام، استفاده کرد و این همان کاری است که به علاوه هنر جمع روایات، در باب چهارم کتاب «الشموس المضيئه» صورت گرفته است تا خواننده را از گرفتاری در دام استبعاد و انکار رهاانیده و به سوی فهم موضوع و درک اطلاعات درست، رهنمون شود. ضمن آنکه استفاده بجا از افاضات نورانی حضرت علامه طباطبائی رضوان الله علیه - که اوج درک و فهم دقیق از آیات و روایات را به نمایش گذاشته - به مطالب باب رجعت، لطافت و استحکام خاصی بخشیده است.

از سوی دیگر، مطالب فصلهای متعددی از کتاب، غیر مستقیم، خواننده را به نیازها و وظایف فکری و عملی انسان در رابطه با امام زمان علیه السلام و بهره‌برداری بهتر از این اعتقاد، توجه می‌دهد که به نظر مترجم، شاید در بین کتابهایی که در موضوع مهدویت و امام زمان علیه السلام نوشته شده است، از این نظر، منحصر به فرد باشد.

مطالبی چون:

- الف - توجه دائمی به اصل وجود حضرت مهدی علیه السلام.
- ب - توجه دائمی به مقام نورانیت و ولایت آن حضرت.
- ج - توجه به غیبت ولی خدا.
- د - توجه به حالات ایشان در غیبت.
- ه - توجه به احاطه علمی ایشان به ما و افکار و اعمالمان در هر حال.
- و - یقین به ظهور آن حضرت و امید به درک ظهور.
- ز - تلاش و استغاثه برای فرج شخصی قبل از فرج عمومی.
- ح - استغاثه برای تعجیل در فرج عمومی.
- ط - توجه به تحقق فرج شخصی با عنایت آن حضرت، در فرج عمومی.

ی - ترغیب به ورع و زندگی همسو با عدالت.

ک - بیان شبهات در مورد حضرت مهدی و علائم راهنما برای خلاصی از آنها و موارد متعدد دیگر، از جمله مطالب ارزشمندی هستند که اشاره به آنها، در لابلای مطالب عناوین اصلی، روح خواننده را نوازش می دهد.

کتاب «الشموس المضيئه» دارای مطالب و نکات ارزنده بسیار زیادی است که با مطالعه بدون تأمل یا اکتفا به یک بار مطالعه، به تمام آنها نمی توان دست یافت.

کتاب حاضر که برگردان آن کتاب، به زبان فارسی است و «ظهور نور» نام گرفته است، از گرفتاری مشترک همه ترجمه ها - که عدم توانایی در رساندن دقیق معانی بلند متن است - نمی تواند خالی باشد.

هر چند ضمن توجه به رعایت امانت در ترجمه، سعی شده است، تا جایی که امکان داشته، لطافت عبارات متن حفظ شود، اما در عین حال با اعتراف به نقائص و قبول اشتباهات احتمالی، از خوانندگان محترم طلب بخشش نموده و امیدوارم در موارد ضروری، با رجوع به متن، زمختیهای ترجمه را هموار نمایند.

در این جا لازم می دانم، بعد از شکرگزاری به درگاه خداوند متعال که توفیق انجام این کار را عنایت فرمود، از مؤلف معظم، به خاطر اینکه در میان ترجمه های پیشنهاد شده، این قلم را قابل دانسته و اجازه ادامه کار و اتمام ترجمه را مرحمت فرمودند سپاسگزاری کنم و از افراد گرانمایه ای که در تصحیح و مقابله متن با ترجمه، اینجانب را یاری نمودند تشکر نمایم.

سید محمد جواد وزیری فرد

یادآوری و هشدار

خداوند تبارک و تعالی در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ﴾^(۱)

بر کسی پوشیده نیست که دانسته‌های انسان در برابر آنچه نمی‌داند همچون قطره‌ای در برابر دریاست، مگر کسی که توجه خاص پروردگار شامل حالش شده و به مقام خلیفه الهی مورد نظر در آیه: ﴿إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾^(۲) رسیده و مقام ارتضا را که در آیه کریمه: ﴿عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا إِلَّا مَنِ ارْتَضَى مِنْ رَسُولٍ﴾^(۳) به آن اشاره شده درک کرده باشد که در آن صورت خدا از گنجینه‌های دانش و علوم الهی او را بهره‌مند می‌سازد.

برای کسی غیر از انبیاء و اولیاء علیهم‌السلام پسندیده نیست که جز به اندازه اندک و محدود، آنهم فقط در چارچوب نیازمندیهای زندگی مادی و امور عادی، ادعای دانشمندی و چیز فهمی کند، اما در امور غیر عادی و آنچه به فراتر از این عالم و جنبه‌های ناآشکار هستی مربوط است حتی همین مقدار اندک هم بر بیشتر مردم پوشیده است و از همین روست که خداوند سبحان در آیات متعددی از قرآن از

۱ - ذاریات: آیه ۵۵ - آنچه را حق است یادآور شو، یادآوری برای آنان که ایمان آورده‌اند - و سر لجاج ندارند - سودمند است.

۲ - بقره: ۳۰.

۳ - جن: ۲۶.

جمله ﴿ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴾^(۱) و ﴿ أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴾^(۲) بر نادانی و چیز نفهمی اکثر مردم تأکید فرموده است، چنانکه امیرالمؤمنین علیه السلام نیز در وصیتی که به فرزندش امام حسن مجتبی علیه السلام دارد مطالبی می فرماید که همین مضمون را دربر دارد، آن وصیت چنین است: «فرزندم سفارش مرا به درستی دریاب، و بدان که همان خدایی که مرگ در اختیار اوست صاحب اختیار زندگی نیز هست و همان کسی که هستی را آفریده هم او موجودات را می میراند و همان خدایی که به هستی آفریده ها پایان می بخشد هم او دوباره - انسان را - هستی می دهد و بر می گرداند، همان کسی که - به بلا و مصیبت - می آزماید هم او راحت و آسودگی می بخشد، و - بدان که - دنیا شایستگی نداشت که جز به همین شکل که سرشار از نعمت و آزمایش و وعده پاداش در آخرت است یا به هر شکل دیگری که نتیجه خواست و اراده اوست - و تو از آن بی اطلاع هستی - به شکل دیگری آفریده شود، پس بنابراین اگر چیزی به نظرت نادرست آمد، این نادرستی را نتیجه نادانی خودت بدان، زیرا که تو در آغاز آفرینش هیچ دانشی نداشتی و بعداً - به بعضی امور - آگاه شدی، و چقدر نادانیها و سرگردانیهایت در دایره علم و اندیشه بسیار است، و چقدر زیاد است مواردی که بینش نادرستی نسبت به آن داری و پس از آن بدان بینا و دانا می شوی. حال که چنین است به آن کسی متوسل شو - و فهم و درک را از او بخواه - که تو را آفرید و روزی داد - و امور مادی و معنویات را - هماهنگ کرد، باید که خضوع، گردن کجی و کرنش برای او باشد و به او امیدوار و مشتاق و از هم او - و عدل و قطع عنایتش - بیمناک باشی.^(۳)

حقیقت مطلب همین است و جز این نیست، علاوه بر اینکه ما خود وقایع شگفت آور علمی و اجتماعی بسیاری را به چشم دیده ایم که هیچ کس احتمال

۱ - انعام: ۳۷.

۲ - یوسف: ۲۱.

۳ - نهج البلاغه، نامه ۳۱.

پیدایش آنها را نمی‌داد، با این وجود چطور ممکن است - بدون دلیل و بی‌اعتنا به تجربه - پیدایش امور غیر قابل پیش‌بینی دیگر را که تا آخر عمر جهان اتفاق خواهد افتاد انکار کنیم؟!

اینکه ما و بعضی از پیشینیان چیزهای زیادی را انکار کرده و می‌کنیم نتیجه نادانی عمیق و ریشه‌دار بشریت است. خدای سبحان می‌فرماید: ﴿بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ﴾^(۱) امام سجاده علیه السلام در پاسخ سؤال شخصی که علت پوشیده ماندن ذات پروردگار بر آفریده‌ها را جویا شده است می‌فرماید: «زیرا که خداوند تبارک و تعالی آفرینش انسان را بر گونه‌ای از جهل استوار فرمود.»^(۲)

در وصف همین نادانی انسان است که جمالاتی از این قبیل از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است که فرمود: «مردم دشمن آن چیزی هستند که حقیقت آن را درک نکرده‌اند»،^(۳) «انسان دشمن چیزی است که حقیقتش را نفهمیده است»،^(۴) «نادان از آنچه دانشمند درست اندیش به آن خو گرفته می‌هراسد»،^(۵) «هرکس از دانشی بیخبر باشد با آن دشمنی می‌ورزد»،^(۶) و «هرکس بالاترین حد دانش را برای خود ادعا کند، آخرین مرتبه نادانی را از خود بروز داده است.»^(۷)

هدف این مقدمه توجه دادن خواننده محترم به این مطلب است که: بیشتر آنچه در این کتاب عرضه شده است از چیزهایی است که آن‌طور که باید، برای مسلمانان و حتی برای بیشتر شیعیان مذهب جعفری علیه السلام روشن نشده است و از همین رو، هر کس آن‌گونه که خود می‌فهمد و می‌پسندد آن را سمت و سو داده و صورتبندی می‌کند.

آری، این مسلم است که، ما شیعیان چون معتقدیم که پیامبر و ائمه - صلوات الله

۱ - یونس: ۳۹ - چنین نیست بلکه آنچه را دامنه دانششان به آن نمی‌رسد و حقیقت و باطن آن را در نیافته‌اند دروغ و نادرست معرفی می‌نمایند.

۲ - بحار الانوار، ج ۳، ص ۱۵، روایت ۲.

۳، ۴ و ۵ - غرر و درر موضوعی، باب جهل.

۶ و ۷ - غرر و درر موضوعی، باب علم.

عليهم اجمعين - دارای مقام خلافت الهی و مرتبه ارتضاء نزد پروردگار هستند،^(۱) و حق هم همین است، به طور قطع و یقین می دانیم که گفتار آن بزرگواران بدون علت و ساختگی نیست، بلکه سخنان نور و روشنی بخش، کار و عملشان هدایت انسانها، رتبه و منزلتشان حقیقت و راستی، گفتارشان حکمت و درستی بدون تردید و اندیشه و نظرشان عین دانش و متانت و اطمینان و وقار است و از همین روست که کلامشان را کلامی راست و درست می دانیم و آنچه را نمی دانیم در پهنه وسیع دانش ایشان که به گنجینه های بیکران دانش پروردگار متصل است جستجو می نماییم، هر چند که حقیقت بیان و درونمایه اصلی مقصودشان را درست نفهمیم و البته شکل کار در این رجوع به دانش معصومین علیهم السلام این است که در امور جزئی^(۲) به روایات متواتر^(۳) مستفیض^(۴) متکی هستیم.

-
- ۱ - مقصود مقامی است که طبق آیه شریفه سوره جن - که قبلاً مؤلف محترم اشاره فرمودند - خداوند صاحبان این مقام را بر آنچه از اسرار غیب که بخواهد مطلع می نماید، مترجم
 - ۲ - مقصود اموری است که عقل را هیچ راهی در اصل یا چند و چون آنها نیست، چه در عقاید، چه در احکام و غیر آنها؛ نظیر چگونگی بهشت و دوزخ و ملائکه یا تعداد رکعات نماز یا نصاب زکات یا اسرار مسائل یا چگونگی عمل در سیر و وصول به مقامات. مترجم
 - ۳ - اگر در سلسله سند یک خبر، در هر طبقه، تعداد راویان به حدی باشد که همدستی و اتفاق آنان بر دروغ بستن محال باشد آن خبر را متواتر گویند. مترجم
 - ۴ - مستفیض خبری است بین اخبار آحاد و متواتر، که تعداد راویان هر طبقه بیش از سه نفر هستند.
- مترجم

مقدمه مؤلف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ
اَللّٰهُمَّ، صَلِّ عَلَى وَلِيِّ اَمْرِكَ الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ ... اَللّٰهُمَّ، اِنَّا نَشْكُو اِلَيْكَ فَقَدْ نَسِينَا ... وَغَافِيَةٌ مِنْكَ
تُلَيْسُنَاهَا بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.^(۱)

سید صیرفی می گوید: من به همراه مفضل بن عمر، و ابو بصیر و ابان بن تغلب
بر مولایمان امام صادق علیه السلام وارد شدیم، ایشان را در حالی که روی خاک نشسته،
عبایی از مو با یقه بدون جیب و آستین کوتاه بر دوش انداخته و چون سوگوار جوان
از دست داده دل سوخته گریه می کرد دیدیم که اندوه از چهره اش می بارید، قیافه اش
دگرگون شده و اشک از گونه هایش سرازیر شده صورتش را شستشو داده بود و در
همان حال با تضرع می فرمود: آقای من! غیبت خواب از چشمانم گرفت، آسایشم

۱- اقبال الاعمال، ص ۶۰ تا ۶۱- مؤلف محترم بخشی از دعای افتتاح را که در کتاب شریف مفاتیح الجنان
در اعمال شبهای ماه مبارک رمضان آمده است، به نقل از کتاب شریف اقبال الاعمال سید بن طاووس،
به عنوان خطبه مقدمه خود برگزیده اند. انتخاب خطبه در متن عربی کتاب علاوه بر موضوعیت ناشی از
تناسب برای آغاز مطلب و سنخیت کلام عربی برای ادعیه با مضامین عالی و مفاهیم بلند، نوعی براءت
استهلال است که بخشهای مختلف آن با اصل مقصود در ابواب کتاب، تناسب خاص خود را داراست،
اما از آنجا که برگردان این خطبه به فارسی، بدون توضیحات طولانی و ملال آور، نمی تواند اهداف
خطبه عربی را برآورده نماید، از ترجمه آن صرف نظر کردیم. جویندگانی که اهل تعمق بیشتر هستند به
متن دعا در منابع مذکور، مراجعه نمایند. مترجم

را از بین برد و آرامِ دلم را برهم زد. آقای من! غیبت برای همیشه دردمند و مصیبتزده‌ام کرد.

از دست رفتن امامان، یکی پس از دیگری، سرانجام دوران همگی را به پایان می‌رساند، - و کار به زمان غیبت امام منتظر کشیده می‌شود - اگر من بر مصائب و بلاهای پی در پی گذشته اشک می‌ریزم و آه می‌کشم، مصائب بزرگتر و فجیعتر و بلاهای دردناکتری در پیش است که با غضب و ناراحتی تو - ای حجت خدا - همراه است، و آنها بیشتر اشکم را جاری ساخته و درونم را مشتعل کرده است.

سدید گفت: «هوش از سر ما رفت و دل‌مان از ترس این واقعه هولناک و حادثه هلاکت بار فرو ریخت، گمان کردیم امام علیه السلام خود را برای مصیبت شکننده‌ای آماده کرده یا فاجعه مرگباری به آن حضرت روی آورده است.» به آن حضرت عرض کردیم: ای پسر خیرالبشر یا بن رسول الله خداوند چشمانت را نگریاند، این چه مصیبت عظیمی است که اشکت را جاری کرده و چون باران می‌گریی؟ چه چیزی وجود مبارکت را به این ماتم نشانده است؟»

سدید گفت: «امام علیه السلام نفس بلندی کشید و آثار ترس، وجودش را فرا گرفت و فرمود: ای وای بر شما، امروز صبح کتاب جفر را که علوم مربوط به مرگ و زندگی و مصیبت‌ها و گرفتاری‌ها و علم مربوط به همه چیز و آنچه تا روز قیامت واقع می‌شود، در آن است و خداوند اطلاع بر آن را مخصوص پیامبر و ائمه علیهم السلام قرار داده است، نگاهی کردم و در مطالب مربوط به تولد قائم علیه السلام و غیبت او، و طولانی شدن غیبت و طول عمر آن حضرت و نیز برگشتن بیشتر مردم از دین و برداشتن رشته اسلام از گردنشان، همان رشت که خداوند در گردنشان انداخته و فرمود: ﴿وَكُلَّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ﴾^(۱) دقت کردم، دلم سوخت و اندوه جانم را فرا گرفت...»^(۲)

۱ - اسراء: ۱۳ - مقدرات و نتیجه نیک و بد اعمال هر انسانی را رشته گردش ساختیم.

۲ - کمال الدین، ج ۲، ص ۳۵۲، روایت ۵۰.

پس از ذکر حدیث شریف و مقدماتی که گذشت، در این کتاب با تکیه بر بعضی از آیات قرآن و روایات پیامبر اکرم و ائمه علیهم السلام، درباره زندگی حضرت قائم علیه السلام و مسائل مربوط به آن و نیز رجعت و جمع بین روایات مختلف بحث کرده و با توضیح مختصری از خودمان زمینه را برای شناخت بعضی از ویژگیهای زندگی، غیبت، رجعت و حوادث زمان ظهور آن حضرت مهیا ساختیم.

کتاب را در چهار باب تنظیم کرده و هر باب را به چند فصل تقسیم نمودیم و آن را «الشموس المضيئة في الغيبة والظهور والرجعة» نامیدیم.

از خداوند متعال درخواست می‌کنیم که ما را بر شناخت مولایمان و ادای حقوق آن حضرت در ایام ظهور و غیبت، موفق کرده، در فرج آن امام قائم تعجیل نموده و دیدار و همراهی آن حضرت را روزیمان فرماید تا کویر جهل خود را از دریای بیکران علم آن حضرت سیراب و آباد کنیم.

بنده امیدوار به رحمت پروردگار

علی (پهلوانی) سعادت پرور

باب اول

مسائل مربوط به پیش از غیبت صغری

۱- ۱: ضرورت وجود حجت خدا در زمین در تمام زمانها

آیات قرآن

- ۱- ﴿إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾^(۱)
- ۲- ﴿وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ﴾^(۲)
- ۳- ﴿لَوْ كَانَ فِي الْأَرْضِ مَلَائِكَةٌ يَمْشُونَ مُطْمَئِنِّينَ لَنَزَّلْنَا عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ مَلَكًا رَسُولًا﴾^(۳)
- ۴- ﴿لِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ﴾^(۴)

روایات

- ۱- از امیرالمؤمنین علیه السلام در بخشی از یک حدیث طولانی چنین نقل شده است: «زمین - هیچگاه - از حجتی که به اقامه امر خدا قیام کند خالی نیست: یا آشکار است و مردم او را می شناسند - و یا در شدت و سختی و مخفی از دیدگان مردم نگران

۱- رعد: ۷- همانا تو بیم دهنده ای و هر قومی را هدایتگری است.

۲- فاطر: ۲۴- هیچ امتی نیست مگر اینکه در میان آنها بیم دهنده ای بوده است.

۳- اسراء: ۹۵- اگر در زمین - به جای شما انسانها - فرشتگان سکونت داشتند از جانب آسمان ملکی - همجنس خودشان - به سوی آنها می فرستادیم.

۴- یونس: ۴۷- برای هر امتی - از ناحیه ما - رسولی فرستاده شده است [یا فرستاده می شود].

اداره اهل زمین است؛ تا حجت‌های الهی و آیات پروردگار در مسیر حق دوام یابد - و نتیجه زحمات ایشان هدر نرود. -»^(۱)

۲ - از امام جعفر صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش از علی علیه السلام در خطبه‌ای که بر منبر کوفه ایراد فرموده است، نقل شده است: «پروردگارا - تو خود گواهی - که اهل زمین را از داشتن حجتی از ناحیه تو که آنان را به دین تو هدایت کند و علم الهی را به ایشان بیاموزد، و حجت از تمامیت نیفتد و پیروان اولیائت بعد از اینکه - به وسیله پیامبران - هدایتشان کردی گمراه نشوند، گریزی نیست: این حجت تو یا در میان مردم ظاهر و برای آنان آشناست اما از او اطاعت نمی‌کنند؛ یا از دید مردم پنهان و منتظر زمان ظهور است. زمانی که مردم در صلح و آرامش هستند اگر وجود حجت از نظر آنان غایب باشد دانش و منش او به دل‌های مؤمنین می‌رسد و ایشان به آن عمل می‌کنند.»^(۲)

۳ - از امام حسن عسکری علیه السلام در مورد - صحت یا کیفیت - این خبر که به نقل از پدران بزرگوارش رسیده است که: «زمین هیچگاه از حجت خدا بر خلقش خالی نیست، هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است.» سؤال شد، پس امام علیه السلام فرمود: «این مطلب حق است همانطور که وجود آتش - و جهنم - حق است.» پس از آن حضرت سؤال شد که: «یا بن رسول الله، حجت و امام بعد از شما کیست؟» فرمود: «فرزندم محمد، او امام و حجت بعد از من است، هر که بمیرد و او را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است.»^(۳) ...

۴ - امام صادق علیه السلام از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می‌فرماید که فرمود: «بدانید که زمین از حجت خدای عزّ و جلّ خالی نیست، اما به واسطه ستمگریها و جهالت‌های مردم، خداوند دیدگانشان را از مشاهده او فرو بسته است و اگر زمین لحظه‌ای از حجت

۱ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۲۶۲، روایت ۱۰۹.

۲ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۳۶۳، روایت ۱۱۲.

۳ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۸۲، روایت ۱۸۹.

خدا خالی باشد نظامش درهم ریخته و اهلش را در خود فرو خواهد برد، اما حجت خدا مردم را می شناسد ولی مردم او را نمی شناسند همانگونه که حضرت یوسف مردم - برادرانش - را می شناخت و آنها او را نشناختند.»^(۱)

گفتار ما

آیات و روایاتی که گذشت به روشنی بر چند مطلب دلالت می کنند:

اول : ضرورت وجود حجت خدا در تمام زمانها، زیرا که ائمه علیهم السلام به صراحت فرموده اند: «زمین از حجت خدای عزّ وجلّ خالی نیست.»

دوم : علت ضرورت وجود حجت خدا در تمام زمانها، چنانکه از این جمله بر می آید: «تا پیروان اولیاءت بعد از اینکه - به وسیله پیامبران و حجتهای قبلی - هدایتشان کردی گمراه نشوند.» یعنی نبودن حجتی هدایتگر انسانها خود سبب گمراه شدن مؤمنین از راه راست و حقیقت است.

سوم : ضرورت شناخت حجت خدا، چنانکه از این جمله آشکار می شود: «هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است.» و علت این امر این است که پیروی از حجت خدا - که یگانه راه هدایت است - بعد از شناخت او میسر است و کسی که او را نشناسد نمی تواند از او تبعیت نماید و چنین کسی بر جهل و مرام جاهلیت از عالم خواهد رفت.

چهارم : علت غایب بودن حجت خدا از دیدگان مردم و محرومیت آنها از مشاهده وجود شریفش، که از این جمله بر می آید که: «به واسطه ستمگری و جهالت مردم خداوند دیدگانشان را از مشاهده او فرو خواهد بست.» با توجه به این جمله ظاهراً مقصود از ظلم و جهل، تمام اشکال آن است، یعنی هم ظلم مردم به یکدیگر و هم ظلم به خودشان به خاطر پیروی نکردن از حق و فطرت و حجتهای الهی، هم جهل نسبت به حجت خدا و هم جهل نسبت به وظایف شرعی.

پنجم : نیاز هستی به وجود حجت خدا، که از این عبارت پیداست: «اگر زمین لحظه‌ای از حجت خدا خالی باشد نظامش درهم ریخته و اهلش را در خود فرو خواهد برد.» در این جمله به علت ضرورت وجود حجت و عظمت کار او اشاره شده است.

خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: ﴿إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾^(۱) و نیز می‌فرماید: ﴿كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ﴾^(۲) از این آیات به ترتیب برمی‌آید که پروردگار در نظام خلقت، و نیز نظام قانونگذاری و دیانت، ائمه و حجت‌های خودش را خلیفه روی زمین قرار داد و آنان را مجرای بهره‌وریها و فیض عام و خاص برای مردم ساخت و تمام اسماء الهی را به ایشان آموخت: ﴿وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا﴾^(۳) تا اینکه به اذن او همچون خودش در همه چیز تصرف و دخالت کنند و با جانشینی خویش و عهده‌داری امور زمین و ساکنان آنان ایشان را بر دیگران شرافت و برتری داد و ایشان و اوصیای بعد از خودشان - که درود خدا بر تماشانشان باد - در تمام زمانها صاحب اختیار و کارگزار امور زمین و مردم شدند و چنین است که اگر حجت و خلیفه خدا در زمین نباشد خاک هستی مردم را در خود خواهد کشید.

برای اینکه معنی خلافت و حجت بیشتر روشن شود باید افزود که خداوند تعالی با اسماء و صفات عالیه‌اش همه چیز و همه پدیده‌ها را پدید آورده است و خود عهده دار تمام امور آنهاست، هستی همه آنها وابسته به اوست و هرگونه اراده کند در آنها دخل و تصرف می‌نماید اما بنای ذات مقدسش بر این است که امور خلقت مادی را فقط از طریق اسباب مادی - و بدون دخالت مستقیم و یا بی واسطه -

۱ - بقره : ۳۰ - من قرار دهنده خلیفه و جانشین در زمین هستم.

۲ - بقره : ۲۱۳ - مردم امت واحد بودند، سپس خدا پیامبران را به عنوان بشارت دهنده و بیمگر برگزید و همراه آنان کتاب را به حق نازل فرمود تا در بین مردم و برای ختم اختلافاتشان در چارچوب حق، حکم نمایند.

۳ - بقره : ۳۱.

اداره نماید، و از جمله اسباب مادی برای اصلاح امور ظاهری و باطنی مردم پیامبران و جانشینان آنها علیهم السلام هستند.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «خداوند ناپسند و ناخوش می دارد که امور عالم را جز با اسباب و وسائط اداره نماید از این رو برای هر چیزی سببی قرار داده است، و برای هر سبب گستره و میدان قدرت و نفوذی قرار داده و هر میدانی را کلیدی بخشیده و برای هر کلید و گشایشگری نشانه‌ای قرار داده و برای هر نشانه‌ای پیشگاه و راه ورودی گویا - و خواننده به حق - مقرر فرموده است، هر که او را بشناسد - و به رسمیت بپذیرد - خدا را شناخته و هر که او را انکار کند خدا را انکار کرده است، آن بارگاه و راه ورود، رسول الله و ما هستیم.»^(۱)

پس اگر آن بزرگواران - درود خدا بر آنان باد - عناصری خاکی نبودند و امور عالم خلقت و از جمله زمین و ساکنان آن را بر عهده نمی گرفتند امور زمین و مردمش از هم می پاشید، بنابراین باید واسطه بین آفریننده و پدیده‌های مادی کسی باشد که دارای خلقت مادی و جسمانی و علاوه بر آن دارای درجه‌ای از شرافت معنوی باشد که شایستگی ارتباط بین آفریننده و آفریدگان را احراز کند و چنین افرادی جز خلفای ذات مقدس پروردگار یعنی پیامبران و جانشینان آنها علیهم السلام کسی نمی تواند باشد. اینکه خداوند می فرماید: ﴿وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ إِلَّا أَنْ قَالُوا: أَبَعَثَ اللَّهُ بَشَرًا رَسُولًا؟ قُلْ: لَوْ كَانَ فِي الْأَرْضِ مَلَائِكَةٌ يَمْشُونَ مُطْمَئِنِّينَ لَنَزَّلْنَا عَلَيْهِم مِّنَ السَّمَاءِ مَلَكًا رَسُولًا﴾^(۲) بر همین مطلب دلالت دارد، چنانکه این آیه نیز مشعر بر صحت همین ادعاست: ﴿وَلَمَّا ضَرَبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ وَقَالُوا: يَا إِلَهُتُنَا خَيْرٌ أَمْ هُوَ؟ مَا ضَرَبُوا لَكَ إِلَّا جَدَلًا بَلْ هُمْ قَوْمٌ خَصِمُونَ إِنْ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ

۱ - بحار الانوار، ج ۲، ص ۹۰، روایت ۱۵.

۲ - اسراء: ۹۴ و ۹۵ - چیزی مانع از ایمان آوردن مردم به پیامبر و اسباب هدایت نشد مگر اینکه - به شیوه منکران - گفتند آیا خدا بشری را به سوی ما فرستاده است؟ بگو اگر در زمین - به جای شما انسانها - فرشتگان سکونت داشتند از آسمان ملکی - همجنس خودشان - به سوی آنها می فرستادیم.

وَجَعَلْنَاهُ مَثَلًا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَا مِنْكُمْ مَلَائِكَةً فِي الْأَرْضِ يَخْلُقُونَ ﴿١﴾

شاید با آنچه ذکر شد معنی کلام امام علیه السلام که فرمودند: «اگر زمین لحظه‌ای از وجود حجت خدا خالی باشد نظامش بهم ریخته و اهلش را در خود فرو خواهد برد» و بیانات نظیر آن روشن شده باشد، ضمن اینکه طی همین مطالب علت رجعت پیامبر و ائمه - درود خدا بر تمامی آنان باد - روشن شد زیرا که جهان مادی تا وقتی برقرار است به وجود حجت حق نیازمند است. (۲)

۲- ۱: تولّد و بعضی از ویژگی‌ها و اموری که امام زمان علیه السلام بعد از ظهور انجام می‌دهد

روایات

۱- در حدیث لوح از امام صادق علیه السلام آمده است: «بسم الله الرحمن الرحيم، این پیامی است از سوی خدای مقتدر شکست ناپذیر که در ساخته و پرداخته‌اش هیچ عیب و نقصی نیست، خطاب به محمد؛ پیامبر، نور، نماینده و پرده‌دار او و راهنمای بندگان به سوی خدا، که روح الامین - جبرئیل علیه السلام - آن را از جانب پروردگار بر او نازل کرد.» آنگاه رشته کلام به بیان نام ائمه علیهم السلام کشانده شده تا به حسن بن علی علیه السلام رسیده و حدیث قدسی چنین ادامه می‌یابد: «سرانجام سلسله امامت را به فرزندش

۱- زخرف: ۵۷ تا ۶۰ - آن هنگام که به - عیسی - پسر مریم مثل زده شد قوم تو با هیاهو از آن روی گردانند و گفتند: آیا خدایان ما بهترند یا او؟ این سخنان را جز از سر ستیز و لجبازی به زیان نیاوردند که ایشان سخت پایبند دشمنی هستند. او [عیسی علیه السلام] جز بنده‌ای که مشمول نعمتهای ما قرار گرفته نیست و او را نمونه و الگویی برای بنی اسرائیل قرار دادیم و اگر ما بخواهیم فرشتگان را جایگزین شما انسانها در زمین می‌گردانیم.

۲- به تعبیر دیگر مادام که حجت حق در عالم مادی وجود داشته باشد امکان بقاء و برقراری عالم هست و گرنه نه. مترجم

محمّد که مایه رحمت برای جهان و اهل آن است کامل فرمود، او کمال موسی، درخشش عیسی و پایداری و استقامت ایوب، همه را داراست، اولیاء من در زمان غیبت - او - نزد جهال و ستمگران عالم - خوار و بی‌ارزشند، سرشان از پیکر جدا شده و گویی سرهای کفار ترک و دیلم است که پادشاهان به یکدیگر پیشکش می‌کنند، کشته می‌شوند، به آتش سوزانده می‌شوند، ترسان و هراسان و - از ترس جان و دینشان - لرزانند، زمین از خونشان رنگین می‌شود، ناله سوزناک و فریاد - و اظلوما - در بین همسران و خانواده‌شان به آسمان می‌رود. اینان به حق و بی‌شک اولیاء من هستند...»^(۱)

۲ - از امام باقر علیه السلام نقل شده است: «موسی علیه السلام در سفر^(۲) اول نگاه کرد و آنچه را به قائم آل محمد داده می‌شود دید. عرض کرد: «پروردگارا مرا قائم آل محمد قرار بده»، پیام آمد: «او از نسل احمد است». آنگاه موسی در سفر دوم نظر انداخت و درست همان چیزی را که در سفر اول دیده بود در آن نیز همان را یافت و همان درخواست را کرد و همان جواب را شنید، سپس در سفر سوم نیز همان دید، و همان گفت و شنود تکرار شد.»^(۳)

۳ - از قول پیامبر در بخشی از یک حدیث قدسی طولانی چنین نقل شده است: «خدای عزّ و جلّ به پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: من علی را وزیر و در بین اهل بیت و امتت جانشین بعد از تو قرار دادم، و از نسلت، از طریق زهرای بتول یازده جانشین مهدی

۱ - الجواهر السنیة، ص ۲۰۳ - ۲۰۴.

۲ - سفر به معنی کتاب و سفرهای تورات نظیر جزءهای قرآن است. گفته شده است که تورات دارای پنج سفر است، سفر اول شامل آغاز آفرینش و تاریخ از آدم تا یوسف علیه السلام، سفر دوم مربوط به مصر و بنی اسرائیل و ظهور موسی علیه السلام و هلاکت فرعون و درگذشت هارون علیه السلام و نزول الواح دهگانه، سفر سوم آموزش مختصر قوانین و احکام، سفر چهارم شامل تعداد و آمار بنی اسرائیل و نحوه تقسیم زمین بین آنان و نمایندگانی که موسی علیه السلام آنها را به شام گسیل داشت و اخبار من و سلوی و غمام (ابر)، سفر پنجم شامل بعضی از احکام و وفات هارون علیه السلام و خلافت یوشع علیه السلام. مترجم نقل از مجمع البحرین

۳ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۴۱، روایت ۵۱۱.

(به حق راه یافته) به تو عنایت کردم که آخرین آنها مردی است که عیسی بن مریم به امامت او نماز گزارد، او زمین را همانگونه که از ستم پر شده است از عدالت سرشار خواهد کرد، به دست او انسانها را از هلاکت نجات بخشم و گمراهان را به راه راست راهبری کنم، دیده کوران باز کنم و بیماران را شفا دهم.»^(۱)

۴ - از امام صادق علیه السلام به نقل از امام باقر علیه السلام به نقل از جدش علیه السلام به نقل از رسول الله صلی الله علیه و آله آمده است: «امام قائم از فرزندان من است، نامش نام من، کنیه اش کنیه من، سیما و قامتش چون سیما و قامت من و سیره و روشش، سیره و روش من است، مردم را بر دین و آئین من استوار نماید و به کتاب خدای عزّ و جلّ فرا خواند هر که او را اطاعت کند، مرا اطاعت کرده است و هر که از او سرپیچی کند مرا سرپیچی کرده است. آن کسی که در غیبتش او را منکر شود مرا منکر شده و دروغ پندارنده او مرا به دروغ نسبت داده، پذیرنده او به راستی، مرا به راستی باور داشته است. من از کسانی که سخن مرا در باره وجود و غیبت و فرج و قیام - او تکذیب می کنند و امتم را از راه او منحرف می نمایند به خدا شکایت می برم، ﴿وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ﴾»^(۲)»^(۳)

۵ - از امام صادق علیه السلام به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است که به علی علیه السلام فرمود: «بدان که فرزندانم از ستمکاران در حق تو و حق شیعیانت، در دنیا انتقام خواهد کشید و در آخرت خداوند آنها را عذاب خواهد کرد.» سلمان سؤال کرد: «یا رسول الله او کیست؟» پیامبر فرمود: «نهمین فرزند از نسل پسر حسین است که بعد از غیبتی طولانی ظاهر خواهد شد و دین و فرمان خدا را به صدای رسا به جهانیان خواهد رساند و از دشمنان خدا انتقام خواهد کشید و زمین را همان طور که از ظلم و ستم پر شده است از عدل و داد سرشار خواهد کرد.»^(۴)

۱ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۸۸، روایت ۸۰۹.

۲ - شعرا: ۲۲۷.

۳ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۸۲، روایت ۱۹۰.

۴ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۶۹، روایت ۶۷۹.

۶- اصبع بن نباته می‌گوید: «دیدم امیرالمؤمنین علیه السلام در حالی که در فکر فرو رفته است روی زمین خطوطی رسم می‌کند. گفتم: «چه شده است شما را می‌بینم که در اندیشه‌اید و بر زمین خط می‌کشید، آیا علاقه و تمایلی به خاک و زمین پیدا کرده‌اید؟»

امام فرمود: «نه به خدا قسم، من هرگز به زمین و دنیا علاقه‌ای نداشته‌ام، اما در اندیشه کسی هستم که از نسل من متولد می‌شود؛ یازدهمین فرزندم که مهدی است و زمین را همانگونه که از ستم پر شده است از عدل و داد سرشار خواهد کرد، او دوران غیبتی خواهد داشت که در آن دوران گروهی نسبت به آن گمراه می‌شوند و عده‌ای به راه درست قدم می‌نهند.» - اصبع می‌گوید - گفتم: «یا امیرالمؤمنین! واقعاً چنین چیزی اتفاق خواهد افتاد؟» فرمود: «آری چنین است و او پا به عرصه هستی خواهد نهاد،^(۱) اما ای اصبع دست تو از فهم این مطلب کوتاه است، آن رهیافتگان، نیکان امت پیامبر و ابرار عترت او هستند.» گفتم: «بعد از آن چه خواهد شد؟» فرمود: «خدا هر چه اراده کند به انجام خواهد رساند، او اراده و اهدافی دارد - که به آنها جامه ظهور و تحقق خواهد پوشاند -»^(۲)

۷- ابی وایل می‌گوید: امیرالمؤمنین علیه السلام به فرزندش حسین علیه السلام نگاه کرد و فرمود: «این پسر سید و سالار است همان‌طور که خداوند سید و آقایش نامیده است و از نسل او فرزندی همانام پیامبرتان که در سیما و اندام و نیز اخلاق و رفتار شبیه اوست متولد خواهد شد و در دوران بیخبری و گمراهی مردم و نابودی حق و غلبه ستم خروج خواهد نمود، به خدا قسم خروج او حتمی است و گرنه گردن زده خواهد

۱- جمله «کَمَا أَنَّهُ مَخْلُوقٌ» که متن فوق ترجمه آن است، ممکن است معانی متعدد و دقیقتری را دربرداشته باشد در اینجا فقط عین عبارت از باب استعمال لفظ قبل از اتصاف ذات به مبدأ اشتقاق و مجاز بالمشارفه معنی شده است یعنی به کسی که بعداً حتماً خلق می‌شود از هم اکنون مخلوق بگوییم.

در پایان همین فصل احتمالات معنای دقیقتر توسط مؤلف محترم ذکر شده است. مترجم

۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۶۱، روایت ۱۰۸.

شد. ^(۱) اهل آسمان و ملائک از خروج او خوشحال می شوند و زمین را همانگونه که از ستم پر شده است از عدل و داد سرشار خواهد نمود. ^(۲)

۸- ابی سعید عقیصاء می گوید: هنگامی که امام مجتبی علیه السلام با معاویه صلح کرد مردم به محضرش شرفیاب شده و عده ای از آنها به خاطر این مصالحه، آن بزرگوار را سرزنش می کردند. حضرت فرمود: «وای بر شما! شما نمی دانید من چه کاری انجام دادم. به خدا قسم آنچه من کردم برای شیعیانم از تمام عالم و آنچه خورشید بر آن می تابد بهتر و پر سودتر است.» تا جایی که فرمود: «آیا نمی دانید هیچیک از ما اهل بیت از تن دادن به نوعی بیعت با جبار زمانش خلاصی ندارد مگر قائم که عیسی روح الله نمازش را به او اقتدا خواهد کرد. خداوند عزّ و جلّ زمان ولادت او و نیز خودش را از دیده مردم پنهان می کند تا در زمان ظهور، در گرو بیعت با کسی نباشد، او نهمین فرزند برادرم حسین است، پسر سرور کنیزان عالم، خداوند در دوره غیبت عمرش را طولانی می کند آنگاه به قدرت خویش در سیمای رشیدی جوانتر از چهل ساله، بر خلق، آشکارش خواهد فرمود تا مردم بدانند که خداوند بر انجام هرکاری تواناست.» ^(۳)

۹- از امام باقر علیه السلام در بخشی از یک حدیث چنین آمده است: «حسین علیه السلام فرمود: خداوند قائم ما را ظاهر می کند و از ستمکاران انتقام می کشد.» به ایشان عرض شد: «یا بن رسول الله! قائم شما چه کسی است؟» فرمود: «هفتمین از نسل فرزندان محمد بن علی (امام باقر)، او حجة بن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن

۱- پیداست که مقصود گردن زده شدن آن حضرت توسط جباران و ستمگرانی است که همیشه کارشان ایستادن رو در روی حق بوده است. یعنی اگر امام علیه السلام در زمان مقرر خروج ننماید شرایط طوری خواهد شد که به دست ستمکاران می افتد و کشته می شود و در آن صورت، غرض از زنده ماندن حجت در دوران طولانی غیبت، نقض خواهد شد، پس بنابراین ظهور آن حضرت، حتمی خواهد بود.

مترجم

۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۰۵، روایت ۳۰۸.

۳- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۲، روایت ۱.

جعفر بن محمد بن علی فرزندم (امام سجاد) است، اوست که مدتی طولانی پنهان است، سپس ظاهر می‌شود و زمین را همان‌طور که از ستم پر شده است از عدل و داد سرشار خواهد کرد.^(۱)

۱۰- ابو حمزه ثمالی از امام سجاد علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «آیه ﴿أُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ﴾^(۲) و آیه ﴿وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ﴾^(۳) در مورد ما نازل شده و امامت بعد از حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام تا روز قیامت در خاندان ماست. و قائم ما دو غیبت دارد که یکی از دیگری طولانی‌تر است، اولی مدت شش سال و شش ماه و شش روز^(۴) و دومی آن قدر طول می‌کشد که بیشتر معتقدان به غیبت هم از اعتقاد خود بر می‌گردند و تنها کسانی بر این اعتقاد باقی می‌مانند که دارای یقینی محکم و شناختی درست باشند و نسبت به آنچه ما می‌گوییم کمترین ناباوری و دلتنگی در پذیرش به خود راه ندهند و کاملاً گوش به فرمان ما باشند.»^(۵)

۱۱- ابو حمزه ثمالی می‌گوید: روزی در خدمت امام باقر علیه السلام بودم، وقتی مردم از حضورش مرخص و پراکنده شدند خطاب به من فرمود: «ای اباحمزه از مسائل مسلم و حتمی در نزد خداوند که به هیچ رو قابل تغییر نیست قیام قائم ماست، پس هر که در آنچه می‌گوییم شک کند خدا را در حالی ملاقات خواهد کرد که به او کفر ورزیده و او را انکار کرده باشد.» سپس فرمود: «پدر و مادرم فدای آنکه همانم من است و کنیه‌اش همان کنیه من می‌باشد و هفتمین فرزند از نسل من است. پدرم فدای آنکه بعد از پر شدن زمین از ناراستی و ستم، آن را از عدل و داد سرشار

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۶۹، روایت ۶۸۱.

۲- احزاب: ۶- خویشاوندان سببی [در حکم ارث یا غیر آن]، در کتاب خدا بعضی بر بعضی دیگر مقدمند.

۳- زخرف: ۲۸- [خداپرستی و توحید را] در ذریه‌اش کلمه باقیه و حقیقتی ثابت قرار داد.

۴- احتمالاً در اینجا مقصود از غیبت اولی، غیبت از زمان تولد تا زمانی است که بر پیکر مطهر پدرش امام عسکری علیه السلام نماز خواند و این غیر از غیبت صغرای مشهور است. مترجم

۵- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۴، روایت ۱.

خواهد کرد.» سپس فرمود: «ای اباحمزه هر که او را درک کند و آن گونه که به پیامبر و امیرالمؤمنین علیه السلام معتقد و تسلیم آنها بوده، به او معتقد و تسلیم او نباشد، خداوند بهشت را بر او حرام می کند، جایگاهش جهنم خواهد بود - او ستمکار است - و جایگاه ستمکاران، بد جایگاهی است.»^(۱)

۱۲ - محمد بن زیاد ازدی می گوید: از آقایم موسی بن جعفر علیه السلام در مورد آیه ﴿وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً﴾^(۲) سؤال کردم، حضرت فرمود: «نعمت ظاهری، امام ظاهر و آشکار است و نعمت باطنی امام غایب است.» عرض کردم: «آیا در بین ائمه کسی هست که غایب شود؟» فرمود: «آری، جسمش از دیدگان مردم پنهان می شود اما یادش از دلهای مؤمنین غایب نیست، او دوازدهمین ماست، خداوند هر سختی را بر او آسان می سازد و هر مشکلی را برایش ساده می نماید، گنجینه های زمین را بر او آشکار می سازد، مسافتهای دور و اموری را که غیر ممکن به نظر می رسد برایش نزدیک و ممکن می کند، ستمگران سرکش را به خاک می افکند و به دست او دیو سیرتان نافرمان را نابود می نماید، او فرزند سرور کنیزان عالم است که تولدش از مردم پنهان است، نامیدن او به اسم برای مردم جایز نیست تا وقتی خداوند او را برایشان ظاهر کند و به دست او زمین مالا مال از ستم را از عدل و داد پر کند.»^(۳)

۱۳ - از اباصلت هروی نقل شده است که گفت: شنیدم دعبل خزاعی^(۴)

۱ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۳۲، روایت ۲۶۰.

۲ - لقمان: ۲۰ - خداوند نعمت آشکار و پنهانش را بر شما افزایش داد و تمام کرد.

۳ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۰، روایت ۲.

۴ - دعبل بن علی خزاعی از شعرای متعهد شیعی معاصر حضرت رضا علیه السلام است که بسیار مورد تأیید و تکریم آن حضرت بوده است. او با اشعار خود مظلومیت و حقانیت اهل بیت را فریاد کرده است. قصیده تائیه وی که ابیاتی از آن در متن آمده است معروف است. حکایات شیرین، درس آموز و برانگیزاننده دعبل و تعهد وی به مقام ولایت و ارادت وی به اهل بیت در کتب تاریخ و رجال و حدیث نقل شده است. مترجم

می‌گوید: قصیده‌ای سرودم و برای آقام علی بن موسی الرضا علیه السلام خواندم که بیت نخستین آن چنین است:

مَدَارِسُ آيَاتٍ خَلَّتْ مِنْ تِلَاوَةٍ وَ مَنْزِلٌ وَحِيٍّ مُقْفِرُ الْعَرَصَاتِ ^(۱)

وقتی به اینجا رسیدم که:

خُرُوجُ إِمَامٍ لَا مَحَالَةَ خَارِجٌ يَقُومُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ وَالْبَرَكَاتِ

يُمَيِّزُ فِينَا كُلَّ حَقٍّ وَ بَاطِلٍ وَيَجْزِي عَلَى النُّعْمَاءِ وَالنَّقِمَاتِ ^(۲)

امام رضا علیه السلام سخت گریست آنگاه سر مبارک خویش را بلند کرد و فرمود: «ای خزاعی این دو بیت را روح القدس از زبان تو سروده است. آیا می‌دانی این امام کیست و چه وقت قیام خواهد کرد؟» عرض کردم: «نه، مولای من، من فقط شنیده‌ام که از شما اهل بیت امامی ظهور خواهد کرد که زمین را از تباهی و آلودگی پاک می‌کند و آن را از عدل سرشار می‌کند.» پس امام علیه السلام فرمود. امام بعد از من فرزندم محمد، بعد از محمد فرزندش علی، پس از علی فرزندش حسن و بعد از او فرزندش حجت قائم است که در زمان غیبت، ظهورش را انتظار می‌کشند و وقتی ظاهر شد همه چیز و همه کس به فرمان اوست. اگر از دنیا حتی جز یک روز باقی نمانده باشد ^(۳) خداوند آن روز را آنقدر طولانی خواهد کرد تا او ظهور کند و زمین مالا مال از ستم را پر از عدل و داد نماید. ^(۴) ...

۱۴ - از عبدالعظیم حسنی نقل شده است که گفت: «بر مولایم محمد بن

۱ - خانه‌هایی که جایگاه نزول وحی، تدریس آیات الهی و تفسیر قرآن بود و اکنون از جور ستمگران از تلاوت آیات در آن خبری نیست و صحن و سرای آن از این انوار تهی شده است.

۲ - اگر نبود امیدم به - ظهور امامی که بی‌تردید به نام پروردگار و همراه با برکات الهی ظهور خواهد کرد؛ در میان ما حق و باطل را از هم جدا کرده و مردم را بر نیک و بد اعمالشان جزای خیر و مکافات سخت خواهد داد - قلبم از اندوه و حسرت از هم می‌شکافت -.

۳ - مقصود این است که کسی گمان نکند زمان غیبت طولانی شده و احتمال وجود امام غایب و ظهور او منتفی است، بلکه این امر در علم خداوند حتمی است و از قدرت خداوند هم خارج نیست و استبعادی ندارد. مترجم

۴ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۴، روایت ۴.

علی علیه السلام (امام جواد) وارد شدم در حالی که قصدم این بود از ایشان در مورد قائم سؤال کنم و بپرسم که آیا او همان مهدی است یا غیر از مهدی کس دیگری امام قائم است؟ قبل از اینکه من لب به سخن باز کنم امام جواد خود خطاب به من فرمود: «یا اباالقاسم! قائم ما همان مهدی است که باید در زمان غیبت منتظر او بود و پس از ظهور به فرمانش گردن نهاد، او سومین فرزند از نسل من است، به خدایی که محمد را به پیامبری برگزید و امامت را مخصوص ما اهل بیت قرار داد، اگر از دنیا حتی جز یک روز باقی نمانده باشد خداوند آن روز را آن قدر طولانی خواهد کرد تا او ظهور کند و زمین مالا مال از ستم را از عدل و داد پر نماید. خداوند در یک شب کار او را درست خواهد کرد و اسباب فرجش را مهیا خواهد نمود، چنانکه موسی کلیم علیه السلام برای گرفتن قطعه‌ای آتش و گرم کردن خانواده‌اش از آنها جدا شد اما در حالی به سوی آنها برگشت که به پیامبری و نبوت رسیده بود^(۱) - در حالی که گمان چنین تحوّل بزرگی وجود نداشت -». سپس امام علیه السلام فرمود: «ارزشمندترین اعمال شیعیان ما انتظار فرج است.»^(۲)

۱۵ - ابو هاشم جعفری می‌گوید: از امام هادی علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: «جانشین من پسر حسن است، با جانشین بعد از جانشین چه خواهید کرد؟ گفتم: «فدایت شوم چرا چنین سؤالی می‌فرمایید؟» فرمود: «زیرا سیما و قامت او را نمی‌بینید و جایز نیست که او را با نامش یاد کنید.» عرض کردم: «پس چطور از او یاد کنیم؟» فرمود: «بگویید حجت آل محمد علیهم السلام.»^(۳)

۱۶ - از محمد بن عبدالجبار نقل شده که گفت: «به مولایم حسن بن علی علیه السلام (امام عسکری) عرض کردم: «یابن رسول الله، خداوند مرا بلاگردانت کند، دوست دارم بدانم بعد از شما امام و حجت خدا بر مردم کیست.» امام علیه السلام فرمود: «امام و

۱ - اشاره به آیات ۱۰ تا ۱۳ سوره طه و ۷ تا ۱۰ سوره نمل.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۶، روایت ۱.

۳ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۸، روایت ۱ از باب دهم.

حجت خدا بعد از من پسر من است، همنام و هم‌کنیه پیامبر صلی الله علیه و آله، او آخرین حجت خدا و پایانبخش خلفای الهی است.» عرض کردم: «یابن رسول الله، او از کدام زن متولد می‌شود؟» فرمود: «از نوهٔ قیصر پادشاه روم، اما متولد می‌شود و برای مدتی طولانی از دیدگان مردم پنهان می‌ماند، آنگاه ظهور می‌نماید.»^(۱)...

۱۷- موسی بن جعفر بغدادی می‌گوید: از امام عسکری علیه السلام شنیدم که می‌فرماید: «گویی می‌بینم که در مورد جانشین من دچار اختلاف شده‌اید، پس بدانید که اگر کسی امامان بعد از پیامبر را قبول داشته باشد اما فرزند مرا انکار کند مثل کسی است که تمام پیامبران الهی را قبول داشته باشد اما پیامبری حضرت محمد صلی الله علیه و آله را انکار کند، و کسی که حضرت محمد را انکار کند مثل کسی است که تمام پیامبران را انکار کرده است، زیرا گردن نهادن به آخرین فرد ما مثل فرمانبرداری از اولین ماست و منکر آخرین فرد ما همچون منکر اولین ماست. توجه داشته باشید که فرزندم غیبتی خواهد داشت که عموم مردم غیر از آنهایی که خداوند از لغزش حفظشان کند به شک و تردید خواهند افتاد.»^(۲)

گفتار ما

اینها پاره‌ای از کلماتی است که راجع به غیرقابل تردید بودن تولد و غیبت و ظهور حجت آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین به دست ما رسیده است و پر شدن زمین ستم‌آلوده از عدل و داد را یادآور شده و با تعبیری چون «اگر از دنیا حتی بیش از یک روز باقی نمانده باشد خداوند آن روز را طولانی می‌کند تا او ظهور کند» و «خدا در یک شب اسباب فرجش را فراهم خواهد کرد» بر قطعی بودن موضوع تأکید می‌کنند.

همچنین، اخباری که آورده شد دلالت می‌کنند بر اینکه حضرت حجت - عجل

۱- اثبات الهداة، ج ۲، ص ۵۶۹، روایت ۶۸۰.

۲- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۶۰، روایت ۶.

الله تعالی فرجه - از نسل امام حسین علیه السلام و زاده نوه قیصر روم و نام و کنیه اش، نام و کنیه رسول الله صلی الله علیه و آله است، عیسی بن مریم علیه السلام در نماز به او اقتدا می کند، غیبتش به درازا می کشد و با وجود عمری دراز در سیمای جوانی رشید ظاهر می شود و از ستمگران در حق علی علیه السلام و شیعه اش انتقام می گیرد و...

شاید منظور از یادآوری این ویژگیها در روایات، از بین بردن شک و تردید منتظران فرج آن حضرت، و نشان دادن پوچی و دروغین بودن ادعای فریبکارانی که تا زمان ظهور آن حضرت، هر چند وقت یک بار پیدا می شوند و ادعای مهدویت می کنند باشد.

در احادیثی که ذکر شد به مسائل دیگری نیز اشاره شده که بر ضرورت اعتقاد به غیبت و ظهور آن حضرت تأکید می کند، بعضی از عباراتی که شامل آن مسائل است از این قرار است: «هر که او را اطاعت کند از من اطاعت کرده است و هر که از فرمان او سرپیچد از فرمان من گردن کشیده است، هر کس در زمان غیبت، او را انکار کند مرا انکار کرده است و هر کس او را دروغ پندارد مرا دروغ پنداشته است.» و نیز: «هر کس امامان بعد از پیامبر را قبول داشته باشد اما فرزندان را انکار کند مثل کسی است که تمام پیامبران را قبول داشته باشد اما نبوت حضرت محمد صلی الله علیه و آله را انکار کند.»

همچنین در این احادیث با عبارات زیر به معترفین و منکرین او در زمان غیبتش اشاره شده است: «گروهی نسبت به آن گمراه و گروهی رهیافته اند.»، «تا اینکه اکثر معتقدان به وجود مهدی و غیبت او تردید می کنند و از اعتقاد خود بر می گردند مگر آنان که دارای یقینی محکم و شناختی درست باشند.»

جمله ای که باید خواننده محترم بیشتر در آن دقت کند سخن علی علیه السلام در جواب اصبع بن نباته است که می پرسد: «واقعاً چنین چیزی اتفاق می افتد؟» و امام می فرماید: «آری - اتفاق می افتد - همان طور که او خلق شده است، و دست تو از معرفت به این مطلب، کوتاه است.» نکته قابل دقت این است که مقصود امام علیه السلام از جمله «کَمَا أَنَّهُ مَخْلُوقٌ»، «همان طور که او خلق شده است» چیست؟ آیا مقصود از

آن، خلقت گمراهان و ره یافتگان در مراحل خلقت نوری ایشان است یا مقصود خلقت غیر مادی نیکان و برگزیدگان امت است یا مقصود مراحل تمثلی و نوری خود غیبت و ظهور است؟^(۱)

شاید با توجه به این جمله که فرمود: «دست تو از معرفت به این مطلب کوتاه است.» و نیز با نظر به وجود عوالم غیر مادی - که بر خلقت غیر مادی همه مخلوقات مشتملند و دست امثال اصبع از آنها کوتاه است - همه این احتمالات، مورد نظر باشند. علم از آن خداست، و دانا اوست و بس.

۳-۱: خبر ولادت امام زمان علیه السلام پیش از تولّدش

روایات

۱ - موسی بن محمد بن قاسم بن حمزه فرزند امام موسی کاظم علیه السلام می گوید: «حکیمه دختر امام جواد علیه السلام گفت: امام حسن عسکری علیه السلام کسی را به دنبال من فرستاد - وقتی خدمتش رسیدم - فرمود: عمّه! امشب افطار نزد ما بمان، امشب شب نیمه شعبان است و خداوند امشب حجتش را ظاهر خواهد فرمود، او حجت خدا در زمین است.» حکیمه گفت: عرض کردم: «مادرش کیست؟»، حضرت فرمود: «نرجس»، گفتم: «قربانت شوم، اثری از حمل در او نمی بینم.» فرمود: «همان است که گفتم.»

حکیمه گفت: «به منزل مولا وارد شدم، سلام کردم و نشستم، نرجس جلو آمد تا

۱ - بحث در مورد خلقت مثالی نوری غیر مادی و مراتب نزولی آن، جایگاه خاصی دارد و ما در کتابهای «جلوه نور»، «فروغ شهادت» و «سر الاسراء فی شرح حدیث المعراج» به طور مختصر به آن اشاره کرده ایم.*

* آدرس بحث مذکور، در کتابهای نامبرده از این قرار است: جلوه نور صفحات ۱۹ تا ۳۹، فروغ شهادت صفحات ۲۳ تا ۳۵، و سر الاسراء، ج ۲، ص ۱۷۰ - مترجم

پایوش مرا از پا درآورد، به من گفت: «سرورم حالت چطور است؟» من گفتم: «به عکس، تو سرور من و سرور خاندانم هستی»، نرجس حرف مرا رد کرد و گفت: «این چه حرفی است عمه؟!» به او گفتم: «دختر عزیزم! خداوند امشب به تو پسری عطا خواهد کرد که آقا و سرور دنیا و آخرت است.» نرجس با اظهار حیا و خجالت نشست. حکیمه گفت: «وقتی نماز عشا را خواندم افطار کردم و به رختخواب رفتم، خوابم برد. نیمه شب برای نماز برخاستم، نمازم تمام شد، دیدم نرجس خوابیده و هیچ تغییری در وضع او ایجاد نشده است، نشستم و به تعقیبات مشغول شدم، باز دراز کشیدم و دوباره با نگرانی بیدار شدم، نرجس خوابیده بود، بلند شد و نماز خواند.

حکیمه گفت: «دچار تردید شدم، ناگاه صدای امام عسکری علیه السلام از همان محلی که نشسته بود بلند شد که فرمود: «عمه! شتاب مکن، نزدیک است.» حکیمه گفت: سوره سجده و یس را خواندم، در همین اثنا نرجس با نگرانی بیدار شد، به سوی او از جا پریدم و گفتم: «إِسْمُ اللَّهِ عَلَيْكَ» و سپس گفتم: «آیا چیزی احساس می‌کنی؟» نرجس گفت: «آری عمه»، گفتم: «خیالت راحت و دلت آرام باشد، همان است که گفتم.»

حکیمه گفت: «مرا رخوت و آرامشی فراگرفت و به نرجس حالت ولادت دست داد، با احساس وجود مولایم (مهدی) علیه السلام به خود آمدم، پارچه را از رویش کنار زدم، دیدم اعضاء هفتگانه را بر زمین گذاشته و سجده می‌کند، او را در بغل گرفته، به خود چسباندم، پاک و پاکیزه بود، بلافاصله امام عسکری علیه السلام صدایم زد: «عمه! پسر مرا بیاور.» او را به نزدش بردم. امام علیه السلام دو دست خود را زیر بدن و پشت نوزاد نهاد و دو پای نوزاد را روی سینه خویش گذاشت، زبانش را در دهان طفل فرو برد، دست خود را بر چشم و گوش و اعضای فرزند کشید، سپس فرمود: «فرزندم! سخن بگو.» نوزاد گفت: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ»، آن گاه بر امیرالمؤمنین علیه السلام و سایر امامان درود فرستاد و بعد از سلام بر

پدرش، سکوت کرد. امام عسکری فرمود: «طفل را نزد مادرش ببر تا به او سلام کند، آن‌گاه نزد من برگردان.» حکیمه گفت: «طفل را پیش مادرش بردم، سلام کرد، او را برگرداندم و همان جا که پدرش نشسته بود گذاشتم»، سپس امام فرمود: «عمّه! روز هفتم باز نزد ما بیا.»

حکیمه گفت: صبح شد، آمدم به امام عسکری سلام عرض کنم، پارچه را برداشتم و دنبال مولایم (مهدی علیه السلام) گشتم، او را ندیدم، به امام عسکری عرض کردم، فدایت شوم، مولایم چه شد؟ فرمود: «عمّه! او را به همان کسی سپردیم که مادر موسی علیه السلام، فرزندش را به او سپرد.»

حکیمه گفت: «روز هفتم که شد به منزل امام شرفیاب شدم، سلام کردم و نشستم. فرمود: «پسرم را بیاور»، مولایم را که پارچه‌ای به دورش پیچیده شده بود نزد امام آورد، مثل دفعه پیش او را گرفت، زبانش را در دهان او فرو برد مثل اینکه شیر و عسل به او می‌خوراند، سپس فرمود: «پسرم! سخن بگو.» طفل علیه السلام گفت: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و بر پیامبر، امیرالمؤمنین و امامان - صلوات الله علیهم اجمعین - تا پدرش درود فرستاد و مدح نمود، سپس این آیه را تلاوت فرمود: ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَنُكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنَرَىٰ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ﴾ (۱) (۲)

گفتار ما

از این حدیث (۳) چند مطلب فهمیده می‌شود:

۱ - قصص: ۵ و ۶ - اراده ما بر این است که بر ضعیف نگاهداشته شدگان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم و در زمین توانایی و اقتدارشان بخشیم و به فرعون و هامان و لشکریانشان همانچه را که از آن بیمناک بودند به دست اینان بنمایانیم و به ایشان بچشانیم.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲، روایت ۳.

۳ - ظاهر احادیثی که در این زمینه وارد شده است بیانگر آن است که در ایام ولادت حضرت حجّت

- ۱ - خبر دادن امام علیه السلام از نزدیک بودن تولد فرزندش و اینکه او حجت خدا در زمین است. این امر به علم امام بر می گردد و شکی نیست که امام از گذشته و حال و آینده و تمام وقایع آنها مطلع است.^(۱)
- ۲ - خبر دادن امام از اینکه پسرش از نرجس خاتون متولد می شود در حالی که با وجود نزدیکی وضع حمل، هیچ آثار بارداری در آن بانو نبوده است. شاید علت مخفی بودن این امر نیز به همان علت مخفی بودن سایر امور و جنبه های زندگی آن حضرت علیه السلام که در روایات آمده است برگردد.
- ۳ - اطلاع داشتن امام از نهاد و زوایای دل حکیمه، وقتی در باره خبری که امام علیه السلام به او داد تردید کرد، که در نتیجه امام او را صدا زد و فرمود: «شتاب مکن» و باز اطلاع داد که ولادت حجت خدا نزدیک است. این مطلب نیز به علم امام علیه السلام بر می گردد.
- ۴ - تلاوت کردن سوره های سجده و یس توسط حکیمه. شاید این عمل مخصوص زمان تولد حضرت قائم - عجل الله تعالی فرجه - بوده و امام عسکری علیه السلام به حکیمه چنین دستوری داده باشند یا شاید تلاوت این سوره ها در هنگام وضع حمل زنان به عنوان سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در بین اهل بیت معمول بوده است.
- ۵ - اینکه حکیمه خطاب به نرجس علیه السلام عبارت «إِسْمُ اللَّهِ عَلَيْكَ» را ادا کرد شاید نوعی تبریک و تهنیت به او بوده باشد.
- ۶ - پیدایش سستی و آرامش در حکیمه، که ممکن است ناشی از عظمت موضوع و تولد آن بزرگوار باشد.
- ۷ - سجده کردن حضرت حجت علیه السلام. شاید این سجده به خاطر شنیدن سوره

علیه السلام، فقط حکیمه به نرجس خاتون رسیدگی می کرده است و شخص دیگری در این مدت بر او وارد نشده است، اما در عین حال روایاتی که از حکیمه رسیده از نظر متن و شخص ناقل و مقدار کم و زیادی در الفاظ و عبارات مختلف هستند فلذا ممکن است اختلاف یا از ناحیه کسانی باشد که از حکیمه نقل کرده اند یا از طرف محدثینی که بعدها روایات را ضبط نموده اند اختلاف پیدا شده باشد.

۱ - این مطلب را در کتاب فروغ شهادت به تفصیل مطرح کرده ایم.

سجده و آیه سجده در آن بوده است و شاید هم سپاسگزاری از خداوند است که به او هستی بخشیده و به وعده امامت و وراثت مستضعفین که در آیه ﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ﴾^(۱) آمده، وفا فرموده است. تلاوت کردن همین آیه، چنانکه در احادیث به آن اشاره شده است،^(۲) می تواند شاهی برای صحت احتمال دوم باشد.

۸- سخن گفتن حضرت حجت علیه السلام در هنگام ولادت و هفت روزگی و شهادت بر یگانگی خداوند و درود فرستادن بر پیامبر و امیرالمؤمنین و ائمه علیهم السلام یا به تعبیر دیگر ادای شهادتین و سلام بر امیرالمؤمنین و ائمه علیهم السلام تا پدر بزرگوارش و سپس تلاوت آیه ﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ...﴾.

نظیر اینگونه سخن گفتن در زمان ولادت از انبیاء و اولیاء علیهم السلام نیز دیده شده است و هرکس به رتبه و مقام آنان در نزد پروردگار آشنایی داشته باشد کمترین تردیدی در صحت این قضیه نخواهد داشت و اساساً چه جای تعجب و تردید است در حالی که خداوند سبحان در قرآن کریم از سخن گفتن بعضی از پیامبران^(۳) از جمله حضرت عیسی بن مریم - علی نبینا و آله و علیه السلام - خبر داده است.

۴- ۱: سال، ماه، روز و ساعت ولادت امام زمان علیه السلام

روایات

۱- علی بن محمد^(۴) می گوید: «حضرت صاحب علیه السلام در نیمه شعبان سال

۱- قصص: ۵.

۲- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۷، روایت ۲۵.

۳- مریم: ۲۹-۳۲.

۴- احتمالاً همان علی بن محمد بن ابراهیم بن ابان رازی کلینی صاحب کتاب «اخبار القائم» است.

- دویست و پنجاه و پنج متولد شد.»^(۱)
- ۲ - حکیمه دختر امام جواد علیه السلام می گوید: «امام عسکری در نیمه شعبان سال دویست و پنجاه و پنج کسی به دنبال من فرستاد...»^(۲)
- ۳ - در ارشاد مفید آمده است: «تولد امام مهدی علیه السلام در شب نیمه شعبان سال دویست و پنجاه و پنج واقع شد.»^(۳)
- ۴ - در روایت معلی بن محمد آمده است: «... برای امام عسکری در سال دویست و پنجاه و پنج فرزندی متولد شد و او را م ح م د نامید...»^(۴)
- ۵ - محمد بن حسن کرخی می گوید: «از یکی از رفقایمان به نام ابی هارون شنیدم که می گفت: صاحب الزمان علیه السلام را دیدم، ولادت آن حضرت در روز جمعه سال دویست و پنجاه و شش واقع شد.»^(۵)
- ۶ - از حکیمه (از طریق دیگری غیر از سند روایات شماره ۲) نقل شده که گفت: «امام عسکری علیه السلام در شب نیمه شعبان سال دویست و پنجاه و پنج کسی دنبال من فرستاد.»^(۶)
- ۷ - علان می گوید: «مولا علیه السلام در سال دویست و پنجاه و شش هجری، دو سال پس از رحلت امام هادی علیه السلام متولد شد.»^(۷)
- ۸ - شیخ کمال الدین بن طلحه می گوید: «حجة بن الحسن علیه السلام در بیست و سوم رمضان سال دویست و پنجاه و هشت در سامرا متولد شد.»^(۸)

۱ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴، روایت ۵.
 ۲ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۷، روایت ۲۵.
 ۳ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۳، روایت ۳۶.
 ۴ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴، روایت ۴.
 ۵ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵، روایت ۱۶.
 ۶ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۹، روایت ۲۶.
 ۷ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۲، روایت ۳۰.
 ۸ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۳، روایت ۳۵.

۹ - عیسی بن محمد جوهری می‌گوید: «همراه گروهی برای تبریک به امام عسکری علیه السلام به خاطر تولد حضرت مهدی علیه السلام از منازل خارج شدیم؛ برادرانمان گفتند که زمان ولادت، هنگام طلوع فجر شب جمعه در ماه شعبان بوده است...»^(۱)

گفتار ما

اینها پاره‌ای از اخبار گوناگونی است که در بیان تاریخ ولادت امام - عجل الله تعالی فرجه - به ما رسیده و آنچه بیشتر نقل شده همان مضامین سه روایت اول است.

شاید اختلافی که در بعضی از روایات وجود دارد از ناحیه راویان باشد که هر کدام در زمانی خبر ولادت را شنیده‌اند و گمان کرده‌اند که در همان موقع حضرت متولد شده است و چون معتقد بوده‌اند که زمین بعد از امام عسکری علیه السلام از حجت خالی نخواهد بود و قطعاً حجت خدا جانشین او خواهد شد، آنچه را شنیده بودند و همان را زمان تولد گمان کرده بودند نقل نمودند. آنگاه زمان ولادت را با همان اختلافی که پیدا شده بود پنهان داشتند و اصل تولد حجت را بر سر زبانها انداختند زیرا معتقد بودند که مسائل مربوط به ولادت - مثل زمان و مکان و سایر خصوصیات - باید مخفی بماند.

۵-۱: نام‌های امام زمان علیه السلام

روایات

۱ - شیخ کمال الدین بن طلحه می‌گوید: حضرت حجة بن الحسن در سامرا متولد شد... پدرش ابو محمد حسن و مادرش کنیزی به نام «صقیل» یا بعضی گفته‌اند

۱ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۷۲، روایت ۶۹۶.

«حکیمه» بود، نامهای دیگری نیز برای مادرش گفته‌اند، کنیه آن حضرت، ابوالقاسم، لقبش را حجت، خلف صالح و بعضی منتظر گفته‌اند.^(۱)

۲ - ابی غانم خادم می‌گوید: برای ابومحمد فرزندی متولد شد که او را محمد نامید و روز سوم، او را به اصحابش نشان داد و فرمود: «بعد از من، این فرزند، صاحب شما و جانشین من در بین شماست، او آن قائمی است که به انتظارش گردن می‌کشند و هرگاه زمین مالا مال از جور و بیداد شد خروج می‌کند و آن را از داد و عدل سرشار می‌سازد.^(۲)

۳ - از امام صادق علیه السلام در ضمن حدیثی نقل شده است: «آیا نمی‌دانید که او پسر کنیزی است؟» مقصود امام قائم علیه السلام است.^(۳)

۴ - عبدالرحیم قصیر می‌گوید: از امام باقر علیه السلام در مورد این کلام امیرالمؤمنین علیه السلام که فرموده است: «پدرم فدای پسر بهترین کنیزان باد» سؤال کردم که آیا مقصود از بهترین کنیزان فاطمه علیها السلام است؟ امام باقر علیه السلام فرمود: فاطمه بهترین آزادگان است، او صاحب الزمان علیه السلام - دارای سینه‌ای ستبر و چهره‌ای درخشان...^(۴)

۵ - عتاب می‌گوید: امام مهدی علیه السلام، روز جمعه متولد شد، مادرش ریحانه نام دارد و به او نرجس، صقیل و سوسن نیز می‌گویند و نامگذاری به صقیل به مناسبت حمل آن بانوست، تاریخ تولد آن حضرت سال دویست و پنجاه و شش است...^(۵)

گفتار ما

در باب اول، فصل دوم، روایتهای دو و سه و شانزده شامل مطالب مورد نظر ما در این فصل هستند.

۱ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۳، روایت ۳۵.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵، روایت ۱۱.

۳ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۳۹، روایت ۴۹۸.

۴ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۳۸، روایت ۴۹۶.

۵ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۱۱، روایت ۳۳۸.

شاید بیشتر اسماء و القاب آن حضرت نظیر: محمد، مهدی، حجت، قائم، خاتم‌الاولیاء، خاتم حجج الله، به اعتبار ویژگیهای ایشان در دوران غیبت و ظهور باشد، و نیز ممکن است به خاطر از بین بردن اشتباه احتمالی امت بین آن جناب و سایر ائمه یا ردّ ادعای دروغگویان و مدّعیان مهدویت در زمان غیبت آن حضرت باشد.

۶-۱: کسانی که آن حضرت را در خردسالی دیده‌اند

روایات

۱- غیاث ابن اسد می‌گوید: از محمد بن عثمان عمری رضی الله عنه شنیدم که می‌گفت: هنگامی که حضرت مهدی صلوات الله علیه به دنیا آمد، از سر مبارکش نوری به سمت آسمان اوج گرفت، آنگاه حضرت به سجده افتاد در برابر پروردگار جبّین به خاک سائید سپس سر برداشت و چنین فرمود: «أَشْهَدُ ﴿۱﴾ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ، إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ ﴿۲﴾» محمد بن عثمان اضافه کرد: ولادت آن بزرگوار در شب جمعه بود. ^(۲)

۲- احمد بن اسحق سعد اشعری در یک حدیث طولانی از امام عسکری علیه السلام نقل می‌کند که از ایشان سؤال کردم: «یا بن رسول الله! امام و خلیفه بعد از شما چه کسی است؟» امام علیه السلام به سرعت از جا برخاست و وارد خانه شد، پس در حالی که پسری ماهرو و سه ساله را بر دوش خود نشانده بود خارج شد و فرمود: «ای احمد بن

۱- آل عمران: ۱۸ و ۱۹- با این تفاوت که آیه این‌گونه شروع می‌شود: ﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ...﴾ ترجمه:

خداوند و ملائکه و صاحبان علم گواهی می‌دهند که خدایی جز او نیست، او قائم به قسط است و جز او خدای مقتدر شکست‌ناپذیری که ساخته و پرداخته‌اش خالی از هر عیب و نقصی است هیچ خدایی نیست، دین پذیرفته شده در نزد خداوند، همانا اسلام است.

۲- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵، روایت ۱۹.

اسحق! اگر تو در نزد خدا و ائمه احترام نداشتی این پسر مرا به تو نشان نمی دادم، او همانم و همکنیه رسول الله است و زمین مالا مال از ستم را از عدل و داد سرشار خواهد کرد.»^(۱)

۳- یعقوب بن منقوش می گوید: «بر امام عسکری علیه السلام وارد شدم، ایشان بر روی سکویی در خانه نشسته بودند، در سمت راست آن حضرت اتاقی بود که پرده ای جلوی در آن آویزان بود. عرض کردم: «مولای من، صاحب الامر کیست؟» فرمود: «این پرده را بالا بزن»، پرده را بالا زدم، پسری هشت ساله با قدی در حدود یک متر و اندی - پنج وجب - با پیشانی بلند، چهره ای نورانی، چشمانی درشت و درخشنده، دستانی قوی و گوشت آلود و زانوانی برجسته که خالی برگونه راست و پارچه ای بر سر داشت خارج شد، روی پای امام عسکری علیه السلام نشست، امام فرمود: «این صاحب شماست» سپس به سرعت از جا بلند شد و فرمود: «پسر! به داخل خانه برو تا زمان مقرر.» در حالی که من به سیما و قد و قامتش نگاه می کردم داخل خانه شد. امام عسکری علیه السلام فرمود: «یعقوب! نگاه بکن ببین در خانه کیست؟» من وارد اتاق شدم اما هیچ کس را ندیدم.^(۲)

۴- محمد بن علی بن حمزه علوی می گوید: از امام عسکری علیه السلام شنیدم که می فرمود: ولی خدا و حجت او بر بندگان و جانشین من، پاک و پاکیزه و مختون در هنگام طلوع فجر در شب نیمه شعبان سال دویست و پنجاه و پنج متولد شد.^(۳)

گفتار ما

روایاتی که ما در اینجا برگزیده و ذکر کردیم مربوط به آن دسته از نزدیکان امام عسکری علیه السلام است که حضرت مهدی علیه السلام را در اوایل عمر و خردسالی زیارت

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۹، روایت ۱۸۰.

۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۸۰، روایت ۱۸۳.

۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۷۰، روایت ۶۸۳.

کرده‌اند. در فصل سوم نیز در مورد کسانی که ایشان را دیده‌اند روایاتی ذکر شده و در فصل هشتم نیز در همین موضوع روایاتی نقل خواهد شد.

با توجه به آنچه ذکر شد اگر روایاتی پیدا شود که از آنها چنین برآید که کسی آن بزرگوار را در خردسالی ندیده است باید گفت منظور این است که کسی از غیر نزدیکان امام عسکری علیه السلام، آن حضرت را ندیده است نه اینکه به طور کلی هیچ‌کس آن حضرت را ندیده باشد.

در فصل هشتم همین باب در باره سن مبارک آن حضرت در دوره زندگی پدر بزرگوارش بحث خواهد شد. ان شاء الله تعالی.

۷- ۱: علت مخفی بودن ولادت صاحب الامر علیه السلام

روایات

۱- امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «ولادت صاحب الامر علیه السلام بر مردم پوشیده است تا در زمان ظهور، در گرو بیعت کسی نباشد.»^(۱)

۲- امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «همانا قائم، آن کسی - از ما - است که تولدش از مردم مخفی است.»^(۲)

۳- امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «ولادت امام قائم بر مردم مخفی است به طوری که می‌گویند متولد نشده است. بنابراین در حالی ظهور می‌کند که در گرو بیعت با هیچ‌کس نیست.»^(۳)

۴- امام عسکری علیه السلام می‌فرماید: «بنی امیه و بنی عباس به دو علت بر روی ما

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۸۶، روایت ۲۰۷.

۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۷۹، روایت ۷۵۱.

۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۶۶، روایت ۱۲۶.

شمشیر کشیدند: اول اینکه، می دانستند که در خلافت هیچ حقی ندارند و می ترسیدند که ما ادعای خلافت کنیم و خلافت به محل اصلی خودش برگردد، و دوم اینکه، از اخبار متواتره دریافته بودند که نابودی سلطنت ستمکاران و زورگویان به دست قائم ما صورت می گیرد، و شکی هم نداشتند که خودشان از ستمگران و زورگویان هستند، بنابراین به امید اینکه از تولد قائم علیه السلام جلوگیری کنند یا به کشتن او دست پیدا کنند در کشتار اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و از بین بردن نسل آن حضرت تلاش بسیار کردند، اما خداوند نخواست سرّ امر بر آنها آشکار شود بلکه اراده فرمود که بر خلاف میل کافران نور خود را تمام کند - و خیر بشریت را محقق نماید -»^(۱)

گفتار ما

معلوم است که روایت چهارم، توضیح سه روایت اول است و در این روایات، نکاتی است که باید روشن شود:

۱- در حدیث اول، اگر چه لفظ «تَعْمَى» معنی لفظ «تَخْفَى» را دربر دارد، اما آمدن آن به جای «تَخْفَى» رساننده مطلبی است که از «تَخْفَى» چنین مطلبی فهمیده نمی شود،^(۲) و آن نکته این است که در این لفظ اشاره به این است که ولادت آن حضرت برای خواص آشکار بوده است و خداوند سبحان دیده دیگران را از دیدن آن فرو بسته است.

شاهد این ادعا این است که لفظ «النَّاس» (مردم) که در روایت آمده است چنانکه از کاربرد آن در قرآن و حدیث پیداست به عموم بشر اشاره دارد نه به خواص و برگزیدگان.

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۷۰، روایت ۶۸۵.

۲- «تَعْمَى» از «عَمِيَ يَعْمَى» به معنی کور شدن و بسته شدن چشم؛ و «تَخْفَى» از «خَفِيَ يَخْفَى» به معنی پنهان شدن است. بنابراین استعمال لفظ «تَعْمَى» نشان می دهد که نقص از ناحیه بیننده است نه از ناحیه شخصی که باید دیده شود. مترجم

۲- این روایات به علامتی از علائم ولادت آن حضرت (مخفی بودن) نیز اشاره می‌کند.

۳- جمله «لَوْلَا يَكُونُ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيِّنَةٌ إِذَا خَرَجَ»، تا اینکه در گرو بیعت هیچ کس نباشد - بیانگر آن است که هر امام معصومی در عصر خودش، و به اقتضای مصالح اسلام و مسلمین، نسبت به مردم و حکام وظیفه‌ای بر عهده دارد.

بنابراین، اگر حضرت صاحب‌السلام در بین مردم حضور داشتند، ناچار باید در برخورد با مردم و ستمکاران، به اقتضای مصلحت اسلام و مسلمین، یا به نبرد با طاغوت بر می‌خاستند یا به خاطر تقیه به سکوت و صلح می‌گذرانند و در هر یک از این دو صورت، همانطور که پدران بزرگوارش به شهادت رسیدند ایشان نیز کشته می‌شدند - چنانکه اخباری که علت غیبت را ذکر نموده‌اند نیز به همین مطلب اشاره می‌کنند - و سرانجام زمین از حجت خدا خالی شده و اهلش را در خود فرو می‌برد و مقصود نهایی از وجود حجت خدا در زمین برآورده نمی‌شد.

لفظ «مِنَّا» که در عبارت مشابه، در حدیث هشتم فصل دوم از همین باب، آمده است، و همه امامان علیهم‌السلام و از آن جمله، حضرت حجت علیهم‌السلام را شامل می‌شود گواه این مطلب است.

مطالعه و دقت در زندگی امیرالمؤمنین و سایر امامان علیهم‌السلام، که گاه با نبرد و درگیری و زمانی با سکوت و آرامش همراه بوده - و در نهایت همگی به قتل امامان علیهم‌السلام انجامیده است - به روشنتر شدن آنچه ذکر شد کمک می‌نماید.

۸-۱: امامت آن حضرت

روایات

۱- حسین بن ابی‌العلا می‌گوید به امام صادق علیهم‌السلام عرض کردم: «آیا می‌شود که

زمین بدون امام بماند؟» فرمود: «نه...»، عرض کردم آیا «قائم امام است؟» فرمود: «آری، امام پسر امام است. این مطلب پیشاپیش معین و اعلام شده است.»^(۱)

۲ - معاویه بن حکیم و محمد بن ایوب بن نوح و محمد بن عثمان عمری گفتند: «چهل نفر در منزل امام عسکری علیه السلام بودیم، حضرت، پسرش را به ما نشان داد و فرمود: «این بعد از من امام شما و جانشین من است، از او اطاعت کنید و در امر دین اختلاف نکنید که هلاک خواهید شد؛ بدانید که از امروز به بعد او را نمی بینید»، چند روزی از این قضیه نگذشته بود که امام عسکری علیه السلام از دنیا رفت.»^(۲)

۳ - حکیمه دختر امام جواد علیه السلام گفت: «هنگامی که قائم علیه السلام به دنیا آمد، پدرش امام عسکری علیه السلام به او فرمود: «ای حجت خدا و بازمانده انبیاء و حکیم اوصیاء سخن بگو! ای جانشین اتقیاء و ای نور اوصیاء سخن بگو!...»^(۳)

۴ - امام صادق علیه السلام در مورد آیه ﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ﴾^(۴) فرمود: این آیه در مورد قائم آل محمد نازل شده است که در مقام ابراهیم دو رکعت نماز می خواند و دست دعا به درگاه خدا برمی دارد، خداوند دعایش را اجابت می کند و گرفتاری را برطرف می نماید و او را خلیفه روی زمین قرار می دهد.»^(۵)

۵ - امام صادق علیه السلام می فرماید: «قائم، امام پسر امام است، قبل از قیامش، مردم، حلال و حرام - و باید و نباید - خویش را از او می جویند...»^(۶)

۱ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۶۰، روایت ۱۰۲.

۲ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۸۵، روایت ۲۰۴.

۳ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۳۰، روایت ۴۵۱.

۴ - نمل : ۶۲ - چه کسی است که وقتی در مانده ناچار او را می خواند، پاسخ گوید و گرفتاریش از میان بردارد و شما را جانشینان در زمین قرار دهد؟!.

۵ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۵۳، روایت ۵۷۶.

۶ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۸۰، روایت ۵۷۹.

گفتار ما

در بعضی از جملات این روایات نکاتی وجود دارد که شایسته است در باره آنها قدری بیشتر دقت شود:

۱ - شاید منظور از جمله «وَقَدْ أُودِنْتُمْ بِهِ»، «این مطلب، پیشاپیش اعلام شده است.» روایاتی باشد که سالها قبل از تولد آن حضرت از پدران بزرگوارش نقل شده و از تولد، برخی ویژگیها، ظهور و اعمال آن حضرت پس از ظهور خبر می دهند.^(۱)

۲ - ممکن است عبارت «حَكِيمُ الْأَوْصِيَاءِ» در روایت سوم، به حکومت و قدرت فراگیر و بلا منازع آن حضرت در اجرای احکام الهی و برقراری قوانین و مقررات دین که به طور کامل و بدون کمترین مصالحه و مماشاتی انجام می گیرد اشاره نماید.^(۲)

پیامبران و امامان گذشته چنین حکومت و قدرتی نداشته اند و خداوند تا این مقدار، دست ایشان را در امر حکومت باز نگذاشته است.

۳ - در مورد عبارت «نُورُ الْأَوْصِيَاءِ» در حدیث سوم این احتمالات قابل تصور است:

الف - آن حضرت از نسل جانشینان رسول الله (ائمه) علیهم السلام است.

ب - انوار و مقامات بلند ائمه علیهم السلام بر مردم پوشیده و پنهان مانده و جز اندکی از خواص ایشان، آنان را نشناخته اند اما حضرت حجت علیه السلام با ظهورش، مقام و منزلتش را آشکار می کند.

ج - چنانکه در فصل یازدهم همین باب ذکر می شود، مقصود بیان خصوصیات ظاهری آن حضرت و سیمای درخشان ایشان است.

۴ - عبارت «يَأْخُذُونَ مِنْهُ حَلَالَهُمْ وَ حَرَامَهُمْ قَبْلَ قِيَامِهِ»، «قبل از قیام قائم، مردم، حلال و حرام - و باید و نباید - خود را از او می گیرند» که در حدیث پنجم آمده است، شاید دلالت کند بر اینکه آن حضرت حجت خدا بر روی زمین است و ما باید حل

۱ - به روایات فصل دوم از باب اول مراجعه نمایید.

۲ - به روایات فصل هفدهم از باب هشتم مراجعه نمایید.

مشکلات دینی خود را از ایشان جویا شویم.

معلوم است که چنین کاری - به علت غیبت آن حضرت - برای ما ممکن نیست، از این رو باید احکام دینی را از قرآن و سنت پیامبر ﷺ و سخنان ائمه معصومین علیهم السلام استخراج نماییم، یا - اگر خود اهل استنباط نیستیم - از کسی که آنها را استخراج کرده پیروی - و تقلید - نماییم، و معنی چنین کاری این است که احکام و تکالیف دینی را از امام زمان علیهما السلام جستجو کرده ایم زیرا فرمایش ایشان چیزی جز بیان قرآن و سنت نیست.

۹- ۱: سنّ حضرت مهدی علیهما السلام در آغاز امامت

روایات

۱ - محمد بن جعفر اسدی^(۱) می گوید: امام قائم محمد بن حسن علیهما السلام در نیمه شعبان سال دویست و پنجاه و پنج متولد شد و به هنگام رحلت پدرش پنج ساله بود.^(۲)

۲ - علی بن مهزیار می گوید: «امام هادی علیهما السلام به امامت حضرت عسکری علیهما السلام - در حالی که آن حضرت هفت ساله بود - تصریح فرمود، من عرض کردم مولای من آیا می شود که پسری هفت ساله امام باشد؟ آن حضرت فرمود: آری و می شود پسری پنج ساله امام باشد.»^(۳)

۳ - ارشاد مفید: «ولادت آن حضرت در شب نیمه شعبان سال دویست و پنجاه و پنج واقع شد و مادرش کنیزی بود به نام نرجس، و سن آن حضرت هنگام رحلت

۱ - وی از کسانی است که هیچ خدشه ای در موردش وارد نشده است.

۲ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۶۸، روایت ۶۷۸.

۳ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۷۹، روایت ۷۵۴.

پدرش پنج سال بود که خداوند به او حکمت عنایت فرمود و حق را در دل و زبان او نهاد و وی را آیتی برای جهانیان قرار داد. همان طور که به یحیی در کودکی حکمت عطا کرد به او نیز حکمت بخشید و همان گونه که عیسی بن مریم را در گهواره به نبوت رساند، مهدی علیه السلام را نیز مقام امامت داد...»^(۱)

۴- ارشاد مفید: «امام عسکری علیه السلام روز اول ماه ربیع الاول سال شصت بیمار شد و روز جمعه هشتم همان ماه، همان سال در سن بیست و هشت سالگی از دنیا رفت و در سامرا در همان خانه‌ای که پدرش مدفون بود دفن شد و پسرش، امام منتظر جانشین او شد.»^(۲)

گفتار ما

از این حدیث و نمونه‌های مشابه آن، این طور فهمیده می‌شود که آن حضرت در هنگام شهادت پدر بزرگوارش پنج ساله بوده و در همین سن امامت امت را بر عهده گرفته است. و بنابراین روایت سوم از فصل ششم که گویای آن بود که راوی در سن هفت و هشت سالگی با قامتی حدود یک متر و اندی آن حضرت را دیده به قد و قامت ایشان مربوط می‌شود و با سن پنج سالگی در هنگام امامت منافاتی ندارد. بعید دانستن امامت ایشان در این سن نیز هیچ دلیلی ندارد، زیرا در روایات سابق و روایاتی که بعداً ذکر خواهد شد.^(۳) به قدر کافی شاهد بر صحت امامت آن حضرت در خردسالی وجود دارد.

۱- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۳، روایت ۲۶.

۲- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۳۴، روایت ۵ و روایات دیگر.

۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۳۲۲، باب ۲۶، روایات ۷، ۱۵ و ۲۵ که از طریق شیعه وارد شده است، و ص ۳۲۷ روایات یک تا چهار که از طریق اهل سنت رسیده است.

۱۰ - ۱: گستره علم امام زمان علیه السلام

آیات

- ۱ - ﴿عَالَمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ﴾^(۱)
- ۲ - ﴿قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾^(۲)
- ۳ - ﴿وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ﴾^(۳)
- ۴ - ﴿بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي قُلُوبِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ﴾^(۴)

روایات

- ۱ - حمran بن اعین از امام باقر علیه السلام در مورد آیه ﴿عَالَمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا﴾ توضیح خواست، امام علیه السلام ادامه آیه را که می فرماید: ﴿إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ﴾ تلاوت کرده و فرمود: به خدا قسم محمد از کسانی بود که پروردگار بر علم و اطلاع او به غیب، رضا داده بود، اما اینکه فرموده است: ﴿عَالَمُ الْغَيْبِ﴾ به این معنی است که خداوند قبل از اینکه چیزی را خلق کند و علم و تدبیر آن را به ملائکه بسپارد خود به آنچه از قضا و قدر الهی که از آفریده ها پنهان است عالم است،

۱ - جن: ۲۶ و ۲۷ - خداوند داننده غیب است و جز آن کسی را از میان فرستادگانش که خود بدان راضی باشد، کس دیگری را بر علوم غیب مطلع نخواهد کرد.

۲ - زمر: ۹ - بگو آیا آنان که می دانند با انسانهای بی نصیب از دانش برابرند؟ منحصرأ اندیشمندان متذکر می شوند - و به حقیقت میل می کنند -.

۳ - آل عمران: ۷ - از حقیقت و باطن ناپیدای آن جز خداوند و آنان که جانشان در ژرفای دانش الهی آرام گرفته است کسی با خبر نیست.

۴ - عنکبوت: ۴۹ - چنین نیست، بلکه قرآن همان آیات روشن الهی است که در قلوب صاحبان دانش و فرهیختگان واقعی جای گرفته است.

حمران! این همان علمی است که فقط در نزد خداوند است، و مشیت خدا نیز در دایره همین علم الهی قرار دارد که هر وقت بخواهد آن را به انجام می‌رساند و هرگاه مصلحتی باشد، بدا حاصل می‌شود و مشیتش را جاری نمی‌نماید. اما علمی که از قلم تقدیر الهی بگذرد، دیگر گذشته و اجرا شده است و برگشتنی نیست و آن همان علمی است که از ناحیه پروردگار به رسول الله صلی الله علیه و آله و سپس به ما می‌رسد.^(۱)

۲- امام باقر علیه السلام در مورد آیه: ﴿هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ﴾ فرمود: «آنها که می‌دانند، ما هستیم، و بی‌نصیبان از دانش، دشمنان ما هستند و اندیشمندان متذکر شونده، شیعیان ما هستند.»^(۲)

۳- امام صادق علیه السلام: راسخون و آرام گرفتگان در ژرفای دانش الهی ما هستیم و حقیقت باطن آن را می‌دانیم.^(۳)

۴- امام صادق علیه السلام در باره آیه ﴿بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ﴾ فرمود: ﴿الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ﴾ (صاحبان دانش و فرهیختگان)، ما امامان هستیم.^(۴)

۵- امام صادق علیه السلام: «همان‌طور که گیاه از بهترین بذر و نهال آن - در نهایت بالندگی - می‌روید، علم به کتاب خدا و سنت پیامبر نیز همان‌گونه در دل مهدی ما می‌روید، پس هر کدام از شما که عمرش به جایی رسید که او را ببیند باید او را مخاطب قرار داده و عرض کند: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ الرَّحْمَةِ وَالنُّبُوَّةِ وَمَعْدِنِ الْعِلْمِ وَ مَوْضِعِ الرِّسَالَةِ»^(۵)»^(۶)

۶- امام باقر علیه السلام در باره آیه ﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا، فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ

۱- اصول کافی، ج ۱، ص ۲۵۶، روایت ۲.

۲- اصول کافی، ج ۱، ص ۲۱۲، روایت ۱.

۳- اصول کافی، ج ۱، ص ۲۱۳، روایت ۱.

۴- اصول کافی، ج ۱، ص ۲۱۴، روایت ۲.

۵- سلام بر شما ای خاندان رحمت و واسطه نزول آیات الهی بر بشر و ای اصل و اساس دانش و فرودگاه رسالت الهی.

۶- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۶، روایت ۵.

مَعِينٌ ﴿^(۱)﴾ فرمود: این آیه در باره امام قائم علیه السلام نازل شده است یعنی اگر امام شما غائب شود که ندانید در کجاست چه کسی امامی ظاهر برای شما به پهنه هستی خواهد آورد تا اخبار زمین و آسمان و حلال و حرام خدا را برای شما بیان نماید؟... به خدا قسم تأویل و حقیقت این آیه نیامده است و قطعاً خواهد آمد.﴾^(۲)

۷ - امام صادق علیه السلام می فرماید: «وقتی نوبت به حضرت صاحب الامر برسد، خداوند هر بلندی دور از دسترس را برای او پست، و هر پستی را برایش بلند خواهد کرد تا اینکه دنیا برای او مثل کف دستش خواهد شد، کدام یک از شما هست که کف دستش مویی باشد و آن را نبیند؟»^(۳)

۸ - کمیل بن زیاد از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می کند که فرمود: «ای کمیل! هیچ علمی وجود ندارد مگر اینکه کلید آن در دست من است و هیچ رازی در عالم نیست مگر اینکه در اختیار قائم علیه السلام است. ای کمیل! ﴿ذُرِّيَّةٌ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾^(۴) ای کمیل، گذشتگان شما بی تردید به این عالم باز می گردند و آیندگان شما بدون شک - در کنار مهدی علیه السلام - بر دشمنان پیروز خواهند شد.﴾^(۵)

گفتار ما

در این فصل به بیان این مقدار از آیات و روایات بسنده می کنیم. کسانی که خواهان مطالعه آیات و روایات بیشتری هستند به منابع مراجعه نمایند.

-
- ۱ - ملک : ۳۰ - بگو اگر آبی که می آشامید به زمین فرو رود چه کسی آب گوارا به شما خواهد رساند؟
 - ۲ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۶۷، روایت ۱۳۰.
 - ۳ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۴، روایت ۲۵۲.
 - ۴ - آل عمران : ۳۴ - برگزیدگان خدا، - از آل ابراهیم - برخی از نسل یکدیگرند و خداوند - به اقوال و احوال اطاعت کنندگان از خدا و رسول و روی گردانان از حق - شنوا و داناست.
 - ۵ - ظاهراً منظور از گذشتگان شما و آیندگان شما که به کمیل خطاب شده است، همان خواصی نظیر کمیل است نه تمام گذشتگان و آیندگان، چنانکه در جای خود بحث می شود که فقط محض الکفر و محض الایمان بر خواهند گشت و نه تمام گذشتگان. مترجم

۱۱ - ۱: سیما و قامت حضرت مهدی علیه السلام

روایات

۱ - حسن بن محبوب از امام رضا علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: پدر و مادرم فدای آن که هم نام جدم، شبیه من و شبیه موسی بن عمران علیه السلام است، هاله‌ای از نور او را فراگرفته که از اشعه انوار الهی روشن است.^(۱)

۲ - یعقوب بن منقوش می‌گوید: بر امام حسن عسکری علیه السلام وارد شدم، ایشان بر روی سکویی در خانه نشسته بودند، در سمت راست آن حضرت اتاقی بود که جلوی در آن پرده‌ای آویزان بود. عرض کردم: «مولای من! صاحب الامر کیست؟ فرمود: این پرده را بالا بزن، پرده را بالا زدم، پسری هفت هشت ساله با قدی در حدود یک متر و اندی - پنج وجب - با پیشانی بلند، چهره‌ای نورانی، چشمانی درشت و درخشنده، دستانی قوی و گوشت آلود و زانوانی برجسته که خالی بر گونه راست و پارچه‌ای بر سر داشت - خارج شد...»^(۲)

۳ - احمد بن اسحق بن سعد می‌گوید: «از امام حسن عسکری علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: حمد خدایی را که مرا از دنیا نبرد تا اینکه جانشین خودم را به من نمایاند. او از نظر قیافه ظاهری و رفتار و اخلاق بیش از از همه مردم به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شباهت دارد...»^(۳)

۴ - امام باقر از قول پدرش از جدش علیه السلام نقل می‌فرماید که امیرالمؤمنین علیه السلام بالای منبر فرمود: «در آخر الزمان از نسل من فرزندی متولد می‌شود که دارای چهره‌ای درخشنده، سینه‌ای ستبر، پاهایی قوی، شانه‌هایی پهن و تناور، است که در پشتش

۱ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۵۶، روایت ۸۶

۲ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۸۰، روایت ۱۸۳.

۳ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۸۱، روایت ۱۸۷.

دو علامت دارد، یکی همرنگ پوست خودش و دیگری همرنگ علامتی که پیامبر ﷺ داشت...»^(۱)

- ۵- جابر جعفری می گوید: از امام باقر ﷺ شنیدم که می فرمود: «عمر بن خطاب در راهی با امیرالمؤمنین ﷺ در حرکت بود، از امام ﷺ خواست او - حضرت مهدی ﷺ - را برایش توصیف کند. امیرالمؤمنین ﷺ فرمود: جوانی میان قامت، خوشرو و نیکو موی است که مویش بر شانه هایش ریخته و نور چهره اش بر سیاهی محاسن و موی سرش غلبه کرده است، پدرم فدای پسر بهترین کنیزان باد!»^(۲)
- ۶- امام باقر ﷺ فرمود: «مهدی مردی گندمگون از فرزندان فاطمه است.»^(۳)

گفتار ما

همان گونه که در فصل پنجم در باره اسامی و القاب آن حضرت احتمال داده شد، در اینجا نیز همان احتمال وجود دارد که احادیث زیادی که در مورد سیما و قامت آن حضرت وارد شده به خاطر از بین بردن اشتباه امت بین آن جناب و سایر ائمه، یا رد ادعای دروغگویان و مدعیان مهدویت در زمان غیبت آن حضرت باشد. برخی از روایاتی که ذکر شد و نیز بعضی از روایاتی که در صفحات بعد آورده می شود این احتمال را تأیید می کنند.

در این روایات، دو عبارت وجود دارد که شایسته دقت بیشتری است:

- ۱- «عَلَيْهِ جُيُوبُ النُّورِ»، «هاله ای از نور او را فرا گرفته» در حدیث اول؛ شاید مقصود از این عبارت همان معنایی باشد که در حدیث جابر جعفری آمده که امام ﷺ فرمودند: «نور چهره اش بر سیاهی محاسن و موی سرش غلبه کرده است» و شاید منظور آن باشد که حضرت مهدی ﷺ آثار، قدرت و علوم پیامبران، همگی را

۱- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۵، روایت ۴.

۲- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۶، روایت ۶.

۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۰۴، روایت ۳۰۳.

داراست.^(۱)

از سوی دیگر ممکن است این عبارت به معنای دقیقتر و لطیفتری اشاره کند که همان مقام نورانیت و مقام ولایت است که از مقام ولایت کلیه الهی، نشأت می‌گیرد و جمله بعدی که می‌فرماید «تَتَوَقَّدُ بِشُعَاعِ ضِيَاءِ الْقُدُسِ»، «از اشعه انوار الهی روشن است» شاهد صحت این احتمال است زیرا تمام کرامات علمی و عملی و خوارق عادت که از پیامبران و امامان علیهم‌السلام سر می‌زند همه به مقام ولایت الهی وابسته است و از اشعه انوار الهی روشنی می‌گیرد. بنابراین توضیح، می‌توان گفت روایت در صدد بیان این مطلب است که آن بزرگوار دارای تمام کمالات بوده و قدرت نمایاندن همه آنها را دارد. با این همه باز هم باید گفت که علم به حقیقت معنی فقط از آن خداست.

۲- عبارت «أَشْبَهَ النَّاسَ بِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ خُلُقاً وَخُلُقاً»، «از نظر قیافه و رفتار و اخلاق، بیش از همه مردم به پیامبر شباهت دارد» که در حدیث سوم از قول پدر بزرگوارش نقل شده است؛ احتمالاً همان معنایی را می‌رساند که از پیامبر اکرم نقل شده است که فرمود: «وَشَمَائِلُهُ شَمَائِلِي، وَ سُنَّتُهُ سُنَّتِي»^(۲)

۱۲-۱: اسامی، القاب و کنیه‌های آن حضرت ﷺ

روایات

- ۱- جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید: رسول الله ﷺ فرمود: «مهدی از نسل من است، نامش، نام من و کنیه‌اش کنیه من است...»^(۳)
- ۲- ابی غانم خادم می‌گوید: «برای امام عسکری علیهم‌السلام فرزندی متولد شد که او را

۱- به باب سوم، فصل هفتم، روایات ۴ و ۹ و فصل هشتم همان باب روایت ۳ مراجعه نمایید.

۲- در باب اول فصل سیزدهم، حدیث ۴ ذکر خواهد شد.

۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۶۰، روایت ۱۰۳.

محمد نامید و روز سوم، وی را به اصحابش نشان داد و فرمود: «بعد از من، این فرزند، صاحب شما و جانشین من در بین شماست، او آن قائمی است که گردنها به انتظارش کشیده می شود...»^(۱)

۳ - حذیفه می گوید: «از پیامبر شنیدم که مهدی علیه السلام را یاد کرده و می فرمود: بین رکن و مقام با او بیعت انجام می گیرد، احمد، عبدالله و مهدی، هر سه نامهای شریف او هستند.»^(۲)

۴ - امام باقر علیه السلام پس از تلاوت آیه ﴿وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَاناً﴾^(۳) فرمود: «آن مظلوم حسین است.» و سپس آیه را ادامه داد: ﴿فَلَا يُشْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُوراً﴾^(۴) و اضافه فرمود: خداوند مهدی را منصور نامیده است چنانکه او را احمد، محمد و محمود نیز نامیده و عیسی را مسیح نام گذاشته است.»^(۵)

۵ - غسان بحرانی می گوید: بر ابو سهل اسماعیل بن علی نوبختی این روایت را خواندم که: «م ح م د پسر امام عسکری، پسر امام هادی، پسر امام جواد، پسر امام رضا علیه السلام در سال دویست و پنجاه و شش در سامرا متولد شد، مادرش «صفیل» و کنیه اش «ابوالقاسم» بود، این کنیه را پیامبر صلی الله علیه و آله برایش تعیین فرمود، پیامبر فرمود: «نام او نام من، کنیه او کنیه من و لقبش مهدی است، او حجت، منتظر و صاحب الزمان است.» آنگاه اسمعیل بن علی گفت: «در بیماری آخر عمر امام عسکری علیه السلام بر آن حضرت وارد شدم... کودک، اعضاء پدر را یک یک وضو داد و سر و پاهایش را مسح کشید، پس امام عسکری علیه السلام به او فرمود: «پسرم مژده باد بر تو که صاحب الزمان، مهدی و حجت خدا در زمین هستی، تو فرزند و وصی و زاده من هستی، تو م ح م د بن حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد

۱ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۸۳، روایت ۱۹۶.

۲ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۱۴، روایت ۲۵۶.

۳ - اسراء: ۳۳ - هر آنکه مظلوم کشته شد ما برای ویش قدرت و حکومتی قرار دادیم - تا انتقام کشد -.

۴ - اسراء: ۳۳ - پس در کشتار زیاده روی نکند، او از جانب ما یاری می شود.

۵ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۰، روایت ۸.

بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب و زادهٔ پیامبر ﷺ هستی، تو آخرین امامان و جانشینان پیامبری، پیامبر به تو مژده داده و نام و کنیهٔ تو را اعلام کرده است، و این مطلب از پدرم و از پدران بزرگوارت به من رسیده است»، (علی بن اسمعیل اضافه می‌کند: در همان اوقات امام عسکری ﷺ از دنیا رفت.)^(۱)

گفتار ما

اسامی و القاب و کنیه‌های آن حضرت در روایات ذکر شد، اینک به دو مطلب باید توجه داشت:

۱ - راویان تعمّد داشته‌اند که نام شریفش را به صراحت ذکر نکنند و فقط با «م ح م د» از آن حضرت یاد کنند، که شاید این کار به دستور ائمه علیهم السلام بوده است، یا ایشان نام حضرت را به این شکل می‌بردند و راویان از آنها پیروی کرده‌اند.

در فصل هشتم باب دوم، در این باره بحث خواهد شد.

۲ - در حدیث پنجم امام فرمود: «أَنَا وَلَدْتُكَ» تو زادهٔ من هستی، و اندکی بعد فرمود «وَلَدَكَ رَسُولُ اللَّهِ» تو زادهٔ پیامبر هستی، و این دو عبارت با هم منافاتی ندارند چون جمله دومی به این معنی است که تو از نسل پیامبر و ذریه او هستی.

۱۳ - ۱: معنی نامها، کنیه‌ها و لقبهای آن حضرت ﷺ

روایات

۱ - صقر بن دلف می‌گوید: از امام جواد ﷺ شنیدم که می‌فرمود: «امام بعد از من پسر من علی است، امر او امر من، سخن او سخن من و اطاعت او اطاعت از من است؛ امامت پس از او به پسرش حسن می‌رسد، امر او امر پدرش، سخن او سخن پدرش و

پیروی از او پیروی از پدرش است. سپس ساکت شد. عرض کردم: یا بن رسول الله، پس امام بعد از حسن کیست؟ امام علیه السلام سخت گریه کرد، سپس فرمود: «بعد از حسن، فرزندش قائم به حق، امام منتظر است.» عرض کردم: «یا بن رسول الله چرا آن حضرت، قائم نامیده شده است؟» فرمود: «زیرا بعد از آنکه یاد و نام او مرد و اکثر معتقدان به امامتش از او برگشتند قیام می کند.» بعد عرض کردم: «چرا آن حضرت منتظر نامیده شده است؟» فرمود: زیرا دوران غیبت او بسیار طولانی می شود، دینداران و خداجویان ناب منتظر خروج او هستند و شکاکان بی ایمان، او را انکار می کنند، منکران - حق و دیانت - یاد و نام او را مسخره می کنند، و عده زیادی برای ظهور او وقت و زمان تعیین می نمایند، برخی که شتابزده و عجولند - یا با متوسل شدن به مدعیان دروغگو یا با ناامید شدن از آمدن مهدی و انکار او - خود - و دینشان را به نابودی می کشانند و مسلمانان واقعی که تسلیم امر امامت هستند از خطرهای رسته و نجات می یابند.»^(۱)

۲ - جابر می گوید: در خدمت امام باقر علیه السلام بودم که مردی وارد شد - و امام شروع به صحبت فرمود - تا به اینجا رسید که فرمود: «از آن رو، امام غایب، مهدی نامیده شده است که به امر پنهان از تمام مردم، رهنما می شود؛ او تورات و سایر کتابهای آسمانی را از غاری در انطاکیه خارج می کند، آنگاه در بین اهل تورات به تورات، در بین اهل انجیل به انجیل، در میان اهل زبور به زبور و در میان اهل قرآن به قرآن حکم می کند،^(۲) آنچه از اموال دنیا که روی زمین ظاهر یا در دل زمین پنهان است برای او جمع شده و در خدمتش قرار می گیرد، سپس به مردم می فرماید: «آنچه که از پیوند خویشاوندی بریدید و قطع رحم نمودید، خونهایی که ریختید و حرامهایی که انجام دادید همه را اصلاح و جبران کنید.» به آن حضرت چیزی داده می شود که به

۱ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۰، روایت ۴.

۲ - ظاهراً مقصود این است که حکم الهی واحد را به استناد کتابهای مختلف آسمانی به مردم اعلام می کند، نه اینکه هر کتاب حکم جدا و متفاوتی نسبت به کتابهای دیگر داشته باشد و مردم به احکام مختلف عمل نمایند. مترجم

پیشینیان او داده نشده است...»^(۱)

۳- ابو سعید خراسانی می‌گوید: به امام صادق ﷺ عرض کردم: «آیا مهدی و قائم یکی هستند؟» حضرت فرمود: «آری»، گفتم: «چرا آن حضرت مهدی نامیده شده است؟» فرمود: «زیرا به تمام امور پنهان رهنما می‌شود و قائم نامیده شده است زیرا بعد از آنکه بمیرد^(۲) به امر بسیار مهمی قیام می‌کند.»^(۳)

۴- از امام صادق به نقل از پدران بزرگوارش آمده است: «رسول الله ﷺ فرمود: «قائم از نسل من است، نام او نام من، کنیه‌اش کنیه من، سیما و قامتش سیما و قامت من و روش او روش من است، مردم را بر پیروی از من و دینم بپا می‌دارد و آنان را به کتاب خدا دعوت می‌کند، هر که از او اطاعت کند از من اطاعت کرده است...»^(۴)

۵- محمد بن عجلان می‌گوید: امام صادق ﷺ فرمود: «وقتی قائم ﷺ قیام کند از نو مردم را به اسلام دعوت می‌کند، مردم را به چیزی که کهنه و فراموش شده است و اکثریت مردم از آن جدا شده و به گمراهی افتاده‌اند هدایت می‌نماید، قائم ﷺ، مهدی نامیده شده است زیرا به چیزی که دیگران نسبت به آن گمراه شده‌اند رهنما می‌شود و قائم نامیده شده است زیرا به حق قیام می‌نماید.»^(۵)

۶- محمد بن علی سلمی می‌گوید: امام باقر ﷺ فرمود: «همانا مهدی، مهدی نامیده شده است زیرا به امری پنهان و آنچه در دل مردم نهفته است رهنما می‌شود...»^(۶)

۱- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۹، روایت ۲.

۲- مجلسی رحمه الله علیه فرموده است: اینکه فرموده است «بعد از اینکه مرد» مقصود این است که نام و یادش مرد یا مردم او را مرده پنداشتند، روایت ۱ در همین فصل نیز این مطلب را تأیید می‌کند.

۳- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۰، روایت ۶.

۴- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۶، روایت ۴۲۶.

۵- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۵۵، روایت ۵۹۳.

۶- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۷۳، روایت ۷۱۱.

گفتار ما

هر چند تمام این روایات در صدد توضیح معنی کلمات «قائم»، «منتظر»، و «مهدی» هستند اما هر کدام معنایی جدا از معنای ذکر شده در روایات دیگر را بیان می‌کنند ولی در عین حال با اندکی دقت معلوم می‌شود که بین این معنیهای متعدد و مختلف منافاتی وجود ندارد.

شایسته است خواننده محترم در بعضی عبارات حدیث اول دقت بیشتری به خرج دهد؛ عبارت «لَئِنَّهُ يَقُومُ بَعْدَ مَوْتِ ذِكْرِهِ وَازْتِدَادِ أَكْثَرِ الْقَائِلِينَ»، «او پس از اینکه یاد و نامش از میان می‌رود و بیشتر معتقدان به او از دین و اعتقاد به آن حضرت بر می‌گردند قیام می‌کند» که در توضیح معنی قائم آمده است، و عبارت «فَيَنْتَظِرُ خُرُوجَهُ الْمُخْلِصُونَ»، «دینداران و خدا جویان ناب منتظر خروج او می‌مانند» که در توضیح معنی منتظر آمده است، از عبارات شایسته دقت و تفکر هستند.^(۱)

۱۴ - ۱: حال منکران امام زمان علیه السلام و ظهورش

روایات

۱ - سدید صیرفی می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: «صاحب الامر با یوسف علیه السلام شباهتی دارد»، گفتم: «زندگی آن حضرت را می‌فرمائید یا غیبتش را؟»،

۱ - نول کشیدن بیش از انتظار زمان غیبت حضرت مهدی علیه السلام، گسترش بی‌حد و حساب ظلم و فساد در عالم و برب آمدن جانها، کار را به جایی می‌رساند که حتی متدینین و معتقدان به امامت حضرت مهدی، ناامید شوند و بگویند اگر مهدی وجود داشت باید ظاهر می‌شد پس معلوم می‌شود خبری نیست. در این جاست که از ایمانهای معمولی و اخلاص مخلصین (با کسره لام) هم کار چندانی ساخته نیست و فریاد متی نصرالله از همه بلند است و باید به اخلاص مخلصین (با فتح لام یعنی کسانی که خدا خالصشان کرده و جایی برای غیر خدا در دلشان نیست) پناهنده شد و از افتادن در گرداب هلاکت و ارتداد رهایی یافت. شاید یکی از انگیزه‌های ترغیب مؤلف محترم به تفکر بیشتر، همین مطلب باشد.

فرمود: «خوک منشان این امت چه چیزی را در باره آن حضرت انکار می نمایند؟» برادران یوسف که نوادگان و فرزندان پیامبر بودند یوسف را فروختند، آنگاه - بعد از مدتی - با او همکلام شدند و با وجود اینکه برادرشان بود او را نشناختند تا اینکه حضرت یوسف، خود را به آنان معرفی کرد و فرمود: ﴿أَنَا يُوسُفُ وَ هَذَا أَخِي﴾^(۱)، این امت دور از رحمت الهی چه چیزی را انکار می کنند؟ آیا اینکه خداوند مدتی با حجت خودش همان کاری را انجام دهد که با یوسف انجام داد - قابل انکار است -؟^(۲)

۲ - ابو حمزه ثمالی می گوید: روزی در خدمت امام باقر علیه السلام بودم، وقتی مردم از حضورش مرخص و پراکنده شدند خطاب به من فرمود: «ای ابا حمزه، از مسائل مسلم و حتمی در نزد خداوند که به هیچ رو قابل تغییر نیست قیام قائم ماست، پس هر که در آنچه می گویم شک کند در حالی خدا را ملاقات خواهد کرد که به او کفر ورزیده و او را انکار کرده باشد...»^(۳)

۳ - ابو بصیر می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «وقتی امام قائم علیه السلام ظهور کند عده زیادی از مردم، او را انکار خواهند کرد، زیرا در سیمای جوانی رشید ظاهر خواهد شد، و جز مؤمنینی که خداوند در عالم ذر از آنها پیمان گرفته است کسی بر اعتقاد به او باقی نخواهد ماند.»^(۴)

۴ - در حدیث هشام بن سالم از امام صادق از پدران بزرگوارش آمده است که فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «قائم از نسل من است... هر کس از او اطاعت کند از من اطاعت کرده و هر کس از او سرپیچی کند از من سرپیچی کرده است، هر کس غیبت او را انکار کند مرا انکار کرده است و هر که او را دروغ پندارد، مرا دروغ پنداشته است، هر که او را به راستی قبول کند و بپذیرد، مرا تصدیق کرده است، از

۱ - یوسف: ۹۰.

۲ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۴۲، روایت ۱۷.

۳ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۳۲، روایت ۴۶۰.

۴ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۸۳، روایت ۷۷۸.

آنان که سخن مرا در باره او دروغ می‌پندارند و سختم را انکار می‌کنند و امتم را از اعتقاد به او و راهش گمراه می‌نمایند به خدا شکایت می‌برم، ﴿وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ﴾^(۱) (۲)

گفتار ما

این روایات - چنانکه پیداست و بدون نیاز به هیچ توضیحی - حال منکرین آن حضرت و ظهورش را بیان می‌کنند و ان شاء الله در فصل بعدی، روایاتی که علت این انکار را بیان می‌نمایند ذکر خواهد شد.

۱۵ - ۱: علت انکار منکرین آن حضرت و ظهورش

روایات

۱ - امام صادق علیه السلام در مورد آیه ﴿وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ﴾ فرمود: پیمانی که از آنان گرفته شد نسبت به خداوند، اقرار به ربوبیت، نسبت به پیامبر، اقرار به نبوت، و نسبت به امیرالمؤمنین و امامان، اقرار به امامت آنان بود، آن‌گاه فرمود: ﴿أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ﴾ و امام علیه السلام بعد از تلاوت این قسمت از آیه اضافه فرمود: و آیا محمد پیامبر شما نیست؟ و آیا علی امام شما نیست؟ و آیا ائمه هدایتگر به سوی حق، امامان شما نیستند؟ آن‌گاه بنی آدم گفتند آری ﴿قَالُوا بَلَى﴾، پس خداوند فرمود ﴿أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾ یعنی تا اینکه در روز قیامت نگویند: ﴿إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ﴾^(۳) (۴)

۱ - شعرا: ۲۲۷ - ستمکاران به زودی خواهند فهمید که به کدام جایگاه برخوانند گشت.

۲ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۶، روایت ۴۲۶.

۳ - اعراف: ۱۷۲ - یاد آر آن هنگام را که پروردگارت از پشت فرزندان آدم ذریه آنها را - احضار کرد - و بر ربوبیت خود گواهی‌شان گرفت و از ایشان پرسید که آیا من پروردگار شما نیستم گفتند بلی شهادت می‌دهیم که هستی تا اینکه روز قیامت نگویند - شما بنی آدم - ما از این موضوع کاملاً بی‌اطلاع بودیم.

۴ - بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۲۴۸، روایت ۲.

۲- حسین بن نعیم صحاف می گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد آیه ﴿فَمِنْكُمْ كَافِرٌ وَمِنْكُمْ مُؤْمِنٌ﴾^(۱) سؤال کردم. امام علیه السلام فرمود: «خداوند در روز میثاق که بنی آدم ذراتی در صلب آدم بودند، کفر و ایمان مردم را با اعراض از ولایت ما و تمسک به آن، به ایشان شناساند.»^(۲)

۳- امام رضا علیه السلام در پاسخ نامه عبدالله بن جندب می فرماید: «شیعیان ما و نیز پدرانمان با نام و نشان مشخص شده اند، خداوند از ما و آنها پیمان گرفته است، در مسیر ما هستند و به جایگاه ما راه می یابند، جز ما و آنها کسی تا روز قیامت بر اسلام باقی نمی ماند...»^(۳)

گفتار ما

در حدیث «صقر بن دلف»^(۴) در توضیح اینکه چرا امام منتظر، منتظر نامیده شده است، از قول امام جواد علیه السلام آمده بود که: «فَيَنْتَظِرُ خُرُوجَهُ الْمُخْلِصُونَ... وَيَنْجُو فِيهَا الْمُسْلِمُونَ»، «دینداران و خدا جویان ناب منتظر خروج او هستند... و مسلمانان واقعی که تسلیم امر امامت هستند از خطرهای رسته و نجات می یابند.» و در حدیث ابوبصیر^(۵) از امام صادق علیه السلام نقل شد که فرمود: «فَلَا يَثْبُتُ عَلَيْهِ إِلَّا كُلُّ مُؤْمِنٍ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَهُ فِي الذَّرِّ الْأَوَّلِ»، «جز مؤمنینی که خداوند در عالم ذر از آنها پیمان گرفته است، کسی بر اعتقاد به او باقی نخواهد ماند.»، از این دو عبارت و احادیثی که در این فصل ذکر شد فهمیده می شود که: انکار منکران و دشمنی ورزیدن دشمنان دارای سبب و علتی ازلی است و شاید به مسأله طینت و سرشت که در احادیث طینت به آن پرداخته شده است برگردد.^(۶)

۱- تغابن: ۲.

۲- بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۲۷۱، روایت ۹.

۳- بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۲۴۱، روایت ۵.

۴- روایت اول از فصل ۱۳ همین باب.

۵- روایت سوم از فصل ۱۴ همین باب.

۶- احادیث طینت در اصول کافی، ج ۲، ص ۲ و ۳ آمده است. حضرت استاد علامه طباطبائی رحمته الله نیز در

۱۶- ۱: فضیلت انتظار فرج در دوران غیبت امام مهدی علیه السلام

روایات

۱- مفضل بن عمر می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «بهترین سبب نزدیکی بندگان به خداوند و برترین چیزی که موجب خشنودی او از ایشان می شود این است که در ایام غیبت حجت خدا که مردم، مکان او را نمی دانند، معتقد باشند که حجت خدا بر حق است و روی زمین وجود دارد، در آن هنگام، هر صبح و شب منتظر فرج آن حضرت باشید...»^(۱)

۲- مفضل بن عمر می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: «کسی که در حال انتظار فرج صاحب الامر از دنیا برود، نه تنها مثل کسی است که همراه با امام قائم، در کنار او و در اردوگاهش است، بلکه همچون جنگاور مجاهدی است که در رکاب رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم شمشیر می زند.»^(۲)

۳- علی بن ابی حمزه از قول ابو بصیر نقل می کند: امام صادق علیه السلام فرمود: «...ای ابابصیر! خوشا به حال شیعیان امام قائم ما، که در ایام غیبت منتظر ظهور آن حضرت هستند و در دوران ظهور آن حضرت از او اطاعت می کنند، آنها همان اولیاء خدا هستند که ترس و اندوهی ندارند.»^(۳)

۴- علی بن مهزیار: «به امام هادی علیه السلام نامه نوشتم و در مورد فرج از آن حضرت سؤال کردم حضرت در پاسخ من مرقوم فرمود: «هرگاه صاحب شما از دید

→ باره مسأله طینت - و سرشت ازلی - بر این احادیث حواشی خود را مرقوم فرموده اند.

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۰، روایت ۱۴۲.

۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۱، روایت ۱۴۳.

۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۶، روایت ۱۶۳.

ستمگران پنهان شد، منتظر فرج باشید.»^(۱)

۵- علاء بن سیّابه می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «هر که از شما در حال انتظار امر فرج از دنیا برود مثل کسی است که در خیمه و اردوگاه امام قائم علیه السلام جای و مقام دارد.»^(۲)

۶- عبدالحمید واسطی می گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: «هر کس از شما که بگوید: «اگر من قائم آل محمد صلی الله علیه و آله را درک می کردم او را یاری می نمودم» مثل کسی است که در کنار او شمشیر می زند، بلکه بالاتر، مثل کسی است که همراه او شهید شده است.»^(۳)

۷- مفضل بن عمر می گوید: در باره امام قائم علیه السلام و آن عده از دوستانمان که در انتظار آن حضرت از دنیا رفته اند گفتگو می کردیم، امام صادق علیه السلام فرمود: وقتی قائم قیام کند در قبر مؤمن ندا داده می شود: «فلانی! صاحب تو ظهور کرده است اگر می خواهی به او ملحق شوی، ملحق شو و اگر می خواهی در ضیافت و بزرگداشت پروردگارت باقی بمانی، باقی بمان.»^(۴)

۸- ابوبصیر می گوید: امام صادق علیه السلام روزی فرمود: «آیا بگویم که چه چیزی است که خداوند هیچ عملی را بدون آن قبول نمی کند؟» عرض کردم: «آری بفرمایید»، فرمود: «شهادت به یگانگی خدا.» تا اینکه فرمود: «و نیز انتظار قائم ما»، سپس فرمود: «ما دولتی داریم که هر موقع خدا بخواهد آن را مستقر خواهد کرد» و سپس فرمود: «هر کس خشنود است به اینکه از اصحاب قائم باشد، باید منتظر آن حضرت باشد و اهل پرهیز از محرّمات الهی و عمل به بهترین اخلاق باشد، در آن صورت او منتظر خواهد بود، و اگر قبل از قیام قائم بمیرد مثل کسی که امام قائم را

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۹، روایت ۱۷۷.

۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۸۹، روایت ۲۲۵.

۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۰، روایت ۲۲۶.

۴- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۱۵، روایت ۳۵۸.

درک کرده پاداش خواهد دید...»^(۱)

۹ - امام رضا علیه السلام به نقل از پدران بزرگوارش فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «بهترین اعمال امت من انتظار فرج از طرف خداوند عز و جل است.»^(۲)

۱۰ - ابو بصیر می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «فرج به هنگام ظهور هفتمین^(۳) از ماست»^(۴)

۱۱ - ابو بصیر می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «برای خروج امام قائم چه عجله ای دارید؟ به خدا قسم، او جز لباس خشن نپوشیده و جز خوراک ناگوار میل نکند، او چیزی جز شمشیر نیست، و مرگ در سایه شمشیر گریبان مردم را می گیرد.»^(۵)

۱۲ - عبدالله بن زراره می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «شما باید تسلیم ما باشید و امور - مربوط به دین و حکومت - را از ما بگیرید و امر ما و امر خودتان و فرج ما و فرج خودتان را انتظار بکشید...»^(۶)

۱۳ - اسحق بن سعد اشعری از امام عسکری علیه السلام نقل می کند که فرمود: «... ای احمد بن اسحق! مثل حجت خدا در این امت مثل خضر و ذوالقرنین است، به خدا قسم آنچنان غیبتی خواهد داشت که هیچکس جز کسی که خدا او را در اعتقاد به امامتش استوار و در دعا برای تعجیل فرجش موفق کرده است از هلاکت و گمراهی رهایی نخواهد یافت...»^(۷)

۱ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۳۶، روایت ۴۸۸.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲، روایت ۲.

۳ - ظاهراً منظور این است که امام صادق اولین آنها و حضرت حجت هفتمین آنها خواهد بود. مترجم

۴ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۹، روایت ۲۷۴.

۵ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۴۰، روایت ۵۰۳.

۶ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۶۰، ص ۶۲۸.

۷ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۹، روایت ۱۸۰.

گفتار ما

پاره‌ای از روایات درباره فضیلت انتظار فرج ذکر شد. شایسته است به مناسبت موضوع، درباره معنی فرج مطالبی بیان شود:

با دقت در روایات فهمیده می‌شود که فرج بر دو قسم است: فرج شخصی و فرج عمومی؛ و فرج شخصی، خود به دو نوع تقسیم می‌شود:

الف: پاک شدن انسان از اخلاق زشت و ویژگیها و صفات پست و فرومایه، و به دنبال آن، رسیدن به کمالات فطری و درجات والای انسانی و اخلاق و منش الهی.

ب: فرجی که به ولی عصر و امام قائم به حق - عجل الله تعالی فرجه - منسوب است، که این نوع از فرج شخصی، به نوبه خود، بر دو نوع است:

۱- شناخت مقام نورانیت امام علیه السلام که چیزی جز مقام ولایت الهی نیست، و این معرفت را فقط به دنبال فرج شخصی که همان رسیدن به کمالات فطری درونی است می‌توان به دست آورد.

۲- رسیدن به خدمت امام علیه السلام و درک زمان ظهور آن حضرت؛ و معلوم است که اگر این فرج حاصل شود، فرج به معنی اول که همان رسیدن به کمالات عالی انسانی است نیز حاصل می‌شود زیرا چنانکه از بعضی روایات^(۱) فهمیده می‌شود رسیدن به حضور امام علیه السلام در زمان ظهور آن حضرت، برای تمام افراد بشر یا لااقل برای خواص و وارستگان از غیر حق، در رسیدن به کمالات انسانی و درجات عالی اثر بسیار و نقش جدی دارد.

و اما فرج عمومی عبارت است از رها شدن جامعه از شرّ ستم و بیداد و رسیدن به عدل و داد و برپا شدن دولت آقایی و عدل که در آن دولت، حق عزیز و محترم و باطل، ذلیل و پایمال گردد.

بعضی از دعاها و روایات و به ویژه دعاهایی که در ماه رمضان وارد شده است درخواست فرج شخصی را به انسان الهام می‌کند و برخی روایات به طلب فرج

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۵، روایت ۲۵۳.

عمومی در زمان امامان علیهم السلام و در زمان غیبت مربوط است که برای آن پاداش بزرگی ذکر کرده‌اند.^(۱)

روشن است که کسی که معتقد باشد فرجی عمومی از ناحیه خداوند خواهد رسید و مسلمانان از ستم و بیداد ستمکاران رهایی می‌یابند، و بر این اعتقاد ثابت بماند و استقامت کند و آخرتش را به دنیا نفروشد، به خاطر این انتظار، پاداش بزرگی خواهد داشت.

شاید بتوان احادیثی مثل حدیث نهم و دوازدهم را که به‌طور مطلق و بدون هیچ قید و شرطی فضیلت فرج را یادآور شده‌اند این‌گونه تفسیر کرد که مقصود آنها مطلوب بودن فرج به همه معانی که ذکر شد می‌باشد به‌ویژه آنکه در حدیث دوازدهم فرموده‌اند: «فَرَجْنَا وَفَرَجَكُم»، «فرج ما و فرج شما».

این را نیز باید دانست که منظور از نهی از تعجیل در خروج قائم، که در حدیث یازدهم، ذکر شده است، نهی از طلب فرج و انتظار نیست، بلکه مقصود مذمت عجله کردن در امر فرج است. یعنی بنده فرمانبردار خداوند باید امر فرج را به خداوند سبحان بسپارد.

۱ - این نوع تقسیم بندی فرج، لافل در کتابهایی که در اختیار عموم مردم است، بی سابقه می‌باشد. این نوع تقسیم بندی، اعتقاد به آن و علم به لوازمش، از آن میزان سازندگی برخوردار است که در اعتقاد به فرج عمومی - آن‌طور که متداول بین مردم است - چنین حدی از سازندگی وجود ندارد. شایسته است با دقت در مسأله و پی جوئی آن در میدان علم و عمل، ذوق و اهتمام مؤلف محترم به اعتلای انسان در ابعاد روحی، پاسخ مناسب خود را دریافت کند. مترجم

باب دوم

غیبت صغریٰ و کبریٰ تا زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام

۱- ۲: غیبت صغریٰ، نَوَاب اربعه، غیبت کبریٰ

روایات

۱- مفضل بن عمر می گوید: «شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود: صاحب الامر دو غیبت دارد. در یکی از این دو غیبت، در مسائل دینی و شبهات، مردم به اهلش - نمایندگان خاص امام - مراجعه می نمایند و در غیبت بعدی گفته می شود: «امام غایب از دنیا رفته است، اگر زنده هست پس کجاست؟»، (مفضل می گوید) عرض کردم: «در آن زمان چه باید کرد؟» فرمود: «اگر کسی ادعای امامت کرد از او سؤالاتی بکنید^(۱) می بینید همان جوابهایی را می دهد که افراد دیگری که مثل او ادعا کرده اند یا می کنند جواب می دهند.»^(۲)

۲- اسحق بن عمار می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «امام قائم دو غیبت دارد، یکی کوتاه و دیگری بلند، در غیبت اول غیر از شیعیان خاص او کسی از محلش اطلاعی ندارد و در غیبت دوم، غیر از دوستان نزدیک و خاص او کسی

۱- ظاهراً مقصود این است که حضرت حجت علیه السلام طوری به سؤالات جواب می دهند که هیچکس جز ایشان آن طور جواب نداده و نمی دهد. در حالی که پاسخهای مدعیان همه شبیه به هم و دارای یک سبک و سیاق است و معلوم است که همه آنها از اشخاص معمولی سرزده است. مترجم

۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۴۵، روایت ۳۰.

جایش را نمی داند.»^(۱)

۳ - عبدالسلام هروی از امام رضا علیه السلام از پدران بزرگوار آن حضرت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می کند که فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: به حق آن کسی مرا به پیامبری فرستاد، امام قائم از نسل من، بعد از اینکه ولایت من به او می رسد، غایب خواهد شد تا جایی که بیشتر مردم می گویند: «خداوند به آل محمد نیازی ندارد.» و برخی در اصل ولادت آن حضرت تردید می نمایند. کسی که زمان آن امام را درک کند باید به دین او چنگ زند و به شیطان اجازه ندهد که او را به شک اندازد و از دین و آئین من بیرون برد، شیطان سابقاً، پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد،^(۲) و خداوند شیاطین را اولیاء و دوستدار غیر مؤمنین قرار داده است.»^(۳)

۴ - محمد بن اسماعیل حسنی و علی بن عبدالله حسنی از امام عسکری علیه السلام نقل می کنند که به گروهی از شیعیان فرمود: «گواه باشید که عثمان بن سعید عمری وکیل و نماینده من است و پسرش محمد بن عثمان، نماینده پسر مهدی (شما امت) است.»^(۴)

۵ - از گروهی از شیعیان از امام عسکری علیه السلام نقل شده است که به ایشان فرمود: «آمده اید تا در باره حجت بعد از من، از من سؤال کنید؟» عرض کردند «آری»، ناگاه پسری چون پاره ماه که بیش از همه مردم به امام عسکری شبیه بود حاضر شد. امام فرمود: این امام شما و جانشین من است، از او پیروی کنید، و پس از من - در امر دین و امامت - پراکنده نشوید که دینتان از دست خواهد رفت. بدانید که از امروز به بعد، تا عمری طولانی بر او بگذرد، او را نخواهید دید، هر چه عثمان بن

۱ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۴۵، روایت ۲۹.

۲ - ظاهراً منظور این است که شیطان همچنانکه پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد، شما را هم از دین بیرون خواهد کرد زیرا او کاری غیر از این ندارد و شما هم اگر به امام زمانتان پناهنده و متمسک نشوید از پدر و مادرتان قویتر نیستید و یارای ایستادگی در برابر شیطان را نخواهید داشت. مترجم

۳ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۵۹، روایت ۹۷.

۴ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۱۱، روایت ۳۳۶.

سعید به شما گفت بپذیرید و امر او را ملتزم شوید، او نماینده امام شما و کار به دست اوست.»^(۱)

۶- غیاث بن اسد می‌گوید: «... ولادت امام علیه السلام در شب هشتم ماه شعبان سال دویست و پنجاه و شش بود. نماینده آن حضرت، عثمان بن سعید بود، عثمان هنگام مرگ، نمایندگی را به پسرش ابو جعفر محمد بن عثمان سپرد و او این منصب را برای ابو جعفر ابوالقاسم حسین بن روح وصیت کرد و او نیز منصب نمایندگی را به ابوالحسین علی بن محمد سمری - که خدا از همگی آنها راضی باد - واگذار کرد. وقتی هنگام وفات علی بن محمد سمری رسید، از او خواستند که برای نمایندگی وصیت کند، او گفت «خدا را امری است که خود آن را به انجام رساند.»^(۲) و غیبت تامّه (کبری)، همان غیبتی است که بعد از سمری - رحمة الله علیه - واقع شد.»^(۳)

گفتار ما

از این اخبار و اخبار مشابه آشکار می‌شود که آن حضرت - عجل الله تعالی فرجه - دو غیبت دارند:

الف - غیبت صغری، و آن همان غیبتی است که از آغاز ولادت آن حضرت شروع شد و تا وفات سمری پایان یافت و در آن مدت جز خواص شیعه که همان چهار نماینده بودند، کسی امام علیه السلام را ندید.

ب - غیبت کبری؛ که از زمان وفات سمری شروع شده و تا لحظه ظهور آن حضرت ادامه خواهد داشت و کسی حق ندارد برای غیبت، مدت و انتهایی تعیین

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۱۱، روایت ۳۳۷.

۲- یعنی دیگر در مورد نمایندگی، وصیتی نکرد؛ و البته علی بن محمد سمری به اشاره امام از وصیت در مورد وکالت امام خودداری کرد، چنانکه سه نماینده قبلی به امر امام و تعیین آن حضرت، مردم را از نماینده بعدی مطلع نمودند. مترجم

۳- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵، روایت ۱۵.

نماید و از اخبار و روایات، فقط طولانی بودن آن و اینکه دارای نشانه‌های تخلف ناپذیر است فهمیده می‌شود، اما اخباری هم وجود دارد که بیانگر آن است که ممکن است بداء^(۱) جاری شوی - و حتی با پیدا شدن نشانه‌های قطعی و تخلف ناپذیر باز هم ظهور به تأخیر بیفتد. -^(۲)

۲-۲: علت غیبت و طولانی شدن آن

روایات

- ۱ - زراره می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: «همانا فرزندان (مهدی علیه السلام)، قبل از قیامش غیبتی خواهد داشت.» گفتم: «چرا؟»، در حالی که با دست به شکمش اشاره می‌فرمود گفت: «می‌ترسد.» سپس فرمود: «ای زراره! او (امام) منتظر است و هم اوست که تولدش مورد شک و تردید واقع می‌شود...»^(۳)
- ۲ - محمد بن فرج می‌گوید: «امام ابو جعفر علیه السلام برایم نوشت: «وقتی خداوند تبارک و تعالی بر مردم خشم بگیرد ما را از کنارشان دور می‌سازد.»^(۴)
- ۳ - زرارة بن اعین می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: «قائم قبل از قیامش غیبتی دارد.» گفتم: «چرا» فرمود: «می‌ترسد» تا آن‌جا که فرمود: «او منتظر است، اما خداوند دوست دارد شیعه را آزمایش کند، آن‌گاه معتقدان و طرفداران باطل به شک می‌افتند...»^(۵)

۱ - به احادیث بداء و توضیحات حضرت استاد علامه طباطبائی - رضوان الله تعالی علیه - در اصول کافی، ج ۱، ص ۱۴۶ باب بداء مراجعه شود.

۲ - در پایان فصل یازدهم همین باب، درباره امور حتمی و تخلف ناپذیر و نشانه‌های قطعی، روایاتی ذکر خواهد شد.

۳ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۴۳، روایت ۱۸.

۴ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۴۷، روایت ۳۸.

۵ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۲، روایت ۱۵۰.

۴ - حنان بن سدید به نقل از پدرش از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «قائم ما غیبتی دارد که طولانی می‌شود.» عرض کردم: «یا بن رسول الله! علت آن چیست؟» فرمود: «خداوند نمی‌خواهد این امر انجام شود مگر اینکه تمام سنتهایی را که پیامبران در غیبتهایشان داشته‌اند، در این غیبت قرار دهد و ای سدید! - بنابراین باید تمام مدت مجموع غیبتهای پیامبران، در این غیبت وجود داشته باشد. خداوند می‌فرماید: ﴿لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ﴾^(۱) مقصود این است که سنتهای گذشتگان در مورد شما جاری خواهد شد.»^(۲)

۵ - ابراهیم کرخی می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم (یا اینکه شخصی به ایشان عرض کرد): «خداوند سلامت بدارد، آیا علی علیه السلام در دین خدا قوی نبود؟» فرمود: «آری، چنین بود»، گفتم (ابراهیم یا آن شخص دیگر): «پس چگونه مردم بر او چیره شدند و او جلوی ایشان نایستاد؟ و چه چیزی باعث شد جلوی آنها را نگیرد؟» فرمود: «آیه‌ای از قرآن، او را از این کار بازداشت»، گفتم (یا آن مرد گفت): «آن آیه کدام است؟» فرمود: ﴿لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا﴾^(۳) خداوند عز و جل فرزندانی مؤمن در پشت افرادی از کافران و منافقان قرار داده است و علی علیه السلام پدران - کافر یا منافق - را نمی‌کشت تا اینکه این امانت‌های الهی از پشت آنها خارج شوند و وقتی این فرزندان از صلب آنها خارج می‌شدند بر هر کدام دست می‌یافت با آنها می‌جنگید؛ قائم ما اهل بیت نیز چنین است، تا تمام امانت‌های الهی از پشت پدرانشان خارج نشوند ظهور نکرده و کسی را نمی‌کشد، اما وقتی امانتها^(۴)

۱ - انشقاق: ۱۹ - مرحله‌ای پس از مرحله دیگر را سیر خواهید کرد.

۲ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۸۶، روایت ۲۱۲.

۳ - فتح: ۲۵.

۴ - با توجه به این حدیث شاید بتوان گفت مقصود از روایات (اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۸۱، ۵۱۸، ۵۲۴، ۵۷۰)

که پیدا شدن گنجهای زمین و بیرون ریختن زمین گنجهایش را مطرح کرده است همین ودیعه‌ها و امانتها باشد و شاهد آن هم سخن امام صادق علیه السلام است که فرمود: «سپس جوان خوشروی حسنی ظاهر می‌شود که با فریاد رسا به سوی دیلم فریاد می‌کند: ای آل احمد به فریاد مظلومی که از ناحیه حرم

خارج شدند، بر کافران و منافقان مسلط شده و آنها را می کشد.»^(۱)
 ۶- مروان انباری می گوید: از امام باقر علیه السلام (نوشته یا پیامی) صادر شد که در آن فرمود: «وقتی خداوند بودن ما را در میان قومی، ناخوش دارد ما را از میان آنها خواهد برد.»^(۲)

۷- فرات بن احنف از امام صادق از پدران بزرگوارش از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می کند که فرمود: «به خدا قسم من و این دو پسرم کشته خواهیم شد و در آخرالزمان مردی از نسل من به خونخواهی ما برخواند خاست، او برای شناخته شدن گمراهان از رهیافتگان غیبتی طولانی خواهد کرد تا جایی که گویندگان نادان بگویند: خداوند را - برای فرستادن قائم - به آل محمد احتیاجی نیست.»^(۳)

۸- مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام نقل می کند: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «بدانید که زمین از حجت خدا خالی نیست، اما خداوند به واسطه نادانی و ستمکاری مردم دیده ایشان را از دیدن حجتش فرو می بندد...»^(۴)

۹- امام باقر علیه السلام می فرماید: وقتی قائم ما خاندان ظهور کند می گوید: ﴿فَقَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا﴾^(۵) از میان شما رفتم چون از شما بر جان خود بیمناک بودم و اینک چون پروردگارم اذن داد و امر فرجم را به سامان رسانید به میانتان آمدم.»^(۶)

ج- صدایتان می زند پاسخ دهید؛ و گنجهای الهی در طالقان به او پاسخ خواهند داد، آن هم چه گنجهایی! که از طلا و نقره نیستند بلکه مردانی چون پاره های آهنند...» (بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۵)، و شاید بتوان گفت مقصود از اینکه تمام اموال دنیا برایش جمع می شود (بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۹، روایت ۲)، همان طلا و نقره و اموال دیگر باشد.

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۸۹، روایت ۲۲۴.

۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۸، روایت ۲۷۱.

۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۳۲، روایت ۴۶۲.

۴- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۳۲، روایت ۴۶۳.

۵- شعرا: ۲۱ - پس از میان شما گریختم، چون بر جان خود بیمناک بودم، سپس پروردگارم حکم [حکومت و فرمانروایی] را به من ارزانی داشت.

۶- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۸۳، روایت ۷۷۷.

۱۰- ابی وایل می گوید: امیرالمؤمنین علیه السلام به فرزندش حسین علیه السلام نگاهی انداخت و فرمود: «این پسر سید و سالار است، همان طور که خداوند سید و آقایش نامیده است، و از نسل او فرزندی همانا پیامبرتان که در سیما و اندام و نیز اخلاق و رفتار، شبیه اوست متولد خواهد شد و در دوران بیخبری و گمراهی مردم و نابودی حق و غلبه ستم خروج خواهد نمود، به خدا قسم خروج او حتمی است و گرنه گردن زده خواهد شد.»^(۱)

۱۱- امام صادق علیه السلام می فرماید: «و چنین است که ایام غیبت امام قائم علیه السلام طولانی می شود تا اینکه با بازگشت و ارتداد شیعیان بدسرشتی که احساس به حکومت و قدرت رسیدن در زمان امام قائم علیه السلام، به نحو منافقانه ای آنها را شیعه نگهداشته است، حقیقت ناب پدیدار گردد و ایمان از غش پالوده شود.»^(۲)

۱۲- در بخشی از حدیث ابوسعید عقیصا به نقل از امام مجتبی علیه السلام، که در فصل دوم از باب اول هم ذکر شد، آمده است: «... هیچیک از ما خاندان از تن دادن به نوعی بیعت با جبار زمانش خلاصی ندارد جز قائم که عیسی روح الله نمازش را به او اقتدا می کند، خداوند عزّ وجلّ، ولادت او و نیز خودش را از دیده مردم پنهان می کند تا در زمان ظهور، در گرو بیعت با کسی نباشد...»^(۳)

۱۳- عبدالله بن فضل هاشمی می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: «صاحب الامر غیبتی دارد که ناگزیر اتفاق می افتد و ناراستان و طرفداران باطل به شک می افتند.» عرض کردم: «فدایت شوم! چرا چنین می شود؟» فرمود: «به خاطر چیزی که ما اجازه نداریم آن را برای شما بازگو کنیم.» عرض کردم: «حکمت و فایده این غیبت چیست؟» فرمود: «حکمت غیبت او همان حکمت غیبت آن عده از حجت های خداست که قبلاً از آنها یاد شده است، حکمت این غیبت نیز تا بعد از ظهور آن حضرت، بر مردم معلوم نخواهد شد همان طور که حکمت کارهایی که

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۰۵، روایت ۳۰۸.

۲- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۲۲، روایت ۹.

۳- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۲، روایت ۱.

خضر انجام داد تا قبل از جدا شدنش از حضرت موسی، معلوم نشد. ای پسر فضل! این امری الهی است و سرّ آن و جهات پنهانی آن نیز الهی و به خدا مربوط است و هنگامی که ما می دانیم که خداوند عزّ و جلّ حکیم است، قبول و اعتراف می کنیم که تمام کارهایش عین حکمت و درستی است. هر چند که علت و چرایی آن کارها برای ما روشن نشده باشد.»^(۱)

گفتار ما

از مجموع این روایات، فقط بعضی از علل غیبت حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه - را می توان فهمید و البته دسترسی به تمام علل ممکن نیست، زیرا چنانکه در روایت سیزدهم ملاحظه می شود حکمت غیبت تا زمان ظهور حضرت بر مردم روشن نخواهد شد. بنابراین شاید بتوان گفت که تمام آنچه در روایات آمده است جزئی از علت غیبت آن حضرت است نه تمام علت.

در این مبحث آنچه اصل و اساس به شمار می رود، فهمیدن معنی بعضی از این علتها و دقت در آنهاست، که ذیلاً به بعضی از آنها توجه داده می شود:

الف - ترسیدن آن حضرت، که در روایت اول آمده است، و احتمالاً منظور، آن است که اگر آن حضرت غایب نشود، دشمنان، او را می کشند و در نتیجه، زمین از حجت خالی شده و اهلش را در خاک هلاک فرو خواهد برد.

ب - دربر گرفتن ویژگیهای غیبت تمام پیامبران، که در روایت چهارم آمده است، و شاید مقصود این باشد که خداوند می خواهد طول غیبت آن حضرت با طول مجموع غیبت پیامبران علیهم السلام برابر باشد. اما اینکه چرا باید این طور باشد بر ما روشن نیست غیر از اینکه بگوییم خداوند با غیبت پیامبران، امت آنها را آزمایش کرده است و شاید این برابری طول غیبت خاتم الاوصیاء با غیبت مجموع پیامبران برای این باشد که می خواهد این امت را با آزمایشهایی سختتر از آزمایش آنها بیازماید.

ج - آشکار شدن امانتها و ودیعه‌های الهی، که در حدیث پنجم آمده است، یعنی خداوند به این امانتهایی که در پشت کافران هستند توجه و لطف خاص دارد.

د - ناخوش داشتن پروردگار زندگی اولیاء معصومش را در کنار گنهکاران، که در حدیث ششم آمده است، و احتمالاً علتش این است که خداوند از امتی که قدر خود را نمی‌شناسند خشمناک است، زیرا در حالی که خداوند با فرستادن بهترین پیامبران و بهترین جانشینان پیامبران برای آنها، ایشان را گرمی داشته و بر امتهای دیگر آقایی و شرافت داده است، آنها به جانشینان پیامبر ستم کرده و قدر ایشان را ندانستند و از راه و روش و مرامشان منحرف شدند.

ه - سخن امام علیه السلام در حدیث دهم که فرمود: «به خدا قسم اگر خروج نکند گردن زده می‌شود»، و احتمالاً این مطلب - چنانکه در ابتدای همین حدیث آمده - به غافل بودن مردم در هنگام خروج امام اشاره می‌کند و به این مطلب توجه می‌دهد که اگر آن حضرت - قبل از موعد - ظاهر شود گرفتار سیره ستمگرانه جباران شده و برای حفظ حکومت و ریاستشان، آن حضرت را خواهند کشت.

و - سخن امام مجتبی علیه السلام در حدیث دوازدهم که فرمود: «هیچ یک از ما خاندان به جز قائم، از تن دادن به نوعی بیعت با جبار زمانش خلاصی ندارد.» که توضیح این عبارت در فصل هفتم از باب اول از نظر خواننده محترم گذشت.

۳-۲: وضع شیعه و دیگران در دوران غیبت

روایات

۱ - امام جواد علیه السلام می‌فرماید: «او - حضرت مهدی - بعد از اینکه یادش از خاطرها محو شد و بیشتر معتقدان به امامتش، از اعتقاد خود برگشتند قیام می‌کند.»^(۱)

۲ - یمان تمّار می گوید: «نزد امام صادق علیه السلام نشسته بودیم که به ما فرمود: «صاحب الامر غیبتی خواهد داشت که کسی که در آن دوره غیبت بخواند دیندار بماند سخت در مشقت و در معرض مشکلات است.» و سپس فرمود: «صاحب الامر غیبتی دارد و بنده خدا - برای حفظ دینش - باید تقوای الهی را پیشه کند و دو دستی به دین خود بچسبد.»^(۱)

۳ - امام صادق علیه السلام می فرماید: «... جداً مورد آزمایش قرار می گیرید تا جایی که مردم می گویند: «- مهدی علیه السلام - مرده یا کشته شده است، اگر زنده است پس کجاست - و چه می کند -؟» چشمان مؤمنین بر او می گریند و همچون کشتی طوفان زده به اضطراب می افتند، جز کسانی که خداوند از آنها پیمان گرفته و به دم الهی یاریشان کرده، کس دیگری رستگار نخواهد شد.»^(۲)

۴ - از امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش در وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین آمده است که فرمود: «یا علی! شگفت انگیزترین مردم از نظر ایمان و بلند مرتبه ترین آنها در یقین، مردمی هستند که در آخرالزمان می آیند که پیامبر را ندیده اند، حجت خدا هم از دیده ایشان پنهان است اما فقط از طریق روایات و نوشته هایی که به دستشان رسیده است ایمان می آورند.»^(۳)

۵ - علی بن فضال از پدرش از امام رضا علیه السلام نقل می کند که فرمود: «گویا شیعه را می بینم در حالی که سومین فرزند از نسل من از دیده آنها مخفی است در جستجوی مأمن و پناهگاهی هستند اما آن را نمی یابند» علی بن فضال می گوید: عرض کردم: «چرا چنین است یا بن رسول الله؟» فرمود: «زیرا امامشان از دیده آنها غایب گشته است...»^(۴)

۱ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۴۲، روایت ۱۴.

۲ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۳، ص ۱۵۴.

۳ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۵۳، روایت ۷۱.

۴ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۵۶، روایت ۸۴.

۶ - پیامبر ﷺ فرمود: «او (مهدی علیه السلام) غیبت و گمگشتگی خواهد داشت که مردم در آن دوره گمراه خواهند شد.»^(۱)

۷ - پیامبر ﷺ فرمود: «... کسانی که در دوره غیبت حضرت مهدی علیه السلام بر اعتقاد به او استوار هستند از کبریت احمر نایاب ترند.» جابر بن عبدالله انصاری بلند شد و گفت: «یا رسول الله! آیا فرزندان قائم، غیبت خواهد کرد؟» فرمود: «آری به خدا قسم ﴿وَلَيَمَحْضَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ﴾^(۲)، خداوند مؤمنین را جداً می آزماید و کافران را از میان بر می دارد.»^(۳)

۸ - اصبع بن نباته می گوید: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «... (مهدی) غیبتی طولانی خواهد داشت تا آن جا که نادانان گویند: «خداوند - برای فرستادن مصلح - از آل محمد بی نیاز است.»^(۴)

۹ - امام رضا علیه السلام از پدران بزرگوارش از امیرالمؤمنین نقل می کند که فرمود: «... در دوران غیبت، جز دینداران ناب که یقین در جانیشان رسوخ کرده و خداوند از آنان بر ولایت ما پیمان گرفته و ایمان را در جانیشان ثابت کرده و به دم الهی یاریشان نموده است، کسی بر اعتقاد خود، استوار نخواهد ماند.»^(۵)

۱۰ - امام زین العابدین علیه السلام می فرماید: «... مدت غیبت آن قدر طول می کشد که بیشتر معتقدان به حضرت، از اعتقاد خود دست بر می دارند، مگر آنان که دارای یقینی محکم و شناختی درست باشند و در درون خویش نسبت به حکم ما هیچ دلتنگی و اضطرابی احساس نکنند و کاملاً تحت اختیار و تسلیم امر ما باشند.»^(۶)

۱۱ - ابی الجارود می گوید: امام باقر علیه السلام به من فرمود: «وقتی حرکت چرخ گردون

۱ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۶۰، روایت ۱۰۳.

۲ - آل عمران: ۱۴۱.

۳ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۶۱، روایت ۱۰۷.

۴ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۶۳، روایت ۱۱۰.

۵ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۶۴، روایت ۱۱۷.

۶ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۶۷، روایت ۱۲۸.

به آنجا رسید که مردم گفتند: «-امام - قائم مرده یا کشته شده است، اگر نه پس کجاست و چرا نمی آید؟» و کسی که دنبال امام بود کارش به آنجا رسید که بگوید: «چطور می شود امام قائم غایب باشد با اینکه الان استخوانهایش هم پوسیده است.» آن موقع - به ظهور امام - امیدوار باش و اگر شنیدی - ظهور کرده است - به سوی او بشتاب، اگرچه مجبور باشی خود را بر یخ و برف بکشانی.»^(۱)

۱۲ - امام باقر علیّه السلام می فرماید: «ای محمد بن مسلم! در قائم آل محمد شباهتهایی به پنج پیامبر وجود دارد... و سنتی از موسی در اوست که عبارت است از ادامه و طول کشیدن ترس او، دراز شدن زمان غیبت، مخفی بودن تولد، مصیبت و رنج پیروانش و اذیت و آزاری که می بینند... و اما شباهت او به عیسی این است که مردم در باره او اختلاف کردند، بعضی گفتند: «اصلاً متولد نشده است»، برخی گفتند: «مرده است» و عده ای گفتند: «کشته شده و به دار آویخته شده است.»...»^(۲)

۱۳ - عبدالرحمن بن سیّاب می گوید: امام صادق علیّه السلام فرمود: «چه بر شما خواهد گذشت وقتی امام هدایتگر و نشانه حق را به چشم نبینید، گروهی از گروهی دیگر بیزاری می جوئید، آن گاه سخت مورد آزمایش واقع می شوید و ناخالصان شما از راستان جدا خواهند شد، اول روز در اخبار و آثار اختلاف و مشاجره خواهید داشت و آخر روز، کارتان به کشت و کشتار خواهد کشید»^(۳)

۱۴ - سدید صیرفی می گوید: امام صادق علیّه السلام فرمود: «... وای بر شما! در کتاب جعفر نظر انداختم... و در ولادت قائم ما و غیبت آن حضرت و طولانی شدنش و مدت عمر وی تأمل کردم و - دیدم که - مردم با ایمان گرفتار بلاها و مصیبتها هستند و به خاطر طولانی شدن دوران غیبت، در دلهایشان شک و تردید راه می یابد و بیشتر

۱ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۶۸، روایت ۱۳۱.

۲ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۶۸، روایت ۱۳۲.

۳ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۳، روایت ۱۵۵.

آنها از دینشان بر می گردند...»^(۱)

۱۵ - احمد بن زکریا می گوید: امام رضا علیه السلام فرمود: «... بدون تردید دچار گرفتاری هولناک و فتنه‌ای شدید خواهید شد که در آن هنگام به نزدیکترین افراد انسان نیز نمی شود اعتماد کرد و آن هنگامی است که سومین فرزند از نسل من غایب شود.»^(۲)

۱۶ - اسحق بن سعد اشعری می گوید: امام عسکری علیه السلام فرمود: «به خدا قسم غیبتی خواهد داشت که جز آنها که خداوند در اعتقاد به امامت او استوارشان کرده و برای دعا در تعجیل فرجش موفقشان کرده، کسی دیگر، از نابودی رهایی نخواهد یافت.» به آن حضرت عرض کردم: «یا بن رسول الله! آیا غیبتش به طول می انجامد؟» فرمود: «آری به خدا قسم، تا آن قدر به درازا می کشد که بیشتر معتقدان به او از اعتقادشان بر می گردند و جز آنها که خداوند در باره ولایت ما از آنها پیمان گرفته و ایمان را در قلبشان راسخ کرده و به دم الهی یاریشان کرده است کسی دیگر بر اعتقاد به او باقی نخواهد ماند.»^(۳)

۱۷ - جعفر بن وهب بغدادی از امام عسکری علیه السلام نقل می کند که فرمود: «بدانید که فرزندان غیبتی خواهد داشت که غیر از کسی که خدایش از لغزش نگهداشته است، بقیه مردم در باره او دچار شک و تردید خواهند شد.»^(۴)

۱۸ - امام عسکری علیه السلام می فرماید: «... بدانید که فرزندان غیبتی خواهد داشت که نادانان، در آن دچار سرگردانی می شوند، طرفداران باطل نابود می شوند و آنها که برای ظهورش، از پیش خود، وقت تعیین می نمایند به دروغگویی می افتند.»^(۵)

۱۹ - امام عسکری علیه السلام می فرماید: «این پسر، امام قائم بعد از من است که آنچه

۱ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۵، روایت ۱۶۲.

۲ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۷، روایت ۱۷۱.

۳ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۹، روایت ۱۸۰.

۴ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۸۲، روایت ۱۸۸.

۵ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۸۲، روایت ۱۸۹.

از سنتهای الهی در زمینه طول عمر و غیبت، در باره پیامبران جاری شده است، در باره او جریان می یابد تا جایی که به خاطر طولانی شدن غیبتش، دلها سخت و تیره می شود و جز آنها که خداوند ایمان به او را در قلوبشان نگاشته و به دم الهی یاریشان کرده است کسی دیگر بر اعتقاد به او باقی نمی ماند.»^(۱)

۲۰- منضل بن عمر می گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد کلمه ﴿وَالْعَصْرِ﴾ توضیح خواستم. آن حضرت فرمود: ﴿وَالْعَصْرِ﴾ همان عصر خروج امام قائم علیه السلام، ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ﴾ یعنی دشمنان ما در زیان هستند، ﴿إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا﴾ مقصود، ایمان به نشانه های ماست، ﴿وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾ یعنی همراهی و همنوایی با برادران، ﴿تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ﴾ یعنی توصیه یکدیگر به مسأله امامت و ﴿وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾^(۲) یعنی استقامت در دوران غیبت.»^(۳)

۲۱- منضل می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: «صاحب الامر دو غیبت دارد که یکی از دیگری طولانی تر است تا جایی که می گویند - آن حضرت - مرده است و برخی می گویند کشته شده است و جز عده کمی از اصحابش کسی معتقد به او باقی نخواهد ماند...»^(۴)

۲۲- محمد بن منصور از پدرش نقل می کند که گروهی خدمت امام صادق علیه السلام نشسته بودیم و صحبت می کردیم که ایشان به ما فرمودند: «چه می گویند؟ - و به اصطلاح کجای کار هستید؟ - هیئات! هیئات! نه به خدا قسم، آنچه چشم انتظار آن هستید نخواهد شد مگر اینکه غربال شوید، نه به خدا قسم، آنچه چشم انتظار آن هستید نخواهد شد مگر اینکه - مؤمن و متزلزل شما - از هم جدا شوند، نه به خدا قسم آنچه چشم انتظار آن هستید نخواهد شد مگر اینکه آزمایش شوید؛ نه به خدا

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۸۸، روایت ۲۰.

۲- عصر: ۱-۳.

۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۲، روایت ۲۳۶.

۴- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۹، روایت ۲۷۸.

قسم، آنچه چشم انتظار آن هستید نخواهد شد مگر بعد از اینکه ناامید شوید، نه به خدا قسم، آنچه چشم انتظار آن هستید نخواهد شد مگر بعد از آنکه شقی و بدبخت به شقاوتش برسد و سعید و نیک انجام به سعادتش دست یابد.»^(۱)

۲۳ - محمد بن ابی نصر می گوید: «امام ابوالحسن^(۲) علیه السلام فرمود: «بدانید که به خدا قسم، آنچه چشم انتظار آن هستید نخواهد شد مگر اینکه - مؤمن و متزلزل - از هم جدا شوند، مورد آزمایش قرار گیرید تا اینکه جز افراد بسیار نادری از شما باقی نماند»، آنگاه آیاتی از قرآن تلاوت فرمود که: ﴿أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ﴾^(۳)، ﴿وَيَعْلَمِ الصَّابِرِينَ﴾^(۴)، «آیا پنداشتید که بدون مشخص شدن مجاهدان و استقامت کنندگان، - از شما دست برداشته می شود؟»^(۵)

۲۴ - محمد بن مسلم و ابوبصیر روایت کرده اند که: از امام صادق^(۶) علیه السلام شنیدیم که می فرمود: این کار به سامان نمی رسد - و ظهور محقق نخواهد شد - مگر اینکه دو سوم مردم^(۷) از دین برگردند، ما گفتیم: اگر دو سوم مردم از دین برگردند دیگر چه کسی باقی خواهد ماند؟ امام^(۸) علیه السلام فرمود: آیا دوست ندارید در بین یک سوم باقیمانده باشید؟»^(۹)

۲۵ - جابر جعفی می گوید: به امام باقر^(۱۰) علیه السلام عرض کردم: «فرج شما کی خواهد بود؟» فرمود: هیئات، هیئات، فرج ما شدنی نیست مگر اینکه غربال شوید، باز هم غربال شوید، باز هم غربال شوید» سه مرتبه این مطلب را فرمود، «تا اینکه آلودگیها

۱ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۱۰، روایت ۳۲۹.

۲ - ظاهراً مقصود امام موسی بن جعفر^(۱۱) علیه السلام باشد. مترجم

۳ - توبه: ۱۶ - آیا گمان کردید که بدون آزمایش الهی و مشخص شدن مجاهدان، از شما دست برداشته می شود؟

۴ - آل عمران: ۱۴۲.

۵ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۱۰، روایت ۳۳۰.

۶ - ظاهراً مقصود از کلمه «ناس، مردم» در روایت، شیعیان باشند نه تمام مردم. مترجم

۷ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۱۰، روایت ۳۳۱.

از میانتان برود و صفا و خلوص باقی بماند.»^(۱)

۲۶ - عبایه بن ربیع اسدی می گوید: «از امیرالمؤمنین علیه السلام شنیدم که می فرمود: «چه بر شما خواهد گذشت وقتی امام هدایتگر و نشانه حق را به چشم نبینید، گروهی از گروه دیگر بیزاری می جوئید.»^(۲)

۲۷ - ابن ابی عمیر می گوید: به موسی بن جعفر علیه السلام عرض کردم: «آیا در بین امامان کسی هست که غیبت داشته باشد؟» فرمود: «آری، جسمش از دیدگان مردم پنهان می شود اما یاد و خاطره اش از دلهای مؤمنان محو نمی شود، و او دوازدهمین ماست.»^(۳)

۲۸ - ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود^(۴): «عده کمی از عرب همراه امام قائم خواهند بود.» به ایشان عرض شد: «افرادی از آنها که در این باره صحبت می کنند زیاد هستند.» فرمود: «مردم باید امتحان شوند، مؤمن و غیر مؤمن از هم باز شناخته شوند، غربال و جداسازی انجام شود و در آن صورت، عده زیادی از غربال خارج خواهند شد.»^(۵)

۲۹ - مالک بن خمره - یا حمزه - می گوید: امیرالمؤمنین علیه السلام در حالی که انگشتان دو دستش را درهم فرو می برد فرمود: «چه خواهید کرد وقتی که شیعه اینگونه اختلاف کنند؟ گفتم: یا امیرالمؤمنین: در آن موقع دیگر هیچ خبری قابل تصور و انتظار نیست. فرمود: تمام خیر، در همان موقع جمع است، ای مالک! در آن موقع است که قائم ما قیام می کند...»^(۶)

۱ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۱۰، روایت ۳۳۲.

۲ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۱۰، روایت ۳۳۴.

۳ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۳، روایت ۴۱۲.

۴ - در روایت دیگری شبیه این روایت، اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۷، روایت ۴۹۰، جمله دیگری نیز اضافه شده است که عبارت است: وای بر سرکشان عرب از شری که به زودی دامن ایشان را می گیرد.

۵ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۳۷، روایت ۴۸۹.

۶ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۳۷، روایت ۴۹۱.

گفتار ما

از این روایات و نظیر آنها معلوم می‌شود که مؤمنان در دوره غیبت گرفتار آزمایشهای بزرگی خواهند شد و همین روایات بیان می‌کند که چه کسی رستگار و پیروز و چه کسی زیانکار است.

روشن است که آزمایش مؤمنان و غیر مؤمنان، در هر عصر و زمانی، از سنتهای الهی است و مخصوص دوره غیبت نیست و خداوند، هر شخص و گروهی را به چیزی امتحان می‌کند. این امت، پس از پیامبر و امامان علیهم‌السلام، به غیبت - حضرت مهدی - و بعضی چیزهایی دیگر مبتلا و آزمایش شده‌اند - و از آزمایش الهی نمی‌توان گریخت - چنانکه خدای تعالی می‌فرماید: ﴿أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ﴾^(۱)

ما باید برای رستگاری و موفق شدن در این آزمایشها تلاش کنیم، و آن‌گونه که روایاتی که گذشت اشاره می‌نمایند، رستگاری کامل جز برای دینداران ناب - مخلصین - و کسانی که جانشان با یقین درآمیخته و اعتقادشان محکم و شناختشان از نادانیها و نادرستیها پیراسته شده است، برای کسی دیگر میسر نیست.

فقط با داشتن چنین شرایط و حالاتی است که بنده پروردگار، به قضاء الهی و حکم پروردگار در تمام امور، خشنود است و نسبت به غیبت و دیگر مسائل مربوط به آن، هیچ شک و تردیدی به دل راه نمی‌دهد و بر اعتقاد به امامت امام غایب ثابت و استوار می‌ماند و همیشه یاد او را در دل دارد، و این چیزها جز با تلاش پیگیر و حرکت در راه بندگی حقیقی و خالصانه، از راه دیگری به دست نمی‌آید. خداوند همه ما را، در این راه توفیق عنایت فرماید.

۱ - عنکبوت: ۲ و ۳ - آیا مردم گمان می‌کنند همینکه به زبان بگویند ایمان آوردیم، دست از سر آنها برمی‌داریم و دیگر آزمایش نمی‌شوند؟ مردمی را که قبل از ایشان بودند نیز آزمودیم و خداوند می‌داند که چه کسانی راستگو و چه کسانی دروغگویند - و در امتحان، درست یا نادرست از آب درمی‌آیند -.

۴-۲: وظائف شیعه در دوره غیبت

روایات

- ۱- یمان تمار می گوید: «نزد امام صادق علیه السلام نشسته بودیم که به ما فرمود: «صاحب الامر غیبتی خواهد داشت که کسی که بخواهد در آن دوره دیندار بماند سخت در مشقت و در معرض مشکلات است.» و سپس فرمود: «صاحب الامر غیبتی دارد و بنده خدا - برای حفظ دینش - باید تقوای الهی را پیشه کند و دو دستی به دین خود بچسبد.»^(۱)
- ۲- عمر بن عبدالعزیز می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «هرگاه زمانی آمد که امامی نیافتی - که در مسیر هدایت - به دنبالش قرارگیری، با موالیانی که - به هدایت امام پیشین - آنها را دوست می داشتی دوستی بورز و با دشمنانی که - به اشاره امام پیشین - دشمنی داشتی، دشمن باش^(۲) تا هنگامی که خداوند عز و جلّ، آن امام را ظاهر کند.»^(۳)
- ۳- یونس بن یعقوب از معتمدانش از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: «در چه حالی به سر خواهید برد در روزگاری که امامتان را شناسید؟» به آن حضرت عرض شد: «اگر چنین شد چه باید کرد؟» فرمود: «از دستورات امام سابق پیروی کنید تا وقتی خداوند او را ظاهر کند.»^(۴)
- ۴- عبدالله بن سنان می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: شبهه ای دامتان را خواهد

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۴۲، روایت ۱۴.

۲- ظاهراً عبارت دیگری برای اصطلاح معروف تولی و تبری است که در این جا به عنوان یک اصل جدی برای سالم ماندن و باقی ماندن بر دین ائمه علیهم السلام، به آن توصیه شده است. مترجم

۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۲۴، روایت ۱۵۶.

۴- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۴، روایت ۱۵۷.

گرفت و به حیرتی دچار خواهید شد، نشانه هدایت و امام راهبرتان دیده نخواهد شد، و در آن هنگام جز کسی که مانند غریق ناامید از همه جا، دست دعا به درگاه پروردگار بردارد، کس دیگری نجات نخواهد یافت.» عرض کردم: «دعاء غریق چگونه است؟» فرمود: «غریق می گوید: «يَا اللَّهُ! يَا رَحْمَنُ! يَا رَحِيمُ! يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ! ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ...»^(۱)

۵- یونس بن عبدالرحمن می گوید: حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: «خوشا به حال آن عده از شیعیان ما که در دوره غیبت قائم ما به محبت ما چنگ انداخته اند و بر ولایت ما و بیزاری از دشمنانمان استوارند! آنها از ما هستند و ما از آنها هستیم، آنها به امامت ما خشنودند و ما از شیعه بودن آنها خشنودیم، خوشا به حالشان و بهشت گوارایشان باد، به خدا قسم، اینان در روز قیامت هم درجه ما هستند.»^(۲)

۶- عبدالعظیم حسنی: امام جواد علیه السلام فرمود: «قائم ما، همان مهدی است که باید در دوره غیبت، انتظارش را کشید و پس از ظهور، از او اطاعت کرد»... سپس فرمود: «برترین اعمال شیعه ما انتظار فرج است.»^(۳)

۷- حازم بن حبیب می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس ادعا کرد که صاحب الامر را غسل داده، کفن کرده و خاک بر قبرش پاشیده است، حرفش را قبول نکن.»^(۴)

۸- امام صادق علیه السلام: «هر کس در حالی که امام زمانش را شناخته است از دنیا برود، دیر و زود شدن ظهور به او زیانی وارد نخواهد کرد و مثل کسی است که

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۵، روایت ۱۶۱ - ترجمه دعا: ای خدا، ای رحمت گستر، ای مهربان، ای گرداننده و زیر و رو کننده دلها، دل مرا بر دین خود استوار بدار.

۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۲۷، روایت ۱۶۸.

۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۸، روایت ۱۷۴.

۴- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۹، روایت ۲۷۵.

همراه امام قائم و در اردوگاه او باشد.»^(۱)

۹ - ابوبصیر می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس خوشنود است به اینکه از اصحاب قائم باشد، باید منتظر بماند، در عین حال پایبند پرهیزکاری و اخلاق نیکو باشد و در آن صورت اگر از دنیا برود و امام قائم، بعد از مردن او قیام نماید، پاداش او مثل کسی است که امام قائم را درک کند...»^(۲)

۱۰ - ابو خالد کابلی نقل کرده است که امام زین العابدین فرمود: غیبت دوازدهمین ولی از امامان و جانشینان پیامبر طولانی می شود. ای ابا خالد! مردم دوره غیبت که به امامت امام غایب معتقد و منتظر ظهور آن حضرت هستند برترین مردم همه زمانها هستند زیرا خدای تعالی به ایشان عقل و معرفتی داده است که برای آنها غیبت، مثل مشاهده است، و خداوند آنها را مثل کسانی که در کنار رسول الله شمشیر زده اند قرار داده است، آنها جداً دینداران ناب و پیروان راستین ما و در آشکار و نهان، خواننده به دین خدا هستند.» و فرمود: «انتظار فرج، بزرگترین فرج است.»^(۳)

۱۱ - رفاعه بن موسی و معاویه بن وهب از امام صادق علیه السلام نقل می کنند که فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «خوشا به حال کسی که قائم اهل بیت مرا درک کند و قبل از قیامش از او تبعیت کند، دوستانش را دوست بدارد و از دشمنانش بیزارى جوید، و ولایت امامان قبل از او را گردن نهد! آنها، یاران، دوستداران و علاقمندان به من و گرامی ترین افراد امت نزد من هستند.» رفاعه می گوید: «نزد من نیز گرامی ترین خلق خدا هستند.»^(۴)

۱۲ - زراره از امام صادق علیه السلام روایتی نقل می کند که در بخشی از آن آمده است: «...گفتم: فدایت شوم! اگر من آن دوره (غیبت) را درک کردم چه بکنم؟» فرمود:

۱ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۱۹، روایت ۳۸۴.

۲ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۳۶، روایت ۴۸۸.

۳ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲، روایت ۴.

۴ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۹، روایت ۲۵.

«ای زراره، اگر آن دوره را درک کردی، همیشه این دعا و درخواست را داشته باش: «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ، اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ. اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي»، «خدایا خودت را به من بشناسان، اگر خودت را به من شناسانی پیامبرت را نخواهم شناخت، خدایا رسالت را به من بشناسان که اگر او را به من شناسانی حجت و ولایت را نخواهم شناخت، خدایا حجت را به من بشناسان، اگر حجت را به من شناسانی، در دینم به گمراهی خواهم افتاد.»^(۱)

گفتار ما

این روایات در صدد بیان این مطلب است که ابتلاء و آزمایش و سرافراز درآمدن از آنها میدان رشد انسانی، بازگشت به سوی پروردگار و مبنای رسیدن به درجات و کمالات است.

مطلب دیگری که از این روایات فهمیده می شود راه رهایی از تنگناها و مصیبتها در دوره غیبت و چگونگی حرکت در مسیر خالی از آفات و شبهات مربوط به طولانی شدن غیبت و فتنه های آن است.

البته، هر چیز فهم دین آشنایی می داند که توصیه امام به درخواست و دعا در روایت دوازدهم، فقط مقصود ادای کلمات و لقلقه زبان نیست، هر چند که خواندن دعا هم ثواب مخصوصی دارد، بلکه منظور توجه قلبی دائمی به معنی و مفهوم این دعا و توجه به این است که در دوره غیبت، امر دین و دینداری و اعتقاد صحیح به غیبت و امامت کار دشواری است که فقط از آدم اهل یقین و با استقامت ساخته است.

تنها، کسی که از دریای معرفت پروردگار چشیده باشد و به قُلُوم شناخت پیامبر و ائمه و امام غایب علیه السلام دستی رسانده و از کجراهه های گمراهی و سرگردانی

پرهیز کرده باشد، سختیهای دوره غیبت را به آسانی تحمل خواهد کرد و ناباوریهها، برایش به یقین مبدل خواهد شد.^(۱) بعضی از احادیث فصل سوم از باب دوم نیز

۱- در ذیل حدیث دهم آمده است که: «إِنْتَظَرُ الْفَرَجَ مِنْ أَكْثَرِ الْفَرَجِ»، انتظار فرج، بزرگترین فرج است؛ یا، بخش زیادی از فرج است.

شاید از این بیان امام علیه السلام بتوان نتیجه گرفت که وظیفه عمده شیعه، انتظار فرج است، نه روز شماری به اصطلاح معمول. نه تعیین وقت کردن، نه اشکال و ایراد وارد کردن به علانمی از ظهور که محقق شده یا نشده و نه فقط ادعای دوستی حضرت مهدی علیه السلام.

و نیز همان طور که از روایت دوم، پنجم و نهم و روایات دیگر فهمیده می شود، انتظار، یک زندگی همراه با تقوا، ورع، محاسن اخلاق، اعتقاد به غیبت، توجه جدی و دائمی به حضرت مهدی و غیبت آن جناب و تولی و تبری به معنی واقعی است.

در روایت هشتم و روایات مشابه آن فرموده اند که شخص عارف به امام و منتظر ظهور، اگر عمرش به زمان ظهور هم نرسد، دیر و زود شدن زمان ظهور، برایش ضرری ندارد؛ بنابراین معلوم می شود که برای ما، مهمترین مسأله، انتظار فرج است و یاد گرفتن مفهوم انتظار، و زندگی کردن بر طبق آن.

در حال حاضر، برای ما، از اصل فرج مهمتر، انتظار فرج و توجه عمیق به این است که حجت خدا در روی زمین زنده، با ما و شاهد و ناظر اعمال ما و واسطه فیض بین خدا و ماست. فرج به خداوند مربوط است که هر موقع صلاح بداند عملی خواهد شد، و انتظار فرج به ما مربوط است. ما باید تکلیف خودمان را خوب انجام دهیم، خداوند به حکمت خدایی و مصالح بندگان بهتر واقف است و چیزی از علم او خارج نیست.

در بقیه معارف نیز، مطالبی شبیه این مطلب وجود دارد. مثلاً ما باید دعا کردن و درخواست و شرایط آن را یاد بگیریم و درست عمل کنیم، استجابات بارب العالمین است و او خود به مصالح بندگان آگاه است. اینکه بنده به جای دعا و تضرع، برای خداوند تکلیف معین کند، خلاف بندگی است.

در زیارت شریف امین الله می خوانیم: «خدایا! درهای اجابت به روی بندگان باز است، و دعای کسی که تو را می خواند مستجاب است، و توبه انابه کنندگان به درگاهت، قبول است، و گریه گریه کنندگان، مورد رحمت است و... و سرچشمه های آب برای تشنگان، جوشان است...» و از اینجا معلوم می شود که ما باید دعا کردن، توبه و گریه کردن را بیاموزیم، استجابات، قبول و رحمت، پیشاپیش تضمین شده است، ما باید تشنگی را بیاموزیم و تشنه بودن را تجربه کنیم، دنبال آب رفتن لازم نیست، جوشش سرچشمه های آب، قبلاً انجام گرفته است، و اگر از این سرچشمه ها بهره ای نمی بریم، علت آن، تشنه نبودن است و نه نبودن آب؛ به دروغ اظهار تشنگی می کنیم، اگر تشنگی حاصل شود، سرچشمه های آب، از همه جا فوران می کند، به قول مولوی:

آب کم جو تشنگی آور به دست

تا بجوشد آبت از بالا و پست

اگر ما نیاز به مهدی را در خود نیابیم و جدی نگیریم، و از منتظران واقعی به حساب نیابیم. حتی اگر آن حضرت تشریف بیاورد، بهره کامل را نخواهیم برد، زیرا او طبیب دردمندان است، و بیدردها یا کسانی

بیانگر همین مطلب است.

۵-۲: پاداش ثابت قدمان بر اعتقاد به حضرت مهدی علیه السلام

روایات

۱- امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خوشا به حال - بهشت، گوارا باد بر - آنکه قائم اهل بیت مرا درک کند و در دوره غیبت و قبل از قیامت، از او تبعیت کند، دوستانش را دوست بدارد و با دشمنانش دشمنی ورزد، او از یاران و دوستداران من و گرامی ترین افراد امتم نزد من است»^(۱)

۲- علی علیه السلام فرمود: «... بدانید! هر که از شیعیان، بر دینش محکم باقی بماند، و از به درازا کشیدن غیبت امام، دلش به زنگار شک، تیره و سخت نگردد، روز قیامت او با من و در رتبه من است»^(۲)

۳- امام سجّاد علیه السلام فرمود: «هر کس در دوره غیبت قائم ما، بر ولایت ما، استوار باقی بماند خداوند اجر هزار شهید از شهدای بدر و احد به او عطا می فرماید»^(۳)

۴- امام صادق علیه السلام فرمود: «بهترین سبب نزدیکی بندگان به خداوند و برترین چیزی که موجب خشنودی او از ایشان می شود، این است که در ایام غیبت حجت خدا که مردم، مکان او را نمی دانند، معتقد باشند که حجت خدا بر حق است و روی

→ که درد احساس نمی کنند از مراجعه به طبیب، خود را بی نیاز می دانند.

طبیب عشق مسیحا دم است و مشفق لیک چو درد در تو نبیند که را دوا بکند

مترجم

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۶۰، روایت ۱۰۴.

۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۶۴، روایت ۱۱۵.

۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۶۶، روایت ۱۲۷.

زمین وجود دارد...»^(۱)

۵ - مفضل بن عمر می گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود: کسی که در حال انتظار فرج صاحب الامر از دنیا برود نه تنها مثل کسی است که با امام قائم، در کنار او و در اردگاهش است، بلکه همچون مجاهد جنگاوری است که در رکاب پیامبر صلی الله علیه و آله شمشیر می زند.»^(۲)

۶ - امام صادق علیه السلام فرمود: «هر یک از شما که بر اعتقاد به صاحب الامر و غیبتش بمیرد، مثل کسی است که در راه خدا شمشیر می زند.»^(۳)

۷ - حکم بن عیینه می گوید: هنگامی که امیرالمؤمنین علیه السلام در نهر وان، با خوارج می جنگید، مردی برخاست و عرض کرد: ای امیرالمؤمنین! خوشا به حال ما که در کنار تو در این میدان هستیم و در رکاب تو با این خوارج می جنگیم، امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «به آن خدایی که دانه را شکافت و موجودات را خلق کرد سوگند، مردمی هستند که هنوز خداوند پدران و اجدادشان را هم خلق نکرده است اما در این میدان، با ما هستند.» آن مرد گفت: چگونه ممکن است گروهی که هنوز به دنیا نیامده اند با ما باشند؟ حضرت فرمود: «آری، گروهی در آخرالزمان هستند که در آنچه ما انجام می دهیم با ما شریکند و دلشان تسلیم امر ماست، براستی و جداً که آنها در آنچه ما انجام می دهیم با ما شریک هستند.»^(۴)

۸ - امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس امامش را بشناسد و قبل از قیام صاحب الامر از دنیا برود، مثل کسی است که در لشکر او مستقر است، و بلکه بالاتر، مثل کسی است که زیر پرچم او مستقر است.»^(۵)

۱ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۰، روایت ۱۴۲.

۲ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۱، روایت ۱۴۳.

۳ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۶، روایت ۱۷.

۴ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۱، روایت ۳۲.

۵ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۱، روایت ۵۳.

گفتار ما

از احادیث این فصل معلوم می شود که، حفظ ایمان و ولایت در دوره غیبت، و دوست داشتن دوستان حضرت حجت علیه السلام و دشمنی با دشمنانش دارای ثوابی ارجمند و آثار معنوی والا است.

شاید علت مترتب بودن چنین ثواب و آثاری، این باشد که مؤمنان دوره غیبت با اینکه از دیدن امام خود و رسیدن به محضرش و شنیدن کلام نافذش محرومند، اما در عین حال او را دوست می دارند و به او ایمان دارند و دل و دین خود را به او سپرده اند، حال، انسان مؤمنی که در دوره غیبت چنین روحیه ای داشته باشد اگر یکی از امامان پیشین را درک می کرد چه وضعی داشت؟ قطعاً چنین است که اگر او را درک می کرد، از او پیروی می نمود و در کنار او می جنگید و پاداش مجاهدان در رکاب امام حاضر را از آن خود می نمود؛ و چنین است که امیرالمؤمنین علیه السلام - در حدیث هفتم - می فرماید: «مردمی هستند که هنوز خداوند، پدران و اجدادشان را هم خلق نکرده است اما در این میدان با ما هستند... گروهی در آخرالزمان هستند که در آنچه ما انجام می دهیم با ما شریکند، دلشان تسلیم امر ماست، به راستی و جدّاً که در آنچه ما انجام می دهیم، آنها با ما شریک هستند.»

همچنین ممکن است علت این ثوابها و آثار ارزشمند، این باشد که از آنجا که مؤمنان راستین دوره غیبت، به امامشان ایمان آورده، دل و دین و جان به او سپرده و خود را برای جهاد در زمان حضور و قیامش آماده نموده اند، مثل این باشد که محضر آن بزرگوار را درک کرده و در کنار او جنگیده اند و بنابراین از پاداش کسی که او را درک کرده و در کنارش جنگیده است برخوردارند. این مطلب در مجموعه روایات این فصل به وضوح به چشم می خورد.^(۱)

۱ - مؤلف محترم برای علت ثوابها و مقام معتقدان به غیبت و ولایت، که در روایات آمده است، وجوهی ذکر فرموده اند، لکن خود ثوابها و مقامات را - علی رغم آنکه از سیره ایشان در گفتارهای پیشین انتظار می رفت - از روایات استخراج نکرده و توضیحی نفرموده اند.
این آثار و ثوابها عبارت بودند از:

۶-۲: حکم تقیه و حدود آن، در دوره غیبت

روایات

- ۱- امام رضا علیه السلام فرمود: «هر کس قبل از خروج قائم ما - تقیه را - ترک کند از ما نیست.»^(۱)
- ۲- امام صادق علیه السلام فرمود: «وقتی قائم ما قیام کند، تقیه از میان برداشته شده و شمشیرت میدان می آید و جز با شمشیر با مردم معامله نمی شود.»^(۲)
- ۳- ابو عمر اعجمی می گوید: «امام صادق علیه السلام به من فرمود: ای ابا عمر! اگر دین را به ده جزء تقسیم کنی، نه جزء آن تقیه است و کسی که تقیه نکند دین ندارد...»^(۳)

الف - رفاقت با پیامبر و مودت با ایشان، و کریمترین و عزیزترین افراد بودن در نزد ایشان.

ب - با پیامبر و هم درجه پیامبر بودن در قیامت.

ج - اجر هزار شهید از شهدای بدر و احد داشتن.

د - قرب الی الله.

ه - منزله مجاهد جنگاور بودن در رکاب پیامبر ﷺ.

و - شریک بودن در مجاهدات امیرالمؤمنین علیه السلام و اصحابش.

ز - در ردیف افراد آماده در اردوگاه و حتی زیر پرچم امام علیه السلام بودن.

﴿وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ﴾

منی براسیم ادعا کنیم که مفهوم ظاهری بعضی از این ثوابها را تا حدودی درک می کنیم اما بعضی دیگر مثل رفاقت با پیامبر، معیت پیامبر، همدرجه پیامبر بودن و قرب الی الله، از مقاماتی هستند که در محدوده این ادعا نمی گنجند و بهتر است خوانندگان، از خود مؤلف محترم، و دیگرانی که اهل این معانی هستند جویا شوند.

در مورد «معیت پیامبر» آن طور که از بعضی افاضات شفاهی مؤلف محترم فهمیده می شود، شاید یکی از معانی آن، نوعی توجه شدید، همیشه، همه جا، در هر حال و هر کار به وجود مقدس پیامبر و عشق به آن حضرت باشد. مترجم

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۷، روایت ۱۷۲.

۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۶۲، روایت ۶۴۹.

۳- وسال الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۶۱، روایت ۲، باب ۲۴.

- ۴ - عبدالله بن ابی یعفور می گوید: «از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: تقیه، سپر و پناهگاه مؤمن است و کسی که تقیه نکند ایمان ندارد...»^(۱)
- ۵ - امام صادق علیه السلام: هر چه این امر - غیبت یا ظهور - نزدیکتر شود، تقیه شدیدتر می شود.^(۲)
- ۶ - حسین بن خالد می گوید: امام رضا علیه السلام فرمود: «کسی که اهل پرهیز نیست، دین ندارد و کسی که اهل تقیه نیست، ایمان ندارد، گرامی ترین شما در نزد خدا پایبندترین شما به تقیه است.» عرض شد: «یا بن رسول الله! تا کی؟» فرمود: «تا قیام قائم، بنابراین کسی که قبل از خروج قائم ما، تقیه را ترک کند، از ما نیست.»^(۳)
- ۷ - معمر بن خلاد می گوید: «از امام رضا علیه السلام در مورد از جا حرکت کردن برای حکام پرسیدم: فرمود: امام باقر علیه السلام فرمود: تقیه، دین من و دین پدران من است، کسی که تقیه نکند، ایمان ندارد.»^(۴)
- ۸ - مفضل می گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد آیه: ﴿أَجْعَلُ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا﴾^(۵) فرمود: «آن سد، تقیه است»، ﴿فَمَا اسْتَطَاعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا﴾^(۶) فرمود: «اگر طبق تقیه عمل نمایی، راهی برای مسلط شدن بر تو پیدا نمی کنند؛ تقیه، در محکمی است، و در بین تو و دشمنان خدا به صورت سد و مانعی واقع می شود که نمی توانند در آن رخنه نمایند.»^(۷)
- ۹ - حبیب بن بشر می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود از پدرم شنیدم که فرمود: «نه به خدا قسم، پیش من چیزی دوست داشتنی تر از تقیه، در روی زمین، یافت نمی شود؛ ای حبیب، هر کس اهل تقیه باشد خداوند او را بالا می برد و هر کس اهل تقیه نباشد

۱ - وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۶۰، روایت ۶، باب ۲۴.

۲ - وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۶۲، روایت ۱۱، باب ۲۴.

۳ - وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۶۵، روایت ۲۵، باب ۲۴.

۴ - وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۶۰، روایت ۳، باب ۲۴.

۵ - کشف: ۹۵ - بین شما و آنها سدی قرار دهم.

۶ - کشف: ۹۷ - نتوانند از آن بالا بروند و در آن رخنه ای ایجاد کنند.

۷ - وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۶۷، روایت ۳۳، باب ۲۴.

خداوند او را پست می گرداند، ای حبیب! اگر تقیه رعایت شود، مردم در صلح و آرامش بسر خواهند برد.»^(۱)

۱۰- امام صادق علیه السلام فرمود: «در حالی که تقیه واجب است، قتل هیچیک از کفار و دشمنان جایز نیست مگر آنکه کسی را کشته یا مشغول فساد در زمین باشد، و این کار هم وقتی جایز است که از به خطر افتادن جان خودت و دوستانت نترسی. در زمان و مکانی که تقیه - با حفظ جان خودت و دوستانت و دینت - تناسب دارد، تقیه کردن واجب است و کسی که به خاطر تقیه و دفع ستم و خطر از جان خودش، سوگند بخورد و بعد از آن، سوگند خود را بشکند، بر او کفاره واجب نیست.»^(۲)

۱۱- امام باقر علیه السلام فرمود: «در هر جا ضرورت ایجاب کند تقیه کردن لازم است، و آن کسی که باید تقیه کند خود بهتر می داند که جای آن کجاست.»^(۳)

۱۲- امام عسکری علیه السلام فرمود: «امام رضا علیه السلام از گروهی از شیعیان دوری گزید و به آنان اجازه ملاقات نداد. آن گروه گفتند: «یابن رسول الله! چه شده است که تا این حد از ما اعراض می فرمایی و با مانع قرار دادن بین ما و خودت، ما را خوار می شماری؟» فرمود: «برای اینکه شما ادعا می کنید که شیعه امیرالمؤمنین هستید و در بیشتر کارهایتان برخلاف عمل می کنید و در انجام واجبات، کوتاهی می نمایید و بسیاری از حقوق برادرانتان را کوچک می شمارید و آنجا که نباید تقیه کنید تقیه می کنید و آنجا که باید تقیه کنید، تقیه را ترک می کنید.»^(۴)

۱۳- امام عسکری علیه السلام در باره آیه: ﴿وَالْهَكْمُ إِلَهُ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ﴾^(۵) فرمود: «نسبت به بندگان مؤمن و شیعه آل محمد رحیم است که میدان تقیه را برایشان باز کرده است، تا هر جا که بتوانند دوستی با دوستان خدا و دشمنی

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۶۱، روایت ۸، باب ۲۴.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۶۴، روایت ۲۱، از باب ۲۴.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۶۸، روایت ۱، از باب ۲۵.

۴- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۷۰، روایت ۹، از باب ۲۵.

۵- بقره: ۱۶۳.

با دشمنان خدا را آشکار کنند و هر جا قدرت اظهار آن را نداشتند آن را پنهان نمایند.»^(۱)

۱۴ - محمد بن میمون از امام باقر از پدرش از جدش علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «از شما می‌خواهند که مرا دشنام دهید، دشنام دهید، و از شما می‌خواهند که از من بیزاری جوئید، در این صورت گرد نهایتان را بکشید - یا به افتخار گردنفرازی کنید یا تا سرحد کشته شدن آماده باشید - که محبت و ولایت من در فطرت انسانها نهفته است.»^(۲)

۱۵ - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «آگاه باشید که پس از من، آدمی گشاد گلو، و شکم گنده بر شما مسلط می‌شود که هرچه بیابد می‌خورد و هرچه را نیابد به جستجویش بر می‌خیزد، پس او را بکشید - که هرگز نخواهید کشت، بدانید! که او شما را امر می‌کند تا مرا دشنام دهید و از من بیزاری جوئید، اما درباره دشنام دادن، - می‌گویم - دشنام دهید که برای من نوعی تزکیه و برای شما رهایی - از جور - خواهد بود، اما در باره بیزاری جستن، می‌گویم از من بیزاری مجوئید که من اینگونه خلق شده‌ام که درون پاک انسانها مرا دوست بدارد و من اولین کسی هستم که ایمان آوردم و هجرت کردم.»^(۳)

۱۶ - امام باقر علیه السلام فرمود: «تقیه برای حفظ جان و جلوگیری از ریختن خون است، پس هرگاه تقیه، خود موجب ریختن خون شد، دیگر تقیه جایز نیست.»^(۴)

۱۷ - ابو حمزه ثمالی می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «زمین بر جا باقی نمی‌ماند مگر اینکه عالمی از ما که حق را از باطل بشناسد بر روی آن زنده است.» و فرمود: «تقیه برای حفظ جان و جلوگیری از ریختن خون است، پس هرگاه تقیه، خود موجب ریختن خون شد، دیگر تقیه جایز نیست. و به خدا قسم اگر فراخوانده شوید

۱ - وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۷۵، روایت ۱۲، از باب ۲۸.

۲ - وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۷۷، روایت ۸، از باب ۲۹.

۳ - وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۷۸، روایت ۱۰، باب ۲۹.

۴ - وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۳، روایت ۱، از باب ۳۱.

تا ما را یاری کنید بگویید: «ما این کار را نمی‌کنیم، تقیه می‌نماییم.» تقیه برای شما دوست داشتنی‌تر از پدران و مادرانتان است، و اگر قائم علیه السلام قیام کند، نیازمند به سؤال از شما - در این باره - نخواهد بود و - خود می‌داند هر کس چه کاره است - و حدود الهی را در مورد عده زیادی از منافقین شما مردم اجرا خواهد کرد.»^(۱)

گفتار ما

اگر چه این روایات روشن است و نیاز به توضیح چندانی نیست ولی برای روشن شدن بیشتر، بهتر است بیان کوتاهی در مورد مطالب آنها عرضه شود:

ظاهر روایات نشان می‌دهد که در زمان امامان و به ویژه در دوره غیبت، تقیه، روش خوب و پسندیده‌ای است و تمسک به آن مطلوب است، اما این مطلوبیت تقیه با اینکه، تقیه هم مثل چیزهای دیگری که نزد خداوند و اولیاء مطلوب است، حد و مرزی داشته باشد منافات ندارد.

همان طور که از تعبیر «سپر» و «پناهگاه» که در باره تقیه آمده است و نیز از معنای لغوی آن پیدا است، تقیه برای حفظ جان امامان، شیعیان و امور مهم دیگر - نظیر حفظ دین و صیانت عموم مسلمانان - است، از همین رو در روایات فرمودند: «راهی برای مسلط شدن بر تو پیدا نمی‌کنند» و «تقیه دژ مستحکم است» و «خدا بین تو و دشمنانت سدی قرار داد.» و «در زمان و مکانی که تقیه - برای حفظ جان خود و دوستان و دینت - تناسب دارد، تقیه کردن واجب است.»

پس لازم است ببینیم تا چه حد می‌توانیم به تقیه تمسک نماییم:

بدیهی است که وقتی یک حکم اولی الهی برای ما مشخص شد، دست برداشتن از آن، به عنوان تقیه یا عناوینی دیگر، فقط وقتی صحیح است که بر اساس نص یا دلیلی معتبر و قابل اعتماد، علم قطعی پیدا کنیم به اینکه تکلف الهی ثانوی پیدا شده است، اما به محض پیدا شدن شک در رفع حکم اولی یا ایجاد حکم ثانوی،

۱ - وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۳، روایت ۲، از باب ۳۱.

نمی‌توان از حکم اولی دست برداشت.

اگر کسی در احادیثی که در این فصل آمد دقت و تعمق نماید، متوجه خواهد شد که در زمان غیبت، در کجا و تا چه حدی باید تقیه نماید. مطلب دیگر اینکه، در حدیث چهاردهم نکته‌ای قابل توجه وجود دارد و آن عبارت از این است که تقیه تا هنگامی جایز است که به نابودی اساس و پایه دین منجر نشود.

ولایت از پایه‌های دین است^(۱) و اگر تقیه به نابودی یا سست شدن ولایت منتهی شود، دیگر تقیه جایز نیست چنانکه فرمودند: «گردنهایتان را - برای افتخار به ولایت و تا سرحد کشته شدن - برافراشته و کشیده نگهدارید.» و نیز عبارت «فَإِنِّي عَلَى الْفِطْرَةِ»، «ولایت من در فطرت انسانها نهفته است»، به وضوح دلالت می‌کند بر اینکه همان‌طور که در توحید، جایی برای تقیه نیست،^(۲) در ولایت نیز جایی برای تقیه نیست زیرا ولایت، جزئی از توحید - و بر اساس برخی روایات - لازمه صحت و کمال آن است.^(۳)

۱ - حدیث دیگری که در آن پایه‌های دین بیان شده است، حدیث عمرو بن حریث است که به امام صادق عرض کرد: «آیا دینم را به شما عرضه کنم؟» فرمود: آری، عمرو گفت: «به یگانگی خداوند واحد بدون شریک گواهی می‌دهم و به اینکه محمد پیامبر اوست و به اقامه نماز و دادن زکات و روزه ماه رمضان و حج خانه خدا، و ولایت و ائمه علیهم‌السلام معتقدم. آنگاه امام علیه‌السلام فرمود: ای عمرو! این دین خدا و دین پدران من و دینی است که من در نهان و آشکار بر آن هستم...» وسایل الشیعه، ج ۱، ص ۸، روایت ۴.

۲ - اینکه گفتیم در توحید، تقیه نیست مقصود تا وقتی است که به خونریزی و از بین رفتن جان بی‌گناهی منجر نشود، اما اگر کار به اینجا رسید تقیه در توحید نیز جایز است، چنانکه قضیه اظهارات عمار یاسر در زیر شکنجه و آیه «إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَ قَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ» که در آن مورد نازل شده گواه این مطلب است.

۳ - روایاتی که دلالت می‌کنند بر اینکه ولایت جزء توحید است بسیارند لفظ آن جمله: روایتی است از امام رضا علیه‌السلام از پدرش از جدش امام زین‌العابدین که در باره آیه «فَطَرَتِ اللَّهُ النَّاسَ عَلَيْهَا» فرمود: «آن فطرت، توحید، نبوت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ولایت علی امیرالمؤمنین علیه‌السلام است، حد توحید این مقدار است. بحار الانوار، ج ۳، ص ۲۷۷، روایت ۳ و نیز مراجعه شود به بحار الانوار، ج ۳، ص ۲۸۰، روایت ۱۸.

۷-۲: امکان دیدار حضرت مهدی علیه السلام در دوره غیبت کبری

روایات

- ۱ - عبید بن زرارہ می گوید: «از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: «مردم امامشان را از کف داده اند، او در موسم حج، بر اعمال مردم ناظر است، آنها را می بیند ولی آنها او را نمی بینند.»^(۱)
- ۲ - از امام رضا علیه السلام در باره قائم علیه السلام سؤال شد، فرمود: جسمش دیده نمی شود، و نامش برده نمی شود.»^(۲)
- ۳ - حسن بن علی بن فضال می گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمود: «خضر علیه السلام از آب حیات نوشید و تا نفخ صور زنده است، نزد ما می آید، به ما سلام می کند، صدایش را می شنویم اما خودش را نمی بینیم.» تا اینکه فرمود: «و خداوند، در دوره غیبت، به وسیله او غربت و تنهایی قائم ما را به انس و الفت بدل خواهد کرد.»^(۳)
- ۴ - ابو هاشم جعفری می گوید: «شنیدم که امام هادی علیه السلام فرمود: «جانشین من فرزندم حسن است، با جانشین بعد از جانشین چه خواهید کرد؟» عرض کردم: «فدایت شوم چرا چنین چیزی می فرمایید؟» فرمود: «زیرا شما خودش را نمی بینید و جایز نیست با نامش از او یاد کنید.» عرض کردم، «پس چگونه از او یاد کنیم؟» فرمود: «بگویید حجت آل محمد»^(۴)
- ۵ - در بخشی از حدیث حکیمه دختر امام جواد علیه السلام آمده است: «... خداوند، ولی الله را از دیدگان بندگان پنهان می کند و هیچکس او را نمی بیند تا اینکه

۱ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۴۳، روایت ۱۹.

۲ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۷، روایت ۱۷۰.

۳ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۸۰، روایت ۱۸۱.

۴ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۰، روایت ۲۲۹.

جبرئیل اسبش را به او تقدیم می‌کند تا آنچه در علم خدا شدنی است انجام گیرد.»^(۱)

۶- امام صادق علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «بدانید که زمین از حجت خدا خالی نیست اما خداوند به واسطه ستم و نادانی مردم، دیده ایشان را از دیدارش می‌پوشاند، و اگر زمین لحظه‌ای از حجت خدا خالی باشد اهلش را در خود فرو خواهد برد، اما حجت خدا، مردم را می‌شناسد ولی مردم او را نمی‌شناسند همان‌طور که یوسف، مردم (برادرانش) را می‌شناخت و آنها او را نمی‌شناختند.»^(۲)

۷- اسحق بن عمار می‌گوید: «قائم علیه السلام دو غیبت دارد، یکی طولانی و دیگری کوتاه، در اولی (کوتاه) جز شیعیان خاص او کسی از محلش اطلاع ندارد و در دومی (طولانی) جز دوستان خاصش کسی مکانش را نمی‌داند.»^(۳)

گفتار ما

از روایات این فصل و بعضی روایات قبلی، که اوضاع دوره غیبت را ترسیم می‌کند، بر می‌آید که مقصود از ندیدن آن حضرت بعد از دوره غیبت صغری، این است که گرفتن دستورات دینی از آن حضرت، به طور مستقیم و بدون وساطت نواب اربعه، ممکن نیست، ولی ملاقات بعضی از خواص - برای انجام کاری غیر از گرفتن دستورات دینی، که وظیفه نواب اربعه است، غیر ممکن نیست. روایت سوم همین فصل و نیز آنچه در این زمینه، نقل شده است^(۴) گواه آن است که بعضی از بزرگان و نخبگان از دوستانش، آن حضرت را زیارت کرده‌اند و در این هیچ تردیدی نیست.

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۰۶، روایت ۳۱۵.

۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۳۲، روایت ۴۶۳.

۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۳۴، روایت ۴۷۵.

۴- به بحار الانور، ج ۵۲، ص ۱۵۹ و ج ۳، ص ۲۱۰ مراجعه نمایید.

۸-۲: جواز نام بردن از حضرت مهدی علیه السلام در دوره غیبت

روایات

- ۱- امام صادق علیه السلام فرمود: «... جسمش از دید شما پنهان می شود و نام بردنش جایز نیست.»^(۱)
- ۲- ابو هاشم جعفری می گوید: امام عسکری علیه السلام فرمود: «... زیرا شما جسمش را نمی بینید و بردن نامش برایتان جایز نیست.» عرض کردم: «پس چگونه از او یاد کنیم؟» فرمود: «بگوئید حجت آل محمد»^(۲)
- ۳- جابر بن یزید جعفری از امام باقر علیه السلام از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می کند که فرمود: «اما اسمش را نه (اسم نمی برم)، دوست و رفیقم (پیامبر) از من پیمان گرفت که نام او (حجت خدا) را نبرم تا اینکه خداوند او را برانگیزد و این از مطالبی است که خداوند آن را در گنجینه علم پیامبرش به ودیعه گذاشته است.»^(۳)
- ۴- ابوالجارود از امام باقر علیه السلام از پدران بزرگوارش از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می کند: «او دو اسم دارد، اسمی پنهان و اسمی آشکار، اسم پنهانش احمد و اسم آشکارش محمد است.»^(۴)
- ۵- ابو خالد کابلی از امام باقر علیه السلام خواست تا حضرت قائم را با اسم به او بشناساند. حضرت فرمود: «ای ابو خالد از چیزی سؤال کردی که اگر فرزندان فاطمه هم می دانستند در صدد بودند او را پاره پاره کنند.»^(۵)

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۶۹، روایت ۱۳۸.

۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۰، روایت ۲۲۹.

۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۰، روایت ۲۲۸.

۴- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۰، روایت ۲۳۰.

۵- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۰۹، روایت ۳۲۸.

- ۶- در بعضی از نامه‌های آن حضرت، در جواب به سؤالی که از اسم و محل آن امام شده است فرموده‌اند: «اگر اسم را بدانید، راز منتشر می‌شود و اگر مکان را کسی بداند به سمت آن سرازیر خواهند شد.»^(۱)
- ۷- در نامه دیگری از آن حضرت آمده است: «هر کس در مجلس عمومی نام مرا ببرد جداً ملعون است.»^(۲)
- ۸- در نامه دیگری آمده است: «هر کس در جمعی از مردم نام مرا ببرد خداوند او را لعنت کند.»^(۳)
- ۹- امام صادق علیه السلام فرمود: «صاحب الامر، مردی است که جز کافران کسی او را به نام نمی‌خواند.»^(۴)
- ۱۰- عبدالعظیم حسنی از امام جواد علیه السلام نقل می‌کند که در مورد نامیدن حضرت قائم علیه السلام فرمود: «ولادتش از مردم مخفی و جسمش از دیده‌ها غایب و به اسم نامیدنش حرام است. او هم نام و هم کنیه پیامبر صلی الله علیه و آله است...»^(۵)
- ۱۱- محمد بن ابراهیم کوفی می‌گوید: امام عسکری علیه السلام گوسفندی ذبح فرمود و از گوشت آن برای بعضی از افرادی که نامشان را برد فرستاد و فرمود: این از عقیقه پسر محمد است.»^(۶)
- ۱۲- ابی غانم خادم می‌گوید: «برای امام عسکری علیه السلام پسری متولد شد که او را محمد نامید...»^(۷)
- ۱۳- ابی الجارود از امام باقر علیه السلام از جابر بن عبدالله انصاری نقل می‌کند که گفت: وارد خانه فاطمه شدم، در برابرش لوحی قرار داشت که اسامی جانشینان ائمه از

۱- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۳، روایت ۸
 ۲- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۳، روایت ۹
 ۳- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۳، روایت ۱۰
 ۴- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۳، روایت ۱۱
 ۵- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۹، روایت ۱۴
 ۶- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۹، روایت ۱۵
 ۷- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۹، روایت ۱۶

نسل فاطمه نوشته شده بود، تعداد آنها را شمردم، دوازده نفر و آخرین آنها قائم بود، سه نفر از آنها محمد و چهار نفر علی بودند.»^(۱)

۱۴ - مفضل بن عمر می گوید: بر امام صادق علیه السلام وارد شدم و به ایشان عرض کردم: «قول داده بودید جانشین خودتان را به ما معرفی کنید. فرمود: «امام بعد از من، پسر موسی است و جانشین منتظر، محمد بن حسن بن علی بن محمد بن علی موسی می باشد.»^(۲)

۱۵ - از امام عسکری علیه السلام در باره حجت و امام بعد از خودش سوال شد. آن حضرت فرمود: «پسر محمد، امام و حجت بعد از من است...»^(۳)

گفتار ما

اگر منصفانه و از روی بی غرضی، در این روایات دقت شود به این نتیجه خواهیم رسید که منع و تهدیدهایی که از سوی امامان علیهم السلام، نسبت به نامیدن حضرت - به اسم مبارکش - وارد شده است مربوط به فاصله زمانی عصر پدر آن بزرگوار تا زمان غیبت است تا اینکه از توجه بیش از حد مردم و خطرات ناشی از حکومت طاغوتیان محفوظ بماند، چنانکه در ایام حمل و تولد و خردسالی نیز به همین علت، همه چیز مخفی بوده است. روایت چهارم فصل هفت از باب اول و نیز روایات پنجم و ششم همین فصل شاهد این مطلب است.

روایاتی نظیر روایت چهارم و یازدهم تا پانزدهم این فصل - که نام آن حضرت را به صراحت ذکر کرده و اجازه نام بردن داده است - گواه این است که آن دسته از روایاتی که از نام بردن نهی کرده در صد بیان حکم تبعیدی محض^(۴) نیست، بلکه

۱ - وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۹۰، روایت ۲۰ و نیز مراجعه شود به ج ۱۱، ص ۴۹۱، روایت ۲۱.

۲ - وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۹۱، روایت ۲۲.

۳ - وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۹۱، روایت ۲۳.

۴ - مقصود از حکم تبعیدی محض، حکمی است که چه به علت و فلسفه صدور حکم دسترسی پیدا کنیم و چه از آن بی اطلاع باشیم، چه عقل ما از درک آن عاجز باشد و چه عقل، با استدلال و محاسبه به آن

مقصود همان چیزی است که ما به آن اشاره نمودیم؛ اگر چه علم به حقیقت امور، فقط از آن خداست.

۹-۲: وجود امام غایب علیه السلام نعمتی در دسترس

روایات

۱- اعمش می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «از زمانی که خداوند، آدم را خلق کرده است، زمین از حجت خدا خالی نبوده است، حجتی که یا آشکار و شناخته شده است و یا پنهان و ناشناس، و تا روز قیامت هم زمین از حجت خدا خالی نخواهد بود و اگر غیر از این بود عبادت خدا انجام نمی گرفت.» سلیمان اعمش می گوید عرض کردم: «مردم چگونه از امام پنهان از دیده ها بهره مند می شوند؟» فرمود: «همان طور که وقتی خورشید زیر ابرها پنهان است مردم از آن بهره مند می شوند.»^(۱)

۲- در توقیعی که از ناحیه مقدسه حضرت مهدی علیه السلام به دست محمد بن عثمان خارج شد آمده است: «... چگونگی بهره مند شدن امت از من، در دوره غیبت، مثل بهره مندی آنها از خورشید است وقتی که ابرها آن را از دیده ها پنهان می کنند، من برای اهل زمین مایه امنیت هستم همچنانکه ستارگان آسمان برای اهل آسمان چنین هستند، پس، از سؤال کردن در باره آنچه برای شما فایده ای ندارد خودداری

→ برسد. در هر حال حکم لازم الاجراست و باید اطاعت شود. اما در مقابل، اگر حکمی تعبدی نباشد در هر جا موضوع آن مسلم است و علتی برای جاری شدن آن وجود دارد جاری می شود و اگر زمینه و علت جاری شدن آن وجود نداشته باشد یا مشکوک باشد جاری نمی شود. در موضوع مورد بحث، چون در حال حاضر هیچ ضرورتی برای مخفی ماندن نام ایشان وجود ندارد و خطراتی که از این نظر متوجه وجود مقدس حضرت بوده است هم اکنون منتفی است فلذا حکم مخفی ماندن نام ایشان که -حکمی غیر تعبدی است- لازم الاجرا نیست و در هر زمانی تابع موضوع و علت است. مترجم

کنید و در بیش از آنچه مورد نیاز شماست خود را به زحمت نیندازید، برای تعجیل فرج، بسیار دعا کنید که فرج شما در آن است...»^(۱)

۳- جابر جعفی از جابر بن عبدالله انصاری نقل می کند که او از پیامبر پرسید: «آیا شیعیان در دوره غیبت از امام قائم علیه السلام بهره مند می شوند؟» فرمود: «آری، سوگند به آن خدایی که مرا به پیامبری فرستاد، از او بهره مند می شوند و همان طور که از خورشید پنهان زیر ابرها بهره می برند، از نور ولایت او، در دوره غیبتش، استفاده کرده به زندگی خود روشنی می بخشند.»^(۲)

۴- امام موسی بن جعفر علیه السلام درباره آیه ﴿وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً﴾^(۳) فرمود: «نعمت ظاهر، امام آشکار و نعمت باطن، امام غایب است که جسمش از دیدگان مردم پنهان است، گنجهای زمین برایش پدیدار می گردد و هر امر غیر ممکن، ممکن و هر راه دوری برایش نزدیک می شود.»^(۴)

گفتار ما

این مطالب و آنچه در فصل اول از باب اول از امامان معصوم علیهم السلام نقل شد، تأثیر وجود پیامبر و امام علیهم السلام را - چه آشکار و چه از دیده ها پنهان باشند - در عالم هستی، روشن می سازد و حقیقت آنچه را که در روایت و ادعیه و زیارتها در شأن ایشان و فضیلت آنها آمده است توضیح می دهد.

در فصل اول از باب اول نیز در ذیل روایات مربوط به لزوم حجت، مطالبی ذکر کردیم که دقت در آنها برای کسی که بخواهد روایات این فصل را بهتر بفهمد مفید است.

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۲، روایت ۷.

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۲، روایت ۸.

۳- لقمان: ۲۰ - و نعمتهای ظاهری و باطنی خود را بر شما تمام کرده است.

۴- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۸۱، روایت ۷۶۳.

۱۰-۲: خانه و خانواده امام مهدی علیه السلام

روایات

- ۱- عبدالاعلی مولى آل سام می گوید: همراه با امام صادق از شهر خارج شده به منطقه روحاء رسیدیم، امام علیه السلام در حالی که از کوه بالا می رفت نگاهی به آن انداخت و به من فرمود: «این کوه را می بینی، این کوه رضوی از کوههای فارس است، چون ما را دوست داشته، خداوند آن را به نزدیک ما منتقل کرده است، هر درخت و هر نعمتی در آن موجود است، محل امنی است برای کسانی که بیمناکند. بدان که صاحب الامر در این کوه دو غیبت دارد، یکی کوتاه و دیگری طولانی.»^(۱)
- ۲- سلام بن ابی حمزه از امام باقر علیه السلام نقل می کند که فرمود: «صاحب الامر خانه ای دارد که «حمد» نام دارد، از روزی که به دنیا آمده چراغی در آن روشن است تا هنگامی که با شمشیر قیام کند.»^(۲)
- ۳- عبدالاعلی حلبی می گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: «صاحب الامر در یکی از این درّه ها غیبتی خواهد داشت.» سپس با دستش به بخشی از ذی طوی اشاره کرد...^(۳)
- ۴- در دعای ندبه آمده است: «ای کاش می دانستم قصد اقامت در کجا داری؟ کدام زمین وجود نازنینت را بر خود حمل می کند و قدم بر کدام خاک می نهی؟ آیا در رضوی هستی یا در جای دیگر؟ آیا در ذی طوی هستی؟»^(۴)
- ۵- صالح بن اسود می گوید: امام صادق علیه السلام در حالی که نام مسجد سهله را

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۰۰، روایت ۲۸۲.

۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۷، روایت ۲۳۶.

۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۵۰، روایت ۵۵۹.

۴- اقبال الاعمال، ص ۲۹۸.

می برد فرمود: «آن خانه صاحب ماست وقتی اهل بیتش را به همراه دارد.»^(۱)

۶- ابو بصیر از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: «گویا می بینم که قائم ما با خانواده اش در مسجد سهله اقامت گزیده است. ابوبصیر می گوید گفتم منزلش آنجاست؟ فرمود: آری. گفتم: فدایت شوم. قائم علیه السلام همیشه در آن مسجد است؟ فرمود: آری...»^(۲)

۷- عبدالوهاب بن ابی الفوارس می گوید: اقامتگاه صاحب الامر علیه السلام خانه هایی بزرگ و چرمی است که یک سوارکار با نیزه در آن داخل می شود. منطقه ای که آن حضرت در آن ساکن است آب و چراگاه دارد و هرگاه او از آنجا کوچ می کند آثار چرانیدن (حیوانات) در آن پیدا است.^(۳)

گفتار ما

از مجموع این روایات معلوم می شود که حضرت حجت علیه السلام، خانواده و اقامتگاه دارد، هر چند که جزئیات آن را نمی دانیم.

علامه مجلسی رحمته الله در بحث مربوط به کسانی که محضر آن حضرت را درک کرده اند، قضیه جزیره خضراء را به طور مفصل نقل می کند و شیخ حر عاملی در کتاب اثبات الهداة بعد از ذکر آخرین روایت همین فصل، از یکی از راویان نقل می کند که گفت: «از امام هادی نیز نظیر همین مطلب نقل شده است» و آن گاه داستانی مفصل نقل می کند که خلاصه اش این است که حضرت مهدی علیه السلام و فرزندان در جزایر بزرگ و پهناوری زندگی می کنند، و شیعیان آن جزیره، از تمام مردم دنیا تعدادشان بیشتر است و هر یک از فرزندان در آن جزیره ها حکومتی دارد.^(۴) با این همه خدا بهتر از هر کس به حقیقت امر آگاه است.

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۵۳، روایت ۷۲.

۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۸۳، روایت ۷۷۶.

۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۷۸، روایت ۷۴۸.

۴- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۷۹، روایت ۷۴۹.

اگر در این زمینه هیچ نقل و روایتی وجود نداشت، فقط همین مطلب که ما می‌دانیم که آن حضرت با وجود سن زیاد، از نظر جسمی، جوانی قوی البنیه است. کما اینکه روایت ریان بن صلت چنین می‌گوید: ^(۱) و نیز می‌دانیم که آن حضرت به سنت پیامبر صلی الله علیه و آله عمل می‌نماید، در قبول این مطلب که آن جناب، همسر و فرزندی دارد کافی بود، و در نتیجه کسی که همسر، و خانواده داشته باشد ناگزیر باید محلی برای زندگی و آسایش داشته باشد و آن طور که بعضی به اشتباه گمان کردند، لزومی ندارد که شخصی که غایب است حتماً در بیابانها و کوهها، تک و تنها زندگی کند.

بنابراین با توجه به عمر طولانی و مبارک ایشان، ممکن است آن حضرت، همسر و فرزندان متعددی داشته باشد که بعضی مرده و برخی زنده‌اند و مرگ و زندگی آنها طبق روال عادی مرگ و زندگی انسانهاست نه مطابق با زندگی و عمر آن حضرت، بنابراین آن حضرت، فرزندان و نوادگان زیادی خواهد داشت که شمارش آنها به سادگی ممکن نیست.

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۸، روایت ۱۷۳: ریان بن الصلت می‌گوید: به امام رضا علیه السلام عرض کردم: «آیا شما صاحب الامر هستید؟» فرمود: «من صاحب الامر هستم، اما نه آن صاحب الامری که زمین را بعد از پر شدن از ظلم و ستم، از عدل و داد سرشار می‌سازد، و با این ضعف بدنی که در من می‌بینی چگونه می‌توانم آن صاحب الامر باشم؟ قائم، آن کسی است که وقتی خروج کند، در سن پیران، دارای سنیمایی جوان و اندامی قدرتمند است به طوری که اگر دست دراز کند، بزرگترین درخت روی زمین را از جا می‌کند و اگر در بین کوهها فریادی بکشد، صخره‌های کوهها درهم شکسته و از هم می‌پاشد.»

۱۱-۲: حوادث دوره غیبت

الف - حوادث جاری غیر حتمی در مورد قرآن و سنت و اسلام

روایات

۱- امام باقر علیه السلام فرمود: «هنگامی که قائم ما قیام کند مردم را به آیینی فرا می خواند که برای مردم تازگی دارد همچنانکه رسول الله صلی الله علیه و آله چنین فرمود. اسلام در آغاز غریب بود و باز هم غریب و نامأنوس با اذهان مردم، به میان مردم برخواهد گشت، پس خوشا به حال غریبان»^(۱)

۲- سکونی از امام صادق علیه السلام نقل می کند: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «دورانی بر امت من خواهد گذشت که از قرآن جز شکلی و از اسلام جز نامی باقی نخواهد ماند، مسلمان نام دارند ولی از هر کسی، از اسلام دورترند، ظاهر مساجدشان آباد است ولی از نظر هدایت به معارف دینی، خراب و ویران است...»^(۲)

۳- در حدیث حمran از امام صادق علیه السلام آمده است: «هرگاه حق را مقهور و اهلش را کمیاب یافتی و دیدی که ستم فراگیر و قرآن کهنه شده و چیزهایی که در آن نیست به آن بسته شده و طبق هوی و هوس توجیه می شود و هرگاه دیدی که دین مثل ظرف آب وارونه گشته و نشانه های حق مندرس شده است، مواظب باش و از خداوند رستگاری را طلب کن و بدان که مردم دچار خشم خداوند شده اند و به خاطر اجرای امر مهمی در باره آنها، به ایشان مهلت داده است، پس بازهم مواظب باش و تلاش کن به گونه ای باشی که خداوند فکر و عمل تو را برخلاف آنان بیاید، و

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۶، روایت ۱۴۷.

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۰، روایت ۲۱.

در این صورت اگر عذابی بر آنان نازل شد و تو را هم فرا گرفت، زودتر به رحمت خدا واصل شده‌ای و اگر عذاب به تأخیر افتاد، آنها تحت آزمایش قرار گرفته‌اند و تو - با عمل برخلاف روش آنان - از بی‌حیایی و نافرمانی در برابر پروردگار، نجات یافته‌ای و بدان که خداوند، اجر نیکوکاران را ضایع نمی‌فرماید و رحمت خداوند پیوسته با نیکوکاران است.»^(۱)

گفتار ما

برای فهم اینکه در دوره غیبت، بر کتاب و سنت چه می‌گذرد، همین روایات کافی است و روایتهای دوم و سوم، روایت اولی را که فرمود اسلام در آغاز غریب بود و باز هم غریب به میان مردم برخواهد گشت، توضیح و تفسیر می‌نماید و جمله «فطوبی للغرباء»، «خوش به حال غریبان»، بیانگر شرافت و عظمت کسی است که به اسلام عمل می‌نماید و در دوره غربت و تنهایی اسلام، حافظ مقررات و دستورات اسلام است.

ب- حوادث و گرفتاریهای غیر حتمی مسلمانان در دوره غیبت

روایات

۱- ابن صدقه از امام صادق از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «بر شما چه خواهد گذشت وقتی که زنانان آلوده و جوانانان از راه منحرف شوند، و امر به معروف و نهی از منکر ننمایید؟» عرض شد: «یا رسول الله آیا چنین چیزی واقع خواهد شد؟» فرمود: «بدتر از آن؛ چه خواهید کرد وقتی امر به منکر کنید و نهی از معروف ننمایید؟» عرض شد: «یا رسول الله، چنین چیزی اتفاق خواهد افتاد؟» و فرمود: «آری، و بدتر از آن، بر شما چه خواهد گذشت وقتی که معروف را منکر به

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۴ - ۲۶۰، روایت ۱۴۷.

حساب آورید و منکر را معروف بشمارید.»^(۱)

۲- محمد بن فضیل از پدرش از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «... وقتی فقر و نیاز بالا گرفت و عده‌ای از مردم یکدیگر را شناختند در آن هنگام، هر صبح و شب منتظر ظهور باشید.» راوی می‌گوید عرض کردم: «فدایت شوم نیاز و فقر را ما شناخته‌ایم و چشیده‌ایم اما اینکه بعضی مردم یکدیگر را شناسند یعنی چه؟» امام علیه السلام فرمود: «شخصی برای عرض حاجت و رفع نیاز، پیش برادرش می‌رود، آن برادر، با چهره‌ای غیر از چهره‌ای که سابقاً با او برخورد می‌کرد، برخورد می‌کند و به گونه‌ای غیر از گذشته، با او سخن می‌گوید.»^(۲)

۳- سکونی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «دورانی بر امت من خواهد گذشت که به طمع رسیدن به متاع دنیا درونشان آلوده و ظاهر و بیرونشان نیکوست و هیچ نیت خدایی در کارشان نیست، بدون هیچ ترسی - از عاقبت - تمام کارهایشان ریا و خودنمایی است، خداوند عذاب عمومی را بر همه فرو می‌فرستد، مثل غریق بیچاره، خدا را می‌خوانند اما به آنها پاسخ مثبت داده نمی‌شود.»^(۳)

۴- امام صادق علیه السلام فرمود: «... مسجدهای مسلمانان (در دوره غیبت) ظاهراً آباد است و از نظر دین و هدایت، ویران است، فقیهان و دین شناسان آن دوره بدترین دین شناسانی هستند که در زیر این آسمان پیدا شده‌اند، آنها مایه فتنه و آشوبند.»^(۴)

۵- عمیره بنت نفیل می‌گوید: «از دختر امام حسن علیه السلام شنیدم که می‌گفت: این امر (فرج) که منتظر آن هستید واقع نمی‌شود تا هنگامی که عده‌ای از شما از عده‌ای بیزاری جویند، گروهی گروهی دیگر را لعن کنند و برخی از شما به هم اهانت کرده در چهره هم آب دهان بیندازند و بعضی بر کفر دیگران گواهی دهند.» گفتم: «در آن صورت امید خیری نیست» گفت: «تمام خیر در همان

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۱. روایت ۲.

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۴. روایت ۹.

۳- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۰. روایت ۲۰.

۴- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۰. روایت ۲۱.

موقع است، آن وقتی است که قائم، قیام می‌کند و همه این (زشتی و فساد) را از میان بر می‌دارد.»^(۱)

۶- کاهلی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «زمانی بیاید که جایی برای خرج کردن پولتان پیدا نکنید.» عرض شد: «کی چنین خواهد شد.» فرمود: وقتی امامتان از شما پنهان شود در چنین وضعی خواهید بود تا اینکه در کمال ناامیدی از ظهور آن حضرت، همچون خورشید، بر شما طلوع کند.»^(۲)

گفتار ما

از این روایات، به طور مختصر و سربسته، به گرفتاریهای شیعه و مسلمانان در دوره غیبت، می‌توان پی برد و تفصیل و توضیح گرفتاریها و مشکلات اسلام و مسلمانان، در دوره غیبت، در حدیث حمران^(۳) و روایت صعصعه^(۴) و روایات دیگر آمده است که در این جا امکان ذکر آنها نیست.

در فصل سوم همین باب نیز مطالبی ذکر شد که مراجعه به آنها برای آشنایی بیشتر با موضوع این فصل، مفید است.

ج- وقایع غیر حتمی که از ناحیه طرفداران باطل اتفاق می‌افتد

روایات

۱- یحیی بن سالم می‌گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: «صاحب الامر، کم سن‌ترین ما و گمنام‌ترین ماست.» عرض کردم: «چه موقع چنین خواهد شد - زمان فرج خواهد آمد -؟» فرمود: «وقتی فوجهای سواره آماده بیعت شوند و در آن هنگام هر - جولا،

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۱، روایت ۵۸.

۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۳۳، روایت ۴۶۵.

۳- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۴، روایت ۱۴۷.

۴- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۲، روایت ۲۶.

یا پیرزنی - بیرقی بردارد، در آن موقع منتظر فرج باشید.»^(۱)

۲ - جابر جعفی می گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: «ای جابر! بنی عباس رایتی - بیرقی - دارند و دیگران هم بیرقهایی دارند. پس مواظب باش و پرهیز! باز هم پرهیز، بیشتر مراقب باش!، تا اینکه فرزندی از نسل حسین را می بینی که در بین رکن و مقام با او بیعت می شود، سلاح، کلاه جنگی و زره پیامبر صلی الله علیه و آله با اوست.»^(۲)

۳ - مفضل بن عمر می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «از گردنکشی و برتری طلبی پرهیزید! بدانید که دوره ای از زندگی تان، امام شما از دیدگانتان پنهان خواهد شد.» تا اینکه فرمود: «دوازده بیرق مشکوک برپا خواهد شد که از هم بازشناخته نمی شوند و معلوم نمی شود هر کدام متعلق به چه کسی - و جریانی - است.» مفضل می گوید من گریه کردم. امام علیه السلام فرمود: ای ابا عبدالله چه چیز تو را به گریه انداخت؟ تا اینکه فرمود: «به خدا قسم امر ما از خورشید روشنتر و واضحتر است.»^(۳)

۴ - عبدالله عمر می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «قیامت برپا نخواهد شد تا اینکه حدود شصت دروغگو پیدا شوند که هر کدام ادعا کنند که: «من پیامبر هستم.»»^(۴)

۵ - ابو خدیجه می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «قائم خروج نخواهد کرد تا اینکه دوازده نفر از بنی هاشم خروج کنند که هر کدام از آنها مردم را به خود دعوت کند.»^(۵)

۶ - امام باقر علیه السلام فرمود: «اولین سرزمینی که خراب شود، شام است، سه بیرق در آن منطقه در تردد خواهد بود: بیرق اصهب (سرخ و سفید)، بیرق ابقع (سیاه و

۱ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۳۵، روایت ۴۸۱.

۲ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۸۸، روایت ۸۰۸.

۳ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۷۱۹، روایت ۱۶.

۴ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۷۲۵، روایت ۴۴.

۵ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۷۲۶، روایت ۴۷.

سفید) و بیرق سفیانی.^(۱)

۷- حسن بن جهم می گوید: مردی از امام رضا علیه السلام در باره فرج سؤال کرد: حضرت فرمود: «زیاد و مفصل بگویم یا مختصر؟» آن مرد گفت: «مایلم مطلب را برایم کامل کنی.» حضرت فرمود: «وقتی است که بیرقهای قیس در مصر و بیرقهای کنده در خراسان به حرکت درآیندند - احتمالاً چیز دیگری غیر از کنده هم ذکر فرمود -»^(۲)

۸- امام صادق علیه السلام فرمود: «قائم قیام نخواهد کرد تا اینکه دوازده نفر قیام کنند که همه مدعی هستند امام را دیده اند و هر کدام دیگری را تکذیب می کنند.»^(۳)

۹- مالک بن اعین از امام باقر علیه السلام نقل می کند، «هر بیرقی که قبل از قیام قائم برپا شود طاغوت است.» و در روایت دیگری: «صاحب آن بیرق، طاغوت است.»^(۴)

۱۰- در روایتی آمده است: «وقتی خداوند بخواهد آل محمد را بر عالم چیره کند، در تمام مناطق جنگ شروع می شود و آن آغاز خروج مهدی علیه السلام است.»^(۵)

گفتار ما

از بررسی مجموع روایات معلوم می شود که در دوره غیبت، طرفداران مسلکها و مرامهای باطل انقلابها و قیامهایی غیر خدایی بر می انگیزند که رایتها و بیرقهای طاغوتی، همانها هستند. و نیز مقصود از بیرقهای طاغوتی در روایت نهم، بیرقها و دعوتهای باطلی هستند که در روایات قبل از آن ذکر شدند اینک هر پرچم و بیرقی منظور باشد. دلیل مطلب هم این است که پرچمی که برای زنده کردن احکام الهی و اقامه معروف و از بین بردن منکرات، برپا شود مسلماً، آن پرچم و پرچمدار

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ۷۲۷، روایت ۵۱.

۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۷۲۸، روایت ۶۱.

۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۷۳۸، روایت ۱۱۲.

۴- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۳۲، روایت ۴۶۱.

۵- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۷۸، روایت ۷۴۲.

طاغوتی نیستند، بلکه چنین کسی به تکلیف الهی عمل کرده است زیرا مسلمانان موظفند که از احکام الهی پاسداری نمایند و در برابر تهاجمات دشمنان، از اسلام دفاع نمایند. و نیز از آنجا که احکام اسلام، صرفاً احکام فردی و شخصی نیستند که هر کسی به تنهایی مأمور اجرای آنها باشد، بلکه دارای جنبه‌های اجتماعی قوی و بارزی چون امر به معروف، نهی از منکر و قیام برای حفظ مصالح اسلام و مسلمین هستند، پرچمی که به این منظور افراشته شود پرچمی طاغوتی نیست.^(۱)

در روایاتی که پس از این، ذکر خواهد شد نیز مطالبی در همین زمینه، بیان می‌شود.

د- حوادث جوّی، زمینی و زمانی غیر حتمی نزدیک زمان ظهور

روایات

- ۱- بزنطی می‌گوید: امام رضا علیه السلام فرمود: «قبل از این امر (فرج) قتل بیوح واقع خواهد شد.» عرض کردم: «بیوح چیست؟» فرمود: «پیوسته و بدون فاصله.»^(۲)
- ۲- امام باقر علیه السلام فرمود: «قبل از این امر دو نشانه واقع خواهد شد: گرفتگی ماه در روز پنجم و گرفتگی خورشید در روز پانزدهم، و از زمان هبوط آدم تاکنون چنین اتفاقی نیافتاده است و در آن روز است که حساب منجمین بهم می‌ریزد.»^(۳)

۱- پیداست که منظور از رایت (بیرق)، فقط پرچم پارچه‌ای نیست و از قرینه «كُلُّهُمْ يَدْعُوا إِلَى نَفْسِهِ»، «هر کدام مردم را به خود دعوت می‌کند» و از قرینه عقلی پیداست که منظور، هر باشگاه و گروه و دسته و جمعیت و سازمان و حزب و صدا و سیما و نشریه و روزنامه، و هر عامل دیگری است که از نظر سیاسی، فرهنگی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی و مذهبی مردم را به خود دعوت می‌کند. «مَنْ» خود را تبلیغ می‌کند و علیه دیگران فعالیت می‌نماید، چه پرچمی در کار باشد و چه نباشد، چه از جنس پارچه، کاغذ، شیشه، امواج صوتی و تصویری، ملقب به نوعی ایسم و امثال آن باشد یا نباشد. مترجم

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۳، روایت ۶.

* مقصود کشتارهای پی در پی و بدون وقفه است. مترجم

۳- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۷، روایت ۴۱.

۳ - سلیمان بن خالد می گوید: از امام صادق شنیدم که فرمود: «قبل از قیام قائم دو نوع مرگ واقع می شود: مرگ سرخ و مرگ سفید، به طوری که از هر هفت نفر پنج نفر می میرند، اما مرگ سرخ، مرگ با شمشیر است و مرگ سفید، طاعون است.»^(۱)

۴ - امام صادق علیه السلام فرمود: «قبل از قیام قائم علیه السلام، خورشید در پنجم ماه رمضان می گیرد.»^(۲)

۵ - جابر می گوید: به امام باقر عرض کردم: «این امر (فرج) چه موقع خواهد بود؟» فرمود: «چه موقع خواهد بود؟ ای جابر! آن هنگامی است که بین حیره و کوفه کشتار زیاد شود.»^(۳)

۶ - مفضل بن عمر می گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد آیه ﴿وَلَنُذِيقَنَّهُم مِّنَ الْعَذَابِ الْأَذْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ﴾،^(۴) «قبل از عذاب بزرگتر، از عذاب کوچکتر به آنها خواهیم چشانید.» سؤال کردم. فرمود: «عذاب کوچکتر، گرانی است و عذاب بزرگتر، خروج مهدی با شمشیر است.»^(۵)

۷ - از امام صادق علیه السلام سؤال شد که هنگام خروج قائم چه موقع است؟ فرمود: «وقتی که حکومت در دست بیضه کشیده شدگان، و زنان بیفتند»^(۶) و علامتهای دیگری را نام برد تا اینکه فرمود: «آن موقع وقت خروج قائم ما اهل بیت است.»^(۷)

۸ - از امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش نقل می فرماید: علی علیه السلام فرمود: «وقتی آتش در حجاز بیفتد و سیل در نجف جاری شود منتظر ظهور قائمتان باشید.»^(۸)

۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۷، روایت ۴۲.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۷، روایت ۴۳.

۳ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۹، روایت ۵۰.

۴ - سجده: ۲۱.

۵ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۶۴، روایت ۶۴۶.

۶ - شاید کنایه از نامردها و افراد بی غیرت باشد چنانکه در کلام مولی علی علیه السلام آمده است: «یا أَشْبَاهَ الرِّجَالِ وَلَا رِجَالَ». مترجم

۷ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۷۸، روایت ۷۴۱.

۸ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۷۸، روایت ۷۴۶.

۹ - محمد بن مسلم می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم فرمود: «قبل از قیام قائم برای مؤمنان نشانه هایی از طرف خدای تعالی آشکار خواهد شد.» گفتم: «فدایت شوم! آن نشانه ها چیستند؟» فرمود: ﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ﴾^(۱)، و فرمود: ﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ﴾، ترس از ناحیه بنی فلان در آخر سلطنتشان است، ﴿وَالْجُوعِ﴾ آزمایش با گرسنگی، به گرانی و بالا بودن قیمتهاست، و ﴿نَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ﴾ به از بین رفتن و تباهی بازرگانی و معاملات و بهره وری کم در آنهاست، ﴿وَنَقْصٍ... الْأَنْفُسِ﴾، عبارت از مرگ سریع و آشکار است، ﴿وَنَقْصٍ مِنَ... الثَّمَرَاتِ﴾ نیکو نشدن کشت و زرع و بی برکتی آن است، و ﴿بَشِّرِ الصَّابِرِينَ﴾ بشارت صابران به تعجیل در خروج قائم ماست، سپس فرمود: ای محمد این تأویل آیه است و خداوند می فرماید: ﴿وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ﴾^(۲) «حقیقت نهانی آن را جز خدا و آنان که دانش در سینه هایشان آرام یافته است کسی نمی داند.»^(۳)

۱۰ - ابو بصیر در باره آیه ﴿إِنْ نَشَأْ نُنْزِلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ﴾^(۴)، «اگر بخواهیم از آسمان نشانه ای بر آنان فرو فرستیم که شرمگینانه بر آن گردن نهند.» از امام باقر علیه السلام نقل می کند که فرمود: «خداوند به زودی این کار را در باره آنان انجام خواهد داد. ابو بصیر می گوید: عرض کردم «آنان چه کسانی هستند؟» فرمود: «بنی امیه و پیروان آنها»، گفتم: «آن نشانه چیست؟» فرمود: «توقف خورشید بین ظهر تا عصر و آشکار شدن چهره و نیم تنه مردی در قرص خورشید که به نام و نشان شناخته می شود، و این کار در زمان سفیانی انجام خواهد شد که در آن

۱ - بقره: ۱۵۵ - و قطعاً شما را به نوعی از ترس و گرسنگی و زیان مالی و جانی و کمبود محصول می آزماییم و صابران را نوید ده.

۲ - آل عمران: ۷.

۳ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۷۳۱، روایت ۷۶.

۴ - شعراء: ۴.

موقع، نابودی او و قومش فرا رسیده است.»^(۱)

۱۱- امام صادق علیه السلام فرمود: «قبل از قیام قائم علیه السلام به واسطه آتشی که در آسمان پیدا می شود، سرخی که هوا را فرا می گیرد، گرفتگی ماه در بغداد و بصره، خونهایی که ریخته می شود، ویرانی منازل و ساکنانش و ترسی که به دل مردم عراق می افتد که آرام و قرار ندارند، مردم از گناه باز داشته می شوند.»^(۲)

۱۲- امام باقر علیه السلام فرمود: «قائم ظهور نمی کند تا اینکه در شام، فتنه و آشوبی دامن مردم را بگیرد که راه نجاتی از آن نیابند و کشتار بین حیره و کوفه واقع شود، کشته های آنها مثل هم هستند»^(۳) و منادی از آسمان ندایی در دهد.»^(۴)

۱۳- امام صادق علیه السلام فرمود: «این امر واقع نخواهد شد تا اینکه هر گروهی از مردم، به حکومت بر مردم دست یابد و طوری نباشد که گروهی بگویند: «اگر ما حکومت داشتیم به عدالت رفتار می کردیم.» آن وقت است که قائم به حق و عدل قیام می کند.»^(۵)

گفتار ما

نشانه هایی که برای ظهور حضرت قائم علیه السلام ذکر شده است بر دو نوع است: حتمی و غیر حتمی.

هر چند تعبیر «نشانه های غیر حتمی» در روایات نیامده است، اما از آنجا که بعضی از نشانه ها، در روایات، به نشانه های حتمی موسوم شده اند، نشانه های دیگر را نشانه های غیر حتمی نامیده اند. آنچه در اینجا ذکر کردیم و آنچه در حوادث مربوط به قرآن و سنت و مسلمانان و طرفداران باطل نقل شد بیانگر نشانه های غیر

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۷۳۲، روایت ۸۲

۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۷۳۳، روایت ۸۷

۳- احتمالاً مقصود این است که هر دو دسته بر باطل و اهل آتش هستند. مترجم

۴- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۷۳۹، روایت ۱۱۸.

۵- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۷۳۸، روایت ۱۱۱.

حتمی هستند.

در این زمینه، روایات دیگری نظیر، روایت عمار یاسر،^(۱) روایت عامر بن واثله،^(۲) روایت جابر جعفی،^(۳) روایت جذام بن بشیر^(۴) و روایت معاویه بن سعید،^(۵) و نیز بیانی از ارشاد مفید در مورد نشانه‌های قبل از قیام قائم علیه السلام، که شیخ حر عاملی در اثبات الهداة آن را نقل کرده،^(۶) وجود دارد که به خاطر جلوگیری از به درازا کشیدن مطلب از نقل آنها خودداری نمودیم.

در این روایات نکته قابل وجهی وجود دارد و آن اینکه: گرفتگی ماه در پنجم، و گرفتگی خورشید در پانزدهم و طلوع خورشید از مغرب - که در امور حتمی آمده است - و توقف خورشید، در واقع از آیات الهی هستند و با محاسبات معمول سازگاری ندارند از همین رو فرموده‌اند: «از زمان هبوط آدم تاکنون چنین اتفاقی نیافتاده است.» و «در آن موقع، حساب منجمین به هم می‌ریزد.»

هـ- امور حتمی در روایات

روایات

۱- زید العمی می‌گوید: امام زین العابدین علیه السلام فرمود: «در یکی از سالها، قائم ما برای گرفتن حق مردم قیام می‌کند.» و فرمود: «آیا قیام قائم بدون ظهور سفیانی واقع می‌شود؟ ظهور قائم، از ناحیه خداوند، حتمی است، و ظهور سفیانی - نیز از ناحیه خداوند - حتمی است و ظهور قائم بدون ظهور سفیانی شدنی نیست.» عرض کردم:

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۷، روایت ۴۵.

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۹، روایت ۴۸.

۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۷۲۷، روایت ۵۱.

۴- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۷۲۷، روایت ۵۲.

۵- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۷۳۰، روایت ۶۹.

۶- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۷۴۰، روایت ۱۱.

«فدایت شوم! امسال چنین چیزی واقع می‌شود؟» فرمود: «هر چه خدا بخواهد» عرض کردم: «سال آینده چنین خواهد شد؟» فرمود: «خداوند، هر چه بخواهد انجام می‌دهد.»^(۱)

۲ - عمر بن حنظله می‌گوید: از امام صادق شنیدم که فرمود: «قبل از قیام قائم، پنج نشانه حتمی ظاهر می‌شود: ظهور یمانی، ظهور سفیانی، صیحه (فریاد آسمان)، کشته شدن نفس زکیه، خسوف و گرفتگی در بیابان.»^(۲)

۳ - عامر بن واثله از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می‌کند: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: قبل از قیامت، ده چیز قطعاً اتفاق می‌افتد: ظهور سفیانی، آمدن دجال، پیدا شدن دود در آسمان، خروج دابه، خروج قائم، طلوع خورشید از مغرب، گرفتگی در مشرق، خسوف در جزیره العرب، خروج آتشی از دور دست در عدن که مردم را به یک جا می‌راند و جمع می‌کند.»^(۳)

۴ - امام صادق علیه السلام فرمود: «در یک سال، یک ماه و یک روز سه نفر خروج خواهند کرد: خراسانی، سفیانی و یمانی، و در بین آنها از بیرق یمانی، رهیافته‌ترو به حق نزدیکتر، رایتی نیست.»^(۴)

۵ - امام صادق علیه السلام فرمود: «ندای آسمانی، ظهور سفیانی، کشته شدن نفس زکیه و پیدا شدن دستی در آسمان، از امور حتمی است.»^(۵)

۶ - ابو هاشم جعفری می‌گوید: نزد حضرت امام محمدتقی علیه السلام نشسته بودیم صحبت از سفیانی و حتمی بودن ظهور او - در روایات - به میان آمد. به امام جواد علیه السلام عرض کردم: «آیا در امر حتمی بدای الهی جاری می‌شود؟» فرمود: «آری» عرض کردم: «آیا نمی‌ترسید که در قیام قائم بدا جاری شود» فرمود: «قیام قائم،

۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۲، روایت ۵.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۴، روایت ۳۴.

۳ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۹، روایت ۴۸.

۴ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۰، روایت ۵۲.

۵ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۳، روایت ۹۸.

میعاد است و خداوند از وعده تخلف نمی فرماید: «وَاللَّهُ لَا يَخْلِفُ الْمِيعَادَ».^(۱)

گفتار ما

اینها بخشی از احادیثی بودند که بیانگر نشانه‌های حتمی ایام نزدیک ظهور حضرت حجّت علیه السلام هستند، اما تمام این نشانه‌ها، چه حتمی و چه غیر حتمی، بر حسب اینکه در قضاء الهی رقم خورده باشند یا در قدر الهی تعیین شده باشند، قطعی تخلف ناپذیر نیستند و قابل تغییرند و مشیت و بدای الهی ممکن است در آنها جاری شود و اساساً هیچکدام واقع نشوند، چنانکه در قرآن کریم فرموده است: «خداوند آنچه را بخواهد از صفحه وجود پاک می‌کند و آنچه را بخواهد برقرار می‌نماید و ام‌الکتاب و لوح اصلی حاکی از هستی و عدم نزد اوست».^(۲) و حدیث ابوهاشم جعفری که در آخر همین روایات نقل شد شاهد دیگری بر این مطلب است.

آری، قیام قائم علیه السلام از چیزهایی است که بدا در آن جاری نمی‌شود، زیرا قیام قائم از مصادیق میعاد است و خداوند میعاد را قطعاً عملی می‌سازد.

۱۲-۲: ویژگی‌های حسنی، یمانی، سفیانی، و دجّال

الف - حسنی

روایات

۱ - مفضل بن عمر می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «... سپس حسنی، جوان خوش چهره و نورانی از طرف دیلم خروج می‌کند و با صدایی رسا فریاد می‌کند:

۱ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۷۴۰، روایت ۱۲۳.

۲ - رعد، ۳۹: ﴿يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ﴾

«ای آل احمد به ندای مظلوم که از جانب حرم، بلند است پاسخ دهید.»، آن‌گاه گنجهای طالقان، او را پاسخ می‌گویند، چه گنجهایی! از طلا و نقره نیستند، بلکه مردانی چون پاره‌های آهن بر اسبهای ابلق سوار و سلاحی در دست دارند، پیوسته ستمکاران را می‌کشند تا اینکه بیشتر زمین را پاک می‌کنند و وارد کوفه می‌شوند و آن را خیمه‌گاه و محل استقرار خود قرار می‌دهند. بعد از آن، خبر آمدن حضرت مهدی علیه السلام به او و یارانش می‌رسد و یارانش به او می‌گویند: «ای پسر رسول خدا! این کیست که به محل ما آمده است؟»، آن‌گاه حسنی می‌گوید: برویم او را ببینیم و خواسته‌اش را بدانیم، و البته او خود می‌داند که آن حضرت، مهدی علیه السلام است و ایشان را می‌شناسد ولی مقصودش این است که آن حضرت را به اصحابش معرفی نماید.

سپس حسنی خارج می‌شود و خطاب به آن حضرت می‌گوید: «اگر تو مهدی آل محمد علیهم السلام هستی پس عصای جدّت، انگشتر، ردا، زره، عمامه، اسب بلند قامت، شتر (ناقه عضباء)، دُلْدُل، استر آن حضرت، یغفور، چارپای آن بزرگوار، براق، اسب حضرت و قرآن امیرالمؤمنین کجاست؟ حضرت مهدی علیه السلام آنها را نشان می‌دهد، حسنی عصا را می‌گیرد و در سنگ سخت فرو می‌برد و آن را می‌شکافد^(۱) و مقصودش آن است که فضل حضرت مهدی را به یارانش نشان دهد بعد از آن که سنگ از هم شکافت حسنی می‌گوید: «الله اکبر، یا بن رسول الله، دستت را دراز کن تا با تو بیعت کنیم.» آن حضرت دستش را دراز می‌کند، حسنی و بقیه لشگریانش با آن حضرت بیعت می‌کنند فقط چهل هزار نفر که به زیدیه معروفند بیعت نمی‌کنند و می‌گویند: «این جز یک سحر بزرگ، چیز دیگری نیست.»^(۲)

۱- شاید هم معنی این باشد که عصای خشک را در سنگ فرو می‌برد، چوب خشک در دل سنگ سخت، سبز می‌شود و برگ و بار می‌دهد. و این معنی برای توجه به قدرت و فضل آن حضرت، مناسبتر به نظر می‌رسد. مترجم

۲- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۲-۱۶ بخشی از روایت ۱.

گفتار ما

از این حدیث چهار مطلب روشن می شود:

- ۱- حسنی کیست؟
- ۲- از کجا خروج می کند؟
- ۳- مقصد و هدفش چیست؟
- ۴- از روبرو شدن با حضرت حجت و سؤال و جواب با آن حضرت چه منظوری دارد؟

ب- یمانی

روایات

۱- ابو بصیر از امام باقر علیه السلام نقل می کند: «خروج سفیانی و یمانی و خراسانی، در یک سال، یک ماه و یک روز، به طور منظم مثل رشته تسبیح و دنبال هم انجام می گیرد. از هر جهت قوی و شجاعند، وای بر کسی که به قصد دشمنی با آنها روبرو شود.»

در میان بیرقها، رهیافته تر از بیرق یمانی، بیرقی نیست، آن، بیرق هدایت است زیرا مردم را به صاحب شما فرا می خواند. وقتی یمانی خروج کند فروختن سلاح بر مردم و تمام مسلمانان حرام است؛ هرگاه یمانی خروج کرد به آنان بپیوند که بیرقشان، بیرق هدایت است و بر هیچ مسلمانی جایز نیست که با آن مقابله و از آن ممانعت کند و اگر چنین کند اهل جهنم خواهد بود زیرا یمانی، به حق و راه راست دعوت می کند...»^(۱)

ج- سفیانی

روایات

۱- ابن اذینه از امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش علیه السلام نقل می کند که امیرالمؤمنین

۱- صلوات الله علیه - فرمود: پسر آکله الاکباد - زن خورنده جگرها - از سرزمین خشک خروج می‌کند، مردی میان قامت، بد شکل، کله گنده، که در صورتش زخمهای چرکین دارد که وقتی نگاهش می‌کنی خیال می‌کنی یک چشم است، نامش عثمان و نام پدرش عنبسه و از نسل ابوسفیان است، خروج می‌کند تا اینکه به زمین ﴿قَرَارٍ وَمَعِينٍ﴾^(۱) می‌رسد و بر منبر بالا می‌رود.^(۲)

۲- عمر بن یزید می‌گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: «اگر سفیانی را ببینی پلیدترین مردم با چهره‌ای قرمز مایل به کبودی، را دیده‌ای، پناه بر خدا، پناه بر خدا پناه بر خدا از آتش. سفیانی در پلیدی به آنجا رسیده است که همسرش را، از ترس اینکه او را معرفی کند، زنده به گور می‌نماید.»^(۳)

۳- امام صادق علیه السلام فرمود: «موضوع خروج سفیانی از امور حتمی و وقوع آن در ماه رجب است.»^(۴)

۴- عبدالله بن ابی منصور می‌گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد نام سفیانی سؤال کردم فرمود: «به اسمش چه کار داری؟» وقتی پنج شهر شام، دمشق، حمص، فلسطین، اردن و قنسرین را به تصرف درآورد، آن موقع، منتظر فرج باشید.» گفتم: آیا نه ماه مالک آنهاست؟ فرمود: «نه، بلکه فقط هشت ماه، حتی یک روز هم بیشتر نمی‌شود.»^(۵)

۵- عمر بن ابان کلبی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: گویا سفیانی، یا رفیق سفیانی، را می‌بینم که در محله رحبه در کوفه، بار انداخته و منادی، از طرف او، ندا می‌دهد که: هر کس سر شیعه‌ای را برای من بیاورد هزار درهم جایزه دارد، بعد از آن، همسایه به همسایه‌اش یورش می‌برد و می‌گوید این شیعه است، گردنش

۱- مؤمنون: ۵۰.

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۵، روایت ۳۶.

۳- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۵، روایت ۳۷.

۴- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۴، روایت ۳۲.

۵- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۶، روایت ۳۸.

را می زند و هزار درهم می گیرد...»^(۱)

۶- فضل بن شاذان از امام صادق علیه السلام نقل می کند: «امام قائم علیه السلام، تشریف می آورد تا اینکه وارد نجف می شود. در یک روز چهارشنبه لشکر سفیانی و یارانش در حالی که مردم هم با او هستند از کوفه به سوی امام علیه السلام روان می شوند. امام علیه السلام آنها را مخاطب قرار داده به حق خودش ایشان را سوگند می دهد - که حق را بشناسند و جانب حق را نگه دارند - و مظلومیت خود را به آنان اعلام می کند و می فرماید: «هر کس مجادله و نزاعش با من، در راه خداست بداند که من نزدیکترین و مقربترین مردم در پیشگاه خدا هستم...» آنها می گویند: «از هر جا آمدی به همان جا برگرد، ما به تو نیازی نداریم، ما شما را آزموده و تجربه کرده ایم - و دیگر به شما میلی نداریم -» آن گاه بدون جنگیدن پراکنده می شوند و روز جمعه بر می گردند. در آن روز تیری رها شده و یکی از مسلمانان کشته می شود، فریاد بلند می شود که فلانی کشته شد، آن گاه امام علیه السلام بیرق رسول الله صلی الله علیه و آله را به اهتزاز در می آورد و ملائکه ای که در جنگ بدر به یاری مسلمانان شتافتند فرود می آیند؛ هنگام ظهر، بادی موافق می وزد، امام علیه السلام و یارانش بر آنان حمله می برند و بر آنها غالب می شوند، آنها فرار می کنند، امام و یارانش ایشان را می کشند تا اینکه به خانه های کوفه وارد می شوند و منادی از طرف امام فریاد بر می آورد که: «هر کس را که فرار کرده و دست از مقاومت کشیده است نکشید، مجروحان را آسیبی نرسانید» و با آنان همان گونه عمل می کند که علی علیه السلام در جنگ بصره با دشمنانش رفتار کرد.»^(۲)

۷- جابر بن یزید از امام باقر علیه السلام نقل می کند که فرمود: «وقتی به سفیانی خبر برسد که امام قائم علیه السلام از کوفه به سوی او روان است، با عده ای از سوارانش به دیدار حضرت قائم می رود. امام علیه السلام می فرماید: «پسر عمویم را به سوی من بفرستید»، سفیانی از بین سواران خارج می شود، امام علیه السلام با او صحبت می فرماید، سفیانی با

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۵، روایت ۷۲.

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۷، روایت ۲۰۵.

امام بیعت می‌کند، آن‌گاه نزد یارانش بر می‌گردد. دوستانش از او می‌پرسند: چه کردی؟ می‌گوید اسلام آورد و بیعت کردم، دوستانش می‌گویند: رویت سیاه باد، تو خلیفه‌ای بودی که از تو اطاعت و پیروی می‌شد اینک دنباله‌رو شدی. «سفیانی برای جنگ با امام آماده می‌شود، شب را صبح می‌کنند و فردای آن روز به جنگ با امام قائم بر می‌خیزند.

خداوند امام قائم و اصحابش را بر آنان مسلط می‌کند تا ریشه آنها را می‌کنند به طوری که کسی از آنها در پشت یا درون درختی یا سنگی مخفی می‌شود و سنگ و درخت فریاد می‌زنند: «ای مؤمن، این کافر اینجاست، او را بکش.» پس آن مؤمن او را می‌کشد. و فرمود: «درندگان و پرندگان از گوشتشان سیر می‌شوند، پس امام قائم آنچه اراده دارد انجام می‌دهد...»^(۱)

۸- عبدالاعلی حلی از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند: «... آن‌گاه (امام قائم علیه السلام) وارد کوفه می‌شود، و هیچ مؤمنی نیست مگر اینکه یا در کوفه است یا مشتاق کوفه است، و این مطلبی است که امیرالمؤمنین علیه السلام از آن خبر داده است، سپس (امام) به اصحابش می‌فرماید: به سمت این ستمگر کوچ کنید، و مردم را به کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دعوت می‌کند، سفیانی با او بیعت می‌کند، عده‌ای از دایی‌هایش به او می‌گویند: «این چه کاری بود انجام دادی، به خدا قسم ما بر این کار از تو اطاعت نمی‌کنیم.» سفیانی می‌گوید: «چه کنم؟» به او می‌گویند: «با او مقابله کن بعد به مقابله با امام بر می‌خیزد. امام علیه السلام می‌فرماید: «آماده باش که من تو را می‌کنم.» جنگ در می‌گیرد. خداوند امام را بر آنان مسلط می‌کند، سفیانی اسیر و کشته می‌شود.»^(۲)

۹- امام باقر علیه السلام فرمود: ظهور سفیانی و قائم در یک سال واقع می‌شود.

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۱.

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۲.

۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۱۳۷.

گفتار ما

از این روایات، وضعیت سفیانی و ویژگیهایش آشکار می شود و احتیاج به توضیح دیگری نیست.

د - دَجَّال

روایات

۱ - نزال بن سبره می گوید: علی بن ابی طالب علیه السلام برای ما خطبه ایراد فرمود، خدا را حمد و ثنا گفت و فرمود: «مردم، قبل از اینکه مرا نیابید، هرچه می خواهید، از من بپرسید.» سه بار این مطلب را فرمود - آن گاه اصبع بن نباته بلند شد و گفت: «ای امیرالمؤمنین! دجال کیست؟» فرمود: «بدانید که دَجَّال، صائد بن صید [صائد] است، بدبخت کسی است که او را تصدیق کند و بپذیرد، و خوشبخت کسی است که او را تکذیب کند و دروغگو بشمارد. او از شهری به نام اصبهان - اصفهان - از روستایی یهودی، خروج می کند، چشم راستش از حدقه صاف است - حدقه ندارد - و چشم چپش در پیشانی است که مثل ستاره صبح می درخشد، درون آن پاره گوشت خون آلوده ای است، بین دو چشمش طوری نوشته شده است: «کافر» که هر با سواد و بیسوادی می تواند آن را بخواند.

در دریاها فرو می رود و خورشید هم با او حرکت می کند، پیشاپیش او کوهی از دود و پشت سرش کوهی سفید است که مردم آن را غذا می پندارند، در زمانی که قحطی شدید است خروج می کند، چهارپای سفید رنگی دارد که هر قدمش یک میل است و راهها را منزل به منزل طی می کند، از کنار هیچ آبی نمی گذرد مگر اینکه آن آب، تا قیامت به زمین فرو می رود.

با فریاد بلندی که جن و انس و شیطانها، بین مشرق و غرب عالم، آن را می شنوند می گوید: «دوستان من، نزد من بیایید، من آن خدایی هستم که موجودات را خلق کرد و نظام داد و همه چیز را به میزان معین کرد و هدایت نمود، من پروردگار

بلند مرتبه شما هستم.» او دشمن خداست و دروغ می‌گوید، یک چشم است، شکم دارد و چیزی می‌خورد و در بازارها راه می‌رود، در حالی که خداوند و پروردگار شما، یک چشم نیست، غذا نمی‌خورد، راه نمی‌رود و از بین رفتنی نیست - او برتر و بلند مرتبه‌تر از این حرف‌هاست -.

بیشتر پیروان دجال، حرامزادگانی هستند که طیلسان^(۱) سبز می‌پوشند، خداوند، قبل از نیمروز روز جمعه، در دره‌ای به نام افیق در شام، به دست کسی که حضرت مسیح عیسی بن مریم در نماز به او اقتدا می‌کند، دجال را می‌کشد...»^(۲)

۲ - مردی از اهل بلخ بر امام باقر^(علیه السلام) وارد شد، آن حضرت به وی فرمود: «ای خراسانی! آیا منطقه فلان و فلان منطقه را می‌شناسی؟» عرض کرد: «آری»، امام به او فرمود: «آیا در فلان منطقه، دره‌ای با این خصوصیات می‌شناسی؟» گفت: «آری»، امام^(علیه السلام) فرمود: «دجال از آن جا خروج می‌کند.»^(۳)

گفتار ما

اولاً: اگرچه - به علت اینکه ما از حقایق امور بی‌اطلاعیم - تصور بیاناتی که به معصومین نسبت داده شده برای ما مشکل است، اما قبول اینکه خداوند مقدر کرده باشد که روزی این حوادث، اتفاق بیفتد هیچ اشکالی ندارد، کما اینکه در گذشته، امور خارق‌العاده‌ای در جهان اتفاق افتاده که اگر به گفتار کسانی که آنها را مشاهده کرده‌اند یا اخبارش را نقل کرده‌اند اعتماد نداشتیم، یا آثار باقیمانده از آن را نمی‌دیدیم، ممکن نبود آن را باور کنیم، نسبت به مسائلی که در آینده ممکن است اتفاق بیفتد عیناً همین وضع وجود دارد - و بعید بودن و غیر ممکن به نظر رسیدن چیزی، نباید ما را یکسره به وادی انکار بکشانند - به خصوص آنکه کسی که از این

۱ - طیلسان جامه بلندی است که تمام بدن را می‌پوشاند و فاقد دوخت و برش است. مجمع‌البحرین،

مترجم

۲ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۲ - ۱۹۴، روایت ۲۶.

۳ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۲، روایت ۱۹.

امور خبر داده است به حقایق عالم و آنچه بوده و هست و خواهد بود آگاه است. ثانیاً: ممکن است مقصود از نشانه‌هایی که برای دجال ذکر شده است کنایه از وسایل و ابزار پیشرفته امروزی مثل هواپیماها، موشکها، قمر مصنوعی، رادیو، تلویزیون و یا دست ساخته‌های دیگر انسان که هنوز به میدان اختراع پا نگذاشته یا حتی مخترعش متولد نشده است باشد، و بنا بر این احتمال، امام علیه السلام با چشم حقیقت بین خویش، آنچه را در دوره نزدیک به زمان ظهور واقع می‌شود مشاهده فرموده است، اما چون مردم آن دوره فهم و درک این پیشرفت‌ها را نداشته‌اند و تصور آن برایشان میسر نبوده است امام علیه السلام با این تعبیرات به آنها اشاره فرموده است، و هر چند بعضی از جملات حدیث، با این بیان سازگاری ندارد اما در هر حال چنین احتمالی مردود نیست.

در هر حال صرفاً به خاطر عجیب و غریب بودن این مسائل و امکان بحث و مناقشه و خدشه وارد کردن در سند احادیث، نمی‌توان مضامین این‌گونه روایات را انکار کرد، زیرا در روایاتی که از پیامبر و اهل بیت علیهم السلام نقل شده است نظیر این مطالب، بسیار زیاد است.

باب سوم

وقایع زمان ظهور تا زمان رجعت

۱-۳: آیا وقت ظهور معلوم است؟

روایات

۱- مفضل بن عمر می گوید: از مولایم امام صادق علیه السلام پرسیدم: «آیا برای ظهور - امام منتظر، حضرت مهدی علیه السلام وقت مشخصی هست که مردم بدانند؟» فرمود: «منزه است خداوند از اینکه برای ظهور - حضرت حجت - وقتی قرار دهد که شیعیان ما از آن مطلع باشند.» عرض کردم: «مولای من! علت چیست؟» فرمود: «زیرا زمان ظهور همان ساعتی است که خداوند تعالی فرمود: ﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسِيهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ، ثَقُلَتْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾^(۱) و آن زمان ظهور، همان ساعتی است که خداوند فرمود: ﴿يَسْأَلُونَكَ أَيَّانَ مُرْسِيهَا﴾^(۲) و فرمود: ﴿عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ﴾^(۳)، «علم آن ساعت فقط نزد اوست»، و فرمود نزد کس دیگری هست، و فرمود: ﴿فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً، فَقَدْ جَاءَ

۱- اعراف : ۱۸۶ - با این تفاوت که در اول آیه شریفه حرف واو نیست. ترجمه: از تو در باره زمان وقوع (قیامت یا ظهور) سوال می کنند، بگو علم آن نزد خداست و کسی جز او نمی داند، امر آن بر آسمانها و زمین سنگینی می کند.

۲- نازعات : ۴۲ - از تو می پرسند که آن - قیامت یا ظهور - کی واقع خواهد شد.

۳- لقمان : ۴۲ و زخرف : ۸۵ - با این تفاوت که یک واو در اول آیه بیشتر دارد. ترجمه: اطلاع از آن زمان منحصر به اوست.

أَشْرَاطُهَا ﴿١﴾ و فرمود: ﴿إِقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ﴾ ﴿٢﴾ و فرمود: ﴿وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيباً﴾ ﴿٣﴾ و فرمود: ﴿يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا وَالَّذِينَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ، أَلَا إِنَّ الَّذِينَ يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ﴾ ﴿٤﴾

عرض کردم: «معنی [یُمارُونَ] چیست؟»، «اینکه مجادله می کنند یعنی چه؟»، فرمود: «می گویند: کی متولد شده؟ چه کسی او را دیده؟ کجاست؟ کی ظهور خواهد کرد؟ و همه اینها به خاطر عجله داشتن در امر الهی و شک و ایراد در قضا و قدرت اوست. آنها کسانی هستند که در دنیا زیان کرده اند و کافران به بد جایگاهی برخوانند گشت.»

عرض کردم: «آیا می شود برای آن وقتی معلوم کرد؟» امام فرمود: «ای مفضل، من وقتی تعیین نمی کنم، وقت آن هم تعیین شدنی نیست، هر کس برای ظهور مهدی ما وقتی تعیین کند در علم خدا خود را شریک دانسته و مدعی اطلاع از اسرار الهی شده است. و هیچیک از اسرار الهی که در میان این خلق گمراه و از اولیاء خدا بریده موجود است، پنهان نشده است، مگر اینکه اولیاء خدا به دانستن آن راز مخصوص شده اند و آن راز نزد ایشان موجود است تا بر آنان حجت باشد.» ﴿٥﴾

۲ - مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام در باره آیه ﴿فَإِذَا نُفِرَ فِي النَّاقُورِ﴾ ﴿٦﴾، «آن گاه که در صور دمیده شود.» نقل می کند که فرمود: «از ما اهل بیت امامی پیروز و پنهان وجود دارد که وقتی خداوند بخواهد او را آشکار کند، به دلش الهام نماید و او به امر خدای تبارک و تعالی ظهور نماید.» ﴿٧﴾

۱ - محمّد : ۱۸ - آیا منتظرند که آن ساعت ناگهان فرا رسد؟ علائم آن نزدیک است.

۲ - قمر : ۱ - زمان نزدیک شده و ماه شکافت.

۳ - احزاب : ۶۳ - چه می دانی؟ شاید زمان نزدیک باشد.

۴ - شوری : ۱۸ - آنها که ایمان ندارند عجله می کنند و آنها که ایمان دارند، از آن (ساعت قیامت) می ترسند و می دانند که حق است، بدانید کسانی که در مورد آن مجادله و نزاع می کنند در گمراهی آشکارند.

۵ - بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۱، روایت ۱.

۶ - مدثر : ۸

۷ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۴۷، روایت ۳۹.

۳ - ابوبصیر می گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد قائم سؤال کردم، فرمود: آنها که وقت - برای ظهور - تعیین می کنند دروغگویند، ما اهل بیت، هیچ گاه وقت تعیین نمی کنیم.»^(۱)

۴ - در روایت ابی وائل از امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است: «در حالی که مردم در حیرت و بی توجهی، حق در حال نابودی و باطل غالب است، ظهور می نماید...»^(۲)

۵ - حکیمه دختر امام جواد علیه السلام از امام عسکری علیه السلام نقل می کند که فرمود: «... ای عمّه! او در حمایت پروردگار و پناه او زیر پرده غیب اوست تا اینکه به او اجازه ظهور بدهد، پس هرگاه خداوند مرا میراند و دیدی شیعیانم دچار اختلاف شدند، معتمدان شیعه را خبر کن، پیش خودت و آنها مخفی بماند، خداوند ولی خودش را از دیده مردم پنهان می کند، هیچکس او را نمی بیند تا اینکه جبرئیل اسبش را تقدیم کند تا آنکه آنچه شدنی است خداوند به انجام رساند.»^(۳)

۶ - مفضل بن عمر می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «وقتی به امام، اذن خروج داده شود، خدا را به اسم عبرانی حق می خواند، سیصد و سیزده نفر از اصحابش مثل پاره های ابر خزانی و پراکنده، به دورش هجوم می برند و آنها دارای ولایت هستند...»^(۴)

۷ - زرارة بن اعین می گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد آیه ﴿ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً ﴾^(۵) فرمود: «آن ساعت قیام قائم است که ناگهان فرا می رسد.»^(۶)

۸ - محمد بن حنفیه از پدرش امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می کند که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «مهدی، از ما اهل بیت است، خداوند در یک شب، امر فرجش را مهیا

۱ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۴۷، روایت ۴۰.

۲ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۰۵، روایت ۳۰۸.

۳ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۰۶، روایت ۳۱۵.

۴ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۴۸، روایت ۵۴۷.

۵ - محمد: ۱۸، و زخرف: ۶۶.

۶ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۶۵، روایت ۶۵۴.

سازد.»^(۱)

۹ - عبدالله بن عمر می گوید: شنیدم که حسن بن علی علیه السلام فرمود: «اگر از دنیا غیر از یک روز باقی نمانده باشد، خداوند، همان یک روز را طولانی می کند تا مردی از نسل من ظهور کند که بعد از پر شدن زمین از جور و تباهی، آن را از عدل و داد سرشار نماید، این مطلب را به همین شکل، از پیامبر شنیدم.»^(۲)

۱۰ - ابوبصیر می گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: «امام قائم علیه السلام، روز شنبه عاشورا، روزی که امام حسین علیه السلام کشته شد، خروج می نماید.»^(۳)

۱۱ - ابوبصیر می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «امام قائم علیه السلام قیام نمی کند مگر در یکی از سالهای فرد، نه، سه، پنج و یک.»^(۴)

۱۲ - معلى بن خنيس در حديث نوروز، از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: «آن روزی است که، در آن، قائم ما اهل بیت و والیان حکومت الهی ظهور می کنند و خداوند، قائم علیه السلام را بر دجال پیروز می نماید و او را بر خرابه های کوفه به دار می آویزد، هیچ نوروزی نمی آید مگر اینکه ما در آن روز، منتظر فرج هستیم، زیرا که نوروز از روزهای ماست، ایرانیها آن را حفظ کردند و شما آن را ضایع نمودید.»^(۵)

گفتار ما

اگر کسی در احادیثی که ذکر شد دقت نماید متوجه می شود که نه روایاتی که بر ظهور امام بعد از پر شدن زمین از عدل و داد، دلالت دارد و نه روایاتی که نشانه های حتمی ظهور را بیان می کند و نه هیچیک از روایات دیگر، برای ظهور، وقت تعیین نمی کنند، بلکه فقط در صدد بیان علائم ظهور و آثار آن هستند.

اما در مورد علم امام علیه السلام به زمان ظهور؛ معلوم است که بر اساس روایاتی که

۱ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۵۹، روایت ۱۰۰.

۲ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۶۵، روایت ۱۲۲.

۳ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۱، روایت ۲۳۳.

۴ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۱۴، روایت ۳۵۴.

۵ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۷۱، روایت ۶۹۳.

دلالت دارد بر اینکه امام به همه حقایق عالم و آنچه بوده و هست و خواهد بود،^(۱) آگاه است، امام علیه السلام زمان ظهور را می‌داند و البته این مطلب با روایاتی که ذکر شد منافاتی ندارد زیرا مقصود از آن روایات این است که امام علیه السلام تعیین وقت نمی‌فرماید نه اینکه وقت ظهور را نمی‌داند، بلکه می‌توان گفت، جمله انتهایی روایت اول که فرمود: «هیچیک از اسرار الهی نیست مگر اینکه اولیاء خدا به دانستن آنها مخصوص شده‌اند و آن راز نزد ایشان موجود است تا بر آنان حجت باشد.» دلالت بر این می‌کند که امام علیه السلام از زمان ظهور، مطلع است.

۲-۳: نشانه‌های زمان ظهور امام زمان علیه السلام

روایات

- ۱- ابوبصیر می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «... صیحه (فریاد آسمانی)، جز در ماه مبارک رمضان نخواهد بود، و آن ندای جبرئیل به سمت مردم است.» سپس فرمود: فریادگری از آسمان به نام قائم علیه السلام ندا در می‌دهد که هر کس در شرق و غرب عالم است می‌شنود و از هول و هراس آن، هر که خواب است بیدار می‌شود، هر که برپا ایستاده بر زمین می‌نشیند و هر که نشسته است از جا بر می‌خیزد. هر کس که به این صدا توجه کند و به آن پاسخ گوید مورد رحمت پروردگار واقع می‌شود. صدای اول، همانا صدای جبرئیل روح الامین است...»^(۲)
- ۲- امام صادق علیه السلام فرمود: «... صدای آسمانی در شب جمعه بیست و سوم ماه مبارک رمضان به گوش می‌رسد، در آن هیچ شک نکنید، بشنوید و اطاعت کنید، و در آخر روز صدای ابلیس ملعون به گوش می‌رسد که می‌گوید: «آی! فلانی کشته شد» تا اینکه مردم را به شک بیندازد و آنها را بفریبد، آن روز چقدر افراد گسج و

۱- برخی از این روایات در کتاب فروغ شهادت صفحات ۹۰-۱۰۰ ذکر شده است.

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۰، روایت ۹۶.

سرگردان و دو دل پیدا می‌شوند که در آتش سقوط کرده‌اند! هرگاه در ماه رمضان ندا را شنیدید تردید به دل راه ندهید که صدای جبرئیل است و نشانه آن این است که به نام قائم علیه السلام و پدرش ندا می‌دهد تا جایی که دختران پشت پرده، صدا را می‌شنوند و پدران و برادرانشان را تحریک به خروج می‌نمایند...»^(۱)

۳ - امام صادق علیه السلام فرمود: «... قطعاً قبل از خروج قائم، این دو صدا به گوش می‌رسد: صدایی از آسمان، که صدای جبرئیل است و صدایی از زمین که صدای ابلیس ملعون است، که نام شخصی را می‌برد و می‌گوید مظلوم کشته شد، و مقصودش از این حرف، ایجاد فتنه و آشوب است، از ندای اولی اطاعت کنید و از صدای دومی بپرهیزید که مبادا شما را بفریبد...»^(۲)

۴ - مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «... وقتی خورشید طلوع کند و آفتاب بدرخشد، ندایی از جانب خورشید، به زبان عربی روشن و رسا، به طوری که هر که در آسمانها و زمین است بشنود، مردم را مخاطب قرار داده می‌گوید: «ای مردم! این مهدی آل محمد است، او را به نام و کنیه جدش پیامبر صلی الله علیه و آله می‌نامد و نسبش را از امام حسن عسکری علیه السلام به امام حسین - صلوات الله علیهم اجمعین - می‌رساند، با او بیعت کنید که به راه راست هدایت شوید و از امر او سرپیچی نکنید که گمراه خواهید شد...»^(۳)

۵ - امام صادق علیه السلام فرمود: «... اولین کسی که دست او (قائم) را می‌بوسد، فرشتگان، سپس جنیان و بعد از آن برگزیدگان بشر هستند و می‌گویند: «شنیدیم و اطاعت کردیم»، و هیچ صاحب گوشه در عالم نمی‌ماند مگر اینکه آن صدا را می‌شنود، و همه مردم، شهری و بیابانی، اهل خشکی و دریا همه طاعتش را پذیرا می‌شوند و بعضی از همدیگر در مورد صدایی که شنیده‌اند توضیح می‌خواهند.

وقتی غروب خورشید نزدیک می‌شود، فریادی از مغرب بلند می‌شود که:

۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۰، روایت ۹۶.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۰، روایت ۹۶.

۳ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۸، از روایت ۱.

«ای مردم! پروردگار شما از درهٔ یابس از سرزمین فلسطین ظهور کرده است، او عثمان بن عنبسه اموی از نسل یزید بن معاویه است، با او بیعت کنید تا به حق راه یابید و مخالفت نکنید که گمراه می‌شوید.» فرشتگان، جنیان و برگزیدگان بشر در پاسخ، او را تکذیب کرده، حرفش را دروغ می‌شمارند و می‌گویند: «کلامت را شنیدیم و زیر پا گذاشتیم» و در آن هنگام، هیچ شگاک، دودل و منافق یا کافری باقی نمی‌ماند مگر اینکه با این صدای آخری گمراه می‌شود...»^(۱)

۶- عثمان بن سعید عمری از امام عسکری علیه السلام نقل می‌کند: «... سپس او خروج می‌کند و گویا من بیرقهای سفید را می‌بینم که بر بالای سرش، در نجف به اهتزاز در آمده‌اند.»^(۲)

۷- عبدالکریم جلاب می‌گوید: در خدمت امام صادق علیه السلام، سخن از امام قائم علیه السلام به میان آمد، فرمود: «بدانید که وقتی او قیام کند، مردم می‌گویند: «این دیگر کجا بود و از کجا آمده است؟ این که مدتهاست استخوانهایش هم پوسیده است.»^(۳)

۸- علی بن ابی حمزه می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «وقتی قائم قیام کند، مردم او را انکار خواهند کرد، زیرا در سیمای جوانی مؤمن ظهور خواهد کرد، و هیچکس بر اعتقاد به او ثابت نمی‌ماند مگر کسی که خداوند، در عالم ذر، از او پیمان گرفته است.»^(۴)

۹- سیف بن عمیره می‌گوید: امام باقر علیه السلام به من فرمود: وقتی قائم علیه السلام قیام کند، مؤمن در قبرش مطلع می‌شود و به او گفته می‌شود: صاحب تو قیام کرده است، اگر می‌خواهی به او ملحق شوی، ملحق شو و اگر می‌خواهی همچنان در نعمت و بزرگداشت پروردگارت بمانی، بمان.»^(۵)

۱۰- ام سعید احمسیه می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «نشانه‌ای از

۱- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۸، از روایت ۱.

۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۸۲، روایت ۱۸۹.

۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۳۳، روایت ۴۶۷.

۴- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۳۶، روایت ۴۸۳.

۵- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۷۴، روایت ۷۲۱.

خروج قائم برایم بیان فرما.» امام علیه السلام فرمود: «ای ام‌سعید! هرگاه قرص تمام ماه، در ماه رجب گرفت و مردی در آن هنگام خروج کرد، آن موقع، وقت خروج قائم است.»^(۱)

گفتار ما

در فصلهای بعد نیز، احادیث دیگری ذکر خواهد شد که به موضوع نشانه‌های ظهور مربوط است.

قابل ذکر است که هرچند محتوا و مضمون احادیث مربوط به صیحه (فریاد آسمانی) با هم اختلاف دارند، اما همه آنها اصل واقع شدن صیحه را اثبات می‌کنند و شاید این اختلاف جزئی از ناحیه راویانی باشد که احادیث را نقل کرده‌اند.^(۲)

۳-۳: بایر قهای باطل در هنگام ظهور، و مشخصات پرچم حق حضرت مهدی علیه السلام

روایات

۱- ابوبصیر می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «قائم علیه السلام از مکه خروج نخواهد کرد

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۷۵، روایت ۷۲۴.

۲- برای کسانی که همه چیز را با معیارهای مادی می‌سنجند و قدرت خداوند را هم در چارچوب ابزارهای دنیوی و اسباب مادی بررسی می‌نمایند، روزی این اشکال مطرح شده است که چگونه ممکن است شخصی در کنار کعبه فریادی بزند یا صیحه‌ای در نقطه‌ای بلند شود و تمام مردم دور و نزدیک، آن صدا را بشنوند در حالی که نه افراد نزدیک، از شدت صدا آسیبی ببینند و نه افراد دور، مشکلی در شنیدن داشته باشند. اما امروزه که سلطه انسان بر امواج به جایی رسیده که شخصی در دورترین فاصله، به همان راحتی نزدیکترین افراد، و در همان زمان، صدای یک نفر را می‌شنود و تصویر او را می‌بیند، دیگر این اشکال، خود بخود مرتفع شده است، به خصوص اگر به این نکته توجه داشته باشیم که هرچه در عالم هست مقهور اراده امام علیه السلام است.

ضمن آنکه تازه، کیفیت این ندا و انتقال آن هنوز معلوم نیست و معلوم نیست به استفاده از قوانین کشف شده فعلی هم احتیاجی باشد. در هر حال، انکار و اشکال‌تراشی در امکان این امور، فقط ناشی از سرسختی در پذیرش حق، اعتماد به دیده‌ها و ملموسات و انکار غیر آنها، و داشتن روحیه استبعاد و لجاج است. مترجم

تا اینکه حلقه‌ای گرداگردش را فراگیرد.» عرض کردم: «تعداد حلقه چند نفر است؟» فرمود: «ده هزار نفر؛ جبرئیل از سمت راست، و میکائیل از سمت چپ، آن‌گاه امام علیه السلام پرچم غلبه و پیروزی را به اهتزاز در آورده آن را به حرکت درآورد، در شرق و غرب عالم کسی نمی‌ماند مگر اینکه آن را لعنت می‌کند، در حالی که آن، همان پرچم پیامبر صلی الله علیه و آله است که جبرئیل در روز جنگ بدر آن را فرود آورد.» سپس فرمود: «ای ابا محمد! به خدا قسم، آن پرچم از نخ، کتان، ابریشم و یا حریر نیست.» عرض کردم: «پس، از چه چیزی است؟» فرمود: «از برگهای بهشتی است که پیامبر صلی الله علیه و آله، در روز جنگ بدر، آن را باز کرد، سپس پیچید و به علی علیه السلام داد، پرچم نزد علی علیه السلام بود تا اینکه در جنگ جمل، امیرالمؤمنین علیه السلام آن را باز کرد و خداوند، فتح و پیروزی نصیب او فرمود، سپس آن حضرت، بیرق را درهم پیچید، هم اکنون آن پرچم نزد ماست و هیچکس آن را نمی‌گشاید تا اینکه قائم علیه السلام قیام کند، وقتی امام قائم علیه السلام قیام کرد پرچم را باز می‌کند، و در شرق و غرب عالم کسی نمی‌ماند مگر اینکه آن را لعنت می‌کند، در فاصله‌ای به اندازه حرکت یک ماه، از چهار طرف، ترس از آن بیرق، همه را فرا می‌گیرد.»^(۱)

۲- ابو حمزه ثمالی می‌گوید: امام باقر علیه السلام به من فرمود: «ای ثابت گویا قائم اهل بیت را می‌بینم که به نجف شما مُشرف شده و با دستش به طرف کوفه اشاره می‌کند، وقتی به نجف وارد شود پرچم پیامبر صلی الله علیه و آله را باز می‌کند و با باز شدن آن بیرق، فرشتگانی که در جنگ بدر پیامبر را یاری کردند، فرود می‌آیند.» عرض کردم: «پرچم رسول الله چیست؟» فرمود: «چوب تیرک آن از عمود عرش و رحمت پروردگار است و بقیه قسمت‌های آن از نصرت و یاری الهی، بر هیچ چیزی فرود نمی‌آید مگر اینکه خداوند، آن را نابود می‌کند.» عرض کردم: «آیا آن پرچم نزد شما پنهان است؟ آیا آن حضرت، پرچم را می‌یابد یا برایش می‌آورند؟» فرمود: «برایش

می آورند» عرض کردم: «چه کسی برایش می آورد؟» فرمود: «جبرئیل علیه السلام». ^(۱)

۳ - عمر بن شمر می گوید: نزد امام باقر علیه السلام از مهدی علیه السلام نام برده شد، امام علیه السلام فرمود: در حالی وارد کوفه می شود که سه بیرق، اوضاع کوفه را درهم ریخته است، آن گاه همه چیز، خالص تحت ولایت او قرار می گیرد. ^(۲)

گفتار ما

در بعضی روایات مثل روایت سوم، مقصود از بیرق و رایت، همان بیرق ظاهری است اما در بعضی روایات دیگر، مثل روایت ابوبصیر و ابو حمزه، مقصود پرچمهایی که معمولاً برای ترساندن دشمنان به اهتزاز در می آید و چرخانده می شود نیست، بلکه مقصود پرچم معنوی است که رعب و وحشت ویژه ای ایجاد می کند به طوری که اهل باطل در شرق و غرب عالم، آن را لعنت می کنند و این مطلب از عبارت: «چوبش از عمود عرش و رحمت پروردگار و بقیه قسمتهای آن از نصرت الهی است» پیدا است.

۴-۳: ظهور امام زمان علیه السلام از ایام الله، و نحوه خروج و چگونگی علم آن حضرت به وقت قیام

روایات

۱ - امام باقر علیه السلام فرمود: «ایام الله سه روز است، روز قیام قائم، روز رجعت، و روز

۱ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۴۵، روایت ۵۳۴.

۲ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۵۵، روایت ۵۸۸.

قیامت. (۱)

۲ - ابوالجارود می گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: «فدایت شوم، از صاحب الامر چیزی برایم بگو.» فرمود: «شب هنگام بیش از همه مردم در خوف و هراس است و صبح بیش از هر کسی امنیت دارد و این خوف و امن هر روز و هر شب به او الهام - وحی - می شود.» عرض کردم: «ای اباجعفر! آیا به او وحی می شود؟» فرمود: «ای اباجارود، این وحی، وحی پیامبری نیست، امّا همان طور که به مریم دختر عمران، مادر موسی و به زنبور عسل وحی شد به او هم وحی می شود. ای اباجارود! قائم، در نزد خداوند، از مادر عیسی و مادر موسی و زنبور عسل گرامی تر است!» (۲)

۳ - عبدالاعلی حلبی می گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: «صاحب الامر در یکی از این درّه ها غیبتی خواهد داشت.» سپس با دستش به منطقه ذی طوی اشاره کرد، تا اینکه فرمود: «به خدا قسم، گویا او را می بینم که به سنگ تکیه زده است و خدا را به حق خودش سوگند می دهد.» (۳)

۴ - مفضل بن عمر می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «وقتی خداوند بلند مرتبه به قائم علیه السلام اجازه خروج بدهد، او بر منبر بالا می رود و مردم را به سوی خود فرا می خواند...» (۴)

۵ - عبدالرحمن بن کثیر از امام صادق علیه السلام در مورد آیه ﴿أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ﴾ (۵) نقل می کند که فرمود: «آن امر، امر ما، یعنی قیام قائم ماست، خداوند به ما امر فرموده است که در آن شتاب نکنیم و هر گاه که سه لشکر فرشتگان، مؤمنان و ورعب بر او نازل شدند، این امر به انجام می رسد، و خروج

۱ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۶۰، روایت ۶۲۴.

۲ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۸۵، روایت ۷۹۸.

۳ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۵۰، روایت ۵۵۹.

۴ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۵۵، روایت ۵۹۲.

۵ - نحل: ۱ - امر خدا واقع شدنی است، شتاب مکنید.

امام علیه السلام، مثل خروج رسول الله صلی الله علیه و آله از شهر مکه است که خدا می فرماید: ﴿كَمَا أَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِنْ بَيْتِكَ بِالْحَقِّ﴾ ^{(۱)(۲)}

۶ - محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام در باره آیه شریفه ﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ﴾ ^(۳) نقل می کند که فرمود: «این آیه در مورد امام قائم علیه السلام است، آن گاه که خروج کند، عمامه به سر بندد، نزد مقام ابراهیم نماز گزارد و به پیشگاه پروردگارش زاری کند، آن گاه هیچ چیز و هیچ کس از تحت سلطه و غلبه او خارج نخواهد شد.» ^(۴)

۷ - از امام زین العابدین نقل شده است که فرمود: «سپس در حالی که مردم اطرافش گرد آمده اند به سمت مکه خروج می کند، خود به تنهایی قیام می کند و می گوید: «ای مردم! من فلانی فرزند فلانی هستم، من پسر پیغمبر خدا هستم، شما را به همان چیزی دعوت می کنم که پیامبر خدا، شما را به آن فرا خواند.» ^(۵)

۸ - سماعه می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: گویا قائم علیه السلام را می بینم که در ناحیه ذی طوی روی پاهایش ایستاده و هراسان و نگران است، همان طور که موسی چنین حالتی داشت، تا اینکه به نزد مقام ابراهیم می آید و مردم را - به حق - فرا می خواند.» ^(۶)

۹ - ابوبصیر می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «چرا در خروج قائم شتاب می کنید؟ به خدا قسم، او جز لباس خشن نمی پوشد و جز غذای ناگوار نمی خورد، او جز شمشیر - و مظهر مبارزه - چیزی نیست، و مرگ در سایه شمشیر، گریبان مردم را می گیرد.» ^(۷)

۱ - انفال: ۵ - همان گونه که خداوند ترا به حق از خانه ات بیرون برد.

۲ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۶۲، روایت ۶۳۵.

۳ - نمل: ۶۲ - کیست که آن هنگامی که مضطر و درمانده او را می خواند پاسخ گوید؟

۴ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۶۲، روایت ۶۴۴.

۵ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۸۲، روایت ۷۷۱.

۶ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۸۳، روایت ۷۷۹.

۷ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۴۰، روایت ۵۰۳.

۱۰- ابوبصیر می‌گوید: امام صادق ﷺ فرمود: «قائم ﷺ از مکه خروج نخواهد کرد تا اینکه حلقه‌ای گرداگردش را فرا گیرد.» عرض کردم: «تعداد حلقه چند نفر است؟» فرمود: «ده هزار نفر، جبرئیل از سمت راست، میکائیل از سمت چپ، آنگاه امام ﷺ، پرچم غلبه و پیروزی را به اهتزاز درآورده، با آن به راه می‌افتد.»^(۱)

۱۱- ابو حمزه ثمالی می‌گوید: از امام باقر ﷺ شنیدم که در مورد آیه ﴿وَلَمَنِ اتَّقَصَّرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ﴾ فرمود یعنی قائم و یارانش، ﴿فَأُولَٰئِكَ مِمَّا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ﴾^(۲) و قائم هنگامی که قیام کند، خود و یارانش، از بنی‌امیه، دروغگویان و دشمنان عداوت پیشه انتقام می‌گیرند.»^(۳)

گفتار ما

علاوه بر آنچه در این فصل ذکر شد، در بابهای اول و دوم و فصلهای قبلی همین باب نیز در باره چگونگی خروج امام ﷺ مطالبی وجود داشت و در فصلهای آینده نیز، مطالبی در این باره خواهد آمد.

۵-۳: ویژگی‌های جانشین پیامبر ﷺ به طور عموم، و ویژگی‌های خاص حضرت حجت ﷺ

روایات

۱- امام رضا ﷺ فرمود: «امام نشانه‌هایی دارد، دانشمندترین مردم، حکیمترین،

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۴۵، روایت ۵۳۳.

۲- شوری: ۴۱- آنان که بعد از ستمی که کشیده‌اند، انتقام می‌گیرند، گناهی بر ایشان نیست.

۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۵۳، روایت ۵۷۸.

با تقواترین، حلیمترین و پر تحمل ترین، شجاعترین، عابدترین، و بخشنده ترین آنان است. مختون، پاکیزه و بدون عیب متولد می شود، همان طور که از روبرو می بیند از پشت سر هم می بیند، سایه ندارد، وقتی از مادر متولد می شود روی رانها به زمین می نشیند و صدایش را به شهادتین بلند می کند، شیطان در خواب به او راه ندارد، چشمش می خوابد ولی دلش نمی خوابد، با او - از سوی خدا و فرشتگان - سخن گفته می شود، زره پیامبر ﷺ بر اندام او اندازده است، از او ادرار و مدفوع دیده نشده است زیرا خداوند به زمین فرمان داده است که هر چه از او خارج شود در خود فرو برد، بوی او از مشک خوشتر است، نسبت به مردم، از خودشان، اولی و دارای حق بیشتری است، از پدر و مادر بر آنان مهربانتر است و بیش از همه مردم، برای خداوند، فروتنی دارد و بیش از همه از دستورات او اطاعت می کند و از آنچه نهی فرموده دوری می جوید، دعا و درخواستش پذیرفته است به طوری که اگر صخره ای را نفرین کند از وسط به دو نیم خواهد شد، سلاح پیامبر نزد اوست، شمشیرش ذوالفقار است، کتابی که نامهای تمام شیعیان و نیز کتابی که نامهای تمام دشمنان، تا قیامت، در آن نوشته شده است نزد اوست؛ جامعه، که صحیفه ای است با هفتاد ذرع طول و تمام نیازهای بنی آدم در آن موجود است نزد اوست، جفراکبر، جفراصغر، پوست بز و میشی که در آنها تمام علوم، حتی دیه خراشی که بر پوست افتد، تا حد یک تازیانه و نصف تازیانه و ثلث تازیانه، در آن موجود است، و نیز مصحف حضرت فاطمه علیها السلام، نزد او موجود است. ^(۱)

۲ - اباصلت هروی می گوید: به امام رضا علیه السلام عرض کردم: «نشانه قائم شما چیست؟» فرمود: «نشانه اش این است که از نظر سنی، پیر و در قیافه و سیما، جوان است به طوری که هر کس او را نگاه می کند، او را مردی چهل ساله یا کمتر می داند و از نشانه هایش آن است که با گذشت زمان، پیر نمی شود تا اینکه اجلش برسد.» ^(۲)

۱ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۷۱۶، روایت ۹.

۲ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۷۲۲، روایت ۲۹.

۳- ابوالجارود از امام باقر از پدران بزرگوارش نقل می‌کند که امیرالمؤمنین ﷺ بر بالای منبر فرمود: «در آخر الزمان از نسل من فرزندی متولد می‌شود که دارای چهره‌ای درخشانده، سینه‌ای ستبر، پاهایی قوی، شانه‌هایی پهن و تناور است که در پشتش دو علامت دارد، یکی همرنگ پوست خودش و دیگری همرنگ علامتی که پیامبر ﷺ داشت، او دو اسم دارد، یکی پنهان و دیگری آشکار، آن اسم پنهان احمد و اسم آشکارش محمد است، هرگاه رایت و بیرقش را تکان دهد هر چه بین شرق و غرب عالم است برایش روشن و آشکار می‌شود، وقتی دستش را بر سر بندگان خدا بکشد هیچ مؤمنی نیست مگر اینکه دلش از پاره آهن محکم‌تر می‌شود و نیروی چهل مرد پیدا می‌کند، تمام مردگان، در آن هنگام، در دل خویش احساس شادی می‌نمایند و در قبرها به دیدار یکدیگر رفته، قیام قائم را به یکدیگر تبریک می‌گویند.»^(۱)

۴- جابر جعفی می‌گوید: از امام باقر ﷺ شنیدم که فرمود: عمر بن خطاب از امیرالمؤمنین ﷺ در مورد حضرت مهدی و نامش، سؤال کرد حضرت فرمود: «حبیبم رسول الله از من پیمان گرفته است که تا زمانی که خداوند او - حضرت مهدی - را مبعوث می‌نماید نامش را ذکر نکنم.» عمر گفت: «اوصافش را برایم بیان کن.» حضرت فرمود: «جوانی میان قامت، خوشرو و نیکوموی است که مویش بر شانه‌هایش ریخته و نور چهره‌اش بر سیاهی محاسن و موی سرش غلبه کرده است، پدرم فدای پسر بهترین کنیزان باد.»^(۲)

۵- امام باقر ﷺ فرمود: پیامبر در روز غدیر فرمود: «ای مردم! من پیامبرم و علی جانشین من است، بدانید که پایان امامت با مهدی قائم است، او در دین غالب است و از ستمکاران انتقام می‌گیرد، بدانید که او گشاینده دژها و ویران کننده آنهاست، او بر قبایل مشرکین پیروز می‌شود، خوانخواه خون به ناحق ریخته اولیاء

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ۷۲۲، روایت ۳۲.

۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۷۳۰، روایت ۷۱.

خداست، او یاریگر دین است، او از دریای ژرف آب می کشد و هر صاحب فضل و هنر را به فضلش و هر جاهلی را به جهلش می شناسد و می نامد، او برگزیده خداوند است، او وارث هر علمی و مسلط به هر دانشی است، اطلاعات او از ناحیه پروردگار است، او رشید و کامل است و تمام امور در اختیار اوست، او حجت باقی است و دیگر بعد از او حجتی نیست، حق جز با او و نور و روشنی جز در نزد او یافت نمی شود، او پیروز و مسلط است و کسی بر او غالب نمی شود، او ولی خدا در زمین و حاکم او در بین مردم و امین خداوند در آشکار و نهان است.»^(۱)

گفتار ما

مقصود از آوردن روایات این فصل، توجه دادن خوانندگان محترم و شیعیان امام علیه السلام و به صفات و نشانه های آن حضرت است تا اینکه به دنبال ادعای مدعیان دروغگو، در دوره غیبت و ظهور، به گمراهی نیفتند، به ویژه آنکه در بعضی از روایات بر شناخت آثار و نشانه های امام، برای نیفتادن به ورطه گمراهی، جداً تأکید شده است.

۶-۳: جریان سنتهای پیامبران علیهم السلام به ویژه رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره حضرت مهدی علیه السلام

روایات

۱- ابوبصیر می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «سنتهایی که برای پیامبران در دوره غیبتشان جاری شده است عیناً در مورد قائم ما اهل بیت جاری

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۵۸، روایت ۶۱۳.

می شود.»^(۱)

۲- سعید بن جبیر می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «در مورد قائم ما، سنتهایی از سنن پیامبران جاری می شود: سنتی از آدم، سنتی از نوح، سنتی از ابراهیم، سنتی از موسی، سنتی از عیسی، سنتی از ایوب و سنتی از محمد صلی الله علیه و آله و سلم، اما سنتی که از آدم و نوح در باره قائم علیه السلام انجام می شود طول عمر است، از ابراهیم، مخفی بودن ولادت و کناره گیری از مردم، از موسی، خوف و هراس و غیبت، از عیسی، اختلاف مردم درباره او، از ایوب، فرج و گشایش بعد از آزمایش و مصیبت و از محمد، خروج با شمشیر.»^(۲)

۳- محمد بن مسلم طحّان می گوید: بر امام باقر علیه السلام وارد شدم، در حالی که قصد داشتم در مورد قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم، از ایشان سؤال کنم. آن حضرت ابتدائاً - بدون اینکه من قصدم را در میان بگذارم - فرمودند: «ای محمد بن مسلم! در قائم آل محمد به پنج تن از پیامبران شباهتهایی وجود دارد: یونس بن متی، یوسف بن یعقوب، موسی، عیسی و محمد صلی الله علیه و آله و سلم، اما شباهتش به یونس، بازگشتش به میان مردم است در حالی که با وجود سنّ زیاد، جوان به نظر می رسد، اما شباهتش به یوسف، غایب شدن از دید عام و خاص و مخفی شدن از برادرانش و مشکل شدن کار بر پدرش یعقوب علیه السلام است، با اینکه فاصله بین او و خانواده و شیعیانش نزدیک است، اما شباهتش به موسی، دوام ترس و هراس و به درازا کشیدن غیبت، مخفی بودن ولادت، رنج و سختی شیعیانش و ناراحتی و مصیبتی است که کشیدند تا اینکه خداوند به او اجازه ظهور داد و یارش کرد و بر دشمنش غلبه داد، اما شباهتش به عیسی، اختلافی است که درباره او واقع شد و گروهی گفتند: «متولد نشده است»، عده ای گفتند: «مرده است». بعضی گفتند: «کشته شده و به دار آویخته

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۳، روایت ۱۵۲.

۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۶۶، روایت ۱۲۴.

شده است.»، اما شباهتش به جدش مصطفی ﷺ خروجش، با شمشیر و کشتن دشمنان خدا و دشمنان پیامبر و ستمکاران و گردنکشان است و اینکه با شمشیر و افتادن ترس به دل دشمنان، خداوند او را یاری می کند آن گاه هیچ چیز و هیچ کس از تحت سلطه و غلبه او خارج نخواهد ماند.»^(۱)

۴ - در سؤالی که احمد بن اسحق بن سعد اشعری از امام عسکری علیه السلام پرسیده آمده است: «... از خضر و ذوالقرنین چه سنتی در مورد آن حضرت جاری می شود؟» امام علیه السلام در جواب فرموده است: «به درازا کشیدن غیبت، ای احمد!...»^(۲)

۵ - حنان بن سدید به نقل از پدرش از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: «قائم ما غیبتی دارد که طولانی می شود.» عرض کردم: «یابن رسول الله! علت آن چیست؟» فرمود: «خداوند نمی خواهد این امر انجام شود مگر اینکه تمام سنتهایی را که پیامبران در غیبتهایشان داشته اند، در این غیبت قرار دهد و ای سدید! - بنابراین باید تمام مدت مجموع غیبتهای پیامبران، در این غیبت وجود داشته باشد. خداوند می فرماید: ﴿لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ﴾^(۳) «مرحله ای پس از مرحله دیگر را سیر خواهید کرد» مقصود این است که سنتهای گذشتگان در مورد شما جاری خواهد شد.»^(۴)

گفتار ما

آنچه از مجموع این روایات به دست می آید این است که سنتهایی از سنن پیامبران علیه السلام در باره حضرت حجت علیه السلام جاری می شود و آن حضرت در بعضی مسائل و وقایع با آنها مشابهتی دارد. علت این مطلب برای ما روشن نیست و فقط

۱ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۶۸، روایت ۱۳۲.

۲ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۹، روایت ۱۸۰.

۳ - انشقاق : ۱۹.

۴ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۸۶، روایت ۲۱۲.

شاید بتوان گفت که این سنتها، نشانه‌ها و اشاره‌هایی بر امامت و ولایت آن حضرت است تا اینکه پیروان حق و طرفداران خط هدایت، راه را گم نکنند. چنانکه روایت هشتم از باب سوم شاهد خوبی بر درستی این احتمال است.

اما روایت اول و پنجم درصدد بیان مطلب دیگری است و آن مطلب - احتمالاً - این است که غیبت‌های پیامبران برای آزمایش امتشان بوده است و مقدار طولانی شدن دوره آزمایش هر امت بر حسب نقص و کمال عقلی و ایمان و اقبال و توجه آنان به فطرت توحیدی خودشان است و از آن جا که امت پیامبر صلی الله علیه و آله، از این جهات، کاملترین امتها هستند، هم در زمان خود پیامبر و هم در زمان جانشینان ایشان به قدر کمالاتشان مورد امتحان قرار گرفته‌اند و بعد از آن نیز چون روز به روز کمال عقلی بیشتری یافته‌اند با غایب شدن امام دوازدهم و طولانی شدن غیبتش تحت آزمایش بزرگتری واقع شده‌اند و بعد از سپری شدن این دوره آزمایش، زمان ظهور قائم و غایب منتظر فرا می‌رسد و هنگامه تحقق وعده الهی و چیره شدن دین اسلام بر همه ادیان برپا می‌گردد و برترین مصداق آیه شریفه که فرمود: ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾^(۱) نمایان می‌شود.

۷-۳: حضرت مهدی علیه السلام، وارث آثار و میراث همه پیامبران علیهم السلام

روایات

۱- امام باقر علیه السلام فرمود: «عصای موسی از آن آدم بود، بعد به شعیب رسید و

۱- توبه: ۳۳، وصف: ۹- اوست که پیامبر را برای هدایت بشر و حاکمیت دین حق فرستاد تا علی‌رغم میل مشرکان، بر همه ادیان پیروز شود.

سپس به دست موسی بن عمران افتاد، هم اکنون نزد ماست، چندی قبل آن را دیدم، مثل وقتی که از درخت کنده شده بود تر و تازه است، اگر از آن سوالی بشود جواب می دهد، آماده استفاده قائم ماست، با آن همان کاری را خواهد کرد که موسی بن عمران انجام می داد...»^(۱)

۲ - ابوسعید خراسانی از امام صادق علیه السلام نقل می کند: امام باقر علیه السلام فرمود: «هنگامی که قائم، در مکه قیام کند و قصد رفتن به کوفه را داشته باشد، منادی آن حضرت ندا می دهد که: «ای مردم! کسی با خود، غذا و نوشیدنی نیاورد» و سنگ حضرت موسی، که بار شتری است، همراه اوست، به هر جا می رسند، چشمه ای از وسط آن سنگ می جوشد، که هر گرسنه ای از آن بخورد سیر می شود و هر تشنه ای را سیراب می نماید، توشه آنها همین است تا اینکه از طرف کوفه وارد نجف شوند.»^(۲)

۳ - امام باقر از پدران بزرگوارش از علی علیه السلام نقل می کند: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «مهدی از نسل من است، او غیبت و گمگشتگی دارد که مردم، در آن دوره، به گمراهی می افتند، ذخیره و گنجینه پیامبران را با خود دارد، زمین را همان طور که از ستم و بیداد پر شده است از عدل و داد سرشار خواهد نمود.»^(۳)

۴ - مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام، در روایت پیراهن یوسف، نقل می کند: عرض کردم: «پیراهن یوسف به چه کسی رسید؟» فرمود: «به اهلش، و وقتی قائم ما خروج کند، پیراهن پیش اوست.» سپس فرمود: «هر پیامبری، علم یا هر چیز دیگری به ارث گذاشته باشد به حضرت محمد صلی الله علیه و آله رسیده است.»^(۴)

۵ - عبدالله بن سنان می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «عصای موسی

۱ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۳۹، روایت ۲.

۲ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۴۰، روایت ۳.

۳ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۶۱، روایت ۱۰۵.

۴ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۴، روایت ۲۵۱.

از چوب آس درخت بهشتی بود که وقتی به سمت مدین رفت جبرئیل برایش آورد، و آن عصا و تابوت آدم در دریاچه طبرستان است، نه می پوسند و نه تغییر حالت پیدا می کنند تا اینکه وقتی قائم قیام کند، آنها را بیرون آورد.»^(۱)

۶- زیاد بن منذر می گوید: امام باقر علیه السلام به من فرمود: «وقتی قائم علیه السلام ظهور کند، بirq رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، انگشتر سلیمان، و سنگ و عصای موسی را به همراه خود آشکار می سازد.»^(۲)

۷- امام باقر علیه السلام فرمود: «امام قائم علیه السلام اول از انطاکیه شروع می کند، تورات، عصای موسی و انگشتر سلیمان را از غاری در آنجا، بیرون می آورد...»^(۳)

۸- ابوبصیر می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «قائم از مکه خروج نخواهد کرد تا اینکه حلقه ای گرداگردش را فرا گیرد» عرض کردم: تعداد حلقه چند نفر است؟ فرمود: «ده هزار نفر، جبرئیل از سمت راست و میکائیل از سمت چپ، آن گاه امام علیه السلام پرچم غلبه و پیروزی را به اهتزاز درآورده با آن به راه می افتد، در شرق و غرب عالم، همه آن را لعنت می کنند، در حالی که آن، همان پرچم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است که جبرئیل در روز جنگ بدر، آن را فرود آورد.» تا اینکه امام علیه السلام فرمود: «پیراهنی که رسول الله در روز جنگ احد به تن داشت، عمامه و زره بلند آن حضرت به تن قائم علیه السلام است و ذوالفقار، شمشیر رسول الله، در دست اوست.»^(۴)

۹- علی بن حسین مسعودی در کتاب اثبات الوصیه نقل می کند: «در سال دویست و پنجاه و نه، امام عسکری علیه السلام به مادرش فرمود که حج به جا بیاورد و آنچه را در سال دویست و شصت واقع می شود به او خبر داد، و صاحب الامر علیه السلام را خواست، به او وصیت فرمود، اسم اعظم و دیگر موارد و سلاح را به او تحویل

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۴۰، روایت ۵۰۸.

۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۴۱، روایت ۵۰۹.

۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۸۴، روایت ۷۸۶.

۴- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۴۵، روایت ۵۳۳.

داد، آن‌گاه، مادر امام عسکری علیه السلام همراه صاحب الامر علیه السلام به سمت مکه رفتند.»^(۱)

گفتار ما

آنچه ذکر شد بعضی از روایاتی است که می‌فرماید، میراث‌های پیامبران نزد حضرت حجت، - عجل الله تعالی فرجه - است. اگر کسی بپرسد فایده این میراث‌ها و بودن آنها در دست حضرت مهدی علیه السلام چیست؟ می‌توان گفت: همان‌طور که از روایت اول فصل پنجم همین باب بر می‌آید، این میراث‌ها، نشانه‌ها و اشاره‌هایی بر امامت حضرت مهدی علیه السلام و حجت بودن ایشان در روی زمین است - تا مردم گمراه نشوند - و آن حضرت برای استفاده در رسیدن به اهدافش، آنها را به کار می‌گیرد، چنانکه پیامبران پیشین نیز - آن‌طور که از دقت در روایات قبلی بر می‌آید - چنین می‌کردند.

۸-۳: محلّ ظهور و دعوت امام زمان علیه السلام

روایات

- ۱ - امام باقر علیه السلام فرمود: «قائم از راه گردنه ذی طوی فرود می‌آید، سیصد و سیزده نفر - به تعداد مجاهدان بدر - همراه او هستند، تا اینکه پشتش را به حجر الاسود تکیه می‌دهد و بیرق پیروزی را به اهتزاز در می‌آورد.»^(۲)
- ۲ - صالح بن عقبه از قول امام صادق علیه السلام در مورد آیه ﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ﴾

۱ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۷۹، روایت ۷۵۰.

۲ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۴۷، روایت ۵۴۱.

وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ ﴿١﴾ نقل می کند که فرمود: «در باره قائم آل محمد نازل شده است که در مقام ابراهیم، دو رکعت نماز می گزارد، و خداوند را می خواند، خدا او را پاسخ می گوید و ناراحتی او را برطرف می نماید و او را خلیفه و جانشین خود در روی زمین قرار می دهد.» (۲)

۳- مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: «مولای قائم ما به کعبه تکیه می زند و می گوید: «ای مردم! بدانید! که هر کس می خواهد به آدم و شیث بنگرد، همانا من، آدم و شیث هستم، هر که می خواهد نوح و فرزندش سام را ببیند، بداند که من نوح و سام هستم، هر که می خواهد ابراهیم و اسماعیل را نظاره کند، من ابراهیم و اسماعیل هستم، هر که میل نگاه به چهره موسی و یوشع دارد، بداند که من موسی و یوشع هستم، هر که جمال و کمال عیسی و شمعون را طالب است، من عیسی و شمعون هستم، هر که می خواهد به محمد و امیرالمؤمنین صلوات الله علیهما بنگرد - و معنی حسن و کمال را دریابد - من محمد و امیرالمؤمنین هستم، هر که می خواهد جلوه حسن و حسین علیه السلام را درک کند، من حسن و حسین هستم و هر که می خواهد امامان سلاله حسین علیه السلام را بنگرد، من آن امامان هستم، درخواست و دعوت مرا پاسخ مثبت گوئید، من به شما از همان چیزی خبر می دهم که به شما خبر داده شده است و شما به گوش نگرفته اید. هر کس اهل خواندن کتابها و صحف آسمانی و فهم آنهاست، پس به من گوش بسپارد.»

سپس شروع به خواندن صحفی که خداوند بر آدم و شیث علیه السلام نازل کرده، می نماید. امت آدم صفوة الله و شیث هبة الله می گویند: «به خدا قسم که بی هیچ تردیدی، این همان صحف است، به ما چیزی نمایاند که از آن بیخبر بودیم و بر ما پوشیده بود، هیچ چیز از آن کم نشده، عوض نشده و تحریف نگشته است.» سپس صحف نوح و ابراهیم و تورات و انجیل و زبور را می خواند، آنگاه اهل انجیل و

۱- نمل: ۶۲- کیست که آن هنگامی که مضطر و درمانده او را می خواند پاسخ می گوید، و بلا و رنجوری را می گرداند، و شما را جانشینان روی زمین می کند؟!

۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۵۳، روایت ۵۷۶.

تورات و زبور می‌گویند: «به خدا قسم که بی‌هیچ تردیدی، این همان صحف نوح و ابراهیم علیه السلام است و چیزی از آن کم نشده، عوض نشده و تحریف نگشته است، و به خدا قسم این همان تورات و زبور و انجیل کامل و دست نخورده است و بیش از آن چیزی است که به دست ما رسیده بود.» سپس، آن حضرت قرآن را تلاوت می‌فرماید، آن‌گاه مسلمانان می‌گویند: «به خدا قسم، بدون هیچ تردیدی، این همان قرآنی است که خداوند بر محمد صلی الله علیه و آله نازل کرده است و هیچ چیز از آن کاسته نشده، عوض نشده و تحریف نگشته است.»^(۱)

گفتار ما

شاید همان‌طور که از روایت پنجم فصل چهارم از همین باب بر می‌آید، علت خروج و قیام حضرت مهدی علیه السلام از کعبه، تأسی و پیروی آن حضرت از پیامبر صلی الله علیه و آله باشد، علاوه بر آنکه شهر مکه، در تمام ایام سال، محل تجمع مسلمین و گردهمایی آنان در طواف است و احتمال این نیز هست که در دوره ظهور حضرت حجت به واسطه مسائل سیاسی و ارتباطات بین المللی، طرفداران مذاهب مختلف، با همه اختلافی که در نظریات و عقایدشان دارند، بیش از امروز، به مکه علاقه نشان دهند و به آن، رو بیاورند،^(۲) چنانکه روایت سوم نیز از اشاره به این مطلب خالی نیست. در فصل چهارم همین باب نیز، روایاتی در باره این موضوع ذکر شده است.

۱- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۹ و ۱۰ از روایات طولانی باب ۲۵.

۲- اگر چنین احتمالی واقعیت پیدا کند، شاید هم به این علت باشد که طرفداران مذاهب مختلف، اجتماع مردم در مکه را موقعیت مناسبی برای نشر افکار و جلب هوادار برای خودشان ببینند. در این صورت اگر صاحبان بیرقها، که سابقاً از آنها یاد شد، نیز به سمت مکه روان شوند، و در آنجا حقشان به امام پیوند و باطلشان به دست ایشان نابود شود، بر صحیح بودن این علت برای رو آوردن به مکه، بیشتر می‌توان اعتماد کرد. مترجم

۹-۳: بیعت کنندگان با امام مهدی علیه السلام و اصحاب و یاری کنندگان آن حضرت

روایات

۱- امام صادق علیه السلام فرمود: «... امام قائم علیه السلام به کعبه تکیه می زند، دستش را دراز می کند، «بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ»^(۱) بدون هیچ عیب و مرضی، نورانی دیده می شود و می گوید: «این دست خدا و از جانب خدا و به امر خداست.» سپس این آیه را تلاوت می کند: ﴿إِنَّ الدِّينَ يُبَايِعُوكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ، يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ، فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ...﴾^(۲)

اول کسی که دست او را می بوسد و با او بیعت می کند جبرئیل است، سپس فرشتگان و نجباء (برگزیدگان) جنیان بیعت می کنند و آن گاه نقباء (بزرگان) دست بیعت می دهند...»^(۳)

۲- محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام در مورد آیه ﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ﴾^(۴) نقل می کند که فرمود: «در باره قائم علیه السلام و جبرئیل که روی ناودان و به صورت پرندهای سفید به عنوان اولین مخلوق پرورگار با او بیعت می کند و بعد از آن سیصد و سیزده نفر از مردم با او بیعت می کنند، نازل شده است.»^(۵)

۳- ابو خالد کابلی می گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: «در مکه، برای عمل به کتاب خدا و سنت پیامبرش با امام علیه السلام بیعت می شود، آن گاه امام علیه السلام، حاکمی در مکه

۱- اشاره به آیه ۳۲ سوره قصص است که خداوند به موسی فرمود: دست در گریبان فرو بر و آن را نورانی، بدون عیب، بیرون آر. حضرت حجّت نیز عیناً همین عمل را انجام دهد.

۲- فتح: ۱۰- آنها که با تو بیعت کنند همانا با خدا بیعت کرده اند، قدرت پروردگار از تمام قدرتها برتر است و هر که تقض بیعت کند به زیان خویش پیوند گسسته است.

۳- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۸، از روایت ۱.

۴- نمل: ۶۲- یا کیست که دعای درمانده را چون بخواندش، اجابت می کند؟!

۵- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۶، روایت ۵۳۸.

می‌گمارد و به سمت مدینه حرکت می‌کند...»^(۱)

۴ - ابوبصیر می‌گوید: مردی از امام صادق علیه السلام سؤال کرد: چند نفر با قائم علیه السلام خروج می‌کنند؟ مردم می‌گویند با او سیصد و سیزده نفر به تعداد مجاهدان بدر خروج می‌کنند» فرمود: جز در بین عده‌ای اولی قوه (نیرومند) خروج نمی‌کند و اولوالقوه (نیرومندان) کمتر از ده هزار نفر نیست.»^(۲)

۵ - عوام بن زبیر می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «قائم علیه السلام با چهل و پنج نفر از نه قبیله (منطقه یا محله) خروج می‌کند، از یک قبیله یک نفر، از قبیله‌ای دو نفر، از قبیله‌ای سه نفر، از قبیله‌ای چهار نفر، از قبیله‌ای پنج، از قبیله‌ای شش از قبیله‌ای هفت، از قبیله‌ای هشت و از قبیله‌ای نه نفر تا اینکه چهل و پنج نفر تمام شود.»^(۳)

۶ - طبرسی، صاحب مجمع البیان، ذیل آیه شریفه ﴿أَیْنَمَا تَكُونُوا یَأْتِ بِکُمُ اللّٰهُ جَمِیْعًا﴾^(۴) می‌نویسد: «در اخبار اهل بیت علیهم السلام نقل شده است که مقصود، اصحاب مهدی علیه السلام در آخر الزمان است، و امام رضا علیه السلام فرمود: «به خدا قسم، وقتی قائم ما قیام کند، خداوند همه شیعیان ما را از تمام مناطق به دور او جمع خواهد کرد.»^(۵)

۷ - طبرسی در ذیل آیه ﴿إِنَّ الْأَرْضَ یَرِثُهَا عِبَادِی الصّٰلِحُونَ﴾^(۶) از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: آنها یاران مهدی علیه السلام در آخر الزمان هستند.»^(۷)

۸ - ابوبصیر می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «عده کمی از عرب با قائم همراهند.» به آن حضرت عرض شد: «عده زیادی از آنها در این باره حرف می‌زنند.» فرمود: «مردم، ناگزیر، باید آزمایش شوند، سره از ناسره و مؤمن از غیر مؤمن بازشناخته شود و غربال شوند، و عده زیادی از مردم از غربال خارج خواهند

۱ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۸۳، روایت ۷۷۴.

۲ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۱، روایت ۲۳۴.

۳ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۶، روایت ۲۵۸.

۴ - بقره: ۱۴۸ - هر جا باشید همه شما را یک جا گرد می‌آورد.

۵ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۴، روایت ۴۱۵.

۶ - انبیاء: ۱۰۵ - زمین را بندگان صالح من به ارث می‌برند.

۷ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۵، روایت ۴۱۹.

شد»^(۱)

۹- امام صادق علیه السلام فرمود: «از عرب بپرهیزید، در مورد آنها خبر ناگواری هست، بدانید که یکنفر هم از آنها همراه قائم خروج نخواهد کرد.»^(۲)

۱۰- ریان بن شبيب در حدیث فضل الحسین علیه السلام، از قول امام رضا علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «هفت هزار فرشته برای یاری امام حسین به زمین فرود آمدند، اما به آنها اجازه یاری و جنگ داده نشد، آنها غبارآلود و پریشان در کنار قبر آن حضرت آماده‌اند تا اینکه قائم قیام کند و آنها او را یاری کنند.»^(۳)

۱۱- امام صادق علیه السلام فرمود: «قائم علیه السلام در میان کمتر از فئه (گروه) خروج نخواهد کرد و فئه از ده هزار کمتر نیست.»^(۴)

۱۲- عمر بن شمر می‌گوید: نزد امام باقر علیه السلام از مهدی علیه السلام نام برده شد، امام فرمود: در حالی وارد کوفه می‌شود که سه بیرق، اوضاع کوفه را در هم ریخته است، آنگاه همه چیز، خالص تحت ولایت او قرار می‌گیرد...»^(۵)

۱۳- عبدالرحمن بن حجاج از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «وقتی قائم قیام کند، به دشت کوفه می‌آید و به محلی اشاره کرده می‌گوید: «اینجا را حفر کنید.» آن جا را حفر می‌کنند و دوازده هزار زره، دوازده هزار شمشیر و دوازده هزار کلاه خود جنگی که هر کلاه خود دو طرف دارد بیرون می‌آورند، سپس دوازده هزار نفر از موالی و عجم را فرا می‌خوانند و آن لباسها را به تن آنها می‌پوشانند و می‌گوید: «هرکس این لباس را بر تن نداشت، او را بکشید.»^(۶)

۱۴- امام صادق علیه السلام فرمود: وقتی قائم از پشت این خانه ظهور کند خداوند بیست و هفت مرد را با او بر می‌انگیزد که چهارده تن آنها از قوم موسی علیه السلام

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۳۷، روایت ۴۸۹.

۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۱۷، روای ۳۷۶.

۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۵۶، روایت ۸۵.

۴- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۴۸، روایت ۵۴۹.

۵- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۵۵، روایت ۵۸۸.

۶- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۵۸، روایت ۶۱۱.

هستند...»^(۱)

۱۵ - امام باقر علیه السلام فرمود: «وقتی قائم ظهور کند و به کوفه وارد شود، خداوند از ورای کوفه، هفتاد هزار صدیق را بر می انگیزد که یار و یاورش باشند.»^(۲)

۱۶ - امام باقر علیه السلام فرمود: «گویا قائم اهل بیت را می بینم که به نجف شما وارد می شود و بیرق رسول الله صلی الله علیه و آله را می گشاید و وقتی بیرق را باز کرد فرشتگانی که در جنگ بدر پیامبر را یاری کردند فرود می آیند.»^(۳)

۱۷ - محمد بن مسلم می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند دو شهر، یکی در شرق و یکی در مغرب، دارد^(۴)، در آنها مردمی هستند که ابلیس را نمی شناسند و از خلقت او بی اطلاعند، همیشه آنها با ما دیدار می کنند، آنچه را نیاز دارند از ما می پرسند، ما هم به آنها می آموزیم، از ما می خواهند بر ایشان دعا کنیم و در مورد زمان ظهور قائم ما، از ما سؤال می کنند، اهل عبادت و مجاهده شدید هستند.» تا آنجا که فرمود: «گروهی از آنها هستند که از زمانی که منتظر قائم هستند سلاح را کنار نگذاشته اند، از خدا درخواست می کنند که آن حضرت را به ایشان بنمایاند.»^(۵)

۱۸ - هشام بن سالم می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند در مشرق شهری دارد به نام جابلقا که دوازده هزار دروازه طلایی دارد و بین هر دروازه با دروازه مجاورش یک فرسخ فاصله است. هر دری برجی دارد که در آن دوازده هزار رزمنده با اسبهای آماده و سلاح برنده منتظر قیام قائم ما هستند، و خداوند در مغرب شهری دارد به نام جابرصا (جابلصا)،^(۶) سپس امام علیه السلام فرمود که آنها مثل جابلقا است و در

۱ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۷۳، روایت ۷۰۷.

۲ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۸۴، روایت ۷۸۸.

۳ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۴۸، روایت ۵۴۸.

۴ - مقصود از اینکه خداوند شهرهایی دارد، شاید این باشد که مردم از آنها بی اطلاعند و فقط خداوند به حال آنها عالم است، یا اینکه خداوند به آنها عنایتی ویژه دارد، یا هر دو، و گرنه تمام هستی از آن خداست و اختصاص دو شهر به خدا معنی ندارد. والله العالم. مترجم

۵ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۲، روایت ۴۰۵.

۶ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۲، روایت ۴۰۶.

انتظار قائم ما هستند.»

۱۹ - مفضل می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «همراه با قائم علیه السلام سیزده نفر زن هستند.» عرض کردم: «به آنها چه کاری واگذار می کند؟» فرمود: «آنها مجروحان را مداوا و از بیماران نگهداری و پرستاری می کنند، همچنانکه در زمان پیامبر چنین بود.»^(۱)، در ادامه حدیث نامهای آنها ذکر شده است.

۲۰ - جابر جعفی از امام باقر علیه السلام نقل می کند: «... به خدا قسم، سیصد و چند ده نفر که پنجاه نفر زن در میان آنها هستند، بدون قرار قبلی، مثل تکه های ابر پاییزی که به سرعت باد در حرکتند، یکی پس از دیگری وارد مکه می شوند و گرد هم می آیند و آن مصداق همین آیه شریفه است که فرمود: ﴿أَئِنَّمَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعاً إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾^(۲)...»^(۳)

گفتار ما

علاوه بر مقامات بلند آن حضرت علیه السلام و تأیید الهی وی با نیروهای غیبی و تقویت یاورانش با نیروی فوق العاده و فراتر از معمول، مطلب دیگری که از روایات بر می آید این است که آن حضرت از بین فرشتگان و انسانها و جنیان و دیگران هم یاران و دوستدارانی دارد.

اما ما از جابلقا و جابلصا اطلاعی نداریم تا اینکه ساکنانش را بشناسیم، فقط چیزی که هست، در روایات از آنها زیاد نام برده شده است^(۴) - و قابل انکار نیست - و شاید از این پس اوضاع به گونه ای سیر و تحول پیدا کند که موجب شود آنها را بشناسیم، چنانکه امامان معصوم علیهم السلام از چیزهایی خبر داده اند که گذشتگان ما از آنها

۱ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۷۵، روایت ۷۲۵.

۲ - بقره: ۱۴۸ - هر جا باشید خداوند شما را گرد هم آورد که او بر هر کاری تواناست.

۳ - تفسیر البرهان، ج ۲، ص ۱۶۴، روایت ۱۰.

۴ - به بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۲۰۶، ج ۲۷، ص ۴۳ و ۴۷، ج ۴۴، ص ۴۱ و ۵۶، ج ۵۷، ص ۳۲۴ و ۳۲۹، ۳۳۳، ۳۳۴ و ۳۳۶ مراجعه کنید.

اثری نیافتند و ما بعضی از آنها را به چشم خود دیدیم و بعضی دیگر یا بهتر بگوییم بیشتر آنها، هنوز آشکار نشده است و بیشتر حوادثی که در دوران ظهور و رجعت رخ می‌دهد از همین قبیل است.

اما زنان به‌طور کلی و یا زنان مؤمن در چه حالی هستند؟ آیا با وجود تعداد زیادشان حضرت حجت را یاری می‌نمایند یا خیر؟

تاکنون غیر از دو روایتی که بر مداوای مجروحان و رسیدگی به بیماران، توسط زنان، دلالت می‌کند به دلیل دیگری که بر یاری کردن یا یاری نکردن آنها، حضرت حجت را، دلالت کند دست نیافته‌ایم.

این احتمال نیز هست که آن زنان، همان پیر زنانی باشند که خداوند تعالی در باره آنها فرموده است: ﴿وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَغْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾^(۱)

۱۰-۳: ویژگی‌های یاران امام قائم علیه السلام

روایات

۱- امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «یاران مهدی جوان هستند و پیر در میان آنها وجود ندارد مگر فقط به مقدار سُرْمه در چشم و نمک در غذا، و کمترین چیز در میان غذا نمک است.»^(۲)

۲- امام صادق علیه السلام فرمود: «گویا قائم علیه السلام را بر منبر کوفه می‌بینم که سیصد و

۱- نور: ۶۰- و آن زنان بازنشسته و از تک و تا افتاده که امیدی به ازدواج - یا میل و توانی برای امور جنسی - ندارند، بر آنان ایرادی نیست که، بدون زینت و خودنمایی، لباس خود را کنار گذرانند، و پوشش جدی لازم برای جوانترها را نداشته باشند، و البته اگر عفاف پیشه کنند، و همان حجاب را رعایت کنند، برای آنها بهتر است و خداوند به همه امور شنوا و داناست.

۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۱۷، روایت ۳۷۷.

سیزده تن از یارانش، به عدد مجاهدان بدر، گرداگردش را گرفته‌اند، آنها یاران بیرقها^(۱) و حکام خدا در روی زمین هستند...»^(۲)

۳- امام باقر علیه السلام فرمود: «گویا اصحاب و یاران امام قائم علیه السلام را می‌بینم که شرق و غرب را پر کرده‌اند، هیچ چیز در عالم پیدا نمی‌شود مگر اینکه از آنها اطاعت می‌کند، و حتی درندگان و پرندگان وحشی نیز مطیع آنها هستند، همه چیز در روی زمین خواهان به دست آوردن رضایت آنهاست تا جایی که قطعه‌ای از زمین بر قطعه‌ای دیگر افتخار می‌کند و می‌گوید: «امروز مردی از یاران قائم علیه السلام از روی من عبور کرد.»^(۳)

۴- ابو بصیر می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «اینکه لوط علیه السلام به قومش گفت: ﴿لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوَى إِلَيَّ زُكْنٌ شَدِيدٌ﴾^(۴)، چیزی جز آرزوی داشتن نیروی حضرت قائم، و تکیه به قدرت یاران آن حضرت نبود، به هر مردی از یاران امام علیه السلام، نیروی چهل مرد داده شده و دلش از پاره‌های آهن محکمتر و قویتر است، اگر از کوهها عبور کنند، کوهها از هم می‌پاشند، تا خداوند عزّ و جلّ راضی نشود شمشیرهایشان را غلاف نخواهند کرد.»^(۵)

۵- مفضل بن عمر می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: آیه ﴿أَيْنَمَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً﴾^(۶) در باره آن عده از اصحاب امام قائم علیه السلام، که غایب هستند نازل شده است که ناگاه شب هنگام از بسترهایشان غایب می‌شوند و صبح در مکه هستند،

۱- در متن روایت، عبارت «أَصْحَابُ الْأَلْوِيَّةِ» است که ما، یاران بیرقها ترجمه کردیم ولی ظاهراً، به قرینه اینکه آنها در زمین حاکم هستند و روایت در مقام بیان قدرت آنهاست، چنانکه در روایت ششم از فصل اول همین باب نیز چنین است، ممکن است «أَصْحَابُ الْوَلَايَةِ» یعنی دارای ولایت، بوده باشد، و این با معنی بقیه قسمتهای روایت سازگارتر است. مترجم

۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۴، روایت ۲۴۷.

۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۴، روایت ۲۴۸.

۴- هود: ۸۰- ای کاش در برابر شما نیرویی داشتم یا به شخص قابل اعتماد و قدرتمندی پناه می‌بردم.

۵- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۴، روایت ۲۴۹.

۶- بقره: ۱۲۸- هر جا که باشید همه شما را گرد هم می‌آورد.

بعضی از آنها در میان ابر حرکت می‌کنند، اسم آنها، نام پدرشان و سیما و قیافه و نسبشان شناخته می‌شود.» مفضل می‌گوید: عرض کردم: فدایت شوم، ایمان کدام یک از آنها قویتر است؟ فرمود: «آنکه روز در میان ابر حرکت می‌کند.»^(۱)

۶- جابر جعفی می‌گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: «در بین رکن و مقام، سیصد و چند نفر، به تعداد مجاهدان بدر، با امام بیعت می‌کنند، که برگزیدگان مصر، شایستگان اهل شام، و نیکان عراق در میان آنها وجود دارند، آن گاه آنچه خداوند اراده کند به دست امام قائم برپا می‌شود.»^(۲)

۷- ابان بن تغلب می‌گوید: با امام محمدباقر در مسجد مکه - مسجدالحرام - بودم، آن حضرت در حالی که دستم را گرفته بود فرمود: «ای ابان سیصد و سیزده نفر به این مسجد خواهند آمد، مردم مکه می‌دانند که هنوز پدران و اجداد آن افراد هم به دنیا نیامده‌اند، شمشیرهایی با خود دارند که روی هر کدام، نام صاحب شمشیر و نام پدرش و حسب و نسبش نوشته شده است، آن گاه منادی ندا می‌دهد که: «این مهدی است که چون داوود و سلیمان قضاوت می‌کند، و در قضاوت کردن احتیاجی به دلیل و شاهد ندارد.»^(۳)

۸- امام باقر علیه السلام فرمود: «... شمشیرهایی بر خود بسته‌اند که بر روی هر کدام هزار کلمه نوشته شده و هر کلمه کلید هزار کلمه است، باد از هر ناحیه‌ای وزیدن می‌گیرد ندا می‌دهد که: «این مهدی است که همچون داوود قضاوت می‌کند و به شاهد و مدرک احتیاج ندارد.»^(۴)

۹- امام باقر علیه السلام فرمود: «یاران قائم، سیصد و سیزده نفر از فرزندان عجم هستند، بعضی از آنها به هنگام روز در میان ابر حرکت می‌کنند، به اسم خودشان و نام پدرشان و حسب و نسب شناخته می‌شوند، بعضی از آنها بر بستر خوابیده‌اند ولی

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۳، روایت ۲۴۶.

۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۱۷، روایت ۳۷۸.

۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۴۶، روایت ۵۳۷.

۴- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۴۶، روایت ۵۳۹.

ناگهان بدون قرار قبلی در مکه گرد هم می‌آیند.»^(۱)

۱۰ - حسین بن ثویر بن ابی فاخته از پدرش از امام زین العابدین نقل می‌کند که فرمود: «وقتی قائم ما قیام کند خداوند مرض و ناراحتی را از شیعیان ما می‌برد و دلهاشان را چون پاره‌های آهن، محکم قرار می‌دهد و نیروی هر مردی را با نیروی چهل نفر برابر می‌گرداند و آنها را حاکم و رئیس بر مردم قرار می‌دهد.»^(۲)

۱۱ - امام صادق علیه السلام فرمود: اصحاب حضرت موسی طبق آیه ﴿إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِیْکُمْ بِنَهَرٍ﴾^(۳)، با خوردن از آب نهري امتحان شدند، یاران قائم نیز تحت چنین امتحانی واقع خواهند شد.»^(۴)

گفتار ما

از نه حدیث اول، ویژگی‌های یاران خاص آن حضرت و از حدیث دهم، خصوصیات عموم اصحابش شناخته می‌شود و حدیث یازدهم گواه آن است که تمام یاران امام مورد آزمایش واقع می‌شوند.

چگونگی امتحان اصحاب امام از روایت یازدهم فهمیده می‌شود و از آیه بعد ﴿وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَکِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾^(۵) نیز برمی‌آید که وجود اصحاب سرافراز در امتحان، فضل و منتهی است که خداوند بر جهانیان می‌گذارد و به دست آنها فساد و مفسدان را از زمین برمی‌دارد.

اینکه در حدیث یازدهم آمده است که اصحاب مهدی مثل اصحاب موسی امتحان می‌شوند، برحسب ظاهر دلالت دارد که آزمایش یاران حضرت، نظیر آن

۱ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۴۷، روایت ۵۴۰.

۲ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۶، روایت ۲۵۹.

۳ - بقره: ۲۴۹ - خداوند شما را به نهر آبی می‌آزماید.

۴ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۱۶، روایت ۳۶۷.

۵ - بقره: ۲۴۹ تا ۲۵۱ - اگر خداوند ضرر و فساد بعضی از شما را به وسیله بعضی دیگر از میان برندارد

فساد و تباهی، زمین را فرا می‌گیرد اما خداوند بر تمام جهانیان فضل و رحمتش را فرو می‌ریزد.

چیزی است که برای لشگر طالوت واقع شد و با آن مشابهت دارد، اما کاملاً عین همان آزمایشها نیست، و این مطلب از کلمه «مثل» در روایت، فهمیده می‌شود.^(۱)

در بعضی روایات اشاراتی بر این مطلب وجود دارد: مثلاً ابوبصیر از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «قائم علیه السلام احکامی اجرا می‌فرماید که بعضی، آنها را نادرست می‌دانند و انکار می‌کنند، مثل کسی که طبق حکم آدم علیه السلام، در برابر حضرت کشته می‌شود، عده‌ای انکار می‌کنند و نادرست می‌شمارند، آنها را پیش می‌کشد و گردن می‌زند؛ بر طبق حکم داود علیه السلام، کسی در برابر آن حضرت با شمشیر کشته می‌شود، عده‌ای دیگر آن را قبول ندارند، آنها را پیش می‌کشد و گردن می‌زند؛ شخصی، بر طبق حکم ابراهیم علیه السلام، در برابر آن حضرت با شمشیر کشته می‌شود، عده‌ای آن را نادرست می‌دانند، آنها را پیش می‌کشد و گردن می‌زند، آن‌گاه بر طبق حکم محمد صلی الله علیه و آله و سلم حکمی می‌فرماید، هیچکس آن را انکار نمی‌کند و نادرست نمی‌شمارد.»^(۲)

۱۱-۳: اجر یاوران امام قائم علیه السلام

روایات

۱- جابر می‌گوید: گروهی بودیم که بعد از انجام مناسک، بر امام باقر علیه السلام وارد شدیم و با ایشان خدا حافظی کرده عرض کردیم: «یا بن رسول الله! توصیه‌ای بفرمائید.» پس امام علیه السلام فرمود: «امر ما و آنچه از جانب ما به شما رسیده است مراعات کنید، اگر آن را موافق قرآن یافتید به آن عمل کنید و اگر آن را موافق قرآن نیافتید رد کنید و اگر امر بر شما مشتبه شد و ندانستید چه کنید، تأمل کنید و آن را به

۱- یعنی ممکن است در جزئیات، مکان، زمان و سایر مشخصات تفاوتی وجود داشته باشد، اگرچه در اصل نحوه امتحان مشابهت وجود دارد. مترجم

۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۸۵، روایت ۷۹۶.

ما برگردانید تا اینکه برایتان تفسیر کرده مطلب را روشن نمائیم. اگر آن‌طور که ما توصیه کردیم عمل نمودید و از آن تخطی نکردید، در این صورت هر یک از شما، قبل از خروج قائم ما از دنیا بروید شهید به حساب می‌آید و اگر قائم ما را درک کند و در رکاب او کشته شود اجر دو شهید را دارد و هر کس در کنار او، دشمنی از دشمنانش را بکشد پاداش بیست شهید دارد.»^(۱)

۲ - عبدالحمید واسطی می‌گوید: به امام باقر عرض کردم: «خداوند سلامت بدارد، ما در انتظار این امر، بازارها و کسبمان را ترک کردیم تا جایی که نزدیک است بعضی از ما، به احتیاج و درخواست بیفتند.» فرمود: «ای عبدالحمید! آیا فکر می‌کنی کسی که خود را برای خدا در گرفتاری و مشقت افکنده است، خداوند، راه خلاصی برایش قرار نمی‌دهد؟ آری به خدا قسم، خدا برایش گریزگاهی از گرفتاری قرار خواهد داد، رحمت خداوند بر کسی که به خاطر ما، خود را به گرفتاری بیندازد، رحمت خداوند بر کسی که امر ما را زنده بدارد.» عرض کردم: «اگر قبل از اینکه قائم را درک کنم از دنیا بروم چطور؟» فرمود: «هر کس از شما که بگوید: «اگر من قائم آل محمد را درک کنم او را یاری می‌کنم»، او مثل کسی است که در کنار امام شمشیر زده است. و کسی که در کنار او شهید شود، دو شهادت نصیبش شده است - یا ثواب دو شهادت را دارد.»^(۲)

۳ - ابی الجارود از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند: «بدان که بنی‌امیه، سلطنتی دارند که مردم نمی‌توانند آن را از ایشان بگیرند و اهل حق، دولت و حکومتی دارند که وقتی زمان برقراری آن برسد، خداوند هر کس از ما اهل بیت را که بخواهد، ولایت می‌دهد، هر کس از شما که آن دولت و ولایت را درک کند، با ما در اوج اعلی است، و هر کس که قبل از رسیدن آن، خداوند جانش را بگیرد، خیر او را اراده فرموده است.»^(۳)

۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲، روایت ۵.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۶، روایت ۱۶.

۳ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۳۶، روایت ۴۸۶.

۴- ابو حمزه از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند: «از مسائل حتمی و تغییر ناپذیر در نزد خداوند، قیام قائم ماست و هر که در آنچه می‌گویم، شک کند، در حال کفر خدا را ملاقات خواهد کرد.» تا اینکه فرمود: «ای ابا حمزه! هر کس او را درک کند و همان‌طور که تسلیم و در اختیار محمد و علی بوده است، تسلیم و در اختیار او باشد، بهشت بر او واجب است و هر که تسلیم او نباشد از بهشت محروم است و جایگاهش جهنم است، و جایگاه ستمکاران، بد جایگاهی است.»^(۱)

گفتار ما

این احادیث نشانگر شرافت و عظمت جهاد در رکاب امام زمان علیه السلام است، اما همان‌طور که از روایت چهارم پیداست این فضل و شرف از آن کسی است که همان‌گونه تسلیم و در اختیار آن حضرت باشد که به امر پیامبر و علی تن می‌داده است.

۱۲- ۳: جنگ کنندگان با حضرت مهدی علیه السلام و کثرت کشتارهای آن حضرت

روایات

۱- ابوبصیر می‌گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: صاحب‌الامر، سنتی از موسی، و سنتی از عیسی و سنتی از یوسف و سنتی از محمد صلی الله علیه و آله را جاری می‌کند... اما سنتی که از محمد جاری می‌کند قیام به سیره آن حضرت و بیان آثار و روش آن جناب است، آن گاه، هشت ماه شمشیر بر دوش دارد و پیوسته دشمنان خدا را می‌کشد تا خدا خشنود شود.» عرض کردم: «از کجا می‌فهمد که خدا خشنود

شده است؟» فرمود: «رحم به دلش می اندازد.»^(۱)

۲ - امام صادق علیه السلام فرمود: «اهل سیزده شهر و طائفه با امام قائم نبرد می کنند: اهل مکه، اهل مدینه، اهل شام، بنی امیه، اهل بصره، اهل دشت میشان، کردها، عربها، ضبّه، غنی، باهله، ازد بصره، و اهل ری.»^(۲)

۳ - یحیی بن علاء رازی می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «... و آنقدر می کشد که افراد نادان می گویند اگر این از نسل پیامبر بود، رحم می کرد.»^(۳)

زراره می گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: «مردی از صالحین را برایم نام ببر»، منظورم قائم علیه السلام بود. امام فرمود: «نام او نام من است.» عرض کردم: «آیا طبق سیره محمد صلی الله علیه و آله عمل خواهد کرد؟» فرمود: هیهات! هیهات!، نه چنین است، ای زراره، طبق سیره او عمل نخواهد کرد.» بعد اضافه فرمود: «سیره رسول الله صلی الله علیه و آله در میان مردم، منت و رحمت و الفت با مردم بود ولی قائم علیه السلام، در بیت آنان کشتار به راه می اندازد. در مرقومه ای که نزد اوست به این کار مأمور شده است کسی را به توبه دعوت نمی کند وای بر کسی که با او دشمنی ورزد.»^(۴)

۵ - محمد بن مسلم می گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم فرمود: اگر مردم می دانستند که قائم علیه السلام وقتی خروج کند چه کشتاری از مردم به راه می اندازد بیشتر آنها دوست می داشتند که او را نبینند، بدانید که او از قریش شروع می کند و جز با شمشیر با آنها معامله نمی کند تا اینکه بیشتر مردم می گویند: «این از آل محمد نیست، اگر از آل محمد بود رحم داشت.»^(۵)

۶ - از امام صادق علیه السلام نقل شده است که ﴿كَذَّبَ بِالْحُسْنَى﴾^(۶) مقصود تکذیب

۱ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۶۸، روایت ۱۳۴.

۲ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۴، روایت ۵۳۰.

۳ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۰۴، روایت ۳۰۵.

۴ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۳۹، روایت ۵۰۰.

۵ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۳۹، روایت ۵۰۰.

۶ - لیل: ۹ - نیکی را تکذیب کرد.

ولایت علی است و مقصود از نار در آیه ﴿وَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى﴾^(۱) قائم علیه السلام است در آن هنگامی که با شمشیر قیام می کند و از هر هزار نفر نهصد و نود و نه نفر را می کشد...»^(۲)

۷- کابلی از امام سجاد علیه السلام نقل می کند: «قائم، از اهل مدینه آنقدر می کشد که به اجنفر می رسد و مردم آنجا به گرسنگی و قحطی شدید مبتلا می شوند.»^(۳)

گفتار ما

در فصل دوّم از باب دوّم، ویژگی های سفیانی - که یکی از محاربیان با امام علیه السلام است - ذکر شد، و در فصل های بعد نیز مطالبی که به صراحت و یا به طور ضمنی به این بحث مربوط باشد، خواهد آمد.

۱۳- ۳: قبیله ها و کافرانی که به دست آن حضرت کشته می شوند و نحوه رفتار امام علیه السلام با آنان

روایات

۱- عبدالله بن شریک می گوید: امام حسین علیه السلام بر گروهی از بنی امیه که در مسجد پیامبر نشسته بودند گذشت، و فرمود: «به خدا قسم!، دنیا تمام نمی شود تا اینکه خداوند از نسل من مردی را برانگیزد که هزارتا هزارتا از اینان بکشد.» عرض کردم: «اینها فرزندان فلانی هستند و تعدادشان به این حد نمی رسد.» فرمود: «ای وای بر تو، در آن زمان از نسل هر مردی فلان و فلان تعداد آدم متولد شده است به طوری که

۱- لیل: ۱۴- شما را از آتشی که زبانه کشد بیم دادم.

۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۶۸، روایت ۶۷۱.

۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۸۵، روایت ۷۹۳.

غلامانشان هم از بین خودشان هستند.»^(۱)

۲ - عبدالله بن مغیره می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «وقتی قائم آل محمد قیام کند، پانصد نفر از قریش را گردن می‌زند، بعد از آن پانصد نفر دیگر و تا شش بار این کار را تکرار می‌کند.» عرض کردم: «آیا تعداد اینها به آن حد می‌رسد؟» فرمود: «آری، از خودشان و غلامانشان.»^(۲)

۳ - ابی‌الجارود از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند: «وقتی قائم قیام کند به سمت کوفه می‌رود و چند ده هزار نفر از آنها را که تبریه نامیده می‌شوند بیرون می‌آورد» تا اینکه فرمود: «اول تا آخر آنها را به دم شمشیر می‌سپارد، سپس وارد کوفه می‌شود و هر منافق شکاکی را می‌کشد و کاخهایشان را ویران می‌کند و آن قدر از آنها می‌کشد که خدا راضی می‌شود.»^(۳)

۴ - از امام صادق در مورد آیه ﴿وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ﴾^(۴) نقل شده است که فرمود: آن قائم آل محمد است که خروج می‌کند و به خونخواهی حسین، دشمنان را می‌کشد، و اگر تمام اهل زمین را بکشد، اسراف نکرده است و در مورد: «فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ» فرمود: «کاری نمی‌کند که اسراف باشد» آری، امام صادق علیه السلام فرمود: به خدا قسم، فرزندان قاتلان حسین را به خاطر عمل پدرانیشان می‌کشد.»^(۵)

۵ - ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «... شمشیر برهنه را هشت ماه به دوش می‌کشد، از بنی‌شیه شروع می‌کند، دستهایشان را قطع می‌کند و به کعبه

۱ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۰۵، روایت ۳۰۹.

۲ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۷، روایت ۲۳۳.

۳ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۸، روایت ۲۳۷.

۴ - اسراء: ۳۳ - هر که مظلوم کشته شده است برای ولیش سلطنت و قدرتی قرار دادیم که در کشتار اسراف نکند.

۵ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۳۰، روایت ۴۵۴ - برای فهم بهتر حدیث و رفع شبهات احتمالی: به حدیث دوازدهم از فصل هفدهم همین باب مراجعه شود. مترجم.

می آویزد و منادی آن حضرت ندا می کند که: «اینان دزدان خدا هستند.» سپس به قریش می پردازد، بین او و آنها جز شمشیر چیزی حکومت نمی کند، و قائم خروج نمی کند مگر اینکه دو نوشته - کتاب - خوانده شود: نوشته ای در بصره و نوشته ای در کوفه در بیزاری از علی علیه السلام.^(۱)

۶ - مفضل بن عمر می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «وقتی قائم ما قیام کند از کسانی که شیعیان را تکذیب می کنند و دروغگو می پندارد شروع می کند و آنها را می کشد.»^(۲)

۷ - ابوبصیر از امام صادق علیه السلام در مورد آیه: ﴿فَاضْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ﴾^(۳) نقل می کند که فرمود یعنی ای محمد، تو را تکذیب می کنند و در برابر تکذیبشان صبر پیشه کن، من به وسیله مردی از نسل تو از آنها انتقام می کشم، او قائم من است که بر خون ستمکاران مسلطش کرده ام.»^(۴)

۸ - ابو حمزه ثمالی از امام صادق علیه السلام نقل می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله در حدیثی به علی علیه السلام فرمود: «بدان که پسر من از کسانی که به تو و شیعیانت ستم کرده اند انتقام می گیرد و خداوند در آخرت آنها را عذاب می نماید...»^(۵)

۹ - جابر بن عبدالله انصاری از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می کند: «... سپس عیسی می میرد و مهدی منتظر آل محمد صلی الله علیه و آله باقی می ماند، در دنیا به راه می افتد، شمشیرش را بر دوش می کشد و یهود و نصاری و اهل بدعت را می کشد.»^(۶)

۱ - اثبات الهداة، ص ۵۴۵، روایت ۵۳۳.

۲ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۶۱، روایت ۶۳۰.

۳ - طه: ۱۳۰ و ق: ۳۹ - بر آنچه می گویند [و بر تلخی و سختی و ناحق بودنش] صبر کن.

۴ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۶۴، روایت ۶۴۸.

۵ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۶۹، روایت ۶۷۹.

۶ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۸۷، روایت ۸۰۴.

گفتار ما

در فصل دهم نیز روایاتی در همین زمینه ذکر شد و در فصلهای آینده نیز نظیر همین روایات خواهد آمد.

با توجه به این روایات، معلوم می شود که برای تعجب و بعید دانستن این مطلب که در حدیث ششم از فصل دوازدهم می فرماید وقتی قائم قیام کند از هر هزار نفر، نهصد و نود و نه نفر را می کشد، جایی باقی نمی ماند.

۱۴-۳: سلاح و ادوات جنگی حضرت مهدی علیه السلام

روایات

۱- حارث اعور همدانی می گوید: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «پدرم فدای پسر بهترین کنیزان باد - یعنی قائم از نسل آن حضرت - ذلت را به آنها (دشمنان اهل بیت) می چشاند و جام خفت را به آنها می نوشاند و جز شمشیر چیزی نصیبشان نمی کند.» تا اینکه فرمود: «از آنها دست بردار نیست تا اینکه خدا راضی شود.»^(۱)

۲- ابوبصیر از امام باقر علیه السلام نقل می کند: «... کار او جز با شمشیر نیست، هیچکس را به توبه دعوت نمی کند و در راه خدا و دین او از سرزنش هیچکس پروایی ندارد.»^(۲)

۳- بشیر نبال از امام صادق علیه السلام نقل می کند: «وای بر این مرجئه!، فردا که قائم ما قیام کند، اینها به چه کسی پناه خواهند برد؟» تا اینکه فرمود: «به خدایی که جانم در دست اوست، مثل قصابی که سرگوسفندش را می برد، آنها را سر خواهد برید» و به حلقش اشاره فرمود، یعنی این طور ذبحشان می کند.»^(۳)

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۳۹، روایت ۴۹۷.

۲ و ۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۴۰، روایت ۵۰۲؛ و ص ۵۴۳، روایت ۵۲۴.

۴ - امام صادق علیه السلام فرمود: «... ما بر شیوه پیامبر صلی الله علیه و آله هستیم تا اینکه خداوند تعالی اجازه دهد که دینش با شمشیر بر همه غالب شود، آن‌گاه ما مردم را به دین فرا می‌خوانیم و همان‌گونه که در آغاز پیامبر بر روی آنها شمشیر کشید ما هم برای بازگشت به دین، آنها را با شمشیر می‌کشیم.»^(۱)

۵ - در نوشته‌ای به خط امام حسن عسکری علیه السلام آمده است: «... حجت خدا بر مردم، با شمشیر برهنه ظهور خواهد کرد تا حق را غلبه بخشد...»^(۲)

۶ - در نوشته دیگری به خط امام عسکری علیه السلام : «... بزودی شمشیر و قلم در بین ما حاکم می‌شود...»^(۳)

گفتار ما

در روایت دوم از فصل ششم این باب آمده بود که قائم به سنت محمد با شمشیر خروج می‌کند، و در روایت سوم ذکر شد که شباهت قائم به جدش از نظر خروج با شمشیر و کشتن دشمنان خدا و رسول، و نیز ستمکاران و سرکشان و یاری شدن آن حضرت به وسیله شمشیر و رعب در دل دشمن است، و در فصل نهم از قول امام صادق ذکر شد که قائم دوازده هزار رزه و شمشیر از دشت کوفه خارج می‌نماید و در فصل دوازدهم آمد که با قریش جز با شمشیر رفتار نمی‌کند.

از ظاهر این روایات بر می‌آید که خداوند اراده کرده است که همان‌گونه که پیامبران پیشین و پیامبر خود ما - صلی الله علیه و آله اجمعین - را یاری کرده، حضرت حجت را نیز به همان شیوه، یاری کند و بر دشمن پیروز نماید، از این روست که هرچه پیش آنها بوده است در خدمت حضرت حجت، وجود دارد و آن حضرت هم به همان نحو که پیامبران، از آن وسایل استفاده کرده‌اند، از آنها بهره می‌برد و بنابراین چاره‌ای نیست جز اینکه بگوییم: آلات و ابزارهای معمول

۱ - بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۲۵۴، روایت ۲۹.

۲ - بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۲۶۴، روایت ۴۹.

۳ - بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۲۶۴، روایت ۵۰.

و رایج در زمان ما و یا آنچه از وسایل جنگی و ارتباطی پیشرفته که انسان، در آینده، خواهد ساخت، در زمان ظهور امام علیه السلام، بدون استفاده خواهد ماند و از رونق خواهد افتاد، حال ممکن است این مسأله به خاطر علت‌های معنوی باشد یا علت‌های ظاهری و مادی که باعث خواهد شد آنها از کار بیفتند. در هر حال فقط خداوند به حقیقت اوضاع آگاه است و بس.

۱۵-۳: وضع کفر و شرک و شیطان پس از قیام حضرت مهدی علیه السلام

آیات قرآن

- ۱ - ﴿وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَىٰ أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ، فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ﴾^(۱)
- ۲ - ﴿وَقَالَتِ الْيَهُودُ يُدَاهِلُ يُدَاهِلُ مَغْلُوبَةً. غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا... وَالْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ﴾^(۲)

روایات

- ۱ - جابر می‌گوید: من نزد امام باقر علیه السلام بودم که مردی خدمت ایشان رسید و عرض کرد: «رحمت خدا بر تو باد! این پانصد درهم را که زکات مال من است بگیر و در هر راهی مصلحت می‌دانی مصرف بفرما.» امام باقر علیه السلام فرمود: «نه، خودت برادر و بین همسایگان و بین یتیمان و درماندگان و برادران مسلمانان تقسیم کن. وقتی

۱ - مائده: ۱۴ - از آنان که گفتند معتقد به آئین عیسی هستیم، پیمان گرفتیم، آنها بهره‌برگاری از آنچه به ایشان یادآوری شده بود از دست دادند و ما آتش دشمنی و کینه را تا قیامت در میان ایشان در انداختیم و بزودی خداوند، ایشان را به آنچه انجام می‌داده‌اند آگاه خواهد ساخت.

۲ - مائده: ۶۴ - یهود گفتند: دست خدا بسته است، دست خودشان بسته و به کیفر آنچه گفتند، لعنت و دورباش از رحمت پروردگار بر آنان باد... و دشمنی و کینه را تا قیامت، در میان ایشان در انداختیم!

قائم ما قیام کند، این طور خواهد بود که به طور مساوی تقسیم شده و بین بندگان نیکوکار و بدکار خدا، به عدالت رفتار می شود؛ هر کس از آن حضرت اطاعت کند، از خدا اطاعت کرده و هر کس از آن حضرت سرپیچد، نافرمانی خدا را انجام داده است، همانا، آن حضرت، مهدی نامیده شده است، زیرا به امری پنهان از مردم راهنما می شود، تورات و دیگر کتب آسمانی را از غاری در انطاکیه بیرون می آورد، آن گاه در میان اهل تورات، به تورات، در میان اهل انجیل به انجیل، در میان اهل زبور به زبور و در میان اهل قرآن، به قرآن حکم می کند. «تا آنجا که فرمود: «و رسول الله ﷺ فرمود: او مردی از نسل من است، نام او نام من است، خداوند مرا با وجود او حفظ می کند، به سنت من رفتار می نماید، زمین را پس از آنکه از ستم و نادارستی پر شد از داد و روشنی سرشار می نماید.»^(۱)

۲ - ابوبصیر می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «در دوره آن حضرت (مهدی) با اهل ذمه چگونه رفتار می شود؟» فرمود: «با آنها از سرآشتی و مسالمت، رفتار می شود همان طور که پیامبر با آنان از سر مسالمت رفتار کرد.» عرض کردم: «کسی که با شما دشمنی ورزد چطور؟» فرمود: «نه ای ابامحمد! کسی که با ما مخالفت کند، در دولت ما بهره ای ندارد، خداوند، در زمان قیام قائم، خون آنها را بر ما حلال کرده است، امروز که ریختن خونشان بر ما و شما حرام است نباید موجب فریفته شدن کسی گردد، وقتی قائم ما قیام کند انتقام خدا و پیامبر و همه ما را خواهد گرفت.»^(۲)

۳ - سلام بن مستنیر می گوید: شنیدم امام باقر علیه السلام فرمود: «وقتی قائم قیام کند، ایمان را بر همه دشمنان عرضه می کند، هر کس پذیرفت و در آن داخل شد، در امان است، وگرنه یا گردن زده می شود یا آن طور که امروز، اهل ذمه جزیه می دهند، جزیه پرداخت می کند، او علیه السلام - کمر خویش محکم می بندد - و با عزمی جزم - آنان را از

۱ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۹، روایت ۲.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۶، روایت ۱۷۷.

شهر و دیار خود بیرون می راند.

۴- در حدیث مکحول از امیرالمؤمنین علیه السلام در باره فضایل حضرت مهدی علیه السلام نقل شده است که فرمود: «وَأَمَّا بِنَجَاهِ وَ سَوْمِ أَيْنَكِهِ، خَدَاوَنَد، دَنِيَا رَا بَه آخِر نَخَوَاهِد بَرَد تَا أَيْنَكِهِ قَائِم مَّا قِيَام كُنَد، دَشْمَنَان مَّا رَا مِي كَشَد، وَ جَزِيَه نَمِي پَذِيرَد، صَلِيب وَ بَت رَا دَرَهْم مِي شَكُنَد، آتَش جَنَگ فِرَوَكَش مِي كُنَد، مَرْدَم رَا بَرَاي گِرَفْتَن مَال فَرَا مِي خَوَانَد وَ آن رَا بَه طَوْر مَسَاوِي تَقْسِيم مِي كُنَد وَ بَيْن مَرْدَم بَه عَدَالَت رِفْتَار مِي نَمَايَد.»^(۱)

۵- ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل می کند: «هیچ مکانی از مکانهایی که در آن غیر خدا پرستیده شده است باقی نمی ماند مگر اینکه خدا در آن پرستیده می شود و برخلاف میل مشرکان، دین تماماً، دین خدا می شود.»^(۲)

۶- حسین بن خالد از امام رضا علیه السلام نقل می کند: «... چَهارمین فرزند از نسل من، پسر سرور کنیزان عالم است، خداوند به واسطه او زمین را از بیداد پاک کرده و از هر ستمی پاکیزه می کند، اوست که مردم در ولادتش تردید می نمایند و او قبل از خروجش، غایب است.»^(۳)

۷- عبدالعظیم حسنی از امام جواد علیه السلام نقل می کند که فرمود: «قائم، آن امامی است که خداوند به وسیله او زمین را از کفر و انکار حق پاک می کند و آن را از عدل و داد سرشار می نماید، او همان کسی است که ولادتش از مردم پنهان و جسمش از دیده آنها غایب است.»^(۴)

۸- ابوبصیر می گوید: امام صادق علیه السلام در باره آیه: ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾^(۵) فرمود: «به خدا قسم، حقیقت و

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۶، روایت ۲۶۰.

۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۳، روایت ۱۵۲.

۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۷، روایت ۱۷۲.

۴- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۸، روایت ۱۷۵.

۵- توبه: ۳۳ و صف: ۹- او خدایی است که پیامبرش را برای هدایت مردم به دین حق بر می انگیزد تا بر

باطن آیه تاکنون نازل نشده و نازل نخواهد شد تا اینکه امام قائم خروج کند، و آن‌گاه که امام قائم علیه السلام خروج کند هیچ شخص کافر به خدای بزرگ یا منکر امام، باقی نمی‌ماند مگر اینکه از خروج امام علیه السلام ناراحت است و کار به جایی می‌رسد که اگر کافری در دل سنگ بزرگی پنهان شده باشد آن سنگ، خطاب به یاران امام علیه السلام صدا می‌زند: «ای مؤمن، در دل من شخص کافری پنهان شده است، مرا بشکن و او را بکش.»^(۱)

۹ - امام حسن علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «در آخرالزمان و دوران سختی و شدت روزگار و نادانی مردم، خداوند مردی را برمی‌انگیزد و او را به وسیله فرشتگان یاری می‌کند و یارانش را حفظ می‌نماید و با آیات الهی مدد می‌کند و بر مردم زمین مسلط می‌سازد تا اینکه به میل خودشان یا با ناخوشی به دین خدا سرتسلیم فرود می‌آورند، او زمین را از دادگری و روشنی و عقل و منطق و دلایل واضح و روشن‌گر، پر می‌کند و سرتاسر زمین تسلیم او می‌شوند به طوری که هر کافری ایمان می‌آورد و هر بدکاری نیکوکار می‌شود و در تحت حکومت او درندگان در صلح و مسالمت زندگی می‌کنند.»^(۲)

۱۰ - طبرسی در مجمع‌البیان در تفسیر آیه ﴿لَيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾ می‌نویسد: زراره و دیگران از امام صادق علیه السلام نقل کرده‌اند که فرمود: حقیقت و باطن این آیه هنوز نیامده است، وقتی قائم ما قیام کند هر کس او را درک کند حقیقت این آیه را می‌بیند، و تا هر جا که شب و تاریکی سایه می‌اندازد دین محمد گسترش می‌یابد به طوری که دیگر شرک بر روی زمین باقی نمی‌ماند.^(۳)

۱۱ - رفاعه بن موسی می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که در باره آیه: ﴿وَلَهُ

→ تمام ادیان پیروز شود، هرچند مشرکان آن را ناخوش دارند.

۱ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۲، روایت ۲۳۹.

۲ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۴، روایت ۴۱۴.

۳ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۴، روایت ۴۱۶.

أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً ﴿١﴾ فرمود: «وقتی قائم قیام کند هیچ زمینی نیست مگر اینکه در آن ندای، شهادت به یگانگی خداوند و رسالت حضرت محمد بلند است.» ﴿٢﴾

۱۲- از ابن بکیر نقل شده است که گفت از امام کاظم علیه السلام در باره آیه: ﴿وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾ ﴿٣﴾ سؤال کردم، امام علیه السلام فرمود: «این آیه در باره قائم علیه السلام نازل شده است که یهود و نصاری و ستاره پرستان و بی دینان و مرتدان و کافران شرق و غرب عالم را از پناهگاههایشان بیرون می کشد و اسلام را به آنها عرضه می کند، آنگاه هر کس به میل خود اسلام آورد او را به نماز و پرداخت زکات و انجام آنچه بر یک مسلمان واجب است امر می کند و اگر اسلام نیاورد گردنش را می زند تا در شرق و غرب عالم جز موحد خداپرست کسی باقی نماند...» ﴿٤﴾

۱۳- امام رضا علیه السلام از پدران بزرگوارش از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می فرماید: رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در حالی که از سؤالی که در شب معراج از خداوند تبارک و تعالی در مورد حق جانشینانش پرسیده بود یاد می کرد فرمود: خدای تعالی فرمود: به عزت و جلالم سوگند که به دست آنان دین خود را بر همه پیروز نمایم و کلمه ام را به دست آنان برکشم و به دست آخرین آنها، زمین را از دشمنانم پاک کنم و او را بر شرق و غرب زمین مسلط نمایم و باد را تحت اراده او قرار دهم و ابرهای قدرتمند را مقهور وی نمایم، و قدرت او را در بکارگیری اسباب امور بالا برم و او را با لشگریانم یاری دهم و با فرشتگانم کمک کنم تا دعوت به من بالا گیرد و مردم بر وحدانیت من گرد آیند، آنگاه حکومت او را دوام بخشم و چرخ ایام را تا روز قیامت در دست اولیائم

۱- آل عمران: ۸۳- آنچه در آسمانها و زمین است خواه ناخواه تسلیم اوست.

۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۴۹، وایت ۵۵۱.

۳- آل عمران: ۸۳- آخر آیه به این صورت است: ﴿إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ﴾.

۴- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۴۹، روایت ۵۵۲.

دست به دست بگردانم»^(۱)

۱۴ - مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام پرسید: «... مولای من! اینکه خداوند می فرماید: ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾^(۲) مگر پیامبر صلی الله علیه و آله بر ادیان پیروز نشد؟» امام علیه السلام فرمود: ای مفضل! اگر پیامبر بر ادیان پیروز شده بود، از آتش پرستان، یهودیان، ستاره پرستان، مسیحیان، و از تفرقه و دوگانگی و شک و پرستندگان بت‌های سنگی و چوبی و بت‌های دیگر و پرستندگان لات و عزّی و خورشید و ماه و ستارگان و آتش و سنگ، اثری نبود، اینکه خداوند فرموده است: ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾ مربوط به روز ظهور و حضرت مهدی و رجعت است و همچنین است اینکه می فرماید: ﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ﴾^(۳) مربوط به چنین روزی است»^(۴)

۱۵ - امام باقر علیه السلام در روایتی طولانی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می فرماید که در روز عید غدیر فرمود: «مردم! من پیامبرم و علی جانشین من است، آخرین امام ما مهدی قائم است؛ بدانید که او بر ادیان غلبه می کند، از ستمکاران انتقام می کشد، دژهای کفر و شرک را فتح کرده و نابود می سازد...»^(۵)

۱۶ - وهب بن جمیع می گوید در باره آیه: ﴿إِنَّكَ مِنَ الْمُنْتَظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ﴾^(۶) از امام صادق علیه السلام سؤال کردم و گفتم: «فدایت شوم! این وقت معلوم چه روزی است؟» امام علیه السلام فرمود: «ای وهب آیا فکر می کنی که آن روز، مقصود روز قیامت است؟، - چنین نیست - خداوند به او - ابلیس - تا روزی که قائم ما قیام کند مهلت داده است، وقتی خداوند، قائم ما را برانگیزد، او در مسجد کوفه است که

۱ - بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۳۳۷، از روایت ۱.

۲ - توبه: ۳۳ - تا اینکه او را بر همه ادیان پیروز کند.

۳ - انفال: ۳۹ - آنها را بکشید تا اینکه فتنه و آشوبی در زمین باقی نماند و دین خدا تماماً غالب شود.

۴ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۳، از روایت ۱.

۵ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۵۸، روایت ۶۱۳.

۶ - حجر: ۲۷ و ۳۸، ص: ۷۹ و ۸۰ - هر دو آیه به این صورت است: ﴿فَأَنَّكَ مِنَ الْمُنْتَظَرِينَ﴾.

ابلیس می آید و در برابرش زانو می زند و می گوید: «ای وای از امروز»، آن گاه قائم علیه السلام موی پیشانی اش را می گیرد و گردن می زند، و آن روز، روز وقت معلوم است.^(۱)

۱۷ - جابر در مورد آیه ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى﴾^(۲) از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: «حکومت ابلیس تا روز قیامت است و آن، روز قیام قائم است و ﴿وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى﴾^(۳) همان قیام قائم است...»^(۴)

گفتار ما

اختلافی که در بیان روایات وجود دارد باعث شده است که بین دانشمندان بزرگ، در این مورد که آیا در عصر امام علیه السلام، شرک و کفر و گناه و تمرد باقی می ماند یا خیر، اختلاف پیدا شود.

ضمن اینکه باید اعتراف کرد که فقط خداوند به حقیقت امور آگاه است، راه جمع بین روایات و استفاده از همه آنها را این می دانیم که گفته شود: مقصود از قیامت در دو آیه ای که در اول فصل از سورة مائده نقل شد ایام ظهور حضرت مهدی علیه السلام است، چنانکه در دو روایت آخر، عبارت «الْوَقْتُ الْمَعْلُومُ» و «يَوْمَ الْقِيَامَةِ» به زمان ظهور حضرت حجت علیه السلام تفسیر شده است. و مقصود سه روایت اول که بر باقی بودن کفر و بدکاری و تمرد دلالت می کند، بیان نحوه رفتار حضرت حجت علیه السلام در آغاز کار است، چنانکه حدیث دوم از فصل هفدهم همین باب چنین می گوید، و آنچه به وضوح دلالت بر باقی نبودن کفر و انکار و تمرد می کند مربوط به دوره تحکیم و تثبیت حاکمیت حضرت حجت علیه السلام است.

آنچه در تعدادی از روایات غیبت آمده که: «زمین را همان گونه که از ستم و بیداد پر شده است از عدل و داد سرشار می نماید» شاهد و دلیل خوبی بر این است که

۱ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۵۱، روایت ۵۶۷.

۲ و ۳ - لیل: ۱ و ۲ - سوگند به شب، آنگاه که تاریکی فراگیر می شود و سوگند به روز هنگامی که درخشش پیدا می کند.

۴ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۶۶، روایت ۶۶۲.

کفر و شرک و تمرد باقی نمی ماند، زیرا ظلم و جور از آثار و نتایج کفر و شرک و تمرد است و عدل و داد از آثار و نتایج توحید و ایمان است و نبودن ظلم و ستم نتیجه باقی نبودن کفر و شرک و عصیان است. و اگر کسی با دقت و تأمل در روایات مربوط به این موضوع دقت کند به این نوع جمع بین روایات خواهد رسید.

از سوی دیگر روایاتی که دلالت می کند که در زمان رجعت بین امامان معصوم علیهم السلام و مؤمنان رجعت کننده، با کفار رجعت کننده و شیطان و فرزندانش جنگ واقع می شود با روایاتی که می گوید که شیطان به دست امام قائم علیه السلام کشته می شود منافاتی ندارد زیرا با توجه به احادیث رجعت که بیانگر رجعت مؤمنان ناب و کافران محض است، شیطان و پیروانش نیز رجعت خواهند کرد و با اینکه یک بار به دست امام قائم علیه السلام کشته شده است بار دیگر به دست پیامبر صلی الله علیه و آله کشته خواهد شد. ^(۱)

روایتهای عبدالکریم بن عمرو خثعمی و سلمان که در فصل هشتم از باب چهارم خواهد آمد نیز بر رجعت شیطان و پیروانش دلالت می کنند.

۱۶- ۳: محلّ حکومت و سکونت حضرت حجت علیه السلام

روایات

۱- در سؤالی که مفضل بن عمر درباره حضرت مهدی منتظر علیه السلام، از امام صادق صلوات الله علیه پرسیده چنین آمده است: «... عرض کردم آقای من! خانه حضرت مهدی و محل گردهمایی مؤمنان کجاست؟ امام علیه السلام فرمود: محل حکومتش کوفه و محل قضاوتش، مسجد کوفه است، بیت المال و محل تقسیم غنائم مسلمانان، مسجد سهله و محل خلوت و عبادتش شنزارهای اطراف کوفه است.

۱- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۲، ذیل روایت ۱۲.

مفضل می گوید: «آقای من آیا همه مؤمنان در کوفه خواهند بود؟ امام علیه السلام پاسخ می فرماید: آری به خدا قسم! هیچ مؤمنی نیست مگر اینکه یا در کوفه است یا در اطراف آن، بهای مختصر زمینی از آن که اسبی در آن جای گیرد به دوهزار درهم می رسد و بیشتر مردم دوست دارند که یک وجب از زمین منطقه سبع از ناحیه همدان در نزدیکی کوفه را به یک وجب طلا بخرند، گستردگی کوفه به پنجاه و چهار میل رسیده و خانه های آن به کربلا وصل می شود و کربلا اردوگاه و محل رفت و آمد فرشتگان و مؤمنان و دارای مقامی بلند و برکاتی زیاد است که اگر مؤمنی در آن جا اقامت کند و خدا را بخواند، با یک بار دعا کردن، خداوند، چیزی به قدر هزار برابر ملک دنیا به او عطا می فرماید...»^(۱)

۲- ابوبصیر می گوید: امام صادق به من فرمود: «ای ابامحمد! گویا که ساکن شدن قائم و اهل و عیالش در مسجد کوفه را می بینم.» عرض کردم: فدایت شوم خانه اش آن جاست؟ فرمود: آری، خانه ادریس و ابراهیم خلیل الرحمن هم آن جا بود و خداوند پیامبری را مبعوث نکرد مگر اینکه در آن مسجد نماز خواند، و خانه خضر در آن است و کسی که در آن مسجد اقامت کند مثل کسی است که در خیمه پیامبر صلی الله علیه و آله اقامت کرده است و هیچ مرد و زن مؤمنی یافت نمی شود مگر اینکه دلش برای آن می تپد.» عرض کردم: فدایت شوم آیا هیچ وقت قائم، از میان آن نمی رود؟ فرمود: «آری می رود» عرض کردم: پس بعد از او چه می شود؟ فرمود: «بعد از او هم همین طور است تا زمانی که عالم خلق کاملاً به پایان برسد...»^(۲)

۳- ابو خالد کابلی می گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: «وقتی قائم وارد کوفه شود هیچ مؤمنی نیست مگر اینکه یا در کوفه است یا به سمت کوفه می آید چنانکه امیرالمؤمنین علیه السلام به یارانش می فرماید: «به سمت این مرد سرکش برویم و آن گاه به سمت کوفه راه می افتد.»^(۳)

۱- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۱، از روایت ۱.

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۱، روایت ۱۹۱.

۳- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۰، روایت ۵۱.

۴ - حَبّه عرنی می گوید: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: گویا شیعیانمان را در مسجد کوفه می بینم که خیمه زده اند و قرآن را همان گونه که نازل شده است به مردم یاد می دهند؛ بدانید که وقتی قائم قیام کند، مسجد را خراب کرده و قبله اش را درست می نمایند.^(۱)

۵ - حسن بن محبوب از بعضی از راویانی که از آنها نقل می کند از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: «گویا قائم علیه السلام را می بینم که بر منبر کوفه نشسته است، از جیب قبایش نامه ای که به طلا مهر شده است بیرون می آورد، باز می کند و برای مردم می خواند و مردم مثل گله گوسفندی که بگریزند از دور او پراکنده می شوند و غیر از نقباء و برگزیدگان، کسی باقی نمی ماند، آن گاه سخنی می فرماید که قبل از اینکه به جایی پناه ببرند به سوی او بر می گردند، و من می دانم که آن سخن چیست.»^(۲)

۶ - اصبع بن نباته در حدیثی در باره فضیلت مسجد کوفه، از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می کند که فرمود: «زمانی خواهد آمد که آن جا، نمازخانه مهدی از نسل من و نمازخانه هر مؤمنی خواهد برد، و هیچ مؤمنی در روی زمین باقی نمی ماند مگر اینکه یا در آن جاست یا دلش برای آن می تپد.»^(۳)

۷ - مفضل بن عمر می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «گویا قائم علیه السلام را بر منبر کوفه می نگرم که سیصد و سیزده نفر از یارانش، به تعداد مجاهدان بدر، که صاحب پرچم و حاکمان روی زمین، هستند، اطرافش را فرا گرفته اند...»^(۴)

۸ - جابر از امام باقر علیه السلام نقل می کند که فرمود: «وقتی قائم ظهور کند و وارد کوفه شود، خداوند از ورای کوفه هفتاد هزار صدیق را برمی انگیزد که درین یاران و

۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۴، روایت ۱۳۹.

۲ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۵۰، روایت ۵۷.

۳ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۵۲، روایت ۶۶.

۴ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۴، روایت ۲۴۷.

دوستان آن حضرت باشند.»^(۱)

۹- مفضل بن عمر می گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام فرمود: «وقتی قائم آل محمد قیام کند در کوفه مسجدی خواهد ساخت که هزار در داشته باشد و خانه های کوفه به رودخانه کربلا وصل خواهد شد.»^(۲)

۱۰- ابوالجارود در حدیثی طولانی از امام باقر علیه السلام نقل می کند که فرمود: «وقتی قائم قیام کند به سمت کوفه به راه می افتد» تا اینکه فرمود: «آن گاه وارد کوفه می شود و تمام منافقان شکاک را می کشد و خانه هایشان را ویران می کند و آنقدر از آنان می کشد تا خداوند عز و جل خشنود شود.»^(۳)

۱۱- محمد بن احمد فتال در روضة الواعظین روایت می کند: امام باقر علیه السلام در روایتی فرمود: «وقتی قائم قیام کند به طرف کوفه به راه می افتد و چهار مسجد را در آن جا ویران می کند.»^(۴)

گفتار ما

پاره ای از احادیث مربوط به موضوع را ذکر کردیم، در مورد کوفه روایات دیگری هم آمده است که دلالت می کند بر اینکه در آخر الزمان، کوفه و قم از لحاظ فضیلت و انتخاب آنها برای سکونت،^(۵) یکسان هستند که ما به نقل یکی از آنها بسنده می کنیم:

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «وقتی که مصیبتها عمومی و همه گیر شود امنیت را باید در کوفه و شهرهای اطراف آن و در قم و کوههای اطراف آن جستجو

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۸۴، روایت ۷۸۸.

۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۷، روایت ۴۳۰.

۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۵۵، روایت ۵۹۵.

۴- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۵۹، روایت ۶۱۹.

۵- به بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۰۱، باب ۳۶ مراجعه نمایید.

کرد و قم برای کسی که از ترس سرگردان است جای خوبی است.»^(۱)

۱۷-۳: روش و سیره امام مهدی علیه السلام بعد از ظهور و مقایسه آن با صدر اسلام و دوره غیبت

روایات

۱- ابو خدیجه می گوید: از امام صادق علیه السلام درباره قائم سؤال شد. امام علیه السلام فرمود: همه ما یکی پس از دیگری قائم به امر خدا هستیم تا اینکه صاحب شمشیر بیاید، وقتی صاحب شمشیر بیاید به امری غیر از امر سابق قیام می کند.»^(۲)

۲- محمد بن مسلم می گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم که سیره و روش عمل امام قائم علیه السلام در بین مردم چگونه است؟ امام علیه السلام فرمود: «به همان سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عمل می کند تا اسلام پیروز شود.» عرض کردم: سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چه بود؟ فرمود: آنچه در جاهلیت بود باطل و منسوخ کرد و مردم را به عدالت دعوت کرد، قائم نیز چنین می کند، آنچه در دوره آرامش و صلح زمان غیبت رایج بوده باطل می کند و آنها را به عدل دعوت می نماید.»^(۳)

۳- عبدالله بن فضل هاشمی از امام صادق علیه السلام از پدرش از جدش از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند که فرمود: «قائم از نسل من است... مردم را بر دین و آیین من بپا دارد و آنها را به کتاب خدا دعوت می کند، هر که از او اطاعت کند از من اطاعت کرده و هر کس از او سرپیچی کند از من سرپیچی کرده است...»^(۴)

۴- عبدالله بن زراره از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: «شما باید مطیع ما

۱- به بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۴، روایت ۲۸.

۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۴۸، روایت ۴۷.

۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۵۴، روایت ۷۶.

۴- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۸۲، روایت ۱۹.

باشید و امور دین و حکومت را به ما واگذارید و منتظر امر ما و خودتان و فرج ما و فرج خودتان باشید، وقتی قائم ما قیام کند و سخنگوی ما سخن بگوید، قرآن و احکام دین را همان گونه که بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده است از نو به شما می آموزد، در آن روز حتی روشن بینان شما به شدت اهل انکار هستند، شما جز وقتی شمشیر بر گردنهایتان مسلط باشد به دین خدا پایبند نخواهید بود، بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله خداوند سنت پیشینیان را بر مردم مسلط کرد و آنها در دین خدا تغییر و تبدیل و کم و زیاد ایجاد نمودند و امروز هیچ چیزی وجود ندارد مگر اینکه از مسیر وحی منحرف شده است، خدا رحمت کند، وقتی فراخوانده شدی به آنجا که رشد داده می شوی رو کن تا کسی که دین خدا را از نو برایتان می آورد بیاید.»^(۱)

۵ - ابوبصیر می گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: «قائم کتابی جدید، امری جدید و حکمی جدید می آورد و بر عرب سخت می گیرد...»^(۲)

۶ - فضیل بن یسار می گوید: شنیدم امام باقر علیه السلام می فرماید: «وقتی قائم ما قیام کند بیش از آنچه که پیامبر با جهل و نادانی جاهلیت روبرو شد، با جهل و نادانی مردم روبرو خواهد شد.» عرض کردم: «چگونه چنین است؟» فرمود: «وقتی رسول الله صلی الله علیه و آله به سوی مردم آمد، آنها سنگ و صخره و چوب و مجسمه های چوبی را می پرستیدند و هنگامی که قائم ما قیام کند، مردم کتاب خدا را برای او تأویل می کنند و با استدلال به آن در برابر امام می ایستند.» سپس فرمود: «بدانید، همان طور که سرما و گرما به داخل خانه هایشان نفوذ می کند، عدالت او به درون خانه هایشان راه خواهد یافت.»^(۳)

۷ - ابی الجارود در مورد آیه ﴿الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْا الزَّكَاةَ﴾^(۴) از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: «این آیه از آل محمد، مهدی

۱ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۶۰، روایت ۶۲۸.

۲ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۴۰، روایت ۵۰۲.

۳ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۴۴، روایت ۵۲۹.

۴ - حج: ۴۱ - کسانی که وقتی به آنان در زمین قدرت دادیم، نماز را به پا می دارند و زکات را ادا می کنند.

و یارانش است، خداوند شرق و غرب زمین را به تصرف آنها در می آورد، به واسطه او دین را غالب می کند و همان طور که جهل و نادانی، حق را نابود کرده است، خداوند بدعت و باطل را به دست او و یارانش می میراند به طوری که رد و نشانی از ستم دیده نمی شود، آنها امر به معروف و نهی از منکر می کنند و سرانجام نیک از آن خدا و خداپرستان است.»^(۱)

۸- ابوبصیر درباره آیه ﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا﴾^(۲) از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: «اگر امامتان پنهان شود چه کسی امامی آشکار برای شما خواهد آورد که از اخبار آسمان و زمین و حلال و حرام خدا، شما را مطلع کند؟»^(۳)

۹- جابر می گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: «به خدا قسم دنیا به آخر نمی رسد تا اینکه خداوند مردی از ما اهل بیت را برانگیزد که به کتاب خدا عمل می کند و هیچ منکری را نمی یابد مگر اینکه او را زشت می شمارد.»^(۴)

۱۰- ابو بصیر از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: «وقتی قائم قیام کند مسجد الحرام و مسجد پیامبر و مسجد کوفه را پی می کند - و از نو بنا می کند...»^(۵)

۱۱- در نامه ای که حسن بن طریف از امام عسکری علیه السلام دریافت کرده آمده است: «... در مورد قائم سؤال کردی و اینکه وقتی بین مردم داوری کند مثل حضرت داوود به علم خودش قضاوت می کند و شاهد و دلیل نمی خواهد...»^(۶)

۱۲- صالح هروی می گوید: به امام رضا علیه السلام عرض کردم: «یا بن رسول الله درباره حدیثی که از امام صادق علیه السلام نقل شده که وقتی قائم خروج کند فرزندان قاتلان امام

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۶۳، روایت ۶۴۱.

۲- ملک: ۳۰- بگو اگر آبی که می آشامید - فرو رود - چه خواهید کرد؟ -

۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۶۸، روایت ۶۷۶.

۴- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۸۸، روایت ۸۰۵.

۵- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۴۹، روایت ۵۱.

۶- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۰۳، روایت ۱۵.

حسین علیه السلام را می‌کشد، چه می‌فرمائید؟ آن حضرت فرمود: همین طور است، عرض کردم: پس معنی آیه شریفه ﴿وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى﴾^(۱) چه می‌شود؟ فرمود: «تمام گفته‌های خداوند راست است اما نسل قاتلان حسین علیه السلام به آنچه پدرانشان کرده‌اند راضی هستند و به آن افتخار می‌کنند و هر کس به چیزی راضی باشد مثل کسی است که آن را انجام داده است، و اگر کسی در شرق عالم کشته شود و در غرب دنیا کسی به قتل او راضی باشد در پیشگاه خداوند شریک قاتل خواهد بود و قائم علیه السلام که فرزندان قاتلان حسین علیه السلام را می‌کشد به خاطر این است که از کرده پدرانشان خشنود هستند؛ عرض کردم قائم شما از کجا و چگونه شروع می‌کند؟ فرمود: از بنی شبیه شروع می‌کند و دستهایشان را قطع می‌نماید چون آنها دزدان خانه خدای تعالی هستند.»^(۲)

۱۳ - محمد بن سنان به نقل از مردی در باره آیه ﴿وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ﴾^(۳) از قول امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «آن قائم آل محمد علیه السلام است که به خونخواهی حسین قیام می‌کند و اگر همه اهل زمین را بکشد اسراف نکرده است، و اینکه خدا فرموده است: ﴿فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ﴾ یعنی کاری انجام نمی‌دهد که اسراف باشد...»^(۴)

۱۴ - فرات بن احنف از امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش از علی علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «بدانید که به خدا سوگند، من و این دو پسرم کشته می‌شویم و خداوند در آخرالزمان مردی از نسل من بر می‌انگیزد که خونخواهی ما را می‌کند، به خاطر اینکه گمراهان از رهیافتگان مشخص شوند، از دید مردم پنهان می‌شود تا جایی که نادانان می‌گویند: «خداوند - برای برانگیختن امام غایب - به آل محمد

۱ - انعام: ۱۶۴، اسراء: ۱۵ و فاطر: ۱۸ - هیچ باربری مسئول حمل بار شخص دیگری نیست.

۲ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۵۵، روایت ۸۳.

۳ - اسراء: ۳۳ - آنکه مظلوم کشته شده است برای ولی او حکومت و سلطنتی قرار دادیم، پس در کشتار اسراف نکند.

۴ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۳۰، روایت ۴۵۴.

نیازی ندارد.»^(۱)

۱۵ - ابان بن تغلب می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «دو خون در اسلام وجود دارد که تا زمانی که قائم اهل بیت قیام کند، کسی به حکم خدا در مورد آنها، حکم نمی‌کند، وقتی قائم برانگیخته شود بدون درخواست شاهد و دلیل، به حکم خدا درباره آنها حکم خواهد کرد و آن دو عبارت است از: زناکار متأهل، که او را سنگسار می‌کند و کسی که زکات نمی‌دهد که او را گردن می‌زند.»^(۲)

۱۶ - ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «وقتی قائم قیام کند وارد کوفه می‌شود و دستور می‌دهد چهار مسجد را از بنیان خراب کنند و آنها را به سایبانهای شبیه عرش - سایبان - موسی تبدیل می‌کند...»^(۳)

۱۷ - رفید مولى ابن هبیره می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «اگر قائم را دیدی که به کسی صد هزار درهم و به دیگری فقط یک درهم داد به دلت ناگوار نیاید.»^(۴)

۱۸ - مسعدة بن زیاد از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند: «وقتی قائم ما قیام کند قطایع و حکومت‌های طایفه‌ای از بین خواهد رفت.»^(۵)

۱۹ - مولى الشیبان از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند: «وقتی قائم ما قیام کند، خداوند دست عنایتش را بر سر بندگان کشیده عقل آنها زیاد شده و فهمشان بالا می‌گیرد.»^(۶)

۲۰ - ابوبصیر از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند: «وقتی قائم قیام کند به سمت کوفه رفته و چهار مسجد را در آن شهر ویران می‌کند ... و هیچ بدعتی را به حال خود رها

۱ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۳۲، روایت ۴۶۲.

۲ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۳، روایت ۲۴۳.

۳ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۱۷، روایت ۳۷۴.

۴ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۱، روایت ۴۰۱.

۵ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۳، روایت ۴۰۹.

۶ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۵، روایت ۲۵۳.

نمی‌کند و آن را نابود می‌سازد و هیچ سنتی نیست مگر اینکه آن را اقامه می‌کند.»^(۱)

۲۱- ابان بن تغلب از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «وقتی قائم ما قیام کند به هر منطقه‌ای نماینده‌ای می‌فرستد»^(۲) و به او می‌گوید: «حکومت در اختیار توست به هرچه مصلحت می‌بینی عمل کن.»^(۳)

۲۲- امام صادق علیه السلام فرمود: «تمام علم بیست و هفت حرف است و مجموع آنچه پیامبران آورده‌اند دو حرف است و مردم بیش از دو حرف را درک نکرده‌اند، و وقتی قائم ما قیام کند بیست و پنج حرف دیگر را خارج می‌کند و در بین مردم منتشر می‌نماید و دو حرف قبلی را به آن ضمیمه می‌کند تا بیست و هفت حرف را منتشر نماید.»^(۴)

گفتار ما

برای جمع بین روایات و بهره‌برداری از همه آنها، همان‌طور که از قسمت‌هایی از بعضی از روایات بر می‌آید، می‌توان گفت امر و نهی و سیره عملی پیامبر صلی الله علیه و آله در اجتماع، متناسب با اوضاع و احوال مردم بود و بر اساس «إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمَرْنَا أَنْ نَكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ»^(۵) با ایشان سخن می‌گفت و امامان معصوم علیهم السلام نیز طبق همین سیره عمل می‌فرمودند و همان‌طور که از حدیث دوازدهم این فصل فهمیده می‌شود آنها مأمور نبودند که آن‌گونه که حضرت حجت علیه السلام عمل می‌فرماید، عمل کنند و ما نیز در عصر غیبت مأموریم که به آنچه از ظواهر کتاب و سنت به ما رسیده و فقها برایمان روشن کرده‌اند عمل نماییم.

و از آنجا که عقل مردم در دوره غیبت، به بالاترین مرتبه کمال خودش می‌رسد

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۵۶، روایت ۵۹۸.

۲- شاید مقصود از این افراد، همان کسانی باشند که در حدیث ابی فاخته از آنها یاد شده است، به اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۶، روایت ۲۵۹ مراجعه شود.

۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۷۳، روایت ۷۱۲.

۴- سفینه البحار، ج ۲، ص ۲۲۷، ماده علم.

۵- سفینه البحار، ج ۲، ص ۲۱۲، ماده عقل.

ناگزیر وقت آن است که احکام فطری الهی در حد کامل اجرا شود و عباراتی مثل «شما از روشن بینان هستید، یا روشنی‌بینان شما» در روایت چهارم و «فهمشان بالا می‌گیرد» در روایت نوزدهم، بر همین مطلب دلالت دارند. و البته این بدان معنی نیست که حضرت حجت علیه السلام به غیر از سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عمل می‌نماید و جمله «آنچه در دوره آرامش و صلح زمان غیبت رایج بوده باطل می‌کند» که در روایت دوم آمد و نیز جمله «مردم را به عدل دعوت می‌کند» در همان روایت، و جملاتی از این قبیل، بر این دلالت می‌کنند که آن حضرت، عدل را در بالاترین مرتبه‌اش اجرا می‌فرماید. حکم عدل، حکمی است که بی‌تردید، با واقع امر و حقیقت و باطن هستی، موافق است، و واقع امر، همان موافقت با فطرت الهی انسان است که خداوند عز و جل فرموده است: ﴿فَطَرَتُ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا، لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ، ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾^(۱)

با این بیان مختصر معنی عبارات احادیث روشن می‌شود که از جمله آنهاست:

الف - «به امری غیر از امر سابق قیام می‌کند» در حدیث اول

ب - «دین نو و تازه‌ای برایتان می‌آورد.» در حدیث چهارم

ج - امر نو و حکم جدید «در حدیث پنجم

د - «همه، کتاب خدا را برای او تأویل می‌کنند و با استدلال به آن، در برابر امام

می‌ایستند.» در حدیث ششم

ه - «به علم خودش حکم می‌کند» در روایت یازدهم

و - «به حکم خدا، حکم می‌کند» در روایت پانزدهم

ز - «به سیره پیامبر رفتار نمی‌کند» در حدیث چهارم از فصل دوم

روایت بیست و دوم بهترین دلیل برای بیانی است که ذکر شد، زیرا این روایت

گواه بر این مطلب است که برای هیچیک از پیامبران گذشته، راه نشر علوم فطری که

۱ - روم: ۳۳ - فطرت الهی که خداوند، مردم را بر آن آفریده و هیچ تبدیلی در خلقت خدا راه ندارد، دین محکم و استوار همین است، اما بیشتر مردم از درک آن دورند.

در سینه‌هایشان بود باز نشد، زیرا مردم قابلیت نداشتند و شرایط مناسب نبود، اما در زمان حضرت حجت علیه السلام، چون مردم در درجات بالایی کمال فکری و عقلی هستند، آن حضرت می‌تواند علوم فطری را منتشر کرده و عدل و دادی را که بر نشر آن علوم مترتب می‌شود اقامه کند.

اما علت خراب شدن بعضی از مساجد به دست آن حضرت، این است که در دین اسلام، مسجد محل عبادت خالصانه و خضوع و خشوع و در برابر خداوند و به مقتضای فطرت انسانی، زانو زدن در برابر قدرت لایزال احدی است، بنابراین اگر مسجد از نظر شکل ساختمان و ویژگیهای دیگرش به صورتی درآید که از مکان چنین عبادتی خارج شود، امام علیه السلام آن را ویران می‌کند و بر پایه‌ای که حق و شایسته آن است آن را می‌سازد، و البته این مطلب تنها یک احتمال است، و روایت شانزدهم، شاهد صحت آن است، و نیز ممکن است علت خراب کردن مسجد، بنا نشدن آن بر اصل تقوی باشد، چرا که طبق آیه شریفه قرآن ﴿لَمْسِجِدٌ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ﴾^(۱) برای حضور مسلمانان و اقامه نماز، شایسته‌تر است و یا احتمال دیگر این است که با توجه به آیه ﴿مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ بِالْكَفْرِ... إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ﴾^(۲) مسجد بر خلاف رضای پروردگار به دست کفار و مشرکین ساخته و آباد شده است در حالی که چنین حقی نداشته‌اند، و فقط مؤمنان به خدا باید متصدی ساختن و آباد کردن مساجد باشند.^(۳)

۱ - توبه: ۱۰۸ - مسجدی که از روز نخست بر تقوا بنا شده باشد برای حضور مسلمانان و اقامه نماز، شایسته‌تر است.

۲ - توبه، ۱۷ و ۱۸ - مؤمنان را نرسد که در حالی که خود گواه کفر خویشند مساجد را آباد کنند ... آبادانی مساجد منحصر از آن کسانی است که به خدا و روز قیامت ایمان آورده‌اند.

۳ - این احتمال نیز وجود دارد که مقصود از تخریب مساجد، مساجد ملعونه باشد، این مساجد در سفینه البحار باب مسجد نام برده شده‌اند. به خصوص که در خبر عیسی بن هاشم از سالم از امام باقر علیه السلام نقل شده است که چهارتا از این مساجد ملعونه در کوفه به شکرانه و شادباش کشته شدن امام حسین علیه السلام تجدید بنا شده‌اند. ترجمه خصال صدوق، باب خصلتهای چهارگانه - مترجم

۱۸ - ۳: حال مؤمنان (زنده و مرده) و فرشتگان و وظایف مؤمن در زمان ظهور حضرت حجت علیه السلام

روایات

۱ - ابی الجارود از امام باقر علیه السلام از پدرش از جدهش علیه السلام نقل می‌کند: امیرالمؤمنین علیه السلام روی منبر فرمود: «در آخرالزمان مردی از نسل من ظهور می‌کند ... هرگاه پرچمش به اهتزاز درآید شرق و غرب عالم برایش روشن شود، دستش را بر سر بندگان خدا می‌نهد و دل هر مؤمنی از پاره‌های آهن محکمتر می‌شود و نیرویی برابر با نیروی چهل نفر پیدا می‌کند؛ شادی، دل و قبر هر مرده‌ای را پر می‌کند و مردگان در گورها یکدیگر را دیدار می‌کنند و به قیام قائم، بشارت می‌دهند.»^(۱)

۲ - ابوالربیع شامی می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «وقتی قائم ما قیام کند خداوند شنوایی و بینایی شیعیان ما را وسعت دهد به طوری که بین آنها و قائم واسطه و پیکی نباشد، آن حضرت با ایشان صحبت می‌کند و آنها می‌شنوند و در همان جایی که هست، آن حضرت را می‌بینند.»^(۲)

۳ - در حدیث ابو وائل از امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است: «... از خروج او، یعنی قائم علیه السلام، اهل آسمانها و ساکنان آنها مسرور می‌شوند، زمین را همان‌گونه که از ستم و بیداد پر شده است از عدل و داد سرشار می‌سازد.»^(۳)

۴ - برید عجلی از امام باقر نقل می‌کند: «وقتی قائم قیام کند، دو نفر بر مرکبی

۱ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۵، روایت ۴.

۲ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۵۰، روایت ۵۹.

۳ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۰۵، روایت ۳۰۸.

سوارند، یکی دست در جیب دیگری می‌کند و به قدر حاجتش از آن بر می‌دارد و او از این کار مانع نمی‌شود.»^(۱)

۵ - جابر از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند: «دل شیعیان ما را ترس از دشمنانمان فراگرفته است، وقتی نوبت امر ما برسد و مهدی ما خروج کند، هر یک از شیعیان ما از شیر شجاعتر و از نیزه برآتر و کاری تر خواهد شد، دشمن ما را زیر پایش له می‌کند و با دو دستش او را می‌کشد.»^(۲)

۶ - محمد بن احمد فتال در روضة الواعظین از امام زین العابدین علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «وقتی قائم ما قیام کند خداوند مرض و بیماری را از شیعه ما دور می‌کند و دل‌هایشان را چون پاره آهن می‌گرداند...»^(۳)

۷ - محمد بن فضیل از امام رضا علیه السلام نقل می‌کند: «وقتی قائم قیام کند خداوند به فرشتگان دستور می‌دهد که بر مؤمنین سلام کنند و در مجالسشان با آنها همنشین باشند...»^(۴)

۸ - مفضل از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند: وقتی قائم قیام کند، مؤمن پرنده را از هوا به زیر می‌طلبند، آن را می‌کشند، کباب می‌کند و گوشتش را می‌خورند...»^(۵)

۹ - مفضل از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «وقتی قائم قیام کند، خداوند، آزار دهندگان مؤمنین هر زمانی را، به همان صورتی که بوده‌اند و در بین آنها زندگی می‌کرده‌اند، بر می‌گرداند تا مؤمنان از آنها انتقام بگیرند.»^(۶)

۱۰ - ابن مسکان می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: در زمان قائم، مؤمن در مشرق است برادرش را که در مغرب است می‌بیند و آنکه در مغرب است،

۱ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۵۷، روایت ۶۰۵.

۲ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۵۷، روایت ۶۰۶.

۳ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۵۹، روایت ۶۶۲.

۴ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۷۳، روایت ۷۰۳.

۵ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۷۳، روایت ۷۰۶.

۶ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۷۳، روایت ۷۰۸.

برادرش را در شرق می بیند.»^(۱)

۱۱ - عبدالعظیم حسنی از امام جواد علیه السلام نقل می کند که فرمود: «قائم ما، مهدی است که در زمان غیبت باید انتظارش را کشید و در زمان ظهور باید از او اطاعت کرد...»^(۲)

۱۲ - اسحاق بن عمار می گوید: «در خدمت امام صادق علیه السلام بودم، از مواسات و همراهی و همدردی انسان با برادرش، صحبت فرمود تا اینکه فرمود: «این مربوط به وقتی است که قائم قیام کند که بر مؤمنین واجب است به برادرانشان رسیدگی، احتیاجات آنها را برآورده و ایشان را تقویت نمایند.»^(۳)

گفتار ما

روایاتی که در این زمینه وارد شده و بیانگر ویژگیهای یاران حضرت مهدی و فضیلتهای آنهاست، بسیار زیاد است، که در فصلهای پیشین بعضی از آنها ذکر شد و در اینجا نیز به ذکر تعدادی از آنها بسنده کردیم.

ظاهراً این طور است که دستیابی به این کمالات، ویژه اصحاب و یاران خاص آن حضرت نیست، بلکه برای تمام مؤمنین قابل دسترسی است.

اینکه در حدیث اول فرمود: «دستش را بر سر بندگان خدا می نهد و هیچ مؤمنی باقی نمی ماند مگر اینکه دلش مانند پاره آهن می شود.» و در حدیث نوزدهم از فصل هفدهم فرمود: «خداوند دست عنایتش را بر سر بندگان می کشد و عقل آنها زیاد شده فهمشان بالا می گیرد» هر دو به روشنی دلالت می کنند بر اینکه گذاشتن دست مبارکش بر سر بندگان سبب کسب فضیلتهای والا و کمالات بلند نفسانی

۱ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۸۴، روایت ۷۸۹.

۲ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۸، روایت ۱۷۴.

۳ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۵، روایت ۲۵۴.

است؛ و کمالات وعده داده شده در حدیث قرب نوافل^(۱) همان طور که با ریاضتهای شرعی و مبارزه با نفس و مجاهده معنوی قابل دسترسی است، از طریق توجه و عنایت اولیاء الهی و بندگان برگزیده اش نیز بدست آمدنی است، و بلکه آنچه از این راه دوم به دست آید کاملتر و از آلودگیهای پالوده تر است.

اما اینکه فرشتگان و ساکنان آسمانها و مردگان از ظهور امام علیه السلام خوشحال می شوند به خاطر این است که کفر و ستم و بیداد و گناه از ابتدای خلقت آنها را آزار داده و اندوهگین می نموده است و وقتی می بینند که ظهور امام علیه السلام با مرگ باطل و زنده شدن حق و خاموش شدن آتش کفر و شرک و گسترش ایمان و توحید همراه است خوشحال می شوند، و بلکه می توان گفت به این خاطر، همه چیز در آسمان و زمین از ظهور آن حضرت مسرور می شوند.

علاوه بر این مطالب، چون امام علیه السلام واسطه نزول فیض پرورگار بر تمام موجودات عالم هستی است و اراده پروردگار در اصل وجود اشیاء و کم و کیف و دیگر وجوه عنایات الهی به موجودات از طریق امام محقق می شود،^(۲) بنابراین بین امام و سایر موجودات رابطه ای معنوی برقرار است که وقتی امام به مصیبت و اندوهی مبتلا شود آنها اندوهگین و هرگاه مسرور باشد آنها مسرور می شوند. البته این مطلب به شواهد زیادی از روایات مستند است که اینجا محل ذکر آنها نیست.

۱ - اصول کافی، ج ۲، ص ۳۵۲، روایت ۷ - حماد بن بشیر می گوید: از حضرت صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خدای عز و جل می فرماید: هر که دوستی از دوستان مرا خوار و خفیف کند قطعاً برای جنگ با من کمین کرده است و هیچ بنده ای به واسطه چیزی به من تقرب نجوید که آن چیز نزد من از آنچه بر او واجب کرده ام محبوبتر باشد، او به وسیله نوافل و مستحبات تا جایی به من نزدیک می شود که او را دوست بدارم و وقتی او را دوست بدارم گوش او می شوم، همان گوشی که با آن می شنود و چشم او می شوم که با آن می بیند و زبان او شوم که با آن سخن می گوید و دست او شوم که با آن اظهار قدرت کند و اگر مرا بخواند اجابتش کنم و هرچه بخواهد به او بدهم و من در هیچ کاری مانند مرگ مؤمن تردید نکرده ام زیرا او مرگ را ناخوش دارد و من ناخوش بودن او را ناخوش دارم.

۲ - کامل الزیارات، ص ۲۰۰، زیارت ۲ - «إِرَادَةُ الرَّبِّ فِي مَقَادِيرِ أُمُورِهِ تَهَيِّطُ إِلَيْكُمْ وَتَصُدِّرُ مِنْ بُيُوتِكُمْ وَالصَّادِقُ [الصَّادِقُ] عَمَّا فَضَّلَ مِنْ أَحْكَامِ الْعِبَادَةِ».

۱۹- ۳: وضع زمین و آسمان و جوّ در دوران ظهور مبارک حضرت حجّت علیه السلام

روایات

۱- یحیی بن علاء رازی می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «خداوند، در این امت مردی را، که من از اویم و او از من است، ظاهر خواهد کرد، که برکات زمین و آسمانها را به واسطه او بر مردم فرو می ریزد، آسمان بارانش را فرو می فرستد و زمین حاصلش را بروز می دهد، درندگان و جانوران در امان هستند، زمین از عدل و داد سرشار می شود همان طور که پیش از آن از ستم و بیداد پر شده است.»^(۱)

۲- ابو بصیر از امام باقر علیه السلام نقل می کند که فرمود: «وقتی قائم قیام کند...، خداوند به فلک فرمان می دهد که گردش زمانش را کند کند تا اینکه یک روز معادل ده روز می شود و یک ماه برابر با ده ماه و یک سال برابر با ده سال.»^(۲)

۳- زید بن وهب جهنی از قول امام حسن علیه السلام نقل می کند که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «در آخر الزمان و در دوران سختی روزگار و نادانی مردم، مردی برانگیخته می شود... و درندگان در حکومت او در آرامش و صلح به سر می برند، زمین برکاتش را بیرون می ریزد و آسمان نعمتهایش را فرو می فرستد، گنجها برای او آشکار می شود، چهل سال بر شرق و غرب مالک است، خوشا به حال کسی که دوران او را دریابد و سخنش را بشنود.»^(۳)

۴- ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: «وقتی قائم قیام کند یک

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۰۴، روایت ۳۰۵.

۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۱۷، روایت ۳۷۴.

۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۴، روایت ۴۱۴.

سال در زمان او برابر ده سال خواهد بود.» ابوبصیر می گوید: عرض کردم: «فدایت شوم سالها چگونه طولانی می شود؟» امام علیه السلام فرمود: «خداوند به فلک فرمان می دهد که آرامتر حرکت کند و در نتیجه، روزها و سالها طولانی می شود.» عرض کردم: «بعضی می گویند اگر در فلک و حرکت آن تغییری ایجاد شود همه چیز از بین می رود.» فرمود: «این اعتقاد بی دینهاست، اما مسلمانان چنین چیزی نمی گویند، خداوند ماه را برای پیامبرش دو نیمه کرد، و قبل از آن، خورشید را برای یوشع بن نون برگرداند و از طولانی بودن روز قیامت خبر داد که برابر هزار سال از سالهای معمولی است.»^(۱) (۲)

۵- محمد بن مسلم ثقفی می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «قائم ما با افتادن ترس در دل دشمنانش یاری و با کمک ما تأیید می شود، زمین برای او می پیچد، گنجها برایش آشکار می شود و سلطنتش شرق و غرب عالم را می گیرد...»^(۳)

۶- مفضل از قول امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: «وقتی قائم، قیام کند، زمین به نور پروردگارش می درخشد و مردم از پرتو خورشید بی نیاز می شوند.»^(۴)

۷- علی بن عقبه از پدرش از امام صادق علیه السلام چنین روایت کرده است: «وقتی قائم قیام کند، به عدل حکم می نماید و ستم از بین می رود، راهها امن و بی خطر می شود، زمین برکتهایش را بیرون می فرستد و هرحقی به صاحبش بر می گردد.»^(۵)

۸- در حدیث جابر از قول امام باقر علیه السلام آمده است که امام حسین علیه السلام قبل از اینکه کشته شود در مورد زمان حضرت قائم علیه السلام و حوادث آن زمان، به یارانش

۱- به سوره حج، آیه ۴۷ مراجعه شود.

۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۸، روایت ۲۴۰.

۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۸، روایت ۲۴۱.

۴- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۵۵، روایت ۵۹۱.

۵- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۵۶، روایت ۵۹۷.

چنین فرمود: برکت از آسمان به زمین فرو می بارد، به طوری که به اراده خداوند، درختان همیشه میوه دارند و میوه زمستان در تابستان و میوه تابستان در زمستان خورده می شود و این مصداق آیه شریفه است که می فرماید: ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ (۱)

گفتار ما

خلاصه آنچه می توان در باره این روایات گفت این است که خداوند، خالق تمام چیزها و مدبر همه آنهاست و از اینکه امور از راهی غیر از اسباب، صورت پیدا کند ناخوش دارد و اختیار اسباب هم به دست خود اوست، بنابراین چه مانعی دارد که در دوره ای از زمان، اسباب و کار آنها را به شیوه ای غیر از آنچه در گذشته بوده است مقرر فرماید؟

آنچه امام باقر علیه السلام در حدیث چهارم فرموده اند و نیز موضوع خلقت حضرت عیسی علیه السلام - بدون سبب واقع شدن پدر برای تولد - و نیز طول عمر حضرت قائم علیه السلام و رجعت پیامبران و امامان علیهم السلام و اعمال خارق العاده و معجزات و کراماتی که از پیامبران و اولیاء صادر شده است، از این قبیل هستند.

بنابراین فقط به این خاطر که معنی روایات به ذهن و اندیشه کوتاه نگر ما، روشن و قابل قبول نیست نمی توان در سند بعضی از روایات شک و خدشه وارد کرد، زیرا مقدار زیادی از این مطالب در لابلای روایاتی آمده است که آن روایات از اموری به ما خبر می دهد که بعضی از آن امور، واقع شده است و این امر به تنهایی، بر صحیح بودن سند و متن روایت تأکید می کند هرچند که ما در حال حاضر مقصود آن را نفهمیم.

۱ - اعراف : ۹۶ - آغاز آیه به این صورت است: ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى...﴾. ترجمه: اگر اهل کتاب ایمان آورده و تقوا پیشه می کردند برکاتی از آسمان و زمین بر آنان می گشودیم اما آنان حقیقت را تکذیب کردند و ما به واسطه آنچه انجام می دادند آنان را عقوبت کردیم.

علاوه بر آنچه ذکر شد، از مجموعه روایات مربوط به غیبت چنین فهمیده می شود که در دوره غیبت و ظهور، آن طور که در مقدمه کتاب اشاره کردیم، بیشتر اتفاقات، از امور غیرعادی است، و شاید بتوان ادعا کرد که روایات در این مورد، از تواتر معنوی برخوردار هستند و بنابراین جایی برای انکار و تعجب و بعید شمردن این امور، وجود ندارد.

۲۰-۳: نزول حضرت عیسیٰ علیه السلام برای یاری قائم آل محمد علیه السلام و اقتدا به آن حضرت

روایات

- ۱- معمر بن راشد از امام صادق علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود: «مهدی از نسل من است، وقتی خروج کند عیسی بن مریم برای یارش فرود می آید، او را پیش رو قرار داده و پشت سرش اقتدا می کند.»^(۱)
- ۲- ابوبصیر می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «آنچه از سنتهای الهی در مورد غیبتهای آنان جریان پیدا کرده است در باره قائم ما اهل بیت نیز جاری می شود... سپس خداوند عز و جل او را ظاهر می کند و شرق و غرب عالم را به دست او فتح می نماید، عیسی بن مریم روح الله نازل می شود و پشت سر او نماز می خواند...»^(۲)
- ۳- جابر بن عبدالله انصاری از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می کند که فرمود: «... مهدی از نسل من است، بین رکن و مقام ظهور می کند، پیراهن ابراهیم و ردای اسماعیل را به تن و نعلین شیث را به پا دارد و دلیل این مطلب، فرمایش پیامبر است که فرمود: عیسی بن مریم، از آسمان فرود می آید و همراه مهدی من است، وقتی ظهور کرد او

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۵، روایت ۲۵۵.

۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۳، روایت ۱۵۲.

را بشناسید. ... سپس عیسی می میرد و مهدی منتظر از آل محمد باقی می ماند.»^(۱)

۴ - در روایت مرفوعه جعفر بن محمد فزاری از امام باقر علیه السلام آمده است: «ای خیشمه! زمانی خواهد آمد که مردم از خدا و توحید، شناختی نداشته باشند، تا اینکه دجال خروج کند و عیسی بن مریم از آسمان فرود آید و خداوند به دست او دجال را بکشد، مردی از اهل بیت من پیشاپیش مردم نماز گزارد، آن موقع عیسی پشت سر ما نماز می خواند و اگرچه او پیامبر است اما ما از او برتر هستیم.»^(۲)

۵ - شهر بن حوشب می گوید: حجاج به من گفت: «آیه ای در قرآن هست که مرا عاجز کرده است.» گفتم: ای امیر! آن کدام آیه است؟ حجاج گفت: ﴿وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ﴾^(۳)، به خدا قسم من دستور می دهم که یهودی و نصرانی را بکشند، وقتی آنها گردن زده می شوند با دقت به آنها می نگریم نمی بینم لبهایشان تکان بخورد - و شهادتین بگویند - تا اینکه خاموش می شوند.» گفتم: «خدا امیر را سلامت بدارد، تأویل این آیه این طور نیست.» حجاج گفت: تأویل آیه چیست؟ گفتم: «عیسی علیه السلام قبل از روز قیامت به دنیا فرود می آید و هیچیک از یهودیان و مسیحیان باقی نمی ماند مگر اینکه قبل از مرگش به او ایمان می آورد، و پشت سر حضرت مهدی نماز می خواند.» حجاج گفت: «وای بر تو!! از کجا چنین تأویلی آوردی؟» گفتم: «محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام این را به من فرمود.» حجاج گفت: «به خدا قسم از سرچشمه ای زلال، آن را گرفته ای.»^(۴)

گفتار ما

عباراتی که گواه آن است که عیسی علیه السلام پشت سر مهدی - عجل الله تعالی فرجه - نماز می خواند، در روایات زیاد است، و شاید - البته خدا می داند - علت اصرار و

۱ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۸۷، روایت ۸۰۴.

۲ - بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۳۴۸، روایت ۱۰.

۳ - نساء: ۱۵۹ - هیچیک از اهل کتاب باقی نمی ماند مگر اینکه قبل از مرگ به او ایمان می آورد.

۴ - بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۳۴۹، روایت ۱۳.

تأکید امامان معصوم علیهم السلام بر این مطلب، این باشد که چون پیروان عیسی علیه السلام که جمعیت زیادی از اهل زمین را هم تشکیل می دهند، گمان می کنند که عیسی علیه السلام، آخرین پیامبر است و نمرده است، ظهور خواهد کرد و زمین را از فساد پاک خواهد نمود و اوست که بشر را از فساد و تباهی و ظلم و آلودگیهای دیگر نجات خواهد داد، و این بیانات به منظور نفی این خیال و باطل اعلام نمودن آن است، چنانکه در روایات چهارم و پنجم هم به این مطلب اشاره شده است.

دقت در زوایای این روایات نشان می دهد که مقصود روایات، همان چیزی است که ما بیان نمودیم نه اینکه مقصود آنها، بیان اصل رجعت حضرت عیسی علیه السلام - علی نبینا و آله و علیه السلام - باشد.

اما نزول و فرود آمدن حضرت عیسی علیه السلام به یکی از دو معنی است:
الف - اگر مقصود از آیه ﴿بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ﴾^(۱) این باشد که خداوند او را به آسمانها بالا برد، در نزول و فرودش اشکالی نیست و همان معنای اصلی نزول و فرود آمدن را خواهد داشت.

ب - اگر مقصود از آیه، میراندن آن حضرت و قبض روحش باشد، نزول به معنی بازگشت روح مبارکش به بدن و حضورش در کنار قائم علیه السلام خواهد بود.^(۲)

۲۱-۳: مدت عمر و حکومت امام زمان علیه السلام بعد از ظهور، و تعیین کسی که غسل و کفن و دفن آن حضرت را به عهده می گیرد

روایات

۱ - جابر جعفی می گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: «قائم پس از ظهور چه

۱ - نساء: ۱۵۸ - خداوند او را به سوی خود برگزید.

۲ - برای تحقیق پیرامون این آیه و احتمالات آن به المیزان، ج ۵، ص ۱۳۳ مراجعه شود.

مدت زنده است؟» فرمود: «نوزده سال»... (۱)

۲ - جابر جعفی در حدیث دیگری می‌گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: «قائم در دوره ظهور تا قبل از مرگ چه مدت عمر می‌کند؟» امام علیه السلام فرمود: «از زمان قیام تا مرگش نوزده سال»... (۲)

۳ - علی بن عمر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «قائم از نسل من، به اندازه ابراهیم خلیل الرحمان عمر می‌کند، در بین مردم قیام می‌کند در حالی که هشتاد ساله است و چهل سال در میان آنها زندگی می‌کند، زمین را همان‌طور که از ستم و بیداد پر شده است از عدل و داد سرشار می‌سازد»... (۳)

۴ - در سؤالی که مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام پرسیده آمده است: «مولای من! مدت عمر آن حضرت (مهدی) علیه السلام و حکومتش چقدر است؟» امام علیه السلام فرمود: «خداوند فرموده است: ﴿فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا فَيُفَى النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيدُ وَأَمَّا الَّذِينَ سَعَدُوا فَيُفَى الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرُ مَجْذُوذٍ﴾» (۴) و مجذود به معنی مقطوع و بریده است، یعنی عطایی که قطع شدنی نیست بلکه دائمی است و حکومتی که از بین نمی‌رود و امری که جز به اختیار و اراده و مشیت پروردگار، باطل شدنی نیست و از این اراده و مشیت جز خود او کسی با خبر نیست، سپس قیامت می‌آید و آنچه خداوند در کتابش در شرح آن فرموده است»... (۵)

۵ - ابوالجارود از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «قائم سیصد و نه سال

۱ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۰، روایت ۱۲۱.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۰، روایت ۱۲۲.

۳ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۷۴، روایت ۷۲۲.

۴ - هود: ۱۰۵ تا ۱۰۸ - بعضی از مردم بدبخت و برخی خوشبخت هستند، اما بدبختها برای همیشه تا آسمان و زمین باقی است با آه و ناله در دوزخند مگر اینکه اراده خدا چیز دیگری باشد و خدا هرچه بخواهد می‌کند و اما آنها که خوشبخت هستند برای همیشه، تا آسمان و زمین باقی است در بهشتند مگر اینکه اراده خدا چیز دیگری باشد و بخشش و دهش او قطع ناشدنی است.

۵ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۴، از روایت ۱.

حکومت می‌کند، همان‌طور که اصحاب کهف در غارشان سیصد و نه سال دزنگ کردند، او زمین را همان‌طور که از ستم و بیداد پر شده است از عدل و داد، سرشار می‌نماید.»^(۱)

۶ - زید بن وهب جهنی از امام حسن علیه السلام از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «... در بین شرق و غرب عالم چهل سال حکومت می‌کند، خوشا به حال کسی که روزگارش را دریابد و سخنش را بشنود...»^(۲)

۷ - ابن ابی یعفور از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «قائم، نوزده سال حکومت می‌کند.»^(۳)

۸ - عبدالکریم خثعمی می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «قائم چه مدت حاکم خواهد بود؟» فرمود: «هفت سال، روزها و شبها برایش طولانی می‌شود تا اینکه یک سال برابر ده سال معمولی می‌شود...»^(۴)

۹ - عبدالله بن قاسم بطل درباره آیه ﴿ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ﴾^(۵)، از قول امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «آیه به خروج امام حسین علیه السلام در میان هفتاد تن از یارانش مربوط می‌شود» تا اینکه فرمود: «وقتی دلهای مؤمنان به شناخت قطعی رسید که آن حضرت، امام حسین علیه السلام است، آنگاه مرگ حضرت حجت فرا می‌رسد و امام حسین علیه السلام، او را غسل می‌دهد، کفن و حنوط می‌کند و دفن می‌نماید، و این امور مربوط به وحی را جز وحی کسی دیگری عهده‌دار نیست.»^(۶)

۱۰ - در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام آمده است: «حسین علیه السلام، در میان یارانش که با او کشته شدند و در حالی که هفتاد پیامبر، همان‌طور که با موسی بن عمران بودند، با او هستند می‌آید، قائم علیه السلام، انگشتر - یا مهر - را به او می‌سپارد و

۱ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۱۶، روایت ۳۷۲.

۲ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۴، روایت ۲۱۴.

۳ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۴۷، روایت ۵۴۲.

۴ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۸، روایت ۲۳۹.

۵ - اسراء: ۶ - آن‌گاه، نوبتی دیگر شما را بر آنها غالب کنیم.

۶ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۹۳، روایت ۱۰۳.

حسین علیه السلام همان کسی است که آن حضرت را غسل می‌کند، کفن می‌پوشاند، حنوط می‌کند و در قبر می‌گذارد.»^(۱)

گفتار ما

این روایات از طول عمر آن حضرت، پس از ظهورش، خبر می‌دهد، لکن چنانکه پیداست، مدت عمر آن حضرت را مختلف بیان کرده‌اند که شاید بتوان به این صورت، بین روایات، جمع و توافق ایجاد نمود:

مقصود از زمان در بعضی از روایات، همان چیزی است که در روایت دوم و نیز روایت چهارم از فصل نوزدهم همین باب آمده است که می‌گویند: «خداوند به فلک فرمان می‌دهد که گردش زمانش را کند کند تا اینکه یک روز، معادل ده روز، یک ماه معادل ده ماه و یک سال برابر ده سال می‌شود.» و «یک سال در زمان او برابر ده سال است.» و در بعضی روایات دیگر مقصود، همان وقت و زمان عادی و رایج در بین ماست.

شاید بعضی از روایات در صدد بیان طول دوران زندگی ایشان تا زمان فوت باشد و بعضی دیگر در صدد بیان دوران حکومت آن حضرت و حکومت امامان معصوم علیهم السلام بعد از رجعت باشد، زیرا که دوره رجعت هم جزء حکومت و ادامه آن حساب می‌شود. و نیز ممکن است روایاتی که طول دوران زندگی یا حکومت ایشان را ذکر کرده است، به دوره رجعت ایشان بعد از مرگ، مربوط باشد. - البته علم واقعی نزد خداست -.

در فصل ششم از باب چهارم نیز روایاتی ذکر خواهد شد که به مدت عمر پیامبر و امامان معصوم علیهم السلام، بعد از رجعت، اشاره می‌نماید.

اما در باره مرگ عادی حضرت حجت - عجل الله تعالی فرجه - یا کشته شدن ایشان، ظاهراً با توجه به دو روایت آخر در همین فصل باید گفت که ایشان به مرگ عادی از دنیا می‌روند.

باب چهارم

رجعت

۱- ۴: تخلف ناپذیر بودن رجعت بعد از ظهور حضرت مهدی علیه السلام

روایات

- ۱- امیرالمؤمنین علیه السلام خطاب به کمیل می فرماید: «... ای کمیل! گذشتگان شما بی تردید به این عالم باز می گردند و آیندگان شما بدون شک - در کنار مهدی علیه السلام - بر دشمنان پیروز خواهند شد.»^(۱)
- ۲- زراره می گوید: «از امام صادق علیه السلام در باره امور مهمی مثل رجعت و شبیه آن سؤال کردم.» حضرت فرمود: «آنچه سؤال می کنی هنوز وقتش نرسیده است و خداوند تعالی فرموده است: ﴿بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ﴾»^(۲)»^(۳)
- ۳- ابوبصیر می گوید: امام باقر علیه السلام به من فرمود: «آیا مردم عراق رجعت را انکار می کنند؟» عرض کردم: آری، فرمود: آیا قرآن نمی خوانند که می فرماید: ﴿وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا﴾»^(۴)»^(۵)
- ۴- ابوبصیر و محمد بن مسلم، در تفسیر آیه ﴿وَحَرَامٌ عَلَى كُلِّ قَرْيَةٍ أَهْلُكُنَاهَا أَنَّهُمْ

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۹، روایت ۴۴۷.

۲- یونس: ۳۹- بلکه آنچه را به آن دانشی ندارند دروغ شمردند و هنوز باطن آن برای آنها روشن نشده است.

۳- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۰، روایت ۴.

۴- نمل: ۸۳- روزی که از هر امتی گروهی را محشور نمائیم.

۵- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۰، روایت ۶.

لَا يَرْجِعُونَ»^(۱) از امام صادق و امام باقر علیهما السلام نقل می‌کنند که فرمودند: «هر قریه‌ای که خداوند مردمش را با عذاب نابود سازد، مردم آن قریه در رجعت بر نمی‌گردند، و این آیه محکمترین دلیل بر رجعت است، زیرا هیچ مسلمانی بازگشت و رجعت همه مردم در قیامت را انکار نمی‌کند، چه آنها که هلاک شده باشند و چه آنها که هلاک نشده باشند، بنابراین ﴿لَا يَرْجِعُونَ﴾ یعنی در رجعت بر نمی‌گردند اما در قیامت بر می‌گردند تا اینکه وارد جهنم شوند.»^(۲)

۵- حسن بن جهم می‌گوید: مأمون به امام رضا علیه السلام گفت: «ای ابالحسن در باره رجعت چه می‌فرمائید؟» امام علیه السلام فرمود: «رجعت حق است، در ادیان گذشته هم بوده و قرآن از آن یاد کرده است...»^(۳)

۶- احمد بن عقبه از پدرش نقل می‌کند که از امام صادق علیه السلام سؤال شد که آیا رجعت حق است؟ امام علیه السلام فرمود: «آری...»^(۴)

۷- احمد بن ابی عبدالله برقی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «هر کس به هفت چیز اعتراف کند مؤمن است» و از جمله آنها ایمان به رجعت را نام برد.»^(۵)

۸- فضل بن شاذان از امام رضا علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «هر کس ... به رجعت اعتراف کند ... او واقعاً مؤمن و از شیعیان ما اهل بیت است.»^(۶)

گفتار ما

بر خواننده محترم پوشیده نیست که روایات این فصل و فصلهای آینده تعداد اندکی از احادیثی است که بر رجعت و مسائل مربوط به آن دلالت می‌کند و هر کس

۱- انبیاء: ۹۵- و بر هر قریه‌ای که آنها را نابود ساختیم حرام است و آنها رجعت نمی‌کنند.

۲- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۵۲، روایت ۲۹.

۳- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۵۹، روایت ۴۵.

۴- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۳، روایت ۱۳۰.

۵- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۲۱، روایت ۱۶۱.

۶- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۲۱، روایت ۱۶۱.

روایات بیشتری را طالب است باید به کتابهای مفصل مربوط به موضوع مراجعه نماید.

برای توضیح اصل رجعت کافی است کلام استاد بزرگوار - رضوان الله تعالى علیه - در بحث روایی پیرامون آیه ﴿ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ الْغَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴾^(۱) در تفسیر المیزان^(۲) را نقل نمائیم.

استاد علامه - رضوان الله تعالى علیه - می فرماید: «بدانکه این آیه از ناحیه امامان معصوم علیهم السلام سه تفسیر شده است، یکی به روز قیامت، که در تفسیر عیاشی از امام باقر علیه السلام نقل شده است، دیگری به رجعت که صدوق از امام صادق علیه السلام نقل کرده است و سومی به ظهور مهدی علیه السلام که عیاشی به دو طریق از امام باقر علیه السلام در تفسیرش آورده است و نظیر این تفاسیر زیاد است.

هرگاه تأمل و دقت نمایی، آیات زیادی را می یابی که تفسیری که از امامان علیهم السلام در باره آنها به ما رسیده است، گاهی تفسیر به قیامت است، گاهی تفسیر به رجعت و گاهی تفسیر به ظهور حضرت مهدی علیه السلام، و این قضیه، غیر از وحدت و یکسانی در چگونگی و سنخیتی که بین این سه واقعه وجود دارد، دلیل دیگری ندارد، و مردم چون در باره حقیقت روز قیامت تحقیقی نکرده اند و برای فهم آنچه قرآن در بیان وضع این روز بزرگ بیان فرموده، وقتی را اختصاص نداده و همتی مصروف نداشته اند، بنابراین در باره معنی این روایات به اختلاف و تفرقه دچار شده اند، و گروهی از آنها، این روایات را با وجود اینکه تعداد آنها به صدها و شاید در ابواب مختلف به پانصد عدد می رسد، به دور انداخته و نادیده گرفته اند، و گروهی، با وجود اینکه روایات کاملاً روشن هستند، آنها را تأویل نموده و به معنی دیگری برگردانده اند و گروهی هم - که در بین سه گروه بهترین طریقه را در پیش گرفته اند - روایات را نقل می کنند و در مورد آنها هیچ بحث و توضیحی ندارند.

۱ - بقره: ۲۱۰ - آیا انتظار دارند که خداوند با ملائکه در هاله ای از ابر بر آنها نازل شود، کار از کار گذشته و حکم صادر شده و همه به سوی خدا بازگشت می نمایند.

۲ - المیزان، ج ۲، ص ۱۰۶.

عموم مسلمانان - غیر از شیعه - هرچند که به ظهور حضرت مهدی اعتراف کرده و آن را به طرق متواتر از پیامبر ﷺ نقل کرده‌اند، اما رجعت را انکار کرده و اعتقاد به آن را از ویژگیهای شیعه دانسته‌اند و بعضی از منسوبین به شیعه نیز در این روزگار، همان نظر را پذیرفته‌اند.»

کمی بعد، در ادامه مطلب، استاد - رضوان الله تعالی علیه - می‌فرماید: «روایاتی که رجعت را اثبات می‌کنند، اگرچه با هم اختلافاتی دارند اما همه آنها در این معنی متحدند که سیر و حرکت نظام عالم به سمتی است که تمام آیات الهی به منتهای ظهور خود برسند و دیگر معصیت خدای سبحان انجام نشود، بلکه به طور خالص و بدون دخالت هوای نفس و وسوسه شیطان، عبادت شود، عده‌ای از دوستان و دشمنان خدای تعالی، که مرده‌اند، به دنیا برگردند و حق و باطل کاملاً از هم جدا و شناخته شوند.»

این مطلب می‌رساند که رجعت یکی از مراتب روز قیامت است، هرچند از نظر بروز و ظهور حقایق، در مرتبه پایینتری است، زیرا در ایام رجعت امکان فساد و فتنه‌انگیزی هست - اما در قیامت امکان شرارت و فساد هم وجود ندارد - و از همین رو، دوران ظهور حضرت مهدی نیز شاید از مراتب قیامت باشد زیرا در آن روز نیز، حق ظهوری آشکار دارد، هرچند که در این جهت، روز ظهور باز در مرتبه‌ای پایینتر از رجعت قرار دارد.

از قول امامان معصوم علیهم‌السلام نیز وارد شده است که: «ایام الله سه روز است، روز ظهور، روز رجعت و روز قیامت.»^(۱)

و همین نکته، یعنی یکی بودن حقیقت این سه روز و اختلافشان در مراتب و درجات، باعث شده است که امامان معصوم علیهم‌السلام، بعضی از آیات را گاه به قیامت، گاهی به رجعت و گاهی به ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام تفسیر فرمایند.

۱ - به بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۳، روایت ۵۳ مراجعه شود: از امام صادق علیه‌السلام: ایام الله سه تاست: روزی که قائم علیه‌السلام قیام کند و...

از آنچه ذکر شد - که ما به خاطر رعایت اختصار از نقل آنها خودداری کردیم - معلوم شد که این روز - رجعت - امکان دارد و بلکه وقوع آن حتمی است و کسی که آن را انکار می کند، هیچ دلیلی برای انکارش ندارد.^(۱)

مطلب دیگر اینکه، آنچه از روایات رجعت برمی آید این است که محل وقوع آن همین جهان طبیعی و مادی است که ما در آن زندگی می کنیم و به عوالم دیگر مربوط نیست.

زنده شدن بندگان برگزیده و بازگشتشان به این دنیا و جنگ با ابزارهای مادی و کشتن دشمنان خدا، یا شهید شدن آن بندگان برگزیده و مسائلی از این قبیل، چیزهایی است که در همین جهان اتفاق می افتد و در واقع، خداوند سبحان، قبل از اینکه قیامت واقع شود و تمام مردگان اعم از نیکوکار و بدکردار را زنده نماید، گوشه ای از قدرت بی حد و حساب خود را در این عالم به نمایش می گذارد.

۲-۴: رجعت پیامبران و امامان دوازده گانه شیعه علیهم السلام

روایات

۱ - محمد بن مسلم می گوید: قبل از اینکه ابوالخطاب از مرام حق منحرف شود،^(۲) از حمران بن اعین و ابوالخطاب شنیدم که هر دو می گفتند که از امام صادق علیه السلام شنیده اند که فرمود: «... رجعت، عمومی نیست بلکه مربوط به عده خاصی است، جز آنها که دارای ایمان ناب و غیر از آنها که کافر خالص هستند کسی

۱ - پایان بخشی از کلام استاد علامه طباطبائی که از تفسیر شریف المیزان برگرفته شد.

۲ - ابوالخطاب، ابتدا در مسیر صحیح بوده و بعدها منحرف شده و جزء غالیان شده است، آنچه از او و دیگر منحرفین، قبل از انحرافشان نقل می شود، پذیرفته است، به تلخیص از بحار، ج ۵۳، ص ۳۹، مترجم.

رجعت نمی‌کند.»^(۱)

۲ - فیض بن ابی شیبه می‌گوید: امام صادق علیه السلام در حالی که آیه ﴿وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ﴾^(۲) را تلاوت می‌کرد فرمود: «تا به پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان آورند و امیرالمؤمنین علی علیه السلام را یاری کنند» فیض می‌گوید: عرض کردم: «تا اینکه امیرالمؤمنین را یاری کنند؟» امام علیه السلام فرمود: «آری، به خدا قسم، از زمان آدم گرفته تا آخر، خداوند پیامبری را برنیا نگیخته مگر اینکه همه را به دنیا برمی‌گرداند تا تحت فرماندهی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام با دشمنان، جنگ کنند.»^(۳)

۳ - جمیل بن درّاج می‌گوید: در خدمت امام صادق علیه السلام، آیه ﴿إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ﴾^(۴) را تلاوت کردم، امام علیه السلام فرمود: به خدا قسم، این به رجعت مربوط است، آیا نمی‌دانی که بیشتر پیامبران در دنیا یاری نشده و کشته شدند و امامان همه یاری نشده و کشته شدند؟ پس، این به رجعت مربوط است.» جمیل می‌گوید: آیه ﴿وَاسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِي الْمُنَادِ مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ، ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ﴾^(۵) را قرائت کردم. باز امام علیه السلام فرمود: «آن مربوط به رجعت است.»^(۶)

۴ - بکیر بن اعین می‌گوید: «کسی که هیچ تردید در او و درستی سخنش ندارم؛ یعنی امام باقر علیه السلام به من فرمود: «پیامبر و علی رجعت می‌کنند.»^(۷)

۵ - جابر بن یزید، در باره آیه ﴿يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ قُمْ فَأَنْذِرْ﴾^(۸) از امام باقر علیه السلام نقل

۱ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۹، روایت ۱.

۲ - آل عمران: ۸۱ - وقتی خدا از پیامبران پیمان گرفت.

۳ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۱، روایت ۹.

۴ - مؤمن: ۵۱ - ما پیامبرانمان و کسانی را که در دنیا ایمان آوردند یاری می‌کنیم، و روزی که شاهدان، قیام کنند.

۵ - ق: ۴۱ و ۴۲ - گوش فرادار روزی که فریادگر، از جایی نزدیک، صدا می‌کند، روزی که فریاد دعوت به حق را می‌شنوند، آن روز، روز خروج است.

۶ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۵، روایت ۵۷.

۷ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۹، روایت ۲.

۸ - مدثر: ۱ و ۲ - ای در لباس پیچیده برخیز و بیم ده.

می کند که فرمود، مقصود آیه، محمد صلی الله علیه و آله و قیامش در هنگام رجعت است که مردم را می ترساند و مقصود از ﴿إِنَّهَا لَإِحْدَى الْكُبَرِ نَذِيرًا﴾ یعنی محمد صلی الله علیه و آله و ﴿نَذِيرًا لِلْبَشَرِ﴾^(۱) به رجعت مربوط است و ﴿إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ كَافَّةً لِلنَّاسِ﴾^(۲) نیز به رجعت مربوط است.^(۳)

۶- ابو خالد کابلی از امام زین العابدین علیه السلام درباره آیه ﴿إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ﴾^(۴) نقل می کند که فرمود: «پیامبر شما صلی الله علیه و آله به سوی شما بر می گردد.»^(۵)

۷- سلام بن مستنیر از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: «اسمی بر خود نهادند، که خداوند، جز علی بن ابی طالب کسی را به این اسم ننماید»^(۶) و حقیقت آن هنوز روشن نشده است. «عرض کردم: «فدایت شوم! حقیقت آن چه موقع معلوم می شود؟» امام علیه السلام فرمود: «وقتی موقع آن برسد، خداوند، پیامبران و مؤمنان را در رکابش گرد می آورد تا او را یاری کنند، و خدا فرموده است: ﴿وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُم مِّنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ﴾ تا آنجا که می فرماید: ﴿أَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ﴾»^(۷) در آن روز، پیامبر، پرچم را به علی بن ابی طالب علیه السلام می سپارد و او امیر تمام مخلوقات خواهد بود، همه مخلوقات، زیر پرچم او هستند و او امیر آنهاست، پس

۱- مدثر: ۳۴ و ۳۵- آن یکی از امور بزرگ است که ترسانند بشر است.

۲- سبا: ۲۸- ما تو را برای هدایت تمام بشر فرستادیم. آیه به این صورت است: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ﴾.

۳- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۲، روایت ۱۰.

۴- قصص: ۸۵- آنکه قرآن را بر تو فرض گردانید تو را به جایگاه برگشت، بر می گردانند.

۵- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۵۶، روایت ۳۳.

۶- خلفای ناحق و ستمکار بنی امیه و بنی عباس، خود را امیرالمؤمنین نامیدند. امامان معصوم ما علی رغم داشتن ولایت الهی، هیچکدام خود را امیرالمؤمنین ننمیدهند و فرموده اند که این لقب، مخصوص علی بن ابی طالب علیه السلام است. مترجم

۷- آل عمران: ۸۱- آن هنگام که خداوند در باره کتاب و حکمتی که به شما داده شد، از پیامبران پیمان بگیرد... و من با شما، از شاهدان خواهم بود.

این حقیقت آیه خواهد بود.»^(۱)

۸- یونس بن ظبیان از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: «کسی که قبل از روز قیامت به حساب مردم می رسد حسین بن علی علیه السلام است، اما روز قیامت، هنگامه برانگیخته شدن به سوی بهشت و جهنم است.»^(۲)

۹- محمد بن سلیمان دیلمی از پدرش نقل می کند که گفت: «از امام صادق علیه السلام در مورد آیه ﴿وَجَعَلَكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا﴾^(۳) سؤال کردم، امام علیه السلام فرمود: پیامبران، رسول الله، ابراهیم، اسماعیل و فرزندان ایشان هستند و ملوک و پادشاهان، ما هستیم، عرض کردم: «کدام ملک و پادشاهی به شما داده شده است؟» فرمود: «ملک بهشت و ملک رجعت.»^(۴)

۱۰- صالح بن میثم از امام باقر علیه السلام در باره آیه: ﴿وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا﴾^(۵) نقل می کند که فرمود: «آن مربوط به وقتی است که علی علیه السلام بفرماید: من از تمام مردم به آیه ﴿وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ بَلَى وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ... كَاذِبِينَ﴾^(۶) اولی و مقدم هستیم.»^(۷)

۱۱- در کتاب من لا یحضره الفقیه آمده است: امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس به رجعت ما ایمان نداشته باشد و متعه ما را حلال نشمارد از ما نیست.»^(۸)

۱۲- هروی از امام رضا از پدرانش از امیرالمؤمنین علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کند

۱- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۷۰، روایت ۶۷.

۲- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۳، روایت ۱۳.

۳- مائده: ۲۰- شما را پیامبران و پادشاهان قرار داد. آیه به این صورت است: ﴿إِذْ جَعَلْ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا﴾.

۴- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۵، روایت ۱۸.

۵- آل عمران: ۸۳- آنکه در آسمانها و زمین است، خواه ناخواه تسلیم امر اوست.

۶- نحل: ۳۷ و ۳۸- به خداوند، سوگند شدید خوردند که خداوند، آن کسی را که می میرد بر نمی انگیزد، بلکه چنین نیست و این وعده حقی است که خداوند مقرر فرموده است ولی بیشتر مردم ایمان نمی آورند.

۷- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۵۰، روایت ۲۱.

۸- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۹۲، روایت ۱۰۱.

که خداوند سبحان در شب معراج، در تجلیل از جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله به پیامبرش فرمود: «... زمین را به وسیله آخرین آنها از دشمنانم پاک می کنم.» تا آنجا که فرمود: «حکومتش را دوام بخشم و تا روز قیامت در میان اولیاءم دست به دست بگردانم.»^(۱)

۱۳ - موسی بن عبدالله نخعی از قول امام هادی علیه السلام، در زیارت جامعه نقل می کند: «... و - خداوند - مرا از کسانی که از آثار و گامهای شما پیروی می کنند و راه شما را طی می نمایند و به هدایت شما، راه می یابند و در گروه شما محشور می شوند و در رجعت شما، به دنیا بر می گردند و در دولت شما به سلطنت می رسند و با سلامت شما بزرگی می یابند و در روزگار قدرت شما، قدرت می یابند و فردا چشمشان به دیدن شما روشن می شود قرار دهد.»^(۲)

۱۴ - صفوان بن مهران جمال در زیارت اربعین از امام صادق علیه السلام چنین نقل می کند: «گواهی می دهم که به شما ایمان دارم و به بازگشت شما یقین دارم و به احکام دین و عواقب امورم ملتزم هستم.»^(۳)

۱۵ - در دعای عرفه امام سجاده علیه السلام می خوانیم: «پروردگارا بر اولیاء آنها که به مقامشان معترفند ... و ایام (رجعت) آنها را انتظار می کشند و به سوی آنها چشم دوخته اند درود فرست.»^(۴)

۱۶ - در زیارت امام حسین علیه السلام که از امام صادق علیه السلام نقل شده آمده است: «تو خون به ناحق ریخته در زمین هستی، خونی که جز به دست اولیاء تو، خونخواهی نخواهد شد.»^(۵)

۱۷ - از همان بزرگوار نقل شده است: «... به دست شما خونخواهی هر مؤمنی

۱ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۳۷، از روایت ۱.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۹۲، روایت ۹۹.

۳ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۹۲، روایت ۱۰۰.

۴ - صحیفه سجاده، دعای ۴۵.

۵ - کامل الزیارات، ص ۱۹۵، از زیارت ۱.

انجام می شود.»^(۱)

۱۸ - از همان بزرگوار نقل شده است: «خداوند و شما را گواه می گیرم که به شما ایمان و به رجعت شما یقین دارم.»^(۲)

۱۹ - از همان بزرگوار نقل شده است: «... دل من تسلیم شما، امر من تابع شما، و نصرت و یاریم برای شما حاضر و آماده است تا اینکه خداوند حکم کند و او بهترین حاکم در دین من است، شما را برمی انگیزد، پس من با شما هستم و با دشمنان شما نیستم، من به رجعت شما مؤمن هستم، قدرت خدا و مشیت او را انکار نمی کنم و هرگز گمان نمی کنم که آنچه او اراده می کند نشدنی باشد.»^(۳)

۲۰ - از همان بزرگوار نقل شده است: «... ای خواننده به سوی خدا! گوش به فرمانم. گوش به فرمانم. آماده یاری شما هستم، تا خداوند به دینش حکم کند و شما را برانگیزد.»^(۴)

۲۱ - در زیارتی که حسین بن روح -رضی الله عنه- از ناحیه مقدسه حضرت حجت -عجل الله تعالی فرجه- نقل کرده آمده است: «... و رحمت و برکات و درود خدا بر شما باد تا اینکه به حضور شما بازگردم و در رجعت شما رستگار شوم.»^(۵)

۲۲ - در مصباح الزائر آمده است: از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: «هرکس می خواهد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیهم السلام را از دور زیارت کند باید بگوید: «... من از معتقدان به فضل شما و معترف به رجعت شما هستم، هیچ قدرتی برای خدا را، انکار نمی کنم و واقع شدن چیزی جز آنچه خدا بخواهد به گمانم خطور نمی کند.»^(۶)

۱ - کامل الزیارات، ص ۱۹۹، از زیارت ۲.

۲ - کامل الزیارات، ص ۲۰۲، از زیارت ۳.

۳ - کامل الزیارات، ص ۲۱۸، از زیارت ۱۳.

۴ - کامل الزیارات، ص ۲۳۰، از زیارت ۱۸.

۵ - اقبال الاعمال، ص ۶۳۲، از زیارت مخصوص به ماه رجب.

۶ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۹۷، روایت ۱۱۲.

گفتار ما

تعدادی از روایات و بخشهایی از زیارات که از آنها می توان به رجعت پیامبران و امامان علیهم السلام استدلال کرد آورده شد و روایاتی نیز بعداً خواهد آمد، اما چیزی که هست، مسأله رجعت از اموری است که تصور آن هم برای عموم مردم سخت است تا چه رسد به تصدیق و قبول کردن آن. و از همین روست که بعضی از امامان علیهم السلام غالباً برای اظهار وقوع رجعت، سوگند خورده اند و بر رجعت انبیاء و امامان علیهم السلام از حدّ اشاره گذرانده، و تصریح کرده اند، تا اینکه برای عموم مردم و بلکه برای بعضی از دانشمندان و محدثین و خواصی که ممکن است عجیب و بعید بودن رجعت به دلشان خطور کند، هیچ شک و تردیدی در اصل وقوع و خصوصیات رجعت، باقی نماند. و نیز از همین رو برای بیان حتمی و قطعی بودن آن به آیه ﴿بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ﴾^(۱) متمسک شده و آن را شاهد آورده اند و نیز به ما آموخته اند که در زیارت امامان معصوم علیهم السلام با تأکید بر واقع شدن مسأله رجعت بگوییم: «به رجعت شما معترفیم و هیچ قدرتی برای خدا را، انکار نمی کنیم.» یا بگوییم: «وقوع چیزی جز آنچه خدا بخواهد، به گمان ما نرسد» و شبیه این حرفها. بنابراین آنچه از عموم روایات رجعت به ویژه از این روایاتی که ذکر شد بر می آید، این است که خدای تعالی قصد نابود کردن سریع جهان و بلافاصله برپا کردن قیامت و حشر خلایق را ندارد، بلکه به عکس، بنای آن ذات مقدس این است که جهان، باقی باشد و برخلاف زمانهای پیشین، عدالت برپا شود و ایمان و توحید برقرار باشد و ادامه پیدا کند.

از آنجا که اراده خدای تعالی و بنای او بر این نیست که زمین، از حجت خالی باشد، ناگزیر باید قبل از قیامت و برپا شدن عدل کلی الهی در جهان آخرت، حجت های الهی - صلوات الله علیهم اجمعین - رجعت کنند و در بین رجعت کنندگان

۱ - یونس: ۳۹ - بلکه آنچه را به آن دانشی ندارند دروغ معرفی کردند و حقیقت آن، هنوز برایشان روشن نشده است.

حکومت نمایند، و دلهای آنان و شیعیانشان را آرامش و تسلی بخشند.

۳-۴: اولین امامی که رجعت می کند

روایات

- ۱- در حدیث محمد بن مسلم از حمران و ابوالخطاب، از قول امام صادق آمده است که فرمود: «اولین کسی که زمین بر رویش شکافته می شود و به دنیا بر می گردد حسین بن علی علیه السلام است.»...^(۱)
- ۲- از رفاعه بن موسی نقل شده که امام صادق علیه السلام فرمود: «اولین کسانی که به دنیا بر می گردند، حسین بن علی علیه السلام و یارانش و یزید بن معاویه و یارانش هستند، و همه آنها را از اول تا آخر می کشد.» سپس امام صادق علیه السلام تلاوت فرمود: ﴿ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيراً﴾^(۲) «^(۳)
- ۳- احمد بن عقبه از پدرش نقل می کند که از امام صادق علیه السلام در باره حق بودن رجعت سؤال شد. حضرت فرمود: «آری حق است.» سؤال شد: «اولین کسی که خروج می کند کیست؟» فرمود: «حسین بعد از قائم علیه السلام خروج می کند.» عرض کردم: «آیا همه مردم با او هستند؟» فرمود: «نه، بلکه همان طور که خدای تعالی فرموده است: ﴿يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجاً﴾^(۴) گروهی بعد از گروه دیگر خروج خواهند کرد.^(۵)

۱- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۹، روایت ۱.

۲- اسراء: ۶- سپس شما را بار دیگر بر آنها مسلط کنیم و با مال و فرزندان یاری رسانیم و تعدادتان را افزونتر کنیم.

۳- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۷۶، روایت ۷۸.

۴- نبا: ۱۸- روزی که در صور دمیده شود گروه گروه خواهید آمد.

۵- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۳، روایت ۱۳۰.

۴ - جابر جعفی می‌گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: «... آنگاه منتصر - یاری شده - به دنیا بر می‌گردد و او حسین علیه السلام است که به خونخواهی خود و یارانش قیام می‌کند، می‌کشد و به اسارت می‌گیرد تا اینکه سَفّاح، از زمین خارج شود، و او امیرالمؤمنین علیه السلام است.»^(۱)

۵ - در زیارت امام حسین علیه السلام که از امام صادق علیه السلام نقل شده آمده است: «... گواهی می‌دهم که تو به عدل و داد امر کردی و مردم را به سوی آن دعوت نمودی و گواهی می‌دهم که تو ثار الله - خون الهی به ناحق ریخته - در زمین هستی تا به خاطر تو از جمیع خلقش خونخواهی نماید.»^(۲)

۶ - در زیارت دیگری که از همان بزرگوار برای امام حسین علیه السلام نقل شده چنین آمده است: «... زمین و هر که روی آن است در گرو خون تو و خونخواهی توست، یا بن رسول الله! گواهی می‌دهم که آن یاری و پیروزی که خدا به تو وعده داد خواهد رسید و وعده حق برای نابودی دشمنت محقق خواهد شد.»^(۳)

۷ - در دعای روز سوم شعبان، ولادت امام حسین علیه السلام، که از ناحیه مقدسه امام زمان علیه السلام رسیده چنین آمده است: «پروردگارا! به حق آن کسی که در این روز متولد شده ... آقای خاندان، که روز رجعت با نصرت الهی یاری می‌شود و در برابر کشته شدنش، امامان از نسل او هستند و در تربتش شفای امراض قرار داده شده و در رجعت - عده‌ای - با او رستگار می‌شوند، و جانشینان پیمبر بعد از قائم و غیبتش، از خاندان اویند تا خونهای ناحق ریخته شده را طلب کنند و پروردگار جبار را خشنود سازند و بهترین یاوران - حق و امامان - باشند، و درود خدا در گذر شب و روز بر آنان باد.»^(۴)

۱ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۳، روایت ۱۳۰.

۲ - کامل الزیارات، ص ۱۹۶، از زیارت ۱.

۳ - کامل الزیارات، ص ۲۱۷، از زیارت ۳.

۴ - اقبال الاعمال، ص ۶۸۹.

گفتار ما

از مجموع این روایتها و زیارتها و حدیث هشتم و نهم از فصل بیست و یکم از باب سوم چند مطلب روشن می شود:

الف - اولین کسی که رجعت می کند کیست؟

ب - چه موقع رجعت می کند؟

ج - همراه چه کسانی رجعت می کند؟

د - با چه کسانی مبارزه و جنگ می کند؟

ه - چه کسی خاتم - انگشتر یا مهر - حضرت حجت - عجل الله تعالی فرجه - را می گیرد؟

و - چه کسی بعد از رحلت حضرت حجت، متصدی غسل و کفن و دفن آن حضرت است؟

ز - امام حسین علیه السلام تا کی زنده است و حکومتش چقدر دوام دارد؟

همچنین، از این روایتها، معنی فرمایش امام صادق علیه السلام، در حدیث اول فصل دوم از همین باب که فرمود: «رجعت عمومی نیست، بلکه مربوط به عده خاصی است، جز آنها که دارای ایمان ناب و غیر از آنها که کافر محض هستند کسی رجعت نمی کند.» روشن می شود.

۴-۴: رجعت امیرالمؤمنین علیه السلام و تعداد دفعات رجعت آن حضرت

روایات

۱ - عبدالکریم بن عمرو خثعمی می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «ابلیس گفت: ﴿أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ﴾^(۱) خداوند، آن را ناخوش داشت و فرمود:

۱ - اعراف: ۱۴ - مرا تا روز قیامت مهلت ده.

﴿إِنَّكَ مِنَ الْمُنْتَظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ﴾^(۱) وقتی آن روز معین فرا رسد، ابلیس با تمام پیروانش که از زمان خلقت آدم تا آن روز به دنیا آمده‌اند ظهور می‌کند، و آن آخرین باری است که امیرالمؤمنین (علیه السلام) رجعت می‌کند. عرض کردم: «آن حضرت بیش از یک بار رجعت می‌کند؟» امام (علیه السلام) فرمود: «آری، بارها و بارها، هیچ امامی نیست که در زمانی آمده باشد، مگر اینکه نیکوکار و بدکار زمانش رجعت می‌کنند تا خدا مؤمنانشان را بر کافران مسلط کند.»

وقتی روز معین برسد، امیرالمؤمنین با اصحابش و ابلیس هم با یارانش رجعت می‌کنند و محل برخوردشان زمینی از اطراف فرات است که «روحا» نامیده می‌شود و نزدیک کوفه است. جنگ سختی بین آنها در می‌گیرد که تا آن روز در عالم، سابقه نداشته است، گویی یاران امیرالمؤمنین (علیه السلام) را می‌بینم که صد قدم به عقب برگشته و بعضی از آنها پایشان در آب فرات فرو رفته است.

در این هنگام است که عذاب پروردگار برای ابلیسیان، در شکل توده ابر و دسته‌های فرشتگان فرا می‌رسد،^(۲) و کار تمام می‌شود، رسول الله پیشاپیش آنها، در حالی که حربه‌ای از نور در دست دارد در حرکت است. وقتی ابلیس به آن حضرت می‌نگرد به عقب بر می‌گردد و به پشت می‌افتد - و قصد فرار دارد - که یارانش به او می‌گویند: «کجا؟ تو که داشتی پیروز می‌شدی.» می‌گوید: «من چیزی می‌بینم که شما نمی‌بینید، من از پروردگار جهانیان می‌ترسم»^(۳)، آن‌گاه پیامبر (صلی الله علیه و آله) به او می‌رسد و نیزه‌ای بین دو کتفش فرو می‌کند که سبب نابودی او و یارانش می‌شود، آن موقع خداوند - به دور از هر شرکی - پرستیده می‌شود...^(۴)

۲ - عاصم بن حمید از امام باقر (علیه السلام) نقل می‌کند که امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود:

۱ - حجر: ۳۷ و ۳۸ و ص: ۸۰ و ۸۱ - به تو تا روز معین مهلت داده می‌شود.
 ۲ - اشاره به آیه ۲۱۰ سوره بقره: ﴿هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ الْغَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ﴾ (آیا انتظار دارند که خداوند با ملائکه در هاله‌ای از ابر بر آنها نازل شود).
 ۳ - به سوره انفال آیه ۴۸ و سوره حشر آیه ۱۶ مراجعه شود.
 ۴ - بحار الانوار، ج ۳، ص ۴۲، روایت ۱۲ - حدیث به طور کامل در آخر کتاب خواهد آمد.

«... خداوند از من و محمد ﷺ بر یاری یکدیگر، پیمان گرفته است، من محمد را یاری کردم، پیشاپیش آن حضرت جهاد کردم، دشمنش را کشتم و به عهد و پیمانی که خداوند بر یاری محمد ﷺ از من گرفته بود وفا کردم، و چون پیامبران را خداوند قبض روح فرموده بود، هیچکدام مرا یاری نکردند، اما به زودی یاریم خواهند کرد، و آن وقتی است که در شرق و غرب عالم، خداوند تمام پیامبران نسل آدم تا محمد ﷺ را زنده کند تا پیشاپیش من، سرهای زندگان و مردگان جن و انس را با شمشیر قطع کنند... و من بارها و بارها رجعت خواهم کرد و صاحب رجعتها و حمله‌ها و مصیبت‌ها بر کافران و دارای قدرتهای شگفت انگیز خواهم بود، من امیری آهنین، بنده خدا و برادر رسول الله ﷺ هستم.»^(۱)

۳ - جابر بن یزید از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: علی علیه السلام با فرزندش حسین علیه السلام رجعتی خواهد داشت، با پرچمش پیش می‌رود تا از بنی امیه و معاویه و خاندان معاویه و همه کسانی که شاهد جنگ آن حضرت بود انتقام بگیرد، سپس خداوند سی هزار از یاران آن حضرت از کوفه و هفتاد هزار از بقیه مردم را برمی‌انگیزد تا مثل دفعه اول، در صفین با آنها روبرو شوند و طوری آنها را بکشند که کسی باقی نماند تا خبری از آنها بیاورد، سپس خداوند آنها را برمی‌انگیزد و به دست آنان شدیدترین عذاب را بر فرعون و خاندانش نازل می‌کند.

سپس امیرالمؤمنین یک بار با رسول الله رجعت می‌کند تا خلیفه روی زمین باشد و امامان علیهم السلام کارگزارانش باشند، تا اینکه خداوند، آشکارا او را برانگیزد و عبادتش در زمین، آشکار باشد، همان‌طور که قبلاً خدا را، در سرّ و نهان، عبادت کرده است... آری به خدا چندین بار و بیش از آن - و با دست چند بار اشاره فرمود - خداوند، ملک تمام دنیا و پادشاهی آن - از روزی که دنیا را آفرید و تا وقتی فانی شود - را به پیامبرش می‌دهد و تا وعده‌ای را که در کتاب داده است که ﴿وَيُظْهِرُهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾

وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ﴿١﴾ «وفا نماید. (۲)

۴ - حسن بن عبدالله از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند که امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: «من فاروق (۳) اکبر هستم، من صاحب آهن گداخته و نشر اول و آخر (۴) و صاحب رجعتها و برترین دولت و قدرت هستم، وعده خدا به دست من انجام می گیرد و کلمه اش تمام می شود و به دست من دین کامل می گردد.» (۵)

گفتار ما

از روایات این فصل و روایات مشابه دیگری که ما آنها را در این جا نیاورده ایم، معلوم می شود که مشیت و اراده خداوند بر این تعلق گرفته است که در ادامه این عالم، عالم دیگری که طول آن با طول دنیا از زمان آدم (علیه السلام) تا قائم (علیه السلام) برابر است، برقرار شود تا پیامبران و جانشینانشان (علیهم السلام) و پیروانشان از اول عالم و مستضعفان و صالحانی که دارای ایمان ناب هستند، بعد از پیدایش دولت عدل و حکومت صالح، از عنایات خاص الهی در زمین بهره مند شوند و مستکبران و دشمنان و کافران محض، پاداش کارهای بدشان را ببینند.

آیه ﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَتُؤْمِنُ فِي الْأَرْضِ وَنُرَىٰ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ﴾ (۶) و نیز آیه ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتُخْلِفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ

۱ - توبه: ۳۳، و صف: ۹ - تا دینش را علی رغم میل مشرکان بر تمام ادیان مسلط کند. و در هر دو جا آیه به این صورت است: لیظهره...

۲ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۷۴، روایت ۷۵.

۳ - فرق گذارنده و تمیز دهنده بین حق و باطل. مترجم

۴ - شاید مقصود نشر و باز کردن اولین رایت و آخرین رایت باشد. مترجم

۵ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۹۸، روایت ۱۱۴.

۶ - قصص: ۵ و ۶ - اراده کرده ایم که بر مستضعفان زمین منت گذاریم و آنها را پیشوایان و وارثان زمین گردانیم و در زمین، قدرت بدهیم و به فرعون و هامان و لشگریانشان، همان چیزی را که از ناحیه آنان بیم داشتند، بنمایانیم.

لَهُمْ دِينُهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا ﴿١﴾^(۱)

بر این مطلب یعنی برقراری عالمی دیگر، در ادامه همین عالم، دلالت می‌کنند. بنا بر آنچه گذشت، روایات گواه آن هستند که وعده‌هایی که خداوند در این آیه‌ها داده تا مستضعفین را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهد، به جانشینی بگمارد، قدرت بخشد و ترسشان را به امنیت تبدیل کند، در مدت کوتاهی واقع نمی‌شوند، بلکه در دورانی طولانی و روزگاری دراز محقق می‌شوند، و در نتیجه، وقوع این امر، به رجعت‌های متعدد نیاز دارد تا تمام کسانی که از اول عالم دارای ایمان ناب بوده‌اند یا از کافران محض به شمار می‌رفته‌اند رجعت نمایند.

بنابراین، دنیا پس از ظهور حضرت مهدی، بلافاصله و با سرعت، به برپا شدن قیامت منتهی نمی‌شود. حدیث هفتم فصل ششم همین باب که در آینده خواهد آمد، بر همین مطلب دلالت می‌کند. در آن حدیث که از روز مورد اشاره در آیه ﴿فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ﴾^(۲) سؤال شده است امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «آن بازگشت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است، حکومتش در رجعتش پنجاه هزار سال است و امیرالمؤمنین در رجعتش چهل و چهار هزار سال حکومت می‌کند.»

اما علت اختصاص چندبار رجعت به امیرالمؤمنین علیه السلام از حدیث چهارم - که تمام آن را در آخر کتاب ذکر خواهیم کرد - فهمیده می‌شود که شاید این علت، یک ویژگی و خصیصه‌ای باشد که خداوند برای امیرالمؤمنین علیه السلام قرار داده است.

در باره چگونگی رجعت‌های متعدد امیرالمؤمنین علیه السلام و اینکه آیا بعد از مرگ طبیعی، یا شهادت و کشته شدن آن حضرت، رجعت بعدی صورت می‌گیرد، یا اینکه مقصود این است که آن حضرت با هر پیامبر و امامی رجعت می‌کند تا او را یاری و حمایت کند، هر دو احتمال وجود دارد.

۱ - نور : ۵۵ - خداوند، مؤمنان شما را وعده داده است که به جانشینی در زمین بگمارد همان‌طور که دیگران را قبل از ایشان به جانشینی گماشت، و تا دین آنها را که برای ایشان پسندیده است قدرت دهد و ترسشان را به امنیت بدل کند تا، بدون هیچ شرکی، مرا بپرستند.

۲ - معارج : ۴ - روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است.

۵-۴: امیر المؤمنین علیه السلام دابة الارض و دابة الله

روایات

۱- ابو بصیر از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: «امیر المؤمنین علیه السلام، در مسجد مقداری ریگ جمع کرده، زیر سرش گذاشته و خوابیده بود که رسول الله به آنجا رسید، با پا او را تکان داد و فرمود: «برخیز ای دابة الله». مردی از یاران حضرت عرض کرد: «یا رسول الله آیا ما می توانیم یکدیگر را به این اسم بنامیم؟» حضرت فرمود: «نه، به خدا قسم. این اسم مخصوص اوست و او همان دابة الله است که خدا در قرآن فرمود: ﴿وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ﴾»^(۱) سپس حضرت فرمود: ای علی! وقتی آخرالزمان برسد، خداوند، تو را به بهترین صورت خارج می کند و آهن گذاخته ای با توست که دشمنانت را با آن داغ می کنی...»^(۲)

۲- در حدیث سلیم بن قیس از علی علیه السلام، که آن را به طور کامل بر امام سجاد علیه السلام خوانده و آن حضرت، آن را تأیید فرموده اند، آمده است: «... عرض کردم: «یا امیر المؤمنین، در آیه ﴿وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ...﴾»^(۳) مقصود از دابة چه کسی است؟» فرمود: «ای ابوالطفیل! از این مطلب بگذر.» عرض کردم: «ای امیر المؤمنین! فدایت شوم! از این قضیه مطلعم کن.» فرمود: «آن، دابة ای (جنبنده ای) است که غذا می خورد، در بازار راه می رود، و با زنان ازدواج می کند.» عرض کردم: «یا امیر المؤمنین! او کیست؟» فرمود: «او قوام زمین است که زمین به واسطه او آرام می گیرد.» عرض

۱- نمل: ۸۲- هنگامی که وعده عذاب کافران به وقوع پیوندد جنبنده ای از زمین برانگیزیم که با آنان سخن گوید که مردم به آیات ما یقین نداشته اند.

۲- بحار الانوار، ج ۳، ص ۵۲، روایت ۲۰.

۳- نمل: ۸۲.

کردم: «یا امیرالمؤمنین! او کیست؟» فرمود: «صدیق این امت، فاروق، ربی^(۱) و ذوالقرنین این امت»، عرض کردم: «یا امیرالمؤمنین! او کیست؟» فرمود: «همان کسی که خداوند درباره او فرموده است: ﴿وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ﴾^(۲) و آن کسی که علم الکتاب^(۳) پیش اوست و آن کسی که صدق و راستی پیش آورد و پیامبر را قبول و تصدیق کرد^(۴) در حالی که همه مردم کافر بودند.»

عرض کردم: «یا امیرالمؤمنین، او را نام ببر» فرمود: «ای ابوالطفیل! برایت نام بردم، به خدا قسم اگر دربین آن عده از شیعیانم که به کمک آنها با دشمن می جنگم و از من اطاعت می کنند و مرا امیرالمؤمنین می نامند و جهاد با دشمنانم را جایز می دانند، وارد شوم و بعضی از آنچه را از کتاب خدا می دانم بیان کنم، از گردم پراکنده می شوند تا اینکه در میان عده اندکی از شیعیان نظیر تو، باقی می مانم.» ترسیدم و گفتم: «یا امیرالمؤمنین! من و امثال من از دور تو پراکنده می شویم؟ یا در کنار تو ثابت می مانیم؟» فرمود: «ثابت می مانید.»

سپس به من رو کرد و فرمود: «امر ما سخت است و مردان سخت کوش سختی پذیرا می طلبد، جز سه گروه کسی آن را نمی شناسد و قبول نمی کند: یکی فرشته مقرب درگاه الهی، دیگری پیامبر مرسل و سومی بنده مؤمن برگزیده ای که خداوند، دلش را با ایمان آزموده است. ای ابوالطفیل، پیامبر ﷺ از دنیا رفت و مردم پس از او با نادانی و گمراهی، از دین برگشتند بجز آنکه خداوند به واسطه ما اهل بیت آنها را از انحراف حفظ کرد.»^(۵)

۳- ابوالصامت حلوانی از امام باقر علیه السلام نقل می کند که امیرالمؤمنین - صلوات الله علیه - فرمود: «شش چیز به من داده شده است: «علم خوابها، وقایع، کلام حق و من

۱- هزاران نفر از مردم، جماعت، مجمع البحرین، ماده رب.

۲- هود: ۱۷- گواهی صادق، آن را تلاوت می کند.

۳- اشاره به آیه ۴۳ سوره رعد.

۴- اشاره به آیه ۳۳ سوره زمر.

۵- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۶۸، روایت ۶۶.

صاحب رجعتها و بهترین دولت هستم، من صاحب عصا و آهن گداخته هستم، من دأبه ای هستم که با انسانها سخن می گوید.»^(۱)

۴ - ابو عبدالله جدلی می گوید: بر علی بن ابی طالب وارد شدم. آن حضرت به من فرمود: «آیا می خواهی قبل از اینکه کسی به جمع ما وارد شود سه مطلب را برایت بگویم؟» عرض کردم: آری، فرمود: من بنده خدا، دأبه زمین، صدق و عدل آن و برادر پیامبر هستم، و من بنده خدا هستم. آیا می خواهی از چشم و بینی مهدی خبرت کنم؟» عرض کردم: آری، پس با دست به سینه اش زد و فرمود: «من.»^(۲)

۵ - نزال بن سبره از علی بن ابی طالب علیه السلام نقل می کند که فرمود: «... بدانید که بعد از آن - یعنی دجال - واقعه بزرگ اتفاق می افتد.» گفتیم: «یا امیرالمؤمنین! واقعه بزرگ چیست؟» فرمود: «خروج دابه ای از زمین نزدیک صفا، که انگشتر سلیمان و عصای موسی را همراه دارد، انگشتر را به چهره هر مؤمنی بگذارد روی آن حک می شود: «این واقعاً مؤمن است.» و روی چهره هر کافری بگذارد و روی آن حک می شود: «این واقعاً کافر است» و مؤمن صدا می زند که: «وای بر تو ای کافر» و کافر فریاد می کشد که: «خوش به حال تو ای مؤمن»، دوستم داشتم که امروز مثل تو می بودم و رستگار می شدم، آن گاه دأبه سربلند می کند و به اذن پروردگار، بین شرق و غرب عالم، همه چیز را می بیند، آن روز، توبه از میان مردم برداشته می شود و قبول نمی شود و هیچ عملی - از غیر مؤمن - پذیرفته نمی شود و ﴿لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا﴾^(۳)»^(۴)

۱ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۱، روایت ۱۲۳.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۱۰، روایت ۴.

۳ - انعام: ۱۵۸ - ایمان کسی که قبلاً ایمان نیاورده برایش فایده ای ندارد و اگر بعد از ایمان، کار خیری هم انجام دهد پذیرفته نیست.

۴ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۴، از روایت ۲۶.

گفتار ما

در روایت سوم فصل یازدهم از باب دوم، از دأبه و حتمی بودن خروج آن یاد شد، در این باب که به رجعت و مسائل آن مربوط است نیز احادیث دأبه را نقل کردیم تا مقصود از دأبه الله و دأبه الارض معلوم شود و همچنین، از آن حدیث و احادیث این فصل، روشن می شود که رجعت علی علیه السلام بعد از ظهور قائم علیه السلام تا آخر رجعت پیامبران و اولیاء، امری حتمی است، چنانکه روایات فصل چهارم همین باب نیز براین مطلب دلالت دارد.

آنچه از مجموع روایات، در این زمینه، برمی آید این است که آن دأبه ای که انتقام تمام مستضعفین را می گیرد و بعد از ظهور، حکومت عدل را، به اراده و اذن پروردگار، تا روز پایان دنیا برقرار می کند علی علیه السلام است و این امر فقط به آن حضرت - علیه آلاف التحية والثناء - اختصاص دارد.

۶-۴: مدت عمر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام بعد از رجعتشان

روایات

۱- در حدیث عبدالکریم بن عمرو خثعمی از امام صادق علیه السلام آمده است: «امیرالمؤمنین علیه السلام چهل و چهار هزار سال حکومت می کند تا اینکه یک نفر شیعه علی علیه السلام، هزار فرزند پسر از صلبش به دنیا بیاید، در آن وقت است که ﴿جَسْتَانِ مُدْهَامَتَانِ﴾^(۱) به اراده خدا، در اطراف مسجد کوفه پیدا می شود.»^(۲)

۲- از حمران، از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: «اولین کسی که رجعت می کند، همسایه شما حسین است، آن قدر حکومت می کند که ابروانش از پیری روی

۱- رحمن: ۶۲ و ۶۴- دو باغ بهشت سبزینه.

۲- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۳، روایت ۱۲.

چشمانش بیفتد.»^(۱)

۳- در حدیث جابر از امام باقر علیه السلام آمده است که امام حسین علیه السلام قبل از کشته شدن، به اصحابش فرمود: «... جای مژده و شادی است، به خدا قسم اگر آنها ما را بکشند، ما بر پیامبرمان وارد می شویم» آن گاه فرمود: «سپس هر قدر خدا بخواهد خواهم ماند، آن گاه اول کسی خواهم بود که زمین برایش شکافته شده و از آن خارج می شود، پس همزمان با امیرالمؤمنین و قیام قائممان خروجی خواهم کرد، آن گاه گروهی از نزد خداوند از آسمان بر من فرود آیند که تا آن روز هرگز بر زمین فرود نیامده اند، جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و لشگریانی از فرشتگان بر من فرود آیند، محمد، علی، من و برادرم و همه آنها که خدا برایشان منت نهاده است بر محملهای پروردگار، که مرکبهایی ابلق از نورند و هیچ مخلوقی تا آن روز بر آنها سوار نشده، فرود آئیم. سپس محمد پرچمش را به اهتزاز درآورد، و آن را با شمشیرش به قائم ما بدهد، آن گاه هر قدر خدا بخواهد، در زمین، می مانیم، و بعد از آن خداوند از مسجد کوفه، چشمه ای از روغن، چشمه ای از آب و چشمه ای از شیر، جاری خواهد کرد...»^(۲)

۴- معلی بن خنیس و زید شحام می گویند: «از امام صادق علیه السلام شنیدیم که فرمود: «اولین کسی که در رجعت باز گردد، حسین بن علی علیه السلام است، چهل سال در زمین می ماند تا اینکه ابروانش بر روی چشمانش می افتد.»^(۳)

۵- عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام نقل می کند که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: از جمله آنچه خداوند، در معراج، از ورای حجاب مرا مخاطب قرار داد این بود که فرمود: «... ای محمد! علی اولین امامی است که از او پیمان می گیرم، ای محمد! علی آخرین امامی است که روحش را قبض می کنم و او دابّه ای است که با مردم

۱- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۳، روایت ۱۴.

۲- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۱، روایت ۵۲.

۳- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۳، روایت ۵۴.

صحبت می کند...»^(۱)

۶- جابر جعفی می گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: «به خدا قسم مردی از ما اهل بیت، بعد از مرگش، سیصد و نه سال حکومت می کند.» عرض کردم: «کی چنین خواهد شد؟» گفت: «بعد از قائم...»^(۲)

۷- از اسد بن اسماعیل نقل شده است که وقتی از امام صادق علیه السلام در باره روزی که در آیه ﴿فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ﴾^(۳) مقدار آن ذکر شده سؤال شد، فرمود: آن مربوط به رجعت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است که حکومتش در آن رجعت، پنجاه هزار سال و حکومت امیرالمؤمنین چهل و چهار هزار سال است.»^(۴)

گفتار ما

این روایات و آنچه در فصل بیست و یکم از باب سوم، در توضیح مدت عمر و حکومت حضرت قائم علیه السلام بعد از ظهورش، ذکر کردیم، مدت عمر امامان معصوم و حکومتشان بعد از رجعت را برای ما روشن می کند. و در همان فصل گذشت که حضرت مهدی علیه السلام به مرگ طبیعی از دنیا می رود و امام حسین علیه السلام او را غسل می دهد و کفن و دفن می نماید.

روایات زیادی وجود دارد^(۵) - که بعضی از آنها را در فصل آینده می آوریم - که دلالت می کند هیچ مؤمنی کشته نمی شود مگر اینکه رجعت می کند تا به مرگ طبیعی بمیرد و هیچ مؤمنی - از مؤمنین محض - نمی میرد مگر اینکه رجعت می کند تا کشته شود. و پیامبران و جانشینانشان و به ویژه پیامبر ما و جانشینانش علیهم السلام چون کاملترین بندگان و بلندمرتبه ترین آنها هستند قطعاً رجعت می کنند که اگر به فیض

۱- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۸، روایت ۶۵.

۲- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۰، روایت ۱۲۱.

۳- سورة معارج، آیه ۲.

۴- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۳، روایت ۱۳۰.

۵- رک: بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۲۹، از ابواب رجعت، روایت ۵، ۸، ۵۵، ۵۸، ۵۹، ۶۸، ۷۰ و ۷۳.

شهادت نرسیده باشند کشته می شوند و اگر رسیده باشند، به مرگ طبیعی می میرند، و قائم علیه السلام، بنابر دو روایت فصل بیست و یکم، بر می گردد و کشته می شود؛ در عین حال، فقط خداوند به حقیقت امور آگاه است.

غیر از آنچه در توضیح دو روایت مزبور ذکر شد، قسمتهای پایانی دعایی که برای روز دحو الارض نقل شده و نیز زیارتی که برای حضرت قائم رسیده است، دلالت می کنند که آن حضرت، رجعت خواهد فرمود.

آن دو قسمت از دعا و زیارت از این قرار است:

«پروردگارا بر تمامی پدران و اجدادش درود فرست، و ما را از یاران و اهل بیتش قرار ده و در رجعتش ما را برانگیز تا در زمان او از یارانش باشیم...»^(۱)
 «و قرار دهد برای من رجعتی در ظهورت و رجعتی در ایام - حکومت - تو.»^(۲)

۷-۴: رجعت عموم شیعه و خواص آنها و بعضی از امتهای پیشین

روایات

۱ - محمد بن طیار در باره آیه ﴿يَوْمَ نَخْشِرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا﴾^(۳) از قول امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: «هیچیک از مؤمنان کشته نمی شود مگر اینکه بر می گردد تا بمیرد و هیچکس از مؤمنان نمی میرد مگر اینکه بر می گردد تا کشته شود.»^(۴)

۲ - جابر بن یزید نقل می کند: از امام باقر علیه السلام در باره آیه ﴿وَلَيَنْ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ

۱ - مصباح المتعجد، ص ۶۱۲.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۹۵، روایت ۱۰۹.

۳ - نمل: ۸۳ - روزی که از هر امتی، گروهی را محشور کنیم.

۴ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۰، روایت ۵.

مُثْمٌ ﴿^(۱)﴾ سؤال شد، آن حضرت فرمود: «ای جابر! آیا می دانی سبیل الله چیست؟»، عرض کردم: «نه به خدا قسم، مگر اینکه از شما بشنوم.» پس حضرت فرمود: «کشته شدن در راه علی علیه السلام و فرزندانش، هرکس در راه ولایت او کشته شود در راه خدا کشته شده است و هیچکس نیست که به این آیه ایمان بیاورد مگر اینکه برای او یک کشته شدن و یک مردن هست، هرکس کشته شود، برانگیخته می شود تا بمیرد و هرکس بمیرد برانگیخته می شود تا کشته شود.» ﴿^(۲)﴾

۳- ابوبصیر می گوید: در خدمت امام صادق علیه السلام آیه ﴿وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ بَلَىٰ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ ﴿^(۳)﴾ را تلاوت کردم، امام علیه السلام به من فرمود: «ای ابابصیر! نظرت در مورد این آیه چیست؟» عرض کردم: «مشرکین گمانشان این طور است و برای پیامبر صلی الله علیه و آله سوگند می خورند که خداوند، مردگان را زنده نمی کند.» امام علیه السلام فرمود: «مرگ بر کسی که چنین بگوید. از آنها بپرس که آیا مشرکان به خدا سوگند می خورند یا به لات و عزری؟» عرض کردم: «فدایت شوم! راهنماییم بفرما»، حضرت فرمود: «ای ابابصیر! وقتی قائم، قیام کند، خداوند گروهی از شیعیان ما را برانگیزد که شمشیرهایشان را بر دوش دارند، این خبر به گروهی از شیعیان ما می رسد می گویند: «فلان کس و فلان کس و فلان کس از گورهایشان خارج شدند و همراه حضرت قائم هستند.» خبر به گروهی از دشمنان ما می رسد، می گویند: «ای گروه شیعیان! شما چقدر دروغگو هستید. این دولت خود شماست و باز در آن دروغ می گوئید، نه به خدا قسم، اینها زنده نشدند و تا روز قیامت هم زنده نخواهند شد»، آن گاه حضرت فرمود: خداوند قول آنها را نقل می کند که: ﴿أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ﴾ ﴿^(۴)﴾

۴- در ذیل حدیث عبدالله بن قاسم بطل از امام صادق علیه السلام در باره آیه ﴿ثُمَّ رَدَدْنَا

۱- آل عمران: ۱۵۷- اگر در راه خدا کشته شوید یا بمیرید، بهتر است...

۲- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۰، روایت ۸

۳- نمل: ۳۸- با تأکید به خدا سوگند خوردند که خداوند، کسی را که مرد زنده نمی کند، بلکه وعده خدا حق است، اما بیشتر مردم ایمان نمی آورند.

۴- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۹۲، روایت ۱۰۲.

لَكُمْ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ ﴿۱﴾ آمده است: «این به خروج امام حسین علیه السلام و هفتاد نفر از یارانش مربوط است...» (۲)

۵- از عمار بن مروان، در روایتی طولانی، که شخصی در باره کیفیت قبض روح مؤمن، از امام صادق علیه السلام سؤال کرده، نقل شده است: «سپس آل محمد را در بهشت رضوی ملاقات می کند و از غذای آنان با آنها می خورد و از شرابشان می نوشد، و در مجالسشان با آنها به گفتگو می نشیند تا قائم ما اهل بیت قیام کند، وقتی قائم ما اهل بیت قیام کرد خداوند آنها را بر می انگیزد، پس دسته دسته به او روی آورده و لبیک می گویند.» (۳)

۶- ابن بکیر از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: «گویا حمران بن اعین و میسر بن عبدالعزیز را می بینم که در بین صفا و مروه، مردم را به شمشیر می زنند.» (۴)
۷- علی بن مغیره از امام باقر علیه السلام نقل می کند که فرمود: «گویی عبدالله بن شریک عامری را می بینم که عمامه ای سیاه بر سر و طرفین آن را بین شانه هایش انداخته، از دامنه کوه، بالا می رود، در میان چهار هزار نفر تکبیر گوی حمله کننده در رکاب قائم ما اهل بیت است.» (۵)

۸- مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: «با قائم علیه السلام بیست و هفت نفر از ورای کوفه خروج می کنند، پانزده نفر از قوم موسی که هدایت شدند و به حق گرویدند، (۶) هفت نفر از اصحاب کهنف، یوشع بن نون، سلمان، ابودجانه انصاری، مقداد و مالک اشتر، اینها یاران مهدی و حاکمان دولت او هستند.» (۷)
۹- از امام کاظم علیه السلام نقل شده است که فرمود: «انسانهایی که رفته اند باز می گردند

۱- اسراء: ۶- سپس بار دیگر شما را بر آنها مسلط کنیم.

۲- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۹۳، روایت ۱۰۳.

۳- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۹۷، روایت ۱۱۳.

۴- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۰، روایت ۷.

۵- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۷۶، روایت ۸۱.

۶- اشاره به آیه ۵۹ سوره اعراف: ﴿وَمِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ﴾: (از قوم موسی گروهی هستند که به حق هدایت می شوند و به آن می گروند).

۷- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۹۰، روایت ۹۵.

و در آن روز، قصاص می شوند. هرکس کسی را آزار و شکنجه داد به آن آزار قصاص می شود، هرکس، دیگری را برآزار یا کشتن دیگری تحریک کرده، به آن قصاص می شود، هرکس کسی را کشته، به کشتن قصاص می شود و دشمنان آنها هم، همراه آنان رجعت می کنند تا خونخواهی نمایند و بعد از آنها سی ماه عمر می کنند، آنگاه پس از خونخواهی و آرام گرفتن دلهاشان، در یک شب می میرند و دشمنان آنها به آتش عذاب الهی سپرده می شوند و سپس در پیشگاه خدای جبار نگاه داشته می شوند تا حقوق ایشان از آنها گرفته شود.»^(۱)

گفتار ما

آنچه ذکر شد، پاره‌ای از روایاتی بود که بر رجعت شیعه به طور عموم و نیز خواص آنها دلالت می کند و بعداً نیز روایاتی در همین موضوع ذکر خواهد شد. اگر سؤال شود که آیا آنان که در ایام ظهور، رجعت می کنند، در دوره رجعت مؤمنین ناب نیز رجعت خواهند نمود یا نه؟ پاسخ این است که از روایات محض الایمان، یعنی رجعت مؤمنان ناب و بخشی از زیارت حضرت قائم - عجل الله تعالی فرجه - : «و اینکه برای من در ظهورت رجعتی و در ایام - حکومت یا رجعت - رجعتی قرار دهد.»^(۲) برمی آید که آنها رجعتی دیگر خواهند داشت.

۸-۴: مؤمنان و کافران رجعت کننده

روایات

۱ - معاویه بن عمار می گوید: آیه: ﴿إِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً﴾^(۳) را خدمت امام

۱ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۴، روایت ۱۶.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۹۵، روایت ۱۰۹.

۳ - طه: ۱۲۴ - برای او زندگی سختی در پیش است.

صادق علیه السلام تلاوت کردم. امام علیه السلام فرمود: «به خدا قسم، آن برای دشمنان است». عرض کردم: «فدایت شوم، آنها را دیده‌ایم که در کمال رفاه عمر طولانی را گذرانده مرده‌اند». حضرت فرمود: «به خدا سوگند این مربوط به رجعت است، که در آن موقع سرگین می‌خورند.»^(۱)

۲ - جابر بن یزید می‌گوید: آیه ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ﴾^(۲) را بر امام صادق علیه السلام تلاوت کردم، حضرت فرمود: منشوره، عرض کردم: منشوره، دیگر چیست؟ فرمود: جبرئیل اینگونه آن را بر محمد صلی الله علیه و آله نازل کرد: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَ مَنْشُورُهُ»، سپس فرمود: «در این امت، هیچ نیکوکار و بدکرداری نیست مگر اینکه پراکنده - منشوره - و برانگیخته می‌شود، مؤمنان به سوی چشم روشنی و بدکاران برای رسیدن به خواری و خفت الهی، آیا آیه قرآن را نشنیده‌ای که می‌فرماید: ﴿وَلَنَذِقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ﴾^(۳) و آیه: ﴿يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ قُمْ فَأَنْذِرْ﴾^(۴) که مقصود، قیام محمد صلی الله علیه و آله در رجعت و ترساندن آنان است و آیه: ﴿إِنَّهَا لَإِحْدَى الْكُبَرِ نَذِيرًا لِلْبَشَرِ﴾^(۵) آن یکی از دو امر بزرگ و ترساننده بشر است، یعنی محمد، ترساننده بشر در رجعت است، ... جابر در ادامه حدیث می‌گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام در باره آیه ﴿رُبَّمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ﴾^(۶) فرمود: آن مال وقتی است که من و شیعیانم خروج می‌کنیم و عثمان بن عفان و پیروانش هم خارج می‌شوند و ما بنی‌امیه را می‌کشیم، آن وقت کفار آرزو می‌کنند که کاش مسلمان بودند.»^(۷)

۳ - برید بن معاویه از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «به خدا قسم، روزگار

۱ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۵۱، روایت ۲۸.

۲ - آل عمران: ۱۸۵، انبیاء: ۳۵ و عنکبوت: ۵۷ - هر نفسی چشنده مرگ است.

۳ - سجده: ۲۱ - عذاب کوچکتر را قبل از عذاب بزرگتر به آنها می‌چشانیم.

۴ - مدثر: ۱ - ای جامه به خود پیچیده برخیز و بیم ده.

۵ - مدثر: ۳۵ و ۳۶ - آن یکی از دو نشانه بزرگ است که بیم دهنده بشر است.

۶ - حجر: ۲ - کفار دوست داشتند که کاش مسلمان می‌بودند.

۷ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۴، روایت ۵۵.

به پایان نخواهد رسید تا اینکه خداوند زنده‌ها را بمیراند و مرده‌ها را زنده کند و حق را به صاحبش برگرداند و دین خود را که نزدش پسندیده است برپا کند...»^(۱)

۴- ابوبصیر از قول امام صادق علیه السلام در باره آیه ﴿إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا﴾ نقل می‌کند که فرمود: «نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام مکر ورزیدند»، آن‌گاه خداوند فرمود: «ای محمد ﴿إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا﴾ و اکید کیداً فَمَهْلِ الْكَافِرِينَ ﴿یا محمد﴾ اَمْهَلْهُمْ رُؤَيْدًا»^(۲) وقتی قائم علیه السلام برانگیخته شود، از ستمکاران و طاغوت‌های قریش و بنی‌امیه و دیگر مردم انتقام می‌گیرد.»^(۳)

۵- در تفسیر علی بن ابراهیم در باره آیه ﴿وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا﴾، آمده است که از امام صادق علیه السلام در باره آیه ﴿وَيَوْمَ نَخْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا﴾ روزی که از هر امتی گروهی را برانگیزیم، سؤال شد حضرت فرمود: «مردم در باره آن چه می‌گویند؟»

راوی می‌گوید: گفتم: مردم می‌گویند به قیامت مربوط است، امام صادق علیه السلام فرمود: «آیا خداوند در قیامت از هر امتی گروهی را بر می‌انگیزد و بقیه را رها می‌کند؟ این به رجعت مربوط است اما آیه قیامت این است: ﴿وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا... مَوْعِدًا﴾»^(۴)،^(۵)

۶- در حدیث سلمان از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است که بعد از اینکه پیامبر جانشینانش را نام برد، من گریستم و گفتم: «یا رسول الله! سلمان چگونه می‌تواند آنها را درک کند؟» پیامبر فرمود: «ای سلمان! تو و امثال تو و هر که به حقیقت، آنها را شناخته و پیروی کند، آنها را درک می‌کنید.» سلمان می‌گوید: من خدا را بسیار سپاسگزاری کردم و گفتم: «یا رسول الله آیا عمر من تا زمان ایشان می‌رسد؟»

۱- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۲، روایت ۱۲۵.

۲- طارق: ۱۵ تا ۱۷- آنان مکر ورزیدند و من هم با آنان مکر کنم، (تو ای پیامبر!) کافران را مهلتی ده.

۳- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۲۰، روایت ۱۵۴.

۴- کهف: ۴۷ و ۴۸- آنها را جمع کنیم و هیچیک را وانگذاریم...

۵- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۵۱، روایت ۲۷.

حضرت فرمود: «ای سلمان، بخوان: ﴿فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَئِهِمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا، ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَوَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا﴾»^(۱)

سلمان می‌گوید: گریه و شوق من زیادت‌تر شد و گفتم: «یا رسول الله، در زمان خودتان چنین خواهد شد؟» حضرت فرمود: «آری، به آن خدایی که محمد را به پیامبری فرستاد سوگند که در زمان خودم و علی و فاطمه و حسن و حسین و نه نفر از امامان و هر کس از ماست و هر که از ما مظلوم واقع شده است، آری به خدا، سلمان! آن‌گاه ابلیس و لشگریانش و مؤمنان ناب و کافران محض حاضر خواهند شد تا قصاص شوند و خونهای به حق ریخته شده از آنان قصاص شود، ﴿وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا﴾»^(۲) و ما تأویل این آیه هستیم که فرمود: ﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَنَمَكِّنُ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَكَانًا يَحْذَرُونَ﴾»^(۳)

سلمان می‌گوید: از نزد رسول الله ﷺ برخاستم در حالی که برایم هیچ مهم نبود که چه موقع با مرگ روبرو شوم یا مرگ به سراغم بیاید.»^(۴)

گفتار ما

از بررسی و جمع‌بندی، و جمع بین این روایات و روایاتی که علت رجعت را بیان می‌کنند، فهمیده می‌شود که رجعت، به خودی خود هدف اصلی نیست بلکه

۱- اسراء: ۵ و ۶- چون وعده اول آنها فرا رسد، بندگان سرسخت و نیرومند را بر شما برانگیزیم که تا درون خانه‌های شما را جستجو کنند و این وعده‌ای حتمی است و آنگاه شما را بر آنها برگردانیم و غلبه دهیم و با مال و فرزندان نیرومند یاری کنیم و وعده شما را افزون کنیم.

۲- کهف: ۴۹- و پروردگار توبه کسی ظلم نمی‌کند.

۳- قصص: ۵ و ۶- و ما اراده کرده‌ایم که بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنها را پیشوایان و وارثان زمین گردانیم و در زمین نیرومندشان گردانیم و به فرعون و هامان و لشگریان آنها، آنچه را از آن می‌ترسیدند، از ناحیه آنان و به دست ایشان، بنمایانیم.

۴- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۴۲، روایت ۶۲.

مقصود از رجعت، چیزهای دیگری است، که در فصل آینده ذکر می شود.

این اهداف رجعت، با رجعت مؤمنان ناب و کافران محض، حاصل می شود و به رجعت همه افراد بشر، نیازی نیست. البته، شیطان، بعد از اینکه به دست حضرت مهدی علیه السلام کشته شد،^(۱) با تمام یاران و همپالکی هایش از اول خلقت - که همان محض الکفر هستند - رجعت می کند و دوباره به دست پیامبر صلی الله علیه و آله کشته می شود و تمام یاران و دوستانش نابود می شوند.

دلالت آخرین روایت در این فصل، برآنچه ذکر شد، واضح است.

۹-۴: علت رجعت پیامبران و اولیاء و اشقیاء و کفار

آیات قرآن

- ۱ - ﴿ وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَنُتِمِّنُ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ ﴾^(۲)
- ۲ - ﴿ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا ﴾^(۳)

۱ - روایت شانزدهم از صل پنجم از باب سوم، نیز بر کشته شدن شیطان به دست قائم علیه السلام دلالت می نمود.

۲ - قصص : ۵ و ۶ - و ما اراده کرده ایم که بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنها را پیشوایان و وارثان زمین گردانیم و در زمین نیرومندشان گردانیم و به فرعون و هامان و لشکریان آنها، آنچه از آن می ترسیدند، از ناحیه آنان و به دست ایشان، بنمایانیم.

۳ - نور : ۵۵ - خداوند، مؤمنان شما را وعده داده است که به جانشینی در زمین بگمارد همان طور که دیگران را قبل از ایشان به جانشینی گماشت، و تا دین آنها را، که برای ایشان پسندیده است، قدرت دهد و ترسشان را به امنیت بدل کند.

روایات

۱ - فیض بن ابی شیبہ می گوید: امام صادق علیه السلام، در حالی که آیه ﴿وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ﴾^(۱) را تلاوت می کرد فرمود: «تا اینکه به پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان آورند و امیرالمؤمنین علیه السلام را یاری کنند.» [فیض می گوید: عرض کردم: «تا اینکه امیرالمؤمنین را یاری کنند؟»] ^(۲) امام علیه السلام فرمود: «آری به خدا قسم، از زمان آدم گرفته تا آخر، خداوند پیامبری را برنیا نگیخته مگر اینکه همه را به دنیا بر می گرداند تا تحت فرماندهی امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب علیه السلام با دشمنان، جنگ کنند.»^(۳)

۲ - جمیل بن درّاج می گوید: در خدمت امام صادق علیه السلام آیه ﴿إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ﴾^(۴) را تلاوت کردم امام علیه السلام فرمود: به خدا قسم، این به رجعت مربوط است...»^(۵)

۳ - جابر بن یزید در باره آیه ﴿يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ قُمْ فَأَنْذِرْ﴾^(۶) از امام باقر علیه السلام نقل می کند که فرمود: مقصود آیه، محمد صلی الله علیه و آله و قیام آن حضرت در هنگام رجعت است و مقصود از ﴿إِنَّهَا لَإِخْدَى الْكُبْرِ نَذِيرًا﴾^(۷) این است که محمد در هنگام رجعت، بیم دهنده بشر است.»^(۸)

۴ - سلام بن مستنیر از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: «اسمی بر خود نهادند، که خداوند، جز علی بن ابی طالب کسی را به این اسم ننماید و حقیقت آن هنوز روشن نشده است.» عرض کردم: «فدایت شوم! حقیقت آن چه موقع معلوم

۱ - آل عمران : ۸۱ - وقتی خدا از پیامبران پیمان گرفت.

۲ - آنچه بین علامت | | آمده، بر طبق تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۱، اضافه شده است.

۳ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۱، روایت ۹.

۴ - غافر (مؤمن) : ۵۱ - پیامبران و کسانی را که در دنیا ایمان آوردند یاری می کنیم، و روزی که شاهدان قیام کنند.

۵ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۵، روایت ۵۷.

۶ - مدثر : ۱ و ۲ - ای در لباس به خود پیچیده، برخیز و بیم ده.

۷ - مدثر : ۳۵ - ۳۶.

۸ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۲، روایت ۱۰.

می شود؟» امام علیه السلام فرمود: «وقتی موقع آن برسد، خداوند، پیامبران و مؤمنان را در رکابش گرد می آورد تا او را یاری کنند، و خدا فرموده است: ﴿وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ... أَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ﴾^(۱)»^(۲)

۵- سلیمان دیلمی از پدرش نقل می کند که گفت: «از امام صادق علیه السلام در مورد آیه ﴿وَجَعَلَكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا﴾^(۳) سؤال کردم، امام علیه السلام فرمود: پیامبران، رسول الله، ابراهیم، اسماعیل و فرزندان ایشان هستند و ملوک و پادشاهان، ما هستیم. عرض کردم: «کدام ملک و پادشاهی به شما داده شده است؟» فرمود: «ملک بهشت و ملک رجعت.»^(۴)

۶- عاصم بن حمید از امام باقر علیه السلام نقل می کند که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «خداوند تبارک و تعالی یکی و یگانه است و یگانگی خاص اوست ... خداوند از من و محمد صلی الله علیه و آله و سلم بر یاری یکدیگر، پیمان گرفته است، من محمد را یاری کردم، پیشاپیش آن حضرت جهاد کردم، دشمنش را کشتم و به عهد و پیمانی که خداوند بر یاری محمد صلی الله علیه و آله و سلم از من گرفته بود وفا کردم، و چون پیامبران را خداوند قبض روح فرموده بود، هیچکدام مرا یاری نکردند، اما به زودی یاریم خواهند کرد و آن وقتی است که در شرق و غرب عالم، خداوند تمام پیامبران نسل آدم تا محمد صلی الله علیه و آله و سلم را زنده کند تا پیشاپیش من، سرهای زندگان و مردگان جن و انس را با شمشیر قطع کنند...»^(۵)

۷- عبدالکریم بن عمرو خثعمی می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

۱- آل عمران: ۸۱- آن هنگام که خداوند در باره کتاب و حکمتی که به شما داده شد، از پیامبران پیمان گرفت ... من با شما از شاهدان خواهم بود.

۲- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۷۰، روایت ۶۷.

۳- مانده: ۲۰- شما را پیامبران و پادشاهان قرار داد. آیه شریفه این گونه است: ﴿وَجَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ﴾.

۴- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۵، روایت ۱۸.

۵- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۶، روایت ۲.

ابلیس گفت: ﴿أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ﴾^(۱) خداوند آن را ناخوش داشت و فرمود: ﴿إِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ﴾^(۲) و آن آخرین باری است که امیرالمؤمنین علیه السلام رجعت می کند. عرض کردم: «آن حضرت بیش از یک بار رجعت می کند؟» امام علیه السلام فرمود: «آری، بارها و بارها، هیچ امامی نیست که در زمانی آمده باشد، مگر اینکه نیکوکار و بدکار زمانش رجعت می کنند تا خدا مؤمنان را بر کافران مسلط کند...»^(۳)

۸- در دعای روز تولد امام حسین علیه السلام از ناحیه مقدسه حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه - آمده است: «... آقای خاندان، که در روز رجعت، با نصرت الهی یاری می شود و در برابر کشته شدنش، امامان از نسل او هستند و در تربتش شفای امراض قرار داده شده و در رجعت - عده ای - با او رستگار می شوند و جانشینان پیامبر، بعد از قائم و غیبتش، از خاندان اویند تا خونهای ناحق ریخته شده را طلب کنند و پروردگار جبار را خشنود سازند و بهترین یاوران - حق و امامان - باشند... اینک ما به قبر او پناهنده ایم، برخاکش حاضریم و رجعتش را انتظار می کشیم، آمین رب العالمین.»^(۴)

۹- در زیارت قائم علیه السلام آمده است: «اگر قبل از ظهور تو، مرگ مرا دریابد، با واسطه قرار دادن خودت، دست تو سَل به سوی خدا دراز می کنم و از او می خواهم که بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرستد و برای من، در ایام ظهورت رجعتی و در ایام - حکومت یا رجعت - رجعتی قرار دهد تا با اطاعت تو به مقصود برسم و با کشتن دشمنانت، دلم شفا یابد.»^(۵)

۱- اعراف: ۱۴ - مرا تا روز قیامت مهلت ده.

۲- اعراف: ۱۵ - به تو تا روز معین مهلت داده می شود.

۳- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۲، روایت ۱۲.

۴- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۹۴، روایت ۱۰۷.

۵- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۹۵، روایت ۱۰۹.

گفتار ما

از این دو آیه و روایات این فصل و روایات مشابه آنها چنین فهمیده می شود که پیامبران و ائمه علیهم السلام و پیروان آنها - که همان مؤمنان ناب هستند - رجعت می کنند تا از دشمنان زمان خودشان و از ستمکاران - که همان کافران محض هستند - انتقام بگیرند و باعث تسکین دلهایشان شده و خشمشان از مصیبت هایی که از ستمکاران دیده اند فرو نشینند.

اما راز اینکه امیرالمؤمنین علیه السلام، چندین بار، همراه پیامبران علیهم السلام رجعت می کند شاید به علت عظمت و مقام بلند امیرالمؤمنین، و نیز به این خاطر باشد که مظلومیت پیامبران و پیروانشان تا زمان علی علیه السلام، مقدمه و سبب مظلومیت آن حضرت بعد از رسول اکرم صلی الله علیه و آله باشد و به این علت، خدای سبحان، دفعات رجعت امیرالمؤمنین علیه السلام را زیاد می کند تا از هر کس که در مظلومیت پیامبران و مظلومیت امیرالمؤمنین علیه السلام و امامان معصوم علیهم السلام و پیروانشان شریک و دخیل بوده است انتقام بکشد. والله العالم.

یک نکته

از جمله « و اینکه در ایام ظهور، برایم رجعتی قرار دهد و در ایام - حکومت یا رجعت، رجعتی » فهمیده می شود که شیعه دو رجعت دارد، رجعتی در زمان ظهور آن حضرت و رجعتی در رجعت آن حضرت علیه السلام. و نیز از جمله « تا اینکه از اطاعت تو به مقصودم برسم » که در همان زیارت آمده است، علاوه بر علت رجعت، فهمیده می شود که در ایام فرج، مؤمنان رجعت کننده، به کمال انسانی، که هدف نهایی خلقت است می رسند و این جز همان فرج شخصی در ضمن فرج عمومی، که در فصل شانزدهم از باب اول به آن اشاره شده چیزی نیست.

۱۰ - ۴: چگونگی رجعت، ویژگی‌های رجعت‌کنندگان، رجعت خانواده رجعت‌کنندگان، رجعت زنان کافر و مؤمن و پایان رجعت

الف - چگونگی رجعت مؤمنان ناب و کافران خالص

روایات

۱ - عبدالکریم خثعمی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: وقتی زمان قیام قائم فرا رسد، در ماه جمادی الثانی و ده روز از رجب بارانی بر مردم می‌بارد که کسی نظیرش را ندیده باشد، آن گاه خداوند به وسیله آن باران، گوشت و بدن مؤمنین را از گورهایشان می‌رویاند و گویا آنها را می‌بینم که دارند از طرف جهنمه می‌آیند و خاک را از موهایشان می‌تکانند.^(۱)

۲ - در دعای عهد که از امام صادق علیه السلام نقل شده آمده است: «... خدایا! اگر مرگ حتمی بین من و او (مهدی) فاصله انداخت، مرا در حالی که کفن را لباس خود کرده، شمشیر برهنه و نیزه آماده در دست دارم از قبرم برانگیز تا در همه جا، دعوت او را لبیک گویم.»^(۲)

گفتار ما

با قبول اصل رجعت، پذیرفتن چگونگی و خصوصیات آن، مشکل نیست، زیرا همان‌طور که، قدرت خدا و اراده او را نسبت به اصل مسأله رجعت، انکار نمی‌کنیم،

۱ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۹۰، روایت ۹۴.

۲ - بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۱۱.

جایی برای انکار قدرت خدا نسبت به خصوصیات رجعت نیز وجود ندارد، و اگر قرار بر انکار و تعجب باشد، قبل از آن باید وقوع قیامت و خصوصیات آن - که از رجعت، به مراتب بزرگتر و مهمتر است - را انکار کرد و بعید دانست، در حالی که هیچ صاحب عقل سلیم و هیچکسی که به خدا و پیامبران معتقد باشد، آن را انکار نمی‌کند.

خلاصه آنکه هرکس قدرت خدا را قبول داشته باشد، جایی برای انکار رجعت و خصوصیات آن نمی‌یابد.

ب - رجعت خانواده‌های مؤمنان ناب و کافران خالص، و رجعت زنان کافران و مؤمنان ناب

روایات

۱ - جعفر بن فضیل می‌گوید: به محمد بن فرات گفتم: «اصبغ را دیده‌ای؟» گفت: «آری، او را همراه پدرم دیدم، پیری سپید مو و سپید محاسن و بلند قد بود. پدرم به او گفت: «از احادیثی که خودت از امیرالمؤمنین شنیده‌ای برایمان بگو» گفت: «از علی علیه السلام روی منبر شنیدم که فرمود: «من آقای سپید مویم و با ایوب شباهتی دارم و خدا، همان‌طور که اهل و خانواده ایوب را برایش جمع کرد برای من نیز جمع خواهد کرد.» می‌گوید: این حدیث را من و پدرم از اصبغ بن نباته شنیدیم و طولی نکشید که بعد از آن مرد - خدایش رحمت کند - ^(۱)

۲ - مسعدة بن صدقه از امام صادق علیه السلام از قول امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «من آقای پیرانم، و در من سنتی از ایوب جاری است، خداوند، همچنانکه برای یعقوب، اهلش را گرد آورد، برای من نیز اهل و خانواده‌ام را جمع می‌کند و آن

وقتی است که مدت‌ها بگذرد و شما بگویید: «مرد و از بین رفت...»^(۱)

۳- عبدالرحیم قصیر می‌گوید: امام باقر علیه السلام به من فرمود: «وقتی قائم ما قیام کند، حمیراء (عایشه) برگردانده می‌شود تا آن حضرت بر او حدّ جاری کند و انتقام فاطمه علیها السلام، دختر محمد را از او بگیرد.»^(۲)

گفتار ما

از غیر این روایات و روایت مفضل بن عمر و جابر جعفی^(۳) و روایات بازگشت مؤمنان ناب و کافران خالص،^(۴) چنین بر می‌آید که زنان و خانواده کافران و مؤمنان ناب به دنیا رجعت می‌کنند و هیچ بعید هم نیست. و خلاصه آنکه در روایات غیبت، ظهور و رجعت، وقایعی که اتفاق می‌افتد جز به اشاره ذکر نشده است و ما، غیر از آنچه ذکر کردیم، درباره زنان، همسران و کودکان، چیز دیگری نیافتیم و شاید ائمه علیهم السلام در این قضیه تعمدی داشته‌اند یا اینکه مطالبی فرموده‌اند ولی به دست ما نرسیده است. در هر حال خدا به اصل امور آگاه است.

ج- در پایان رجعت چه اتفاق می‌افتد؟

از حدیث مفضل بن عمر^(۵) بر می‌آید که پایان رجعت، قیامت، با همه اوصافی که خداوند در قرآن برایش ذکر کرده، می‌باشد.

۱- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۸۹، روایت ۹۱.

۲- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۹۰، روایت ۹۳.

۳- به فصل ۹ از باب ۳ روایت ۱۹ و ۲۰ مراجعه شود.

۴- به فصلهای قبلی باب چهارم مراجعه شود.

۵- به فصل بیست و یک از باب سوم، روایت سوم، مراجعه شود.

خاتمه کتاب

مدیثی از امیر المؤمنین علیه السلام، پاسخگوی مشکلات غیبت و رجعت

ترجمه متن روایت

عاصم بن حمید از امام باقر علیه السلام نقل می کند که امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: «خداوند تبارک و تعالی یکی و یگانه است و وحدانیت را مخصوص خود قرار داده است. آن گاه به کلمه ای تکلم فرموده، آن کلمه، نور گشته و از آن نور، محمد صلی الله علیه و آله و سلم و من و فرزندانم را آفرید. بعد از آن، کلمه ای ایجاد فرمود و آن کلمه، روح شد و خداوند آن روح را در آن نور مستقر کرد و آن را در بدنهای ما قرار داد، پس ما روح خدا و کلمات او هستیم و به وسیله ما بر مخلوقاتش حجت را تمام فرمود. پس ما پیوسته در قبه و سایه خضراء بودیم، آنجا که نه خورشیدی بود و نه ماهی و نه از شب خبر بود و نه از روز و نه چشمی بر آن افتاده بود. ما او را می پرستیدیم و تسبیح و تقدیس می کردیم و این قضیه، قبل از آفرینش مخلوقات و پیمان گرفتن از پیامبران به ایمان آوردن به ما و یاری ما بود که خدای عزّ و جلّ فرموده است: ﴿وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ، لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ﴾^(۱) یعنی تا اینکه

۱- آل عمران : ۸۱- آن هنگام که خداوند درباره کتاب و حکمتی که به شما داده شد، از پیامبران پیمان گرفت، آن گاه رسولی که به راستی کتاب و شریعت شما گواهی می داد به سوی شما آمد تا ایمان آورده ←

به محمد ایمان آورده و جانشینش را یاری کنید، و البته، به زودی همگی او را یاری خواهید کرد.

و خداوند از من و محمد صلی الله علیه و آله بر یاری یکدیگر، پیمان گرفته است؛ من محمد را یاری کردم، در رکاب آن حضرت جهاد کردم، دشمنش را کشتم و به عهد و پیمانی که خداوند بر یاری محمد صلی الله علیه و آله از من گرفته بود وفا کردم، و چون پیامبران را خداوند قبض روح فرموده بود، هیچکدام مرا یاری نکردند، اما به زودی یاریم خواهند کرد، و آن وقتی است که در شرق و غرب عالم، خداوند تمام پیامبران نسل آدم تا محمد صلی الله علیه و آله را زنده کند تا پیشاپیش من، سرهای زندگان و مرگان جن و انس را با شمشیر قطع کنند...

ای عجب! و چگونه عجیب نباشد که خداوند، مردگان را زنده می کند و گروه گروه با «لبیک لبیک یا داعی الله» گویان ندای پروردگار را اجابت می کنند، به کوچه و خیابانهای کوفه وارد می شوند در حالی که شمشیرهای آماده را بر دوش نهاده، با آنها گردن کفار، ستمگران و پیروان آنان را از اولین تا آخرین آنها قطع می نمایند تا اینکه وعده الهی محقق شود که فرمود: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَنُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا﴾^(۱)؛ یعنی با امنیت کامل مرا پرستند و از هیچیک از بندگان من نترسند و از هیچکدام تقیه نکنند.

و من بارها و بارها رجعت خواهم کرد و صاحب رجعتها و حمله ها و مصیبت بر کافران و دارای قدرتهای شگفت انگیز خواهم بود، من امیری آهنین، بنده خدا و برادر پیامبر صلی الله علیه و آله هستم.

من امین و خزانه دار و حافظ و پرده دار اسرار الهی، وجه الله، صراط خدا و میزان

→ و او را یاری کنید.

۱ - نور : ۵۵ - خداوند، مؤمنان شما را وعده داده است که به جانشینی در زمین بگمارد همان طور که دیگران را قبل از ایشان به جانشینی گماشت و تا دین آنها را، که برای ایشان پسندیده است قدرت دهد و ترسشان را به امنیت بدل کند تا بدون هیچ شائبه شرکی، فقط مرا پرستند.

او هستم. من گردآورنده مردم به سوی خدا و «کلمة الله» ی هستم که پراکنده ها به وسیله آن مجتمع می شوند و مجتمع شده ها از هم متفرق می گردند.

من اسماء حسناى خدا، نمونه های برتر او و آیات بزرگش هستم، من صاحب بهشت و دوزخم، بهشتیان را در بهشت و جهنمیان را در جهنم قرار می دهم خوشیهای بهشتیان و ناراحتی دوزخیان به دست من است،^(۱) و من آن بازگشتی هستم که هر چیزی بعد از پایان یافتن هستی اش به آن بر می گردد، حساب همه خلق با من است، بخششها به دست من است، من مؤذن و بانگ برآورنده بر اعراف، ظاهر کننده خورشید، من دابة الارض و تقسیم کننده آتش و نگهبان بهشتها و صاحب اعراف هستم.

من امیر مؤمنان، رئیس متقیان، نشانه و آیه برای پیشینیان، و زبان گویای گویندگان و آخرین جانشینان و وارث پیامبران، خلیفه پروردگار جهانیان، صراط مستقیم پروردگار و اردوگاه او در زمین هستم. من حجت خدا بر اهل آسمانها و زمین و موجودات بین آسمان و زمین هستم، من آن کسی هستم که خداوند در آغاز آفرینشتان به واسطه من بر شما حجت را تمام کرد، من گواه روز جزا هستم، من آن کسی هستم که دانش خوابها، اتفاقات و داوریهها را دارم، سخن حق و نسبهای صحیح مردم پیش من است و من نگهبان آیات و احکام الهی پیامبران و رسولانی هستم که در نزد مردم کوچک شمرده شده اند.

من صاحب عصا و آهن گداخته هستم و من آنم که ابرها و رعد و برق، تاریکی و روشنی، بادهای و کوهها و دریاها، و ستارگان و خورشید و ماه در اختیار من است. من امیر پولادین، جداگر حق و باطل از هم در میان امت، و هدایت کننده مردم هستم. من کسی هستم که با دانشی که پروردگار در سینه ام نهاده است و با رازی که در دل محمد ﷺ نهاده و پیامبر در دل من قرار داده است، عدد هر چیزی را می دانم و من

۱- در متن روایت «تَرْوِیجُ أَهْلِ الْجَنَّةِ» آمده است، لکن به نظر می رسد «تَرْوِیجُ أَهْلِ الْجَنَّةِ» مناسبتر باشد.

آنم که پروردگارم اسم و کلمه و حکمت و دانش و فهمش را به من عنایت کرده است.

ای جمعیت مردم! قبل از آنکه مرا نیابید، هرچه می خواهید از من بپرسید، خدایا من تو را گواه می گیرم و در برابر آنها از تو یاری می جویم، **وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ** و حمد و سپاس می گویم خدا را در حالی که امر و فرمانش را تابعم و اطاعت می کنم.^(۱)

گفتار ما

در باره این روایت و روایتهای دیگری که از زبان امامان معصوم علیهم السلام به ما رسیده است یک نکته لازم به یادآوری است و آن این است که وقتی معصوم علیه السلام سخنی را آغاز می فرماید، در همان آغاز می داند و توجه دارد که در پایان کلام چه خواهد فرمود و نیز در حین سخن گفتن، اوضاع و احوال شنوندگان یا کسانی را که در آینده، آن کلام به آنها خواهد رسید در نظر می گیرد و گاه مصلحت را در آن می بیند که کلام را به گونه ای رها کند تا مورد انکار منکران قرار نگیرد. بعد از ذکر این نکته، اینک می گوئیم:

امام علی بن ابی طالب علیه السلام در این روایت، ابتدا به توحید خدای تعالی و یگانگی آن ذات مقدس پرداخته، سپس خلقت نوری خودش قبل از پیامبران علیهم السلام را مطرح کرده، آن گاه فضیلتها و مقام بلند خود را عنوان می فرماید و با این همه، تأکید می کند که او بنده خدا و برادر رسول الله صلی الله علیه و آله است، سپس حول و قوه را منحصر به خدا دانسته، او را حمد و ستایش می کند و خود را تابع امر پروردگار معرفی می نماید و تمام این مقدمه چینیها و مطالب برای این است که بیان کند که اگر کار خارق عادت انجام می دهد یا چندین بار رجعت می کند همه به اذن پروردگار و قدرت اوست و همچنان که نمی توان قدرت خدا را انکار کرد، هرکاری هم که به اذن خدا انجام گیرد

قابل انکار نیست.

روشن است که اینکه، آن حضرت، کمالات و فضیلت‌هایی را در این روایات برای خود مطرح می‌فرماید به این معنی نیست که پیامبر ﷺ و امامان دیگر علیهم‌السلام دارای این کمالات نیستند، بلکه منظور این است که علی علیهم‌السلام مأمور اجرا و به ظهور رساندن این کمالات است و این یک ویژگی است که خداوند به آن حضرت اختصاص داده است. و خداوند سبحان اراده فرموده است که آن حضرت، با همه پیامبران و امت‌های گذشته، رجعت کند و به اذن و اراده خدا از ستمکاران اول و آخر عالم انتقام بگیرد، و در عین حال خدای سبحان فعال مایشاء است و سر رشته همه کارها، یکسره به دست اوست، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

آنچه از آیه‌ها و روایت‌های مربوط به غیبت و ظهور و رجعت که در نظر بود ذکر شود، آورده شد و در هر فصلی، توضیح مختصری در باره آنها بیان شد. امید است این تلاش ناچیز مورد قبول حضرت حجت - عجل الله تعالی فرجه - قرار گیرد و خداوند، آن را برای خوانندگان و کسانی که اهل دقت و توجه هستند، مفید قرار دهد.

از خوانندگان ارجمند، انتظار می‌رود که به دیده عفو و اغماض بنگرند و این نویسنده و پدر و مادرم را از دعا و طلب مغفرت و رحمت فراموش نفرمایند.

هُوَ الْغَفُورُ